

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع التواريخ

(تاریخ آفرنج، پایان و قیصره)

تألیف

رشیدالدین فضل اللہ ہمدانی

تصحیح و تحشیہ

محمد روشن

رشیدالدین فضل الله، ۹۶۴۸ - ۷۱۸ ق

جامع التواریخ: تاریخ افرنج، پاپان و قیاصره / رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، -تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۴.
چهل، ۱۹۷ ص: نمونه - (میراث مکتوب؛ ۱۲۴: تاریخ و جغرافیا؛ ۲۰)

ISBN 964-8700-03-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

ص.ع. لاتینی شده:

نمایه.

۱. اروپا - تاریخ - متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۲. پاپها - سرگذشتنامه - متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۳. اسپراتوران - روم - سرگذشتنامه - متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۴. نثر فارسی - قرن ۷ ق. الف. روشن، محمد، ۱۳۱۲ - ، مصحح و حاشیه نویسی. ب. عنوان. ج. عنوان: افرنج، پاپان و قیاصره. ۲ ج ۵ / ر ۱۷ / D ۹۴۰ / ۱
کتابخانه ملی ایران
۵۶۵۲ - ۸۴ م



جامع التواریخ

تاریخ افرنج، پاپان و قیاصره

رشیدالدین فضل الله همدانی

با تصحیح و تحشیه: محمد روشن

ناشر: میراث مکتوب

حروفچین و صفحه آرا: سیما اداره چی

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴ - ۸۷۰۰ - ۰۳ - ۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: رویداد

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۳ - ۶۴۹۰۶۱۲ - ۳ دورنگار: ۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.com

<http://www.MirasMaktoob.com>



دریابی از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موجود می‌نماید. این نسخه ها، در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامه ما ایرانیان است. بر عهده هر نسلی است که این میراث پرجا را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به حیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایمه کوششی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین و آنجا انجام گرفته و صد ها کتاب رساله ارزشمند آثار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تصحیح و تجدید نیاز دارد.

احیاناً در کتابها و رساله های خطی و خطی و خطی است بر روش محققان و مؤسسات فرسپیکه. مرکز نشر میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۴ بنیاد نهاد شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سببی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون مساجد تحقیق بر جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

مرکز نشر میراث مکتوب

به
دکتر محمد دبیر سیاقي

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	ٲه
مدخل.....	نوزده
آوانگاری.....	سی و ٲه
فهرست مندرجات متن تاریخ افرنج.....	ٲ
تاریخ افرنج.....	ٲٲ - ٲ٧
بررسی نسخه‌بدهای تاریخ افرنج.....	ٲ٣
واژه‌نامه.....	ٲ٩
فهرست نامهای کسان و شهرها و ...	ٲ٨
فهرست آیه و عبارتهای عربی.....	ٲ٧

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

تاریخ افرنج از جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله بخشی دیگر از تاریخ عالم اوست.

در این بخش سخن از سرگذشت پایان و قیصران به میان می‌آید، و «مدّت ملک هر یک از ایشان».

نخست «قسم اول» از «ظهور آدم علیه السّلام» آغاز می‌شود تا زمان «ولادت مسیح علیه السّلام» و آن‌گاه در «قسم دوم» از «مبدأ ولادت مسیح علیه السّلام الی یومنا هذا که سنهٔ خمس و سبعمایه هجری است» گفتگو می‌شود، و از این برمی‌آید که نگارش تاریخ افرنج به سال ۷۰۵ هجری قمری پایان یافته است.

در «قسم دوم»، «باب اول در معتقد اقوم نصاری در حقّ مسیح علیه السّلام» است، و «باب دوم در بیان حدود ولایت ارمن از مداین و ضیاع» و «باب سیم در معرفت ولایات افرنج و بحار و جزایر و بیان خواصّ هر زمینی و ذکر پادشاهان آنجا» و «باب چهارم در ولادت مسیح علیه السّلام و حکایت حادثهٔ او و ذکر اجلاس پایان و قیصره که پادشاهان افرنج‌اند».

نکته شایان یاد آن است که در تصویرگری این بخش از تاریخ عالم افزون بر هنر نقاشی که در آثار رشیدالدین فضل‌الله بکمال مطرح است، و نامدارترین نقاشان عصری به کار گرفته می‌شوند، تصویرگری در راستای توضیح و تبیین مفاهیم اثر به کار گرفته می‌شود. هنرشناسان بزرگی در بررسی و تفسیر نقاشیهای جامع التواریخ کوشیده‌اند و آثاری ارجمند به جای نهاده‌اند، و چون بدین بخش رسیده‌اند، همگان اذعان داشته‌اند که در تاریخ افزونج هنرمندان نگارگر با شیوه ویژه تصویرگری ابتکار و ابداعی نو کرده‌اند تا خوانندگان اثر بدرستی و همزمان، روزگار و زندگی پایان را رو باروی روزگار قیصری که به حکمرانی می‌پرداخته است به گونه‌ای دیداری، تاریخ را در ذهن خود مجسم سازند. اینک دو اثر برگزیده را در این باره یاد می‌کنم.

The Illustrations To The 'World History' of Rashīd al-Dīn. by David Talbot Rice.

Edited by Basil Gray. Edinburgh. University Press. 1976

و

A Compendium of Chronicles. the Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art.

Volume XXVII

General Editor Julian Raby. the Nour Foundation in association With Azimuth

Editions and Oxford University Press. 1995

از این است که از ناشر گرامی درخواستم که تصاویر این بخش را برای بهره‌یابی خوانندگان ارجمند به چاپ رسانند.

و شگفتی در این است که این شیوه نگارگری همچون سنتی شایسته پاسداری، تا سده ۱۲ هـ، ق تداوم داشته است، چنانکه در دو نسخه خطی محفوظ در کتابخانه سلطنتی که هر دو به قطع رحلی بزرگ است - ۴۹/۳×۳۲ - و مورخ ۱۰۷۴ هـ این گونه نقاشی به دیده می‌آید. گفتنی است که از دو نسخه مصور یاد شده، نسخه‌ای با شیوه نقاشی ایرانی تصویر شده است، و آن دیگر

به شیوه نقاشی هندی.



تاریخ افرنج از جامع التواریخ برخلاف دیگر متنهای نگاشته شده از تاریخ عالم، چون تاریخ چین و تاریخ هند فاقد مقدمه‌ای است که گویای نام همکاری باشد که در نگارش بخش «پایان و قیصران» با رشیدالدین همراهی کرده باشد.

دانشمند نامدار کارل یان که بیش از پنجاه سال در کار آرایش و ویرایش جامع التواریخ بذل مساعی کرد و بخشهای پنجگانه تاریخ عالم را به زبان آلمانی ترجمه کرد، به سال ۱۹۵۱، متن تاریخ فرنگ را با مقدمه‌ای به زبان فرانسوی منتشر ساخت.

در این مقدمه عالمانه، پروفیسور یان سرچشمه اثر را یعنی نگارنده تاریخ پایان و قیصره را به گونه‌ای دقیق بازساخت و بازشناساند. منبع اقتباس رشیدالدین فضل‌الله در تحریر تاریخ افرنج اثری است از مارتینوس اوپاوینیسیس . Martinus Oppaviensis .

مأسوف علیه کارل یان در این باب می‌نویسد:

«... در آن زمان به این کتاب تا حدی مانند نوعی تاریخ رسمی پایان و قیصره می‌نگریسته‌اند. چون که مؤلف آن دیرزمانی در دربار پاپ دارای مقامی شامخ و بلند بوده است. با توجه به این تفصیل، این حدس نزد من به وجود آمد که شاید رشیدالدین از این کتاب استفاده کرده باشد، و خوشبختانه پس از رسیدگی معلوم شد که این تصوّر باطل نبوده است. اکنون به عقیده من قسمت اعظم تاریخ فرنگ رشیدالدین اقتباسی است به صورت اختصار از کتاب مارتینوس اوپاوینیسیس».

— مقدمه تاریخ فرنگ. ترجمه دکتر منوچهر امیرمکری —

از این رو من بهتر آن دانستم مقدمه کارل یان را به ترجمه شادروان دکتر

منوچهر امیرمکری به اذن آقای دکتر دبیرسیاقی استاد ارجمند و ارسته که خود به سال ۱۳۳۹ «تاریخ افرنج یا فصلی از جامع التواریخ، شامل باب سوم از قسم دوم از تاریخ افرنج در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن و باب چهارم در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه او و ذکر پایان و قیصره که پادشاهان افرنج اند» را در انتشارات فروغی به چاپ رسانیده بودند، برگیرم و به متن تاریخ افرنج درافزایم تا فایده آن فراگیر شود.

شناخت نسخه‌ها

نسخه 1654 طویقوسرای به خط نسخ.

در بخش پایانی نسخه آمده است:

«تمام شد کتابت کتاب جامع التواریخ به یاری باری تعالی آن را بر صاحبش مبارک و میمون گرداناد و فواید آن به کافه مسلمین و مسلمات عاید باد. و اتفق الفراغ من التحرير بعون الله و حسن التیسیر فی ثالث شهر جمادی الاولی سنه سبع عشر و سبعمایه غفرالله لکاتبه و لجمیع المسلمین. جمع اوراق جامع الحکایات (بر روی «الحکایات» خط کشیده‌اند و در زیر آن نوشته‌اند، التواریخ) بعدد سه صد هفتاد پنجست. والله اعلم.»

این نسخه را به نشانه «ا» باز می‌شناسیم.

✱

ویژگیهای کتابت نسخه اساس «ا»:

— «پ» را بیشتر جایها به سه نقطه می‌نویسد و گاه بی نقطه، و بسیار کم با

یک نقطه:

پادشاهی 309v ؛ پادشاهان 296r ؛ پانزده روز 300v ؛ چندپاره 297v ؛

پسری 296v.

— «چ» را به جیم یک نقطه می‌نویسد:

جون 297v ؛ چهارماه 299v ؛ چندپاره 297v ؛ جهل سال 296v ؛
- «د» معجمه را همواره با نقطه می نویسد به جای خود:
براذران 300r ؛ بدان 309v ؛ داژند 301v ؛ فرمود 301v.
- «گ» را به یک سرکش می نویسد:
جنگها 305v ؛ انکاه 296v ؛ بزرک 296r ؛ فرسنگ 298r ؛ برک درخت
296r ؛ جنانک: 296v .

نسخه 1653 طویقپوسرای، به خط نسخ. در ترقیمه آن چنین نگاشته شده:
«تمام شد تاریخ اسمعیلیه و نزاریه از مصنفات مخدوم اعظم اعدل سلطان
الوزرا فی العالم رشیدالحق و الدنیا و الدین عمادالاسلام و المسلمین اعزّ الله
انصار دولته به یاری باری عزّ اسمه فی اواخر جمادی الاخر سنه اربع عشره و
سبعمایه بخط العبد المسکانی الحافظ و الحمد لولیّه والصلوة والسّلام علی
نبیّه محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین اجمعین».
این نسخه را به نشانه «تو» باز می شناسیم، و در آن ویژگیهای نگارشهای
کهن دیده می شود، و از نظر اعتبار در نسخه های مورد استفاده، پایه دوم دارد.

ویژگیهای نسخه «تو»:

- همه جا «پ» را «ب» می نویسد و گاه بی نقطه:
بسر 420r ؛ بادشاه 419r ؛ باب (=پاپ) 418r ؛ بانزده سال 416v ؛
چندباره 415v .
- نگارش «چ» به یک نقطه می آید:
چندباره 415v ؛ جنان 416r ؛ جهل و دو سال 416r ؛ چهارده سال 416r ؛
چنانکه 415r .
- دال و ذال را یکسان می نویسد:

دارد 420r ؛ بودند 420r ؛ خیزد 415r ؛ آمده 414r.

.. املای ک و گ را یکسان می آورد:

کویند 414r ؛ دیگر 414r ؛ فرسنگ 414v ؛ بزرک 414v ؛ کشاده 418v.

نسخه تواریخ العالم به شماره 2935 کتابخانه احمد ثالث.

در برگ عنوان این نسخه آمده است: «احمد بن محمد بن محمد البخاری

قدس سرّه هذا کتاب تواریخ العالم من تألیف استاد العلامه».

میکروفیلم این نسخه ارزشمند یادگار استاد ارجمند کتابشناس فقید

پروفسور صادق عدنان ارزی است که به من اهدا فرمود. آن را به کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران هدیه کردم و عکسی از آن فراهم ساختم، ولی اینک در

آن کتابخانه با اعتبار اثری از آن نمی یابم! نشانه این نسخه «تا» است

گفتنی های لازم را در پیشگفتار تاریخ هند گفتم. نسخه ای مضبوط است،

ولی در بخش تاریخ فرنگ از اتقان ضرور بی بهره است، دیگر بخشهای آن:

تاریخ خوارزمشاهیان، تاریخ چین، تاریخ اغوز و... نسخه ای متقن و دلپذیر

است.

در پایان تاریخ هند - برگ 143a - کاتب نگاشته است:

«تمام شد کتاب تواریخ به یاری باری عزّ شانه و علی الحقیقه مثل این

تاریخ که شامل بود بر همگی احوال عالم و جملگی سرگذشت بنی آدم هرگز

اتفاق نیفتاده است، مصنف را در این باب سعیی مشکور و سببی میان خلق

مذکور حاصل آمد. والحمد لله ربّ العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و

آله اجمعین».

پس از این برگ، نگاشته ای به خط ناخوش آمده است: 143b، که متن آن را

در پیشگفتار تاریخ هند برگ بیست و چهار آورده ام، و نیازی به تکرار آن

نمی بینم:

ویژگیهای نسخه «تا»:

-. «پ» را همچون «ب» می نویسد:
بُرسید 102a ؛ بُسر 102b ؛ (و چند جای دیگر به اعراب تمام)؛ باره 103b ؛
105a ؛ بدر 103b ؛ بادشاهی 104b ؛ بیش 106a.
-. «چ» را همواره به یک نقطه همچون «ج» می آورد:
چهل باره 103b ؛ جند سال 104b ؛ جنانک - که گویای نانوشتن «ه» نیز
هست. - جون 105b ؛ جنان 105b ؛ چهارده سال 106a.
-. نگاشتن دال و ذال معجمه را رعایت می کند، و گاه نامرعی می گذارد:
بذر 103b ؛ کردانید 107a ؛ بود 104b ، 107a و... بود 108a.
-. ک و گ را یکسان می نویسد به گونه کاف:
یکدیگر 105a ؛ فرسنگ 105b ؛ گذشته بود 106a ؛ آنکاه 107b.

نسخه سلیمانیه، داماد ابراهیم پاشا، نگاشته ۸۸۵ ه است به خط نستعلیق
درویش محمد طاقانی. از این نسخه به نشانه «سل» یاد می کنیم:

ویژگیهای نسخه «سل»:

-. «پ» را به یک نقطه می نویسد، و گاه به سه نقطه، و گاه نیز بی نقطه:
بسر 676b ؛ پابی کرد 676b ؛ پدر، پرسید 671b ؛ پادشاه 677a ؛ اسپ (به
سه نقطه در این بخش هم دیده شده است) 674a.
-. «چ» را با یک نقطه و همچون «ج» می نویسد، و گاه به سه نقطه:
چهارم 670a، در همین برگ نگارش «چهارم» به سه نقطه نیز دیده می شود؛
جنان 670a ؛ جون 670a ؛ چشمها 677a ؛ چنکیزخان 671a.
-. «د» و «ذ» را یکسان می نگارد:
بود 671b ؛ نهاد 671b ؛ خود 677a ؛ هفتاد 671b.

ـ «س» را در بسیار جایها با سه نقطه زیر «س» می آورد:

بیاره 671b ؛ دست 671b ؛ رسد 676a ؛ بیست 677a.

ـ «گ» را «ک» می نویسد:

کرفت 671b ؛ مرتفع کشت 671b ؛ کویند 671b ؛ آب کرم 674a ؛ فرنکان

671a ؛ انکور 671a.

ـ «باب مندو» تصحیف «ماپ موندو» است: به معنی نقشه جهان!



در این بخش تاریخ افرنج و شرح زندگانی پاپان و قیصره کوششی به کار داشتم. نخست بر مبنای دو نسخه اساس «ا» و نسخه «تو» متن را استنساخ کردم و به تصحیح آن پرداختم. از ترجمه آلمانی دانشمند مأسوف علیه کارلیان برای شناخت و بازخوانی نامها بر پایه آوانگاری آن فقید بهره فراوان برگرفتم؛ به دو دایرةالمعارف ایتالیایی آبای کلیسا به یاری دختر و دامادم مراجعه کردم و جدولهایی از سالهای زندگانی پاپان مدون ساختم که به جای خود عرضه می شود؛ سپس نسخه مضبوط تواریخ العالم را، که خوشبختانه بازش یافته؛ و نیز نسخه سلیمانیه - داماد ابراهیم پاشا - را از آغاز تا پایان با متن دوباره سنجیدم و دگرسانیهای نسخه بدلها را بر شرح نسخه بدلها درافزودم. تاریخ فرنگ نیز همچون تاریخ اقوام اغوز فاقد ترجمه تازی است.



بایسته می دانم از جناب آقای اکبر ایرانی مدیرعامل نشر میراث مکتوب و همکاران گرامی ایشان که از یاوریهای ضروری دریغ نوزیدند سپاسگزاری کنم.

از همسر شکوه بانو اداره چپ گیلانی که در کار بازخوانی متن و بازبینی نمونه های چاپی - که همواره موجب دغدغه خاطر است - اهتمامی به کار داشتند، و نیز از خانم سیما اداره چپ گیلانی در کار حروفچینی امتنان دارم.

سپاسگزاری از خوانندگان دانشور گرامی که اهتمام کمترین را به دیده عنایت می‌نگرند و نارساییهای کار را باز می‌گویند و می‌نویسند فریضه است.

والحمد لله اَوَّلًا وَاخِرًا.

محمد روشن. تهران. نیمه اردیبهشت ماه ۱۳۸۴

نگاشته کارل یان

ترجمه دکتر منوچهر امیر مگری

مدخل

در هیچ یک از ادوار تاریخی گذشته، حتی در دوران امپراطوری روم، شرایط و اوضاع برای تألیف و تصنیف کتب درباره تاریخ عالم مانند نخستین قرن بعد از تأسیس امپراطوری اوراسیائی^۱ مغول به دست چنگیزخان مساعد نبوده و در هیچ کدام از ممالک این امپراطوری عظیم این کار به قدر ایران امکان موفقیت نداشته است.

فتوحات مغول با اینکه باعث تلفات جانی عظیم و نابودی بسیاری از آثار گرانبهای فرهنگی گردید، نتایج مثبتی نیز در بر داشت و یکی از مثبت ترین سودمندترین نتایج آن این بود که افق دید بشر تا نقطه ای که تا آن زمان بی سابقه و بی مانند بود وسعت یافت.

بر اثر این فتوحات پرده اسراری که در گذشته ممالک آسیای مرکزی و آسیای شرقی را پوشانیده بود برداشته شد، و بین این ممالک و ممالک آسیای غربی و اروپا روابط و تماسهای نزدیک و دامنه داری برقرار گردید و

۱. فرانسه Eurasie (آلمانی Eurasien) در اصطلاح جغرافیا نام دو قاره اروپا و آسیا می باشد وقتی که این دو را به عنوان یک واحد جغرافیایی در نظر گیرند، و در فارسی می توان آن را به قیاس اوراسیا گفت.

بدین سان وجود قاره اوراسیا با کلیه تنوع و تفاوت‌های فراوانی که بین ممالک آن وجود داشت، برای نخستین بار به صورت حقیقتی آشکار در برابر نوع بشر نمایان گردید.

ایران و چین دو تکیه‌گاه حقیقی امپراطوری مغول را تشکیل می‌داد، ولی ایران به علت موقعیت جغرافیایی مرکزی خاص خود به مراتب پیش از چین چهار راه منافع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی گردید، و ایفای نقش بسیار مهمی را به عنوان واسطه بین شرق و غرب به عهده گرفت.

پس با توجه به این مقدمه عجب نیست که بخصوص در این سرزمین در آغاز قرن ۱۴ میلادی برای نخستین بار اولین مجاهدت را برای تصنیف کتبی درباره تاریخ عالم به عمل آوردند.

در اینجا باید در حقیقت از یگانه کوشش در این راه، یعنی از کار بزرگ رشیدالدین سخن گفت، زیرا کتاب بناکتی^۱ که چندی بعد به تقلید از رشیدالدین تألیف شده، در حقیقت اقتباسی است با تغییراتی مختصر از همان اثر عظیم و بی همتا!

۱. برون - تاریخ ادبی ایران، ج ۳ - کامبریج ۱۹۲۴ ص ۱۰۱ و ما بعد - بارتولد - ترکستان تا حمله مغول (انتشارات گیب ۱۹۲۸) ص ۴۹، و نیز مقاله وی درباره بناکتی در دایرةالمعارف اسلام. بارتولد در هر دو جا تصریح می‌کند که کتاب روضةالالباب فی تاریخ الاکابر و الانساب که معروف به تاریخ بناکتی است، اگر از برخی تغییرات مختصر چشم‌پوشیم در حقیقت رونوشتی است از تاریخ عالم رشیدالدین - این جانب نیز پس از مقایسه قسمت مربوط به تاریخ افرنج در این دو کتاب ناگزیر تصدیق می‌کنم که در کتاب بناکتی چیز دیگری جز مطالب کتاب رشیدالدین وجود ندارد منتهی آن را به طرز دیگری ترتیب و کمی تغییر داده‌اند. آنچه که برآستی تازگی دارد فقط ترتیب پاپها و امپراطوران است اما شرح وقایع کاملاً مطابق با کتاب رشیدالدین است. گواه دیگری بر صحت گفته ما اینکه هر دو کتاب با ذکر فرمانروایی پاپ بنظکطوس (بنوای یازدهم ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴) و قیصر ادالبرطوس (آلبرت اول ۱۲۹۸ - ۱۳۰۸) پایان می‌یابد، ولی بناکتی در کتاب خود برای اینکه چنین وانمود کند که اخبار عصر خود را نیز نقل کرده است مدعی شده که این دو تن در زمان تألیف کتاب او (۷۱۷ هـ مطابق ۱۳۱۷ م) هنوز فرمانروایی داشته‌اند. رجوع کنید به مطالبی که D'ohsson از بناکتی در ص ۲۶۲ و مابعد کتاب خود موسوم به Des Peuples du Caucase, Paris 1828 آورده است.

رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر متوفی به سال ۷۱۸ هجری (۱۳۱۸ میلادی) سیاستمدار و مورخ بزرگ ایران در عصر مغول نخستین مجلد تاریخ عظیم خود موسوم به جامع التواریخ را در دست اتمام داشت که غازان خان بنیان‌گذار این تصنیف ناگهان در عنفوان جوانی درگذشت.

ایلخان مغول غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ هجری = ۱۲۹۵-۱۳۰۴ میلادی) که علاوه بر شهرتش در مملکتداری و سالاری سپاه بخصوص از حیث علاقه به آبادانی و اصلاحات در میان سلاطین مغول ایران بنام است، صدراعظم خود رشیدالدین را مأمور و مسئول نوشتن تاریخ مفصل و مشروحه درباره ترکان و مغولان ساخته بود، و شخصاً با علاقه فراوانی که به تاریخ داشت، و با معلومات تاریخی وسیع و تجربیات خویش بزرگترین محرک و مشوق وزیر خود در انجام این مهم گردید.

منابع معتبر و نادری که در اختیار دولت امپراطوری مغول بود، و از آن جمله دستگاه ضبط ملّی مغولان که مهمترین آنها التان دبتر (یعنی تاریخ رسمی مغول) بوده است، همراه با روایات شفاهی فراوان مشروحه که قسمت اعظم آن را شخص غازان‌خان و امیر پولاد چینگ سانگ نماینده خان اعظم در دربار تبریز برای رشیدالدین دانشمند ایرانی نقل می‌کردند، وی را موفق به تألیف کتابی ساخت متکی بر اسناد معتبر و در نوع خود بی‌نظیر.

هنگامی که رشیدالدین کمی بعد از مرگ غازان‌خان (۱۳۰۴ م) کتاب تاریخ ترکان و مغولان را به پایان رسانید، به فرمان الجایتو (۷۰۳-۷۱۶ هجری = ۱۳۰۵-۱۳۱۶ م میلادی) برادر و جانشین غازان و برای قدردانی از سهمی که غازان‌خان در تألیف این کتاب داشته است، بدان تاریخ غازانی نام نهادند.

در همان زمان الجایتو‌خان، رشیدالدین را مأموریت علمی جدیدی داد که از مأموریت قبلی او آسان‌تر نبود، بدین معنی که وی را به تألیف تاریخ کلیه

اقوام و مللی برگماشت که مغولان در طی لشکرکشیهای خود با آنان سر و کار داشته‌اند.

خلاصه رشیدالدین به فرمان خان مغول مأمور تألیف تاریخ عالم گردید.^۱ این اثر که مجلد دوم جامع التواریخ را تشکیل می‌دهد و در حدود سال ۷۱۰ هجری (۱۳۱۱ - ۱۳۱۰ میلادی)^۲ تألیف آن به پایان رسید، یکی از آخرین شاهکارهای تاریخ‌نویسی اسلامی بخصوص ایرانی در پایان قرون وسطی می‌باشد. از این گذشته می‌بایست برای این کتاب در نوع خود بین کلیه کتب تاریخی به طور اعم اهمیت خاصی قایل بود، و هرچند تاکنون خاورشناسان به حد کافی به اهمیت آن پی برده‌اند^۳، ولی دیگر دانشمندان را چنانکه باید و شاید از آن اطلاعی نیست؛ و نیز باید در نظر داشت که این تألیف اولین کتابی است درباره تاریخ عالم که ما از وجود آن اطلاع داریم که در آن برای نخستین بار با شیوه‌ای صحیح و متین تاریخ کلیه ملل بزرگ قاره اوراسیا از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس تدوین و گردآوری شده است.

تاریخ عالم رشیدالدین به دو بخش بزرگ تقسیم می‌شود که مشتمل بر چهار فصل است: بخش اول گذشته از دیباچه‌ای در شرح حال حضرت آدم و انبیاء بنی اسرائیل، در تاریخ پادشاهان ایران قبل از اسلام است، و بخش دوم

۱. رک: مقدمه کاترمر Quatremère بر چاپ پاریس. رشیدالدین زیر عنوان تاریخ مغولان ایران Histoire des Mongoles de la Perse ج ۱ - ۱۸۳۶ - بلوشه Blochet مقدمه تاریخ مغول رشیدالدین فضل‌الله، چاپ لیدن - لندن ۱۹۱۰ - برون، تاریخ ادبی ایران، ج ۳، ص ۶۸، و مابعد بخصوص ص ۷۲ و مابعد - بارتولد، ترکستان، ص ۴۴ و مابعد - همین نویسنده در Mir Islama I (۱۹۱۲) ص ۵۶ و مابعد، برتلس Berthels در دایرةالمعارف اسلام درباره چاپهای مختلفی که تاکنون از کتب رشیدالدین انتشار یافته است، و نیز رجوع کنید به مطالبی که من «یعنی کارل یان» در مقدمه خود بر کتاب تاریخ غازان‌خان (گیب ۱۹۴۰) و تاریخ ایلخانان از اباقا تا گیخاتو (پراگ، ۱۹۴۱) نوشته‌ام.

۲. رک: استوری - ادبیات ایران ۱۹۳۵، London 1935، II, I, 72. C. A. Storey، Persian Literature،
 ۳. رک: کاترمر، همان کتاب قبلی بخصوص ص LXXIV؛ و بارتولد ترکستان؛ ص ۴۶؛ و برون تاریخ ادبیات، ج ۳، ص ۷۵ - ۷۴.

مشمول است بر تاریخ حضرت محمد (ص) و احوال خلفای اسلامی تا انقراض آنها به دست مغولان (۶۵۶ هجری = ۱۲۹۸ میلادی)، و سپس تاریخ سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام و تاریخ غزان (اغوزها) و ابناء آنان و تاریخ تراک و چین و یهود و فرنگ و هند.

بنابراین در بخش دوم این مجلد است که رشیدالدین گام بزرگی در فن تاریخ نویسی برداشته، و نخستین مورخ در محیط کم و بیش محدود خود بوده است که به نوشتن تاریخ عالم پرداخته است.

در اینجا یعنی در کتاب حاضر به معرفی قسمت مربوط به تاریخ مغرب زمین تحت عنوان «تاریخ افرنج و ذکر پایان و قیصره که پادشاهان افرنج‌اند» مبادرت می‌گردد^۱.

این بخش مشتمل است بر دو قسم که هر یک دارای چهار باب می‌باشد. عنوان قسم اول «از حضرت آدم» تا «ولادت مسیح علیه السلام»، و بابهای آن به قرار ذیل است:

باب اول - در تعداد سلسله‌های سلاطین کلیه اقوام و ملل.

باب دوم - اندر آفرینش آدم و فرزندانش و طول عمر هر یک از آنان.

باب سوم - در احوال نوح و فرزندانش و مدت زندگانی هر یک.

باب چهارم - از ولادت حضرت ابراهیم و زندگانی اعقابش تا Joachim و

دختر او مریم، مادر عیسی مسیح.

موضوع قسم دوم بیان تاریخ فرنگ از ولادت مسیح تا زمان مؤلف، یعنی

سال ۷۰۵ هجری است که بابهای آن بدین قرار است:

باب اول - در ایمان اقوام عیسوی به حضرت مسیح.

۱. تاریخ چین رشیدالدین توسط پروفیسور کاهله Kahle در اکسفورد برای چاپ در ردیف سلسله انتشارات آکادمی علوم برلین آماده‌گردیده است و با این کار مرا از انجام آن بی‌نیاز فرموده‌اند، و فقط چاپ تاریخ هند باقی می‌ماند که در دست تصحیح است.

باب دوم - در ثغور ولایت ارمنستان و بلاد و اماکن آن.
باب سوم - در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن.
باب چهارم - در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه او و ذکر پایان
و قیصره که پادشاه افرنج اند.

از آنجا که در این قسم از تاریخ افرنج فقط باب سوم و چهارم دارای مناظر
جدید و تازه‌ای می‌باشد، و دو باب قبل از آن جز تکرار نظرات مذهبی و
تاریخی معروف مطلب دیگری در بر ندارد، لذا فقط به چاپ باب سوم و
چهارم از قسم دوم تاریخ افرنج بسنده کردیم. و اما باب مربوط به ارمنستان که
گویا در حدود کتاب حاضر جای نامناسبی قرار دارد، در فرصت دیگر و جای
دیگر انتشار خواهد یافت.

همچنانکه از عنوان باب سوم معلوم است، موضوع آن نظری است به
وضع جغرافیایی و سیاسی ممالک مغرب زمین و چگونگی و خصوصیات
آنها، بدین سان که پس از شرحی درباره اصل و دارالملک ولایت افرنج
«رومیة عظمی» به نوعی توصیف از اروپا پرداخته‌اند، به این ترتیب که این
توصیف را از منتهای شبه جزیره ایبری آغاز و پس از بیان اجمالی تعداد
کثیری از ممالک و دول مغرب زمین به منتهای شبه جزیره اپنین یعنی سیسیل
خاتمه داده‌اند.

نروژ و قطب شمال به عنوان اقصی نقاط شمالی فرنگ ذکر شده است، و
از روسها و ترکان و صقالبه و یونانیان به عنوان ساکنان ثغور شمالی و شرقی
نام برده‌اند. شرقی‌ترین ممالک ولایت افرنج در این کتاب بوهم و لهستان و
مجارستان است.

خلاصه در این کتاب به طور کلی ولایت افرنج مشتمل است بر ممالک
مسیحی مغرب زمین که کم و بیش از لحاظ سیاسی و یا مذهبی در امپراطوری
مقدس روم مجتمع و متحد بودند، و جامع کتاب با استفاده از یک نقشه

جغرافیایی اروپایی به بیان و شرح آنها پرداخته است. اما دربارهٔ مطالب و ملاحظاتی که دربارهٔ ممالک مختلف در این کتاب «تاریخ فرنگ» بیان شده، باید گفت که با وجود سادگی آنها از لحاظ منظر و طرز بیان حاکی از تجربه و هوشمندی و رای روشن و صائب دهندهٔ این اطلاعات می‌باشد.^۱ و همین موضوع به مطالب کتاب اهمیت و ارزش خاصی می‌بخشد، و بنابراین جای تعجب نیست که همین امر بارها علمای اروپایی را به نقل جزئیات آن برانگیخته است.^۲

بدیهی است کسی که راوی این اخبار و مطالب برای رشیدالدین بوده است، نتوانسته است با وجود این، از آوردن روایات عامیانه در ضمن گفته‌های خود صرف‌نظر کند، و برخی از داستانها و روایات عجیب و عامیانه‌ای را که در آن زمان در افواه بسیار رایج بوده است، نقل کرده است که بدانها در جای دیگر اشاره خواهد شد.

باب چهارم مختص بیان احوال پایان و قیصران است. در این باب پس از مقدمه کوتاهی در ولادت مسیح و ذکر حادثه او به ترتیب زمان، احوال و اسامی پایان و قیصره فهرست‌وار بیان شده، و فهرست پایان با مسیح آغاز و به پاپ بنوای یازدهم (۱۳۰۴ - ۱۳۰۳ م) ختم می‌گردد، و از آن قیصران با اوگوست شروع و به آلبرت اول (۱۳۰۸ - ۱۳۹۸ م) خاتمه می‌یابد، و در مورد هر یک مدّت پاپی و قیصری آنان به سال و ماه و روز ذکر گردیده است. گاهی بخصوص در مورد پایان مطالبی که بیان شده بسیار مختصر و

۱. این مطلب را نه فقط از ذکر *mappa mundi* نقشهٔ عالم (در متن ص ۱۱ به صورت باب مندو تحریف شده است) می‌توان دریافت، بلکه چگونگی نقل اسامی ممالک و اعلام به خط فارسی نیز آن را نشان می‌دهد.

۲. مثلاً مقایسه شود با تاریخ عمومی ناصرالدین البیضاوی موسوم به «نظام التواریخ» (۱۲۷۵ میلادی = ۶۷۴ هجری) که در آن هیچ‌گونه اطلاعی از تاریخ و اقوام اسلامی موجود نیست. رک: برون. همان کتاب، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

محدود است، و گاهی هم به رسم وقایع نگاران قرون وسطای اروپا به شرح جزئیاتی مبادرت گردیده است که برخی از آنها از لحاظ تاریخی دارای اهمیت بسیار است، در حالی که بعضی دیگر ذکر وقایع عجیب و یا داستان و افسانه می‌باشد، حتی در این مورد هم سخن رشیدالدین چنان موجز و مختصر و مقطع است که بدون مدد از منابع اروپایی مربوط بدان، فهم بسیاری از آن دشوار بل محال می‌باشد.

با اینکه تاریخ فرنگ رشیدالدین از حیث مطالب جالب بسیار غنی است، باید به طور کلی اذعان کرد که از آن از نظر تاریخی بندرت مطلب تازه یا مجهولی که برای تحقیق در تاریخ قرون وسطای اروپا مفید باشد به دست می‌آید، معذک این کتاب در نظر محققین بخوبی افکار و تصوّراتی را که مسلمانان متمدن قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) درباره جهان داشتند نمایان می‌کند، و این تصویر با وضوح کامل نشان می‌دهد که در مقام مقایسه، منظر مسلمانان آن عصر در جغرافیا و تاریخ به مراتب از نظر اروپائیان فراختر و گشاده‌تر بوده است.

مأموریت علمی رشیدالدین فضل‌الله امری کاملاً تازه و بی‌سابقه بود، زیرا که مقصود از آن گردآوری تاریخ عالم که تا آن زمان در عالم اسلام محدود به نگاشتن تاریخ ملل اسلامی بود نبود، بلکه غرض تدوین تاریخی بود که شامل سه ملت بزرگ قاره اوراسیا هم که هر کدام تمدن خاصی داشتند باشد.

هرچند در طی قرون گذشته عالم اسلام بر خصوصیات بسیاری از این ملل در موضوعات فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی اطلاع یافته بود، اما تا آن زمان هرگز کسی به تدوین تاریخ آنها با شیوه‌ای صحیح نپرداخته بود. و به این جهت نقشه و نیت رشیدالدین مبنی بر استفاده از منابع اصلی تاریخ ممالک مورد بحث و مشاوره و همکاری با دانشمندان مطلع به موضوع نه فقط شاهد مؤثری از روح پیشرو و مترقی زمان او بود، بلکه

مبیین مسئله‌ای لازم و ضروری نیز بود.

از حسن اتفاق، مؤلف، علاوه بر مقامی که در تاریخ نویسی داشت، دارای مرتبتی بلند در دستگاه دولتی زمان خود نیز بود، و با نفوذ و اقتداری که داشت قدرت دست یافتن به هر منبع لازم برای انجام کار خود را نیز داشت، و بدینسان طرح و نقشه او به نحوی که برای آن عصر تقریباً کمال مطلوب بود تحقق پذیرفت.

رشیدالدین در مقدمه جامع التواریخ به علمای بیگانه‌ای که در طرح قسمت‌های مختلف تاریخ عمومی با او همکاری داشته‌اند اشاره می‌فرماید، از آن جمله در مورد تاریخ چین از لیتاچی و مکسون (۴)، و در تاریخ هند از راهبی کشمیری Kamāla-srī^۱ نام می‌برد، ولی در مورد تاریخ فرنگ هیچگونه اشاره‌ای در این باره نکرده است، و هرچند این امر در نظر اول عجیب می‌نماید، ولی با توجه به اینکه اسامی فوق درباره موضوع اساسی یعنی منابع کتاب هیچگونه اطلاعی به دست نمی‌دهد، و این اشخاص غالباً واسطه و ناقل اخبار هستند، بی‌اطلاعی از نام برخی از آنان برای ما نسبتاً بی‌اهمیت می‌باشد، و اما خوشبختانه با وجود سکوت رشیدالدین از تاریخ فرنگ می‌توان اطلاعات جالبی درباره محیط اجتماعی که همکاران اروپایی رشیدالدین بدان تعلق داشته‌اند به دست آورد.

بارتولد از چگونگی رابطه بین پاپ و قیصر که در باب سوم کتاب ذکر گردیده است، و طبق آن پاپ از حیث مقام از قیصر برتر دانسته شده، چنین حدس زده است که همکاران اروپایی رشیدالدین را در تألیف تاریخ فرنگ باید بین کشیشان و طبقه روحانیان عیسوی جستجو کرد، ولی به عقیده من

۱. رک: کاترمر در همان کتاب ص LXXXVIII و مجموعه علمی Collections Scientifiques، ج، ۳، ص ۱۰۶ - بلوشه در کتاب مذکور در سابق ص ۹۸؛ و نیز مقاله‌ای درباره منابع تاریخ چین رشیدالدین (برودی به قلم فرانکه M. H. Franke در مجله Orins انتشار خواهد یافت).

باید این نظر را لااقل تا حدی که مربوط به باب سوم است کمی اصلاح کرد. در اروپای عیسوی قرن سیزدهم میلادی دو فرقه بزرگ موسوم به گلفها و ژیبِلِن‌ها وجود داشتند که یکی طرفدارِ پاپان و دیگری طرفدارِ قیصران بودند.^۱

و در زمان مغول این اختلاف و دو دستگی در سیاست خارجی اروپا چنین نمایان بود که پاپان و طرفدارانشان با دربار تبریز همکاری داشتند^۲، در حالی که قیصران متحدین خود را از بین سلاطین مملوک مصر انتخاب می‌کردند، و بنابراین بدیهی است که همکار یا همکاران رشیدالدین را در تألیف تاریخ فرنگ باید در بین طرفداران پاپ جستجو کرد، و این خود از لحن کتاب رشیدالدین که متمایل به پاپان است ثابت می‌گردد، و فقط این مسئله باقی می‌ماند که آیا این شخص طرفدار پاپ که با رشیدالدین همکاری داشته، از طبقه روحانیون بوده است یا غیر روحانیون.

به نظر من باب مورد بحث از کتاب رشیدالدین چه از نظر سبک نگارش و چه از نظر محتویات آن باید از شخصی غیر روحانی ولی طرفدار پاپ باشد

۱. Guelfes و Gibelins گلفها که به آلمانی Welfen نامیده می‌شوند، در قرون وسطی از قرن ۱۲ تا ۱۵ بخصوص در ایتالیا، طرفداران پاپان و آزادی و خود مختاری بلاد ایتالیا را می‌نامیدند، در حالی که ژیبِلِن‌ها (این کلمه شاید از کلمه آلمانی Waiblingen که نام یکی از بلاد آلمان در ایالت ورتمبرگ است و در قرن یازدهم مرکز تیول و املاک خاندان قیصران اشتاوفن بوده آمده باشد)، هوادار قیصره خاندان اشتاوفن Staufen بودند، و منازعات خونین بین آنان قرن‌ها ادامه داشت، تا بالاخره با مداخله فرانسه و لشکر کشی این دولت به سال ۱۴۹۴ به ایتالیا خاتمه یافت. (مترجم).

۲. درباره نظر ایلخانان نسبت به دیانت مسیح و روابط آنان با مغرب زمین بخصوص با دربار نگاه کنید به پلِیو P. Pelliot مقاله مغولها و دولت پاپ Les Mongols et la Papaute در مجله شرق عیسوی L'orient Chrétien سوری سوم، ج ۲۳ (۱۹۲۲/۲۳) و ج ۲۴ (۱۹۲۴) و ج ۲۸ (۱۹۳۱/۳۲) و سورانزو G. Soranzo - دولت پاپ و اروپای عیسوی و تاتارها IL Papato, L'Europa Cristiana e i Tataři، میلان، ۱۹۳۰، مخصوصاً ص ۲۰۷ و مابعد - واشپولر B. Spuler مغولها در ایران Die Mongolen in Iran چاپ لیبزیک، ص ۲۰۵ و مابعد؛ مخصوصاً ص ۲۴۴ و مابعد، و منابعی که در این کتاب ذکر شده.

که بسیار سفر کرده بوده است. و با توجه به اشارات متعددی که در این باب به امور تجارتی گردیده و سایر مطالب مندرج در آن، به احتمال قوی این شخص باید بازرگانی جهاننیده و فاضل بوده باشد، و شاید هم وی یکی از همان تجار با نفوذ ایتالیائی باشد که در آن زمان در تبریز اقامت داشته‌اند، و از الطاف و مراحم دربار ایلخانی برخوردار بوده.

در این مورد هر شخص مطلع بی آنکه مایل باشد بی اختیار فکرش متوجه ایولوس داپیزا Iolus da Pisa (که ایزولوس Isolus و اوزولوس Ozolus و جیاکومو Gia Como نیز نامیده شده) می‌گردد که شخصیتش هنوز کم و بیش در پس پرده اسرار پنهان است، و در مقدمه کتاب از او به عنوان پادشاه پیزا یاد و به دوستی او با سلاطین مغول اشاره شده است، و نیز از همین شخص در نامه‌ای که از پادشاه اراگون در دست می‌باشد، به عنوان شوالیه و معتمد پاپ نام برده‌اند.^۱ بنابراین به هیچ وجه بعید نیست که وی همان کسی باشد که توسط او اطلاعات مربوط به اروپا در اختیار رشیدالدین قرار گرفته است، ولی چون هنوز سند و مدرکی برای اثبات این ادعا در دست نداریم این نظر فعلاً حدسی بیش نیست.

و اما راجع به باب چهارم که در تاریخ پایان و قیصره است، باید در نظر داشت که کلیه کتب تاریخی اروپای آن زمان که می‌توان آنها را به عنوان منبع رشیدالدین مورد رسیدگی قرار داد، عموماً دارای منشأ کلیسایی است، بنابراین حل این مشکل که چه کسی در انتخاب منابع کتاب رشیدالدین دست داشته است از روی مندرجات این کتاب زحمت بی‌فایده‌ای است. این

۱. رک: L. Wadding Annales ordinis minorum، رم ۱۷۳۱، ج ۵: ص ۱۹۸ و ۲۵۹ و J. L. V. Mosheim, Historia Tatarum ecclesiastica، هلمشتدت، ۱۷۴۱، ص ۷۷، و ضمیمه آن، ص ۹۷ و ۱۰۵، و سورانزو در همان کتاب فوق، ص ۲۷۷ و ۳۳۴، و اشپولر در کتاب فوق‌الذکر، ص ۲۳۳، و هاید W. Heyd در تاریخ تجاری شرق در قرون وسطی، Geschichte d. Levantehandels im Mittelalter، اشتوتگارت، ۱۸۷۹؛ ج ۲، ص ۱۱۱.

شخص ممکن است بازرگانی فاضل مثلاً همان ایولوس داپیزا باشد که قبلاً ذکر شد، و هم امکان دارد که یکی از کشیشان کاتولیک بوده باشد. ولی در مورد ترجمه این منابع و انتخاب مطالبی از آن شاید رشیدالدین از همکاری چند تن از کشیشان استفاده کرده باشد، هرچند که بعضی قرائن مؤید این حدس نیست.^۱

اکنون این سؤال پیش می‌آید که رشیدالدین برای تألیف کتاب خود از کدام منابع به احتمال قوی استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال باید به کتب تاریخی مفصل و متعددی که در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در فرانسه و ایتالیا نوشته شده، و حتی قرن‌ها بعد هم مورد استفاده بوده است نظری افکند. این کتب تا حدی نوعی ادامه همان فهرستهایی است که در قرن دوازدهم از نامهای پایان و قیصره به ترتیب زمان زندگی آنان با ذکر مدت پایی و قیصری هر یک به سال و ماه و روز، و شرح مختصری درباره هر یک ترتیب می‌دادند.^۲ و این را نیز باید گفت که هرچند تألیفات قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی نسبت به فهرستهای فوق دارای تفصیل بسیار بیشتری است، ولی از لحاظ تاریخی اعتبار و سندیت آنان را ندارد.

از جمله این کتب مفصل تاریخی قرن سیزدهم و چهاردهم که مؤلفان آنها تقریباً همه از فرقه کشیشان دومینیکی بوده‌اند، و در آن زمان بسیار مقبولیت عامه داشته است کتب ذیل را می‌توان نام برد:

تاریخ و نسان دو بووه Vincent de Beauvais (۱۲۶۴*)^۳.

۱. زبان لاتین را برای ترجمه منابع غیر روحانیون با سوادان عصر هم می‌دانستند. بنابراین آشنایی به این زبان دلیل روحانی بودن نیست، و از این گذشته مترجم منابع رشیدالدین به چگونگی درجات و مراتب کلیسای کاتولیک درست آشنا نبوده، و این از یک روحانی بعید است.

۲. رک: واتن باخ W. Wattenbach منابع تاریخ آلمان Deutschlands Geschichtsquellen چاپ جدید توسط هولتشن مان Holtzmann، برلن، ۱۹۲۹ ج ۱، ص ۳۳۳ و بعد.

3. Speculum historiale, Douai. 1624

تاریخ مارتینوس اوپاوینسیس Martinus Oppaviensis که به مارتینوس پولونوس Polonus نیز شهرت داشت (۱۱۷۸*).

تاریخ لئون دورویتو Leon d'orvieto (۱۳۱۴+)^۱.

و بالاخره تاریخ برنارد کوئیدونیس Bernard Cuidonis (۱۳۲۱*)^۲.

در میان این کتب مخصوصاً تألیف مارتینوس اوپاوینسیس که در نیمه دوم قرن سیزدهم نوشته شده، بیش از همه شهرت داشته، و در همان زمان تقریباً به همه زبانهای اروپایی ترجمه گردیده است. حال ببینیم علت این شهرت و محبوبیت چه بوده است؟

در نظر مورخان این کتاب بی ارزش ترین کتاب نوع خود و مملو از مجعولات و قصص بی اساس می باشد، ولی شاید هم بخصوص بهمین علت و نیز به سبب سادگی سبک نگارش آن چنین مقام ممتازی را کسب کرده است.

از این گذشته در آن زمان به این کتاب تا حدی مانند نوعی تاریخ رسمی پاپان و قیصره می نگریسته اند، چون که مؤلف آن دیرزمانی در دربار پاپ دارای مقامی شامخ و بلند بوده است^۳. با توجه به این تفصیل، این حدس نزد من به وجود آمد که شاید رشیدالدین از این کتاب استفاده کرده باشد، و خوشبختانه پس از رسیدگی معلوم شد که این تصور باطل نبوده است. اکنون به عقیده من قسمت اعظم تاریخ فونگ رشیدالدین اقتباسی است به صورت اختصار از کتاب مارتینوس یا از تاریخ دیگری که با آن قرابت

۱. Chronicon چاپ I. Lami در Deliciae eruditorum، فلورانس، ۱۷۳۷، در ۲ مجلد.

۲. Histoire des Papes او که در Specilegium Romanum، ج ۶، رم ۱۸۴۱ و قسمتی از آن در Le Liber Pontificalis چاپ L. Duchesne، پاریس، ۹۲-۱۸۸۶، ج ۲، ص ۴۶۲ و بعد به چاپ رسیده است.

۳. چون روش مورخان اروپا در قرون وسطی چنین بوده است که مطالب خود را بدون ذکر مأخذ آزادانه از کتب دیگر اقتباس و حتی رونویس کنند، تعیین دقیق مأخذ و منبع اصلی غیر ممکن است، و در این مورد باید مانند ما به نتایج کلی بسنده کرد.

و نزدیکی داشته است.

ترتیب اسامی پاپان و قیصران و مدّت فرمانروایی هر یک و دیگر مطالبی که در کتاب رشیدالدین است، با وجود این که به صورت اقتباس و ترجمه آزاد نقل گردیده، به قدری با مطالب تاریخ مارتینوس اوپاوینسیس مطابقت دارد که به نظر من تقریباً محال است بتوان کتاب دیگری را غیر از این کتاب به عنوان منبع اصلی رشیدالدین در نظر گرفت^۱؛ و نیز از این نکته که در هیچ یک از نسخ خطی رشیدالدین و همچنین در نسخه‌ای از کتاب بناکتی ذکری از دوران پاپی ژان به میان نیامده، معلوم می‌شود که مورّخ، مطالب خود را از دو نگارش نخستین کتاب مارتینوس که در آن این داستان وجود نداشته است اقتباس کرده است^۲.

گذشته از این منبع اصلی، رشیدالدین در تألیف خود به طور اختصار از چند مأخذ دیگر استفاده کرده است، و احتمالاً تاریخ سوریا Chronicon Syriacum و تاریخ کلیسا Chronicon Ecclesiasticum هر دو تألیف ابن عبری Bar Hebraeus و چند روایت مجعول دیگر از آن جمله می‌باشد، ولی نظر به کوتاه نویسی که شیوه مورّخ ماست می‌توان در این باره نظر قاطعی ابراز داشت.

از آنجا که رشیدالدین اطلاعات خود را درباره تاریخ فرنگ از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس یا از منابع دیگری که کاملاً تابع این کتاب بوده است کسب کرده است موجب آن گردیده که علاوه بر مطالب فراوان تاریخی،

۱. جهت نشان دادن تبعیت رشیدالدین از مارتینوس در زیرنویس ترجمه متن به فرانسه به مطالب مشابه مارتینوس اشاره کرده‌ام، و برای فهم بهتر این ترجمه گاه‌گاه بین قوسین اقتادگیهای مربوط به اسامی پاپان و قیصره را آورده‌ام، و نیز در مورد تاریخها و غیره بخصوص در مورد پاپان از Liber Pontificalis استفاده بسیار برده‌ام.

۲. بنا بر نظریات جدیدی که متکی بر عقیده ویلاند Weiland می‌باشد، این داستان توسط شخص مارتینوس قبل از سال ۱۲۷۸ به نگارش سوم تاریخ خود افزوده شده است.

مقداری روایات جعلی و افسانه‌ها و قصص نیز وارد کتاب او بشود. مطالب اخیر متعلق به روایات حماسی و افسانه‌ای مغرب زمین در قرون وسطی می‌باشد که نه تنها به کتب تاریخی آن زمان راه یافته است، بلکه آنها را جداگانه نیز در مجموعه‌ها و سفینه‌های مخصوص گردآوری کرده‌اند که مشهورترین و رایج‌ترین آنها *Le genda Aurea* تألیف *Jacobus a Voragine* می‌باشد.

این روایات مجعول و قصص موجود در کتاب رشیدالدین را می‌توان به سه طبقه تقسیم کرد بدین قرار:

- ۱- داستانها و روایات مربوط به روم قدیم و آثار آن.
 - ۲- روایاتی که مربوط است به پاکان عیسوی و معجزات عالم مسیحیت.
 - ۳- قصص و افسانه‌های خارج از این دو بحث از قبیل روایات بومی که قسمتی از آن مربوط به دوران پیش از مسیحیت می‌باشد.
- مطالب افسانه‌ای و قصص متعلق به طبقه اول در تاریخ افرنج به قرار ذیل می‌باشد:

روایت مربوط به بنای شهر روم و نخستین بنیاد نهنده آن ساتورن (در متن: ستورنس = نمرود تورت) تا داستان رمولوس که تقریباً مطابق مندرجات کتاب^۱ *Graphia aureae ... aureae Urbis Romae* که یکی از منابع مارتینوس اوپاوینسیس بوده است می‌باشد.

یکی از قرائنی که نشان می‌دهد که رشیدالدین در تألیف کتاب خویش از

۱. این کتاب منتخبی از سه کتاب: *Historia Romana a Noe usque ad Romulum*

Mirabilia urbis Romae

Libellus de ceremonis au le imperatoris

می‌باشد. رجوع کنید به چاپ P. E. Schramm در *Kaiser, Rom und Renovatio*، لیبزیک، ۱۹۲۹، ج ۲، ص ۳۷ و بعد. همچنین رجوع کنید به چاپ قدیمتر *Mirabilia Romae* از G. Parthey، برلین، ۱۸۶۹ - فقط از کتاب اول مطالبی نزد رشیدالدین باز می‌یابیم.

منابع دیگری هم غیر از کتاب مارتینوس اوپوینسیس استفاده کرده است، داستان ذیل از کتاب اوست که در تاریخ اوپوینسیس دیده نمی‌شود، و آن قصه معروف دومیسین امپراطور روم است (در متن: دومیپیانس) که بتخانه‌ای ستون‌دار در روم بساخت، و از هر ولایتی بتی به آنجا آورد، و هر وقت دشمنی به روم روی می‌آورد روی آن بتها بسوی آن دشمن بود تا دفع آن می‌کردند. این داستان را در روایات مربوط به روم قدیم بعضی درباره مجسمه‌های کاپیتول و برخی درباره بتهای پانتئون Panthéon آورده‌اند.

دیگر از مطالب مربوط به این طبقه از قصص کلیه روایاتی است درباره یافتن گنجهایی از روی مجسمه‌ها و کتیبه‌های قدیمی.

بنابر آنچه که گذشت طبیعتاً در کتاب ما قصص متعلق به طبقه دوم فراوان‌تر از داستانهای متعلق به دو طبقه دیگر است در مورد مطالب مربوط به ولادت و جوانی حضرت مسیح علیه السلام. نیز ممکن است مؤلف ما غیر از کتاب مارتینوس اوپوینسیس از مآخذ دیگری هم از قبیل انجیل‌های جعلی و روایاتی از آن گونه که در Le genda Aurea دیده می‌شود استفاده کرده باشد.

از این که بگذریم مندرجات کتاب رشیدالدین در این مورد کاملاً با مطالب تألیف مارتینوس اوپوینسیس مطابقت دارد. و در هر دو کتاب مشهورترین روایات و قصص عیسوی دیده می‌شود. مثلاً داستان رفتن پاپ کریاکوس (Cyriaque) با یازده هزار دختر باکره به شهر کلنی (آلمان) و قصص معروف درباره قسطنطین امپراطور روم، و چگونگی شفا یافتن او از بیماری برص به دست پاپ سیلستر (در متن: سلفستروس) و گرویدن او به دین مسیح بر اثر معجزه زنده شدن گاوی که زمبری جادوگر آن را کشته بود، و منتقل کردن او پایتخت خود را به قسطنطنیه، و واگذاردن روم و ممالک فرنگ به پاپ.

دیگر داستان بیرون آمدن اصحابِ کَهِف در زمان تئودوسیوس قیصر و قصه ظاهر شدن ابلیس به صورت موسی بر جهودان در جزیره کرت و خلق را به قدس وعده دادن، و داستان ترسا شدن ساحر (مغ!) پارسی موسوم به اناستاسیوس به عهد پاپ انوریوس اول، و قصه پاپ شدن سیلوستر دوم به مدد ابلیس و کیفیت توبه و کفاره گناهان او.

و اما از جمله روایات متعلق به طبقه سوم باید قصص عامیانه را برشمرد از قبیل داستان بزرگی (امیر یا اسقف) که موشان (یا شپشها) وی را دریدند که در اروپای شمالی و شرقی بسیار معروف است، و قصه درختی که مرغ بار می آورد که در اروپای غربی شنیده می شود.

این قصص بسیار قدیمی مخلوق تخیلات عوام و اعتقاد مردم به معجزات در مغرب زمین است که در کتاب رشیدالدین بین مطالب خشک تاریخی قرار گرفته است. و همین به این کتاب لطف خاصی می بخشد، بخصوص وقتی در نظر بگیریم که این روایات از این طریق وارد مشرق زمین گردیده است، شاید بتوان این موضوع را پاداش و عوض ناچیزی از جانب مغرب زمین دانست در مقابل انبوه داستانها و قصصی که از مشرق گرفته است. اما با وجود منظر جذاب آن در این مورد نباید راه اغراق و گزافه گویی را پیمود، چونکه میدان انتشار این داستانها در مشرق زمین محدود به خوانندگان با سواد کتابهای رشیدالدین بوده است.

چاپ حاضر تاریخ فونگک از روی دو نسخه خطی ذیل انتشار یافته است:
۱ - نسخه شماره ۲۰۸ (ورق ۱۵۹ - ۱۴۴) کتابخانه دولتی (ملی) باویر در مونیخ Bayerische Staatsbibliothek که در این چاپ با علامت M به آن اشاره می شود.^۱

۱. رک: او.مر. نسخه های خطی فارسی کتابخانه سلطنتی و دولتی در مونیخ - طبع مونیخ، ۱۸۶۶، ص ۷۱.

J. Aumer, Die Persischen Handschriften der Koniglichen Hof. und staatsbibliothek in München.

۲ - نسخه شماره ۲۸۲۸ (ورق ۳۶۸ الف - ۳۰۷ ب) دیوان هند India office که در چاپ حاضر با علامت IO آن را ذکر می‌کنیم^۱ از این دو نسخه، نسخه اول هرچند افتادگی‌های بسیار دارد بیشتر مورد اعتماد است، و ما آن را اساس کار خود قرار دادیم. هر دو نسخه در دوره‌های اخیر نوشته شده است. نسخه مونیخ متعلق است به آغاز قرن ۱۸ (؟)، و نسخه دیوان هند در قرن هفدهم میلادی (۱۶۷۱ میلادی = ۱۰۸۱/۸۲ هجری) کتابت گردیده است، و هر دو را به خط تعلیق خوانای خوب نوشته‌اند. از مقایسه و روی هم نهادن این دو نسخه، تقریباً متن کامل تاریخ فونگ به دست می‌آید.

در آغاز قصد داشتم برای مقابله از نسخ معتبر دیگر نیز بخصوص نسخه خطی کتابخانه طوپ قاپی سرای اسلامبول استفاده کنم، ولی نظر به اقدامات احتیاطی که دولت ترکیه برای حفظ گنجینه‌های فرهنگی خود در جنگ اخیر به عمل آورده بود، این نسخه در دسترس نبود و نقشه من عملی نشد. در آغاز کار نبودن این نسخه نقص کاملاً محسوسی بود، ولی با دست یافتن به دو مأخذ بسیار عالی و معتبر دیگر تا اندازه‌ای این نقص جبران گردید، و این دو مأخذ عبارت است از:

یکی نسخه خطی بناکتی که در سال ۹۹۲ هجری (۱۵۵۴/۵ میلادی) کتابت شده، و تحت شماره ۲۶۳۴ در کتابخانه دانشگاه لیدن هلند موجود است، و ما در چاپ حاضر با علامت B از آن یاد می‌کنیم. دیگری تاریخ مارتینوس اوپوینسیس که ظاهراً منبع اروپایی رشیدالدین بوده است، و در چاپ حاضر هرچا لازم بوده با علامت MO نموده شده

۱. رک: اته، فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند - اکسفورد، ۱۹۰۳، ج ۱، ص ۲۸ - H. Ethé, Catalogue of Persian manuscripts in the library of the India office., ۱۵۲۷

است. این دو کتاب مرا در تنظیم مجدد متن اصلی «تاریخ فرنگ» و روشن کردن قسمتهای تاریک و مشکوک آن مدد کرده است، حتی بدون اغراق می‌توانم ادعا کنم که بدون استفاده از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس قسمت اعظم متن تاریخ فرنگ که به دست کاتبان بی‌سواد خراب و مسخ گردیده است بکلی غیر قابل فهم می‌ماند.

رشیدالدین در تاریخ فرنگ نه تنها از حیث مطالب از سرمشق اروپایی خود تبعیت دقیق کرده است، بلکه در مورد شکل ظاهری کتاب خویش یعنی تقسیم و طبقه‌بندی مطالب و تزئین و نقاشی آن نیز به آن نسخه‌های اروپایی توجه داشته است، چنانکه در کاملترین نسخ موجود آن مثلاً در نسخه خطی کتابخانه طوپ قاپی سرای و در نسخه دیوان هند کاملاً مانند فهرستهای اروپایی مشابه، اسامی پایان و قیصران با شرح زندگی آنها و سیر مطالب به ترتیب تاریخ حیاتشان در دو ستون موازی هم از بالا به پایین نوشته شده است. ولی کاتبی که بعدها نسخه مونیخ را رونویس کرده است از رعایت این ترتیب که برای او دشوار بوده چشم پوشیده، و پایان و قیصره را به ترتیب پشت سر هم نوشته است^۱، و هرچند این شکل از نیت اصلی مؤلف به دور است و متن را مبهم و تاریک می‌کند، معذک به عنوان اساس چاپ حاضر سودمند بود.

نسخ خطی کامل تاریخ افرنج نشان می‌دهد که این کتاب در اصل دارای تصاویر پایان و قیصره نیز بوده است، ولی من تاکنون به نسخه‌ای که دارای این تصاویر باشد برخورد نکرده‌ام. در نسخه خطی اسلامبول فقط به طور کلی قسمتی از تصاویر را به رنگ قرمز طرح‌ریزی کرده‌اند، و در نسخه دیوان

۱. در نسخه خطی بناکتی لیدن که ظاهراً کاتب تقسیم بندی اصلی مؤلف را محفوظ داشته است تاریخ پایان و قیصره در دو فصل جدا از هم آمده است.

هند جای تصاویر را خالی گذاشته‌اند تا بعداً نقاشی شود^۱، ولی در نسخه خطی مونیخ و همچنین نسخه خطی تاریخ بناکتی هیچ گونه اثر و نشانی از قصد مصور کردن آنها وجود ندارد.

در مورد ترجمه متن به زبان فرانسه تذکر این نکته را لازم می‌دانم که منظور اصلی من در ترجمه حتی الامکان پیروی دقیق از متن اصلی فارسی بوده است، و هرگز این قصد را نداشته‌ام که سبک ساده و بی‌پیرایه متن فارسی را فدای رعایت فصاحت در ترجمه فرانسه بنمایم*.

کارل یان

۱. در نسخه دیوان هند شرح تصاویری را که قرار بوده بکشند نوشته‌اند ولی من عبارات مثلاً تصویر پاپ عمرو و یا تصویر فیصر زید را در متن چاپ حاضر نیاورده‌ام.
* «مدخل» ترجمه شادروان دکتر منوچهر امیرمکری، مقدمه «تاریخ افرنج یا فصلی از جامع التواریخ، تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر همدانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی - ۱۳۳۹ - است که به اذن استاد دکتر دبیرسیاقی برگرفته شد.

آوانگاری

A = ā = آ	Aqar ā ijān, Ādam	آذربایجان، آدم
a = ا =	Tarāḥ	تَرَح
ع = ع	'Ismā'īl / 'Ibrī =	عبری، اسماعیل
أ = همزه =	'abr	ابر
E = اِ	Eliah	الیاه
Č = چ	Lūčīrah	لوچیره
Ḍ , Ḍ = ذ	Dirāḥ	ذراع
G = گ	Gūdarz	گودرز
Ġ = غ	SārūĠ, Ġāzān	ساروغ، غازان
Ĝ = ج	Ĝālūz / Ĝābir	جالوز، جابر (حیّان)
H = ه	Hāgar	هاجر
Ḥ = ح	Nūḥ / Ḥāfiz	نوح، حافظ
Ḫ = خ	Ḫiḍr / Ḫāqān	خضر، خاقان
I = اِ	Bābil / Sind	بابل، سند
Ī = ای	Dīnār / Ibrāhīm	دینار، ابراهیم
J = ی	Jārid / Marjam	یارد، مریم
K = ک	Kālib / Kīs	کالیب، کیش

Ḳ = ق	Ḳābīl / Ḳārūn	قائيل، قارون
q = غ	Oquz	أغوز
Q = ق	Qara-Qorūm	قراقوروم
S = س	Sarah	ساره
Š = ش	Šākyamunī / Šām	شاكمونى، شام
Ṣ = ص	Šādūḳ / Šīn	صادوق، صين (چين)
T = ت	Tūrān	توران
Ṭ = ط	Ṭūr / Ṭūbā	طور، طوبا
Ṭ = ث	Nābūṭ	نابوٲ
U = أ	Muṣṭafa, Muğ	مصطفى، موج
Ū = أو	Šālūm / Jūsuf	شالوٲ، يوسُف
Z = ز	Zan, Rūz	زن، روز

بجمله تاریخ قاصه اسمی و صور قاصه اسمی و صور نامان جمله تاریخ نامان

تاریخ سلطنت سوسریان
 اصل او از روضه بود شش ماه کردی
 با این شست و با خیار خود له نزل
 کرد و الم

صورت سلطنت سوسریان



تاریخ سفا سوسریان
 آنکس که بود نه سال تمام بر کردی پای
 تکلیف در عهد او جزیره صقلیه
 کردی از کوبه کوفه بود تا از کفند و سر
 ری از کوفه مطیع تاب شد

صورت سفا سوسریان



صورت اظفر قصر



تاریخ اظفر قصر
 مانده سال او شش ماه بر تختی
 متکون و فریح و مستحجاب فرار
 از مسلمان که در شهر بوجیه از اول
 ساکن بود زنده گشت بکنه کوفه
 جلاتیها و غیر آن کلبیها در
 نبر و مالک اران

تاریخ سطلطون پارس
 اصل او از هر روستاست و قوت کل
 سال نابر کردی با این شسته و از ناز
 که شهر بند خمری و سیاه بخت است
 قویار است و الم علی تاریخ
 الهک

صورت سطلطون پارس



صورت ادا الیطون قصر

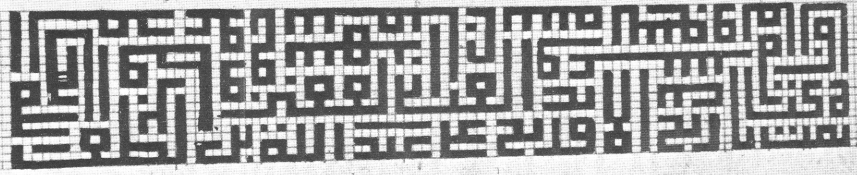


تاریخ ادا الیطون قصر
 از نیا زال الیطون بر تختی
 متکون است و آنچه احوال او تاریخ
 شود ضابطه در علم از آن است
 نعالی

اسامی القاصه و صور القاصه

تاریخ
افرح و لجنیدان تعویذ در انزلی و کربلا
و شرح بادشاهی پادشاهان انجا
و مدت تکلیف پادشاهان

تاریخ این سلسله است - این ولایت برآمده بود در ماه و ده روزی که کرد تاریخ از این تاریخ
 از شهر حسن بود که ماه و ده روزی که کرد تاریخ از این تاریخ - اصغر از ایشان بود هشت ماه و یک روزی که کرد
 تاریخ از این تاریخ - از شهر حسن بود دو سال که کرد تاریخ از این تاریخ - و بعد او مرود خانه رومیه را که شد حاکم در شهر
 از خانه که گشتی بود می کرد و در یک آن که نه را با باب خلاف افتاد و بروی عامی شد تاریخ و در نفس منبر
 هنده سال مصری کرد و در عهد او مسلمانان عده و طلب پس و مات فرزندها شام بگرفتند و حقیق را از فرهنگان گشتند
 و او سبب مخالفت ماری بود همه جمل کرد و گشته شد تاریخ هر طبقه است - اصل او از فرس بود و سرده سال
 می کرد و در عهد او یکی که کوشه که رای عامی شد و با این باب در هر جزیره صقلیه ناح قیصری بر سر شمال این اواخر بود
 از رومیه بود مدتی سه سال و پنج ماه تاریخ از این تاریخ - این شهر از شهر بود چهار سال و نیمه و سرده روزی که کرد
 تاریخ سلسله طبقه است - اصل او از رومیه بود شش ماه و یک روزی که شد با خنجر خود را میزد که تاریخ اطفیس قیصر
 مدت نه سال و سیزده ماه و یک قیصری بود و قریب دو سبب و جاده هزار آدمی مسلمان را که در شهر بوجره امان ولایات
 ساختن بودند بگشت بگشته که در شهرهای حوالی شام و خراب کرد و کلیساها در تیرن و ماکسرات تاریخ بیضا سو سبب
 از کسانه بود نه سال که مکرر می می یافت و در عهد او جزیره صقلیه که در آن کوشه گرفته بود از کوشه و سرزمین کوشه مطیع
 اب شد تاریخ ادا الرطوس قیصر این زبان ادا الرطوس و بعد از آن احوال او واقع شود همانند در قیصر ادا انشمار لیه سالک
 تاریخ سلسله طبقه است - او از شهر رقتس است و قریب کسی بود که مکرر می می شنیده و از زبان که جامع از کسانه حاکم
 نشسته است تاریخ مکرر در شهر رسته حسن سدها به بوده است و در این سلسله سر بود و السلام علی من اتبع الهدی



کتاب تاریخ علی بن الحنفی عمر ابن بطون المدعوک و طارو فی تاریخ این

اقسام ابواب تاریخ از ابتداء ظهور آدم صلی الله علیه و آله تا این زمان که مشهور است در سینه
هجری است و آن مشتمل است بر دو قسم

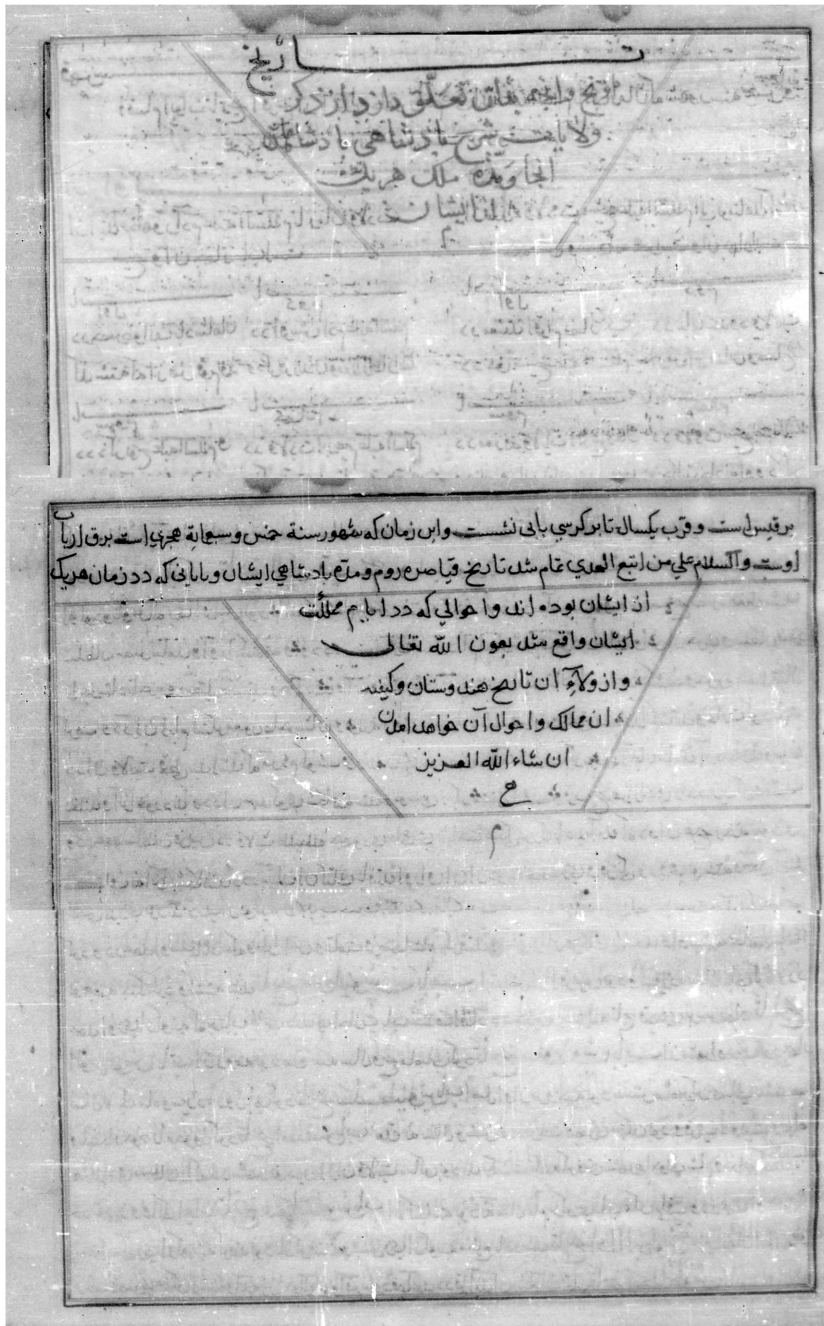
قسم اول	از ابتداء ظهور آدم علیه السلام تا زمان ولادت مسیح و آن چهار باب است
قسم دوم	از ابتداء ولادت مسیح علیه السلام الی یونان و آن چهار باب است
باب اول	در خصوص طوایف بادشاهان در افریقا آدم علیه السلام گذشته که از هر قبیله و ذکر فرزندان و نسلها را عاقلان
باب دوم	در معرفت طوایف افریقا و ذکر ولادت مسیح علیه السلام و خوار و بیان خواص هر زبانی و حکایت حادثه او و ذکر
باب سوم	در تاریخ افریقا و ذکر ولادت ابراهیم علیه السلام و ذکر ولادت او تا یوسف و ذکر
باب چهارم	اعمال انبیا و احوال مادی مسیح و ذکر بادشاهان افریقا احوال مادی و قیاسها را با سایر

خون فیه است ابواب و اقسام این تاریخ افریقا منقول و مشروح در قبل آمد این آغاز و در بیان هر قسمی از آن هم
برین ترتیب شروع نمایند و الله المسعان و علیه التکلان

قسم اول	از تاریخ افریقا و آن مشتمل است بر چهار باب
باب اول	در طوایف بادشاهان گذشته بزعم فرنگیان
باب دوم	در تواریخ حکما یونان و دانایان افریقا چنان مسطور است که از ابتداء افریقا آدم علیه السلام تا این زمان که مشهور
باب سوم	سینه حسن و سیهانه هجری است در طایفه افریقا اقسام ارباب دولت شدند و بادشاهی در خاندان ایشان
باب چهارم	ادام صلوات الله علیه و آله و سلم
باب پنجم	و فرزندان او را در افریقا و اول ایشان موسی علیه السلام
باب ششم	ایشان شاول و ایشان خضر اول انسان در این
باب هفتم	یونان اول ایشان افریقا که بادشاهان ایشان
باب هشتم	را که گذرد که از منفذ و خروج را تصدیق خوانند اول ایشان
باب نهم	کرد و عالم را گرفت اضمطوس قیصر

از قسم اول از تاریخ افریقا در بیان فطر آدم و خوار و فرزندان ایشان
در اقسام افریقا است که باری تعالی و تقدس بکمال قدرت خویش آدم را در زمین دمشق بیافرید و به بهشت برد
که آن چهار روحخانه برنگ بیرون ای الله تبارک و تعالی فرات حیحون قرون و آدم شهدا دایمی گفت که این باری

سر آغاز متن تواریخ العالم



آغاز و پایان تواریخ العالم

فهرست مندرجات متن تاریخ افرنج

[تاریخ افرنج و آنچه بدان تعلق دارد از ذکر ولایات و شرح پادشاهی پادشاهان آنجا و مدّت مُلک هر یک از ایشان].

اقسام ابواب تاریخ افرنج از ابتدای ظهور آدم صلی الله علیه السّلام تا این زمان... ۱۷، ۱۸

قسم اوّل از تاریخ افرنج و آن مشتمل است بر چهار باب.

باب اوّل: در طوایف پادشاهان گذشته به زعم فرنگان: ۱۹، ۲۰

باب دوم: از قسم اوّل از تاریخ افرنج در بیان فطرت آدم و حوّا و فرزندان ایشان: ۲۱، ۲۴

[باب سیوم: از قسم اوّل از تاریخ افرنج در ذکر آمدن نوح علیه السّلام، و فرزندان و مقدار اعمال ایشان]: ۲۵، ۲۹

[باب چهارم: از قسم اوّل از تاریخ افرنج از ولادت ابراهیم پیغامبر صلوات الله علیه و ذکر ذریت او تا به مریم مادر مسیح علیه السّلام]: ۳۰، ۳۴
ذکر فرزندان یهودا بطنا بعد بطن [یاد] خواهیم کرد تا به مریم مادر مسیح علیه السّلام. ۳۴، ۳۷

قسم دوم: از تاریخ افرنج از مبدأ ولادت عیسی علیه السّلام الی یومنا هذا

که شهور سنهٔ خمس و سبعمایه هجری است. ۳۹
 باب اول: در ذکر معتقد اقوام نصاری در حق مسیح علیه السلام: ۳۹
 باب دوم: [در بیان حدود ولایات ارمن از مداین و ضیاع]: ۴۱، ۴۲
 باب سوم: [از قسم دوم از تاریخ افرنج در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن]: ۴۳، ۵۴
 باب چهارم: از قسم دوم از تاریخ افرنج در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثهٔ او و ذکر اجلاس پایان و قیصره که پادشاهان افرنج اند: ۵۵، ۵۷
 ذکر تواریخ قیصره و پایان و بعضی احوال که در زمان ایشان رفته است: ۵۸

Agustūs / Augustus.	۵۸	تاریخ اغسطوس قیصر:
Kiristūs / Christus	۵۸	تاریخ کرسطوس مسیح علیه السلام:
Ṭībārijūs / Tiberius	۵۸	تاریخ طباریوس قیصر:
Gajūs / Gaius	۵۹	تاریخ گایوس قیصر:
Ḳulūdijūs / Claudius	۵۹	تاریخ قلودیوس قیصر:
Fiṭūrus / Petrus	۵۹	تاریخ فیطورُس حواری:
Nārūn / Nero	۶۰	تاریخ نارون قیصر:
Līnūs / Linus	۶۰	تاریخ لینوس پاپ:
Galbah / Galba	۶۰	تاریخ گلبهٔ قیصر:
Isfasijānūs / Vespasianus	۶۰	تاریخ اسفسیانوس قیصر:
Kilītūs / Cletus	۶۰	تاریخ کلیتوس پاپ:
Ṭītūs / Titus	۶۱	تاریخ طیطوس قیصر:
Kilīmāns / Clemens	۶۱	تاریخ کلیمنس پاپ:
Bantūs(?)	۶۱	تاریخ بنتوس قیصر:

Dūmīṭiānus / Domitianus	۶۱	تاریخ دو میطانوس قیصر:
Anklīṭūs / Anacletus	۶۱	تاریخ انکلیطوس پاپ:
Narfah / Nerva	۶۲	تاریخ نارفہ قیصر:
Afaristūs / Evaristus	۶۲	تاریخ افرسطوس پاپ:
Ṭarjānus / Traianus	۶۲	تاریخ طریانوس قیصر:
Alīsandar / Alexander (I)	۶۲	تاریخ الیسندر (۱) پاپ:
Adrijānūs / Hadrianus	۶۳	تاریخ ادریانوس قیصر:
Sīstūs / Sixtus	۶۳	تاریخ سیستوس پاپ:
Ṭalasarūs / Telesphorus	۶۳	تاریخ طلسفروس پاپ:
Ṭīṭūs / Titus	۶۳	تاریخ طیطوس قیصر:
Igīnūs / Hyginus	۶۳	تاریخ اگینوس پاپ:
Pijūs / Pius (I)	۶۴	تاریخ پیوس (۱) پاپ:
Anīsātūs / Anicetus	۶۴	تاریخ انیسٹوس پاپ:
Marḡūs / Marcuc / Uraliūs	۶۴	تاریخ مرکوس [قیصر] و اورلیوس:
Sūtar / Soter	۶۵	تاریخ سوتر پاپ:
Ḳūmūṭūs / Commodus	۶۵	تاریخ قوموطوس قیصر:
Alautarijūs / Eleutherius	۶۵	تاریخ الوتریوس پاپ:
Īlijūs / Sawarijānūs / Severianus	۶۵	تاریخ ایلئوس [قیصر] و سوریانوس:
Wikṭūr / Victor (I)	۶۵	تاریخ وکطور (۱) پاپ:
Zīfarīnūs / Zephyrinus	۶۶	تاریخ زیفرینوس پاپ:
Anṭūnijānūs / Antonianus	۶۶	تاریخ انطونیانوس قیصر:
Kalistūrūs / Calixtus (I)	۶۶	تاریخ کلیستوروس (۱) پاپ:
Marṭīnūs / Macrinus	۶۶	تاریخ مرطینوس قیصر:
Urbānūs / Urbanus (I)	۶۷	تاریخ اوربانوس (۱) پاپ:

Anṭūnijānus / Antonianus	تاریخ انطونیانوس قیصر:	۶۷
Alḥsandarijūs / Alexander	تاریخ الیسندریوس قیصر:	۶۷
Būnṭūjānūs / Pontianus	تاریخ بونطویانوس پاپ:	۶۷
Maksīmīnānus / Maximinus	تاریخ مکسیمینانوس قیصر:	۶۸
Anṭarūs / Anterus	تاریخ انطروس پاپ:	۶۸
Gurdijānūs / Gordianus	تاریخ گُردیانوس قیصر:	۶۸
Fabijānūs / Fabianus	تاریخ فَبیانوس پاپ:	۶۸
Fīlībūs / Philippus	تاریخ فیلیپوس قیصر:	۶۸
Kūrnlājūs / Cornelius	تاریخ کرطلیوس (کورنالیوس) پاپ:	۶۹
Dūkījūs / Decius	تاریخ ذوقیوس قیصر:	۶۹
Luṭšjūs / Lucius	تاریخ لُطسیوس (۱) پاپ:	۶۹
Ġālūs / Gallus	تاریخ غالوس قیصر:	۶۹
Ulārīnūs / Volusianus	تاریخ اولارینوس قیصر:	۶۹
Walarijānūs / Valerianus	تاریخ والرینانوس قیصر	۶۹
Galiājānūs / Gallienus	و پسرش گلیانوس:	۶۹
Iṣṭafanūs / Stephanus	تاریخ اسطفنوس پاپ:	۷۰
Sikstūs / Sixtus	تاریخ سکستوس پاپ:	۷۰
Dijūnīsijūs / Dionysius	تاریخ دیونیسسیوس پاپ:	۷۰
Fālik / Felix (I)	تاریخ فالکس (۱) پاپ:	۷۰
Ḳulūdījūs / Claudius	تاریخ قلودیوس قیصر:	۷۰
Afsijānūs / Eutychianus	تاریخ افسیانوس (اتیخیانوس) پاپ:	۷۰
Auralīnūs / Aurelianus	تاریخ اورلینوس قیصر:	۷۱
Ṭaṭḳītūs / Tacitus	تاریخ ططقتوس قیصر:	۷۱
Ġājūs / Gaius	تاریخ غایوس پاپ:	۷۱

Furūbūs / Probus	۷۱	تاریخ فروبوس قیصر:
Flūrijānus / Florianus	۷۱	تاریخ فلوریانس قیصر:
Ḳarūs / Carus	۷۱	تاریخ قاروس قیصر:
Dijūklīānus / Diocletanus	۷۲	تاریخ دیو قلیطانس قیصر:
Mardsalīnūs / Marcellinus	۷۲	تاریخ مرد سلینوس پاپ:
Mardsalūs / Marcellus	۷۲	تاریخ مرد سلوس پاپ:
Walarijūs / Galerius	۷۲	تاریخ ولریوس (و کریوس) قیصر:
Ūzībījūs / Eusebius	۷۳	تاریخ اوزیبیوس پاپ:
Ḳuštantīnūs / Constantinus	۷۳	تاریخ قسطنطینوس قیصر:
Malkijādas / Melchiodas	۷۳	تاریخ ملکیاداس پاپ:
Silfasdurūs / Silvester	۷۳	تاریخ سلفسدروس پاپ:
Marḳūs / Marcus	۷۴	تاریخ مرقوس پاپ:
Ḳustūs / Constantius (II)	۷۴	تاریخ قسطوس (۲) قیصر:
Julijūs / julius (I)	۷۴	تاریخ جلیوس (۱) پاپ:
Jūlijānus / julianus	۷۴	تاریخ یولیانس قیصر:
Lībarijūs / Liberius	۷۵	تاریخ لیبریوس پاپ:
Jūvijānus / Jovianus	۷۵	تاریخ یویانوس قیصر:
Fālīks / Felix (2)	۷۵	تاریخ فالکس (۲) پاپ:
Wālantiijānus / Valentinianus	۷۵	تاریخ والنطیانوس قیصر:
Lībarijūs / Liberius	۷۵	تاریخ لیبریوس پاپ:
Wālīs / Valens	۷۶	تاریخ والیس قیصر:
Ṭamāsūs / Damasus (I)	۷۶	تاریخ طمسوس (۱) پاپ:
Ṭāudūtūs / Theodosius	۷۶	تاریخ طائودو طوس قیصر:
Siriġijūs / Siricius	۷۶	تاریخ سیریجیوس پاپ:

Arķādijūs / Arcadius	تاریخ ارقادیس قیصر: ۷۶
Anaštāsijūs / Anastasius (I)	تاریخ انسطاسیوس پاپ: ۷۷
Unūrijūs / Honorius	تاریخ انوریوس قیصر: ۷۷
Īnūsinsijūs / Innocentius (I)	تاریخ اینوسنسسیوس (۱) پاپ: ۷۷
Tāudūsijūs / Theodosius (II)	تاریخ تائودوسیوس (۲) قیصر: ۷۷
Zūsīmūs / Zosimus	تاریخ زوسیموس پاپ: ۷۸
Bunifāsijūs / Bonifatius (I)	تاریخ بنیفاسیوس (۱) پاپ: ۷۸
Sulasṭīnūs / Coelestinus (I)	تاریخ سلسطینوس (۱) پاپ: ۷۸
Marķijānūs / Marcianus,	تاریخ مرقیانوس قیصر ۷۸
Falanṭīnūs / Valentinianus	تاریخ فلنطینوس قیصر: ۷۸
Sīksṭūs / Sixtus (III)	تاریخ سیکستوس (۳) پاپ: ۷۸
Liūntijūs / Leontius	تاریخ لئونطیوس قیصر: ۷۹
Lijū / Leo (I)	تاریخ لئو (۱) پاپ: ۷۹
Zinūn / Zino	تاریخ زنون قیصر: ۷۹
Īlārijūs / Hilarius	تاریخ ایلاریوس پاپ: ۷۹
Simplīgijūs / Simplicius	تاریخ سمپلیجیوس پاپ: ۷۹
Anāštās / Anastasius (I)	تاریخ اناسطاس (انسطاسیوس) قیصر: ۸۰
Fālix / Felix (III)	تاریخ فلکس (۳) پاپ: ۸۰
Galāsijūs / Gelasius (I)	تاریخ گلاسیوس (۱) پاپ: ۸۰
Anaštāsijūs / Anastasius (II)	تاریخ انسطاسیوس (۲) پاپ: ۸۰
Jūsṭīnūs / Justinus (I)	تاریخ یوستینوس (۱) قیصر: ۸۰
Simīkus / Symmachus	تاریخ سمیکس پاپ: ۸۱
Jūsṭīnjānūs / Justinianus (I)	تاریخ یوستینیانوس (۱) قیصر: ۸۱
Urmīzdah / Hormisdas	تاریخ اورمیزده پاپ: ۸۱

Jūhannās / Johannes (I)	تاریخ یوحنا (۱) پاپ: ۸۱
Fālix / Felix (IV)	تاریخ فالکس (۴) پاپ: ۸۱
Bunifāsijūs / Bonifatius (II)	تاریخ بنیفاسیوس (۲) پاپ: ۸۲
Jūstīnūs / Justinus (II)	تاریخ یوستینوس (۲) قیصر: ۸۲
Jūhannās / Johannes (II)	تاریخ یوحنا (۲) پاپ: ۸۲
Agāpaṭūs / Agapetus (I)	تاریخ اغاپتوس (۱) پاپ: ۸۲
Silfarjūs / Silverus	تاریخ سلفریوس پاپ: ۸۲
Jūstīnijānus / Justinian (II)	تاریخ یوستینیانوس (۲) قیصر: ۸۲
Fīgīlijūs / Vigilus	تاریخ فیگیلیوس پاپ: ۸۳
Tībārijūs / Tiberius	تاریخ طباریوس (۱) قیصر: ۸۳
Fīlāgijūs / Pelagius (I)	تاریخ فیلاگیوس (۱) پاپ: ۸۳
Jūhannās / Johannes (III)	تاریخ یوحنا (۳) پاپ: ۸۳
Maurīkī / Maurikios	تاریخ موریقی [موریکوس] قیصر: ۸۴
Banaṭiktūs / Benedictus (I)	تاریخ بنطکتوس (۱) پاپ: ۸۴
Palāgijūs / Pelagius (II)	تاریخ پلاگیوس (۲) پاپ: ۸۴
Fūkā / Phocas	تاریخ فوکا قیصر ۸۴
Grīgūrijūs / gregorius (I)	تاریخ گریگوریوس (۱) پاپ: ۸۴
Safīnijānūs / Sabinianus	تاریخ سفینیانوس [سبنینوس] پاپ: ۸۵
Hiraḳlijūs / Herakleios	تاریخ هرقلیوس قیصر: ۸۵
Bunifāsijūs / Bonifatius (III)	تاریخ بنیفاسیوس (۳) پاپ: ۸۶
Bunifāsijūs / Bonifatius (IV)	تاریخ بنیفاسیوس (۴) ثانی پاپ: ۸۶
Ṭāuṣṭaṭ / deusdedit	تاریخ طائوسططاط پاپ: ۸۶
Bunifāsijūs / Bonifatius (V)	تاریخ بنیفاسیوس (۵) پاپ: ۸۶
Unūrijūs / Honorius (I)	تاریخ انوریوس (۱) پاپ: ۸۷

Safarīnūs / Severinus	٨٧	تاريخ سفرينوس پاپ:
Jūhannās / Johannes (IV)	٨٧	تاريخ يوحانس (٤) پاپ:
Ḳuṣṭanṭīnūs / Constantinus	٨٧	تاريخ قسطنطينوس (٣) قيصر:
TīJūtūrūs / Theodorus (I)	٨٧	تاريخ تيوطوروس (١) پاپ:
Martīnūs / Martinus (I)	٨٨	تاريخ مرطينوس (١) پاپ:
Ūġīnūs / Eugenius	٨٨	تاريخ اوجينوس پاپ:
Fīṭalijānuṣ / Vitalianus	٨٨	تاريخ فيطليانوس پاپ:
Ḳuṣṭanṭīnūs / Constantins (IV)	٨٨	تاريخ قسطنطينوس (٤) قيصر:
Dijūtātus / Adeodatus	٨٨	تاريخ ديوطاطوس پاپ:
Bunifāsijūs / Bonifatius (VI)	٨٩	تاريخ بنيفاسيوس (٦) پاپ:
Dūmūnūs / Donus (I)	٨٩	تاريخ دنوس (١) [دومنوس] پاپ:
Agatūs / Agathon	٨٩	تاريخ اگطوس پاپ:
Lijū / Leo (II)	٨٩	تاريخ لئو (٢) پاپ:
Zīnūn / Conon	٨٩	تاريخ زينون پاپ:
Banaṭiktūs / Benedictus (II)	٨٩	تاريخ بنطكطوس (٢) پاپ:
Jūṣṭīnūs / Justinianus (III)	٩٠	تاريخ يوستينوس (٣) قيصر:
Sargijūs / Sergius (I)	٩٠	تاريخ سرگيوس (١) پاپ:
Lijū / Leo (III)	٩٠	تاريخ لئو (٣) پاپ:
Jūhannās / Johannes (IV)	٩٠	تاريخ يوحانس (٥) پاپ:
LiJū / Leo (II)	٩٠	تاريخ لئو (٢) قيصر:
Jūhannās / Johannes (VI)	٩٠	تاريخ يوحانس (٦) پاپ:
Tībārijūs / Tiberius (II)	٩١	تاريخ طباريوس (٢) قيصر:
Jūhannās / Johannes (VII)	٩١	تاريخ يوحانس (٧) پاپ:
Sīzīnūs / Sisinnius	٩١	تاريخ سيزونوس پاپ:

Jūstīnūs / Justinianus (IV)	تاریخ یوستینوس (۴) قیصر: ۹۱
Ḳuṣṭanṭīnūs / Constantinus (I)	تاریخ قسطنطینوس (۱) پاپ: ۹۱
Fīlībūs / Philippus	تاریخ فیلیپوس قیصر: ۹۲
Grīgūrījūs / Gregorius (II)	تاریخ گریگوریوس (۲) پاپ: ۹۲
Anasṭāsijūs / Anastasius (II)	تاریخ انسطاسیوس (۲) قیصر: ۹۲
Tāuṭūsijūs / Theodosius (III)	تاریخ تئوٹوسیوس (۳) قیصر: ۹۲
Lijū / Leo (III)	تاریخ لئو قیصر (۳) و پسر: ۹۲
Grīgūrījūs / Gregorius	تاریخ گریگوریوس (۳) پاپ: ۹۳
Ḳuṣṭanṭīnūs / Constantinus (V)	تاریخ قسطنطینوس (۵) قیصر: ۹۳
Zakarījās / Zacharias	تاریخ زکریاس پاپ: ۹۳
Iṣṭafanūs / Stephanus (II)	تاریخ اسطفنوس (۲) پاپ: ۹۳
Bāulūs / Paulus (I)	تاریخ باولوس (۱) پاپ: ۹۳
Ḳuṣṭanṭīnūs / Constantinus (II)	تاریخ قسطنطینوس (۲) پاپ: ۹۴
(Lijū / Leo (IV)	[تاریخ لئو (۴) قیصر]: ۹۴
Lijū / Leo	تاریخ لئو قیصر: ۹۴
Iṣṭafanūs / Stephanus (II)	تاریخ اسطفنوس (۲) پاپ: ۹۴
Lijū / Airīnah / Leo / Irene	تاریخ لئو قیصر و مادرش ایرینه: ۹۴
Adrijānūs / Hadrianus (I)	تاریخ ادریانوس (۱) پاپ: ۹۴
Airīnah / Irene / Lijū / Leo	تاریخ مادر لئو قیصر: ۹۵
Lijū / Leo	تاریخ لئو قیصر، بعد از مادرش: ۹۵
Lijū / Leo (IV)	تاریخ لئو (۴) پاپ: ۹۵
Karulūs / Carolus	تاریخ کرلوس قیصر: ۹۵
Iṣṭafanūs / Stephanus (III)	تاریخ اسطفنوس (۳) پاپ: ۹۵
Lūṭuwīkūs (I) / (Lūtariyūs	تاریخ لوطویکوس (۱) [قیصر]

Ludovicus (I) / Lotharius	۹۶	و پسرش لوتريوس:
Baskālis / Paschalis (I)	۹۶	تاريخ بسکالس (۱) پاپ:
Ūģīnūs / Eugenius (II)	۹۶	تاريخ أجينوس (۲) پاپ:
Falantīnūs / Valentinus	۹۶	تاريخ فلنطينوس پاپ:
Grīgūrijūs / Gregorius (IV)	۹۶	تاريخ گريگوريوس (۴) پاپ:
Lūṭarijūs / Lotharius (I)	۹۶	تاريخ لوطريوس (۱) قيصر:
Sargijūs / Sergius (II)	۹۷	تاريخ سرگيوس (۲) پاپ:
Banaīkṭus / Benedictus		تاريخ بنطكطوس،
Leo (III)	۹۷	(لئو (۳) پاپ):
Banaīkṭūs / Benedictus (III)	۹۷	تاريخ بنطكطوس (۳) پاپ:
Bāulūs / Paulus	۹۷	تاريخ باولوس پاپ:
Lūṭuwīkūs / Ludovicus (II)	۹۷	تاريخ لوطويكوس (۲) قيصر:
Istābinūs / Stephanus	۹۸	تاريخ اسطبينوس پاپ:
Nīkūlāūs / Nicolaus (I)	۹۸	تاريخ نيكولائوس (۱) پاپ:
Adrijānūs / Hadrianus (II)	۹۸	تاريخ ادريانوس (۲) پاپ:
Karulūs / Carolus (II)	۹۸	تاريخ كرلوس (۲) قيصر:
Jūḥannās / johannes (VIIII)	۹۸	تاريخ يوحنّس (۸) پاپ:
Karulūs II / Carolus (III)	۹۸	تاريخ كرلوس ثانی (۳) قيصر:
(Jūḥannās / johannes (VIIII)	۹۹	(تاريخ يوحنّس VIIII):
Marṭīnūs		تاريخ مرطينوس (۲)،
Marinus (I)	۹۹	[مريوس (۱)] پاپ:
Aṭrijanūs / Hadrianus (III)	۹۹	تاريخ اطريانوس (۳) پاپ:
Istābinūs / Stephanus (V)	۹۹	تاريخ اسطبينوس (۵) پاپ:
[Urnufūs / Aurnofus	۹۹	[تاريخ ارنوفس قيصر:

Furmūsūs / Formosus	تاریخ فرموسوس پاپ: ۱۰۰
Bunifāsijūs / Bonifatius (VI)	تاریخ بنیفاسیوس (۶) پاپ: ۱۰۰
Istařanūs / Stephanus (VI)	تاریخ اسطفنوس (۶) پاپ: ۱۰۰
Rūmānūs / Romanus	تاریخ رومانوس پاپ: ۱۰۰
Ṭījūrūs / Theodorus (II)	تاریخ تیوطروس (۲) پاپ: ۱۰۰
Jūhannās / johannes (IX)	تاریخ یوحنّس (۹) پاپ: ۱۰۰
Banařiktūs / Benedictus (IV)	تاریخ بنطکطوس (۴) پاپ: ۱۰۰
Lijū / Leo (IV)	تاریخ لئو (۴) پاپ: ۱۰۱
Kriřtūřūrūs / Christophorus	تاریخ کرسطوفوروس پاپ: ۱۰۱
[Urnulfus / Arnulphus	[تاریخ ارنولفس قیصر. ۱۰۱
Lūřwfīkūs / Ludovicus (III)	تاریخ لوطوفیکوس (۳) قیصر،
Brangarijūs / Berengarius	و برادرش برنگاریوس ۱۰۱
Sirgijūs / Sergius (III)	تاریخ سرگیوس (۳) پاپ: ۱۰۱
Anařāsijūs / Anastasius (III)	تاریخ انسطاسیوس (۳) پاپ: ۱۰۱
Lanřu	تاریخ لانتو پاپ: ۱۰۲
Ūgū / Hugo	تاریخ اوگو قیصر: ۱۰۲
Jūhannās / Johannes (X)	تاریخ یوحنّس (۱۰) پاپ: ۱۰۲
Lijū / Leo (V)	تاریخ لئو (۵) پاپ: ۱۰۲
Iřtabinūs / Stephanus (VII)	تاریخ اسطینوس (۷) پاپ: ۱۰۳
< Kunrādūs Conradus / (I)	<تاریخ کنرادوس (۱) قیصر: ۱۰۳
Hanrīkūs / Henricus (I)	تاریخ هنریکوس (۱) قیصر: ۱۰۳
Jūhannās / Johannea (XI)	تاریخ یوحنّس (۱۱) پاپ: ۱۰۳
Lijū / Leo (VI)	تاریخ لئو (۶) پاپ: ۱۰۳
Iřtabanijūs / Stephanus (VIII)	تاریخ اسطینوس (۸) پاپ: ۱۰۳

Marīnūs / Martinus (III)	تاریخ مرطینوس (۳)،
< Marinus II >	[مرینوس II] پاپ: ۱۰۳
Barangārijūs / Berengarius (I)	تاریخ برنگاریوس (۱) قیصر: ۱۰۴
Agāpaṭūs / Agapetus (II)	تاریخ اغاپطوس (۲) پاپ: ۱۰۴
Lūtarijūs / Lotharius (II)	تاریخ لوتریوس (۲) قیصر: ۱۰۴
Jūhnnās / Johannes (XII)	تاریخ یوحنّس (۱۲) پاپ: ۱۰۴
Barangārijūs / Berengarius (II)	تاریخ برنگاریوس (۲) قیصر و پسرش: ۱۰۴
Banaṭīktūs / Benedictus (V)	تاریخ بنطکطوس (۵) پاپ: ۱۰۵
Lijū / Leo (VII)	تاریخ لیون (لئو) (۷) پاپ: ۱۰۵
Ūṭū / OttO(I)	تاریخ اوٹو (۱) قیصر: ۱۰۵
Jūhannās / Johannes (XIII)	تاریخ یوحنّس (۱۳) پاپ: ۱۰۵
Banaṭīktūs / Benedictus (VI)	تاریخ بنطکطوس (۶) پاپ: ۱۰۵
Ṭaminūs / Donus	تاریخ طمینوس پاپ: ۱۰۶
Ūṭū / Otto	تاریخ اوٹو ثانی قیصر: ۱۰۶
Bunifāsīyūs / Bonifatius (VII)	تاریخ بنیفاسیوس (۷) پاپ: ۱۰۶
Banaṭīktūs / Benedictus (VII)	تاریخ بنطکطوس (۷) پاپ: ۱۰۶
Jūhannās / Johannes (XIV)	تاریخ یوحنّس (۱۴) پاپ: ۱۰۶
Jūhannās / Johannes II (XV)	تاریخ یوحنّس دوم (۱۵) پاپ: ۱۰۶
Jūhannās / Johannes III (XVI)	تاریخ یوحنّس سوم (۱۶) پاپ: ۱۰۶
Ūṭu / Otto III	تاریخ اوٹو سوم قیصر: ۱۰۷
Grīgūrijūs / Gregorius (V)	تاریخ گریگوریوس (۵) پاپ: ۱۰۷
Jūhannās / Johannes (XVII)	تاریخ یوحنّس (۱۷) پاپ: ۱۰۷
Silfaṣṭūrūs / Silvrster (II)	تاریخ سلفسطوروس (۲) پاپ: ۱۰۷
Jūhannās / Johannes (XVIII)	تاریخ یوحنّس (۱۸) پاپ: ۱۰۸

Jūhannās / Johannes (XiX)	تاریخ یوحنّس (۱۹) پاپ: ۱۰۸
Sirgijūs / Sergius (IV)	تاریخ سرگیوس (۴) پاپ: ۱۰۸
Anrīkūs / Henricus (II)	تاریخ انریکوس (۲) قیصر: ۱۰۸
Banaīktūs / Benedictus (VIII)	تاریخ بنطکطوس (۸) پاپ: ۱۰۸
Kunraṭūs / Conradus (II)	تاریخ کنراطوس (۲) قیصر: ۱۰۸
Jūhannās / Johannes (XX)	تاریخ یوحنّس (۲۰) پاپ: ۱۰۹
Banaīktūs / Benedictus (IX)	تاریخ بنطکطوس (۹) پاپ: ۱۰۹
Jūhannās / Johannes (XXI)	تاریخ یوحنّس (۲۱) پاپ: ۱۰۹
Silfaṣṭurūs / Silvester (III)	تاریخ سلفسطروس (۳) پاپ: ۱۰۹
Anrīkūs / Henricus (III)	تاریخ انریکوس (۳) قیصر: ۱۰۹
Grīgūrījūs / Gregorius (VI)	تاریخ گریگوریوس (۶) پاپ: ۱۱۰
Ḳilīmāns / Clemens (II)	تاریخ کلیمنس (۲) پاپ: ۱۱۰
Ṭamasūs / Damasua (II)	تاریخ طمسوس (۲) پاپ: ۱۱۰
Lijū / Leo (VIII)	تاریخ لیون (لئو) (۸) پاپ: ۱۱۰
Fiktūr / Victor (II)	تاریخ فکطور (۲) پاپ: ۱۱۰
Iṣṭabanūs / Stephanus (IX)	تاریخ اسطبنوس (۹) پاپ: ۱۱۰
Banaīktūs / Benedictus (X)	تاریخ بنطکطوس (۱۰) پاپ: ۱۱۱
Nikūlāūs / Nicolaus	تاریخ نیکولاووس (۲) پاپ: ۱۱۱
Alīsandar / Alexander (II)	تاریخ الیسندر (۲) پاپ: ۱۱۱
Anrīkūs / Henricus (IV)	تاریخ انریکوس (۴) قیصر: ۱۱۱
Grīgūrījūs / Gregorius (VII)	تاریخ گریگوریوس (۷) پاپ: ۱۱۱
Fiktūr / Victor (III)	تاریخ فکطور (۳) پاپ: ۱۱۲
Ūrbānūs / Urbanus (II)	تاریخ اوربانوس (۲) پاپ: ۱۱۲
Anrīkūs / Henricus (V)	تاریخ انریکوس (۵) قیصر: ۱۱۲

Faskālis / Paschalis (II)	تاریخ فسکالِس (۲) پاپ: ۱۱۲
Falazijūs / Gelasius (II)	تاریخ فلازیوس (۲) پاپ: ۱۱۲
Kalīkstūs / Calixtus (II)	تاریخ کلیکستوس (۲) پاپ: ۱۱۲
Lūṭarijūs / Lotharius (III)	تاریخ لوٹاریوس (۳) قیصر: ۱۱۳
Unūrijūs / Honorius (II)	تاریخ انوریوس (۲) پاپ: ۱۱۳
Inūsīnsijūs / Innocentius (II)	تاریخ انوسینسیوس (۲) پاپ: ۱۱۳
Kunraṭūs / Conradus (III)	تاریخ کنراٹوس (۳) قیصر: ۱۱۳
Sulasṭīnūs / Coelestinus (II)	تاریخ سُلَسْطینوس (۲) پاپ: ۱۱۳
Lūsijūs / Lucius (II)	تاریخ لوسیوس (۲) پاپ: ۱۱۴
Ūḡīnūs / Eugenius (III)	تاریخ اوجینوس (۳) پاپ: ۱۱۴
Anasṭāsijūs / Anastasius (IV)	تاریخ انسٹاسیوس (۴) پاپ: ۱۱۴
Firīdarīkūs / Fredericus (I)	تاریخ فریدریکوس (۱) قیصر: ۱۱۴
Aṭrijānūs / Hadrianus (IV)	تاریخ اطریانوس (۴) پاپ: ۱۱۴
Alīsandar / Alexander (III)	تاریخ الیسندر (۳) پاپ: ۱۱۴
Lūsijūs / Lucius (III)	تاریخ لوسیوس (۳) پاپ: ۱۱۵
Ūrbānūs / Urbanus (III)	تاریخ اوربانوس (۳) پاپ: ۱۱۵
Grīḡūrijūs / Gregorius (VIII)	تاریخ گریگوریوس (۸) پاپ: ۱۱۵
Ḳilīmāns / Clemes (III)	تاریخ قلمنس (۳) پاپ: ۱۱۵
Sulasṭīnūs / Coelestinus (III)	تاریخ سلسطینوس (۳) پاپ: ۱۱۶
Anrīkūs / Henricus (VI)	تاریخ انریکوس (۶) قیصر: ۱۱۶
Inūsintijūs / Innocentius (III)	تاریخ انوسنتیوس (۳) پاپ: ۱۱۶
Ūṭtu / Otto (IV)	تاریخ اوٹو (۴) قیصر: ۱۱۶
Unūrijūs / Honorius (III)	تاریخ انوریوس (۳) پاپ: ۱۱۶
Grīḡūrijūs / Gregorius (IX)	تاریخ گریگوریوس (۹) پاپ: ۱۱۷

Firīdarīkūs / Fredericus (II)	تاریخ فریدریکوس (۲) قیصر: ۱۱۷
Tūringijjah / Thuringia	تاریخ تورنگیہ قیصر: ۱۱۷
Sulastīnūs / Coelestinus (IV)	تاریخ سلسطینوس (۴) پاپ: ۱۱۷
Gilemus / Guillelmus	تاریخ گلُمس قیصر: ۱۱۷
Inūsintijūs / Innocentius (IV)	تاریخ انوسنتیوس (۴) پاپ: ۱۱۹
Alīsandar / Alexander (IV)	تاریخ الیسندر (۴) پاپ: ۱۱۹
Urbānūs / Urbanus (IV)	تاریخ اوربانوس (۴) پاپ: ۱۱۹
Ḳilīmāns / Clemens (IV)	تاریخ کلیمنس (۴) پاپ: ۱۱۹
Grīgūrījūs / Gregorius (X)	تاریخ گریگوریوس (۱۰) پاپ: ۱۲۰
Inūsintijūs / Innocentius (V)	تاریخ انوسنتیوس (۵) پاپ: ۱۲۰
Adrijānūs / Hadrianus (V)	تاریخ ادریانوس (۵) پاپ: ۱۲۰
Iwānūs / Johannes (XXII)	تاریخ ایوانس، یوحنس (۲۲) پاپ: ۱۲۰
Nikūlāūs / Nicolaus (III)	تاریخ نیکولاوس (۳) پاپ: ۱۲۰
Rudulfus / Rudolphus (I)	تاریخ رُڈلفوس (۱) قیصر: ۱۲۱
Martīnūs / Martinus (IV)	تاریخ مرطینوس (۴) پاپ: ۱۲۱
Unūrījūs / Honorius (IV)	تاریخ انوریوس (۴) پاپ: ۱۲۱
Nikūlāūs / Nicolaus (IV)	تاریخ نیکولاوس (۴) پاپ: ۱۲۱
Sulastīnūs / Coelestinus (V)	تاریخ سلسطینوس (۵) پاپ: ۱۲۱
Aṭulfus / Adolphus	تاریخ اَطْلُفُس قیصر: ۱۲۱
Bunifāsijūs / Bonifatius (VIII)	تاریخ بنیفاسیوس (۸) پاپ: ۱۲۲
Adalbartūs / Adalbertus	تاریخ ادالبرطوس قیصر: ۱۲۲
Banaṭīktūs / Benedictus (XI)	تاریخ بنطکتوس (۱۱) پاپ: ۱۲۲

[تاریخ افرنج]

[و آنچه بدان تعلق دارد از ذکر ولایات و شرح پادشاهی
پادشاهان آنجا و مدّت مُلک هر یک از ایشان]*

۵

فهرست

اقسام ابواب تاریخ افرنج از ابتدای ظهور آدم^۱ صلی الله علیه السّلام تا این
زمان که شهر سنه خمس و سبعمایه هجری است و آن مشتمل است بر دو
قسم:

قسم اول: از ابتدای ظهور آدم علیه السّلام تا زمان ولادت مسیح^۲ علیه السّلام،^{۱۰}
و آن چهار باب است:

باب اول: در حصر طوایف پادشاهان گذشته از هر قومی از اقوام که بودند.

باب دوم: در آفرینش آدم علیه السّلام و ذکر فرزندان و مقدار اعمار ایشان.

باب سوم: در ذکر نوح^۳ علیه السّلام و فرزندان او و بیان مقدار اعمار ایشان.

*. نسخه چاپی فاقد این فهرست است.

1. Ādam

2, Masīh

3. Nūḥ

باب چهارم: در ولادت ابراهیم^۱ علیه السلام و ذکر ذریت او با یوقیم^۲* و دختر او مریم^۳ مادر مسیح^۴.

قسم [دوم]: از ابتدای ولادت مسیح علیه السلام الی یومنا هذا که شهور سنه خمس و سبعمایه هجری است، و آن چهار باب است:

۵ باب اول: در معتقد اقوام نصاری در حق مسیح علیه السلام.

باب دوم: در بیان حدود ولایت ارمن^۵ از مداین و ضیاع.

باب سوم: در معرفت ولایات افرنج و بحار و جزایر و بیان خواص هر زمینی و ذکر پادشاهان آنجا.

باب چهارم: در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه [او] و ذکر احداس پایان و قیصره که پادشاهان افرنج اند. ۱۰

*

چون فهرست ابواب و اقسام این تاریخ افرنج مفصل و مشروح در قلم آمد: این زمان آغاز کنیم و در بیان هر قسمی از آن هم بر این ترتیب شروع نماییم. والله تعالی هوالمستعان و علیه التکلان. ۱۵

*

*. در نسخه اساس و نسخه «تو» صریحاً بشکل «یوقیم» آمده است، ضبط ترجمه آلمانی «یواخیم» است.

1. Ibrāhīm

2. jūkīm , Jūjākīm

3. Marjam

4, Masīh

5. Arman

قسم اوّل*
از تاریخ افرنج و آن مشتمل است بر چهار باب

باب اوّل

۵ در طوایف پادشاهان گذشته به زعم فرنگان

و در تواریخ حکمای یونان و دانایان افرنج چنان مسطور است که از ابتدای آفرینش آدم^۱ علیه السّلام تا این زمان که شهر سنه خمس و سبعمایه هجری است؛ ده طایفه از طوایف اقوام ارباب دولت شده‌اند، و پادشاهی در خاندانهای ایشان بوده است بدین تفصیل و ترتیب که ایراد کرده می‌شود.^{۱۰}
طایفه اوّل: آدم صلوات الله علیه و سلامه و فرزندان او تا زمان موسی^۲ علیه السّلام.

طایفه دوم: انبیای بنی اسرائیل، اوّل ایشان موسی علیه السّلام.

*. نسخه چاپی فاقد این بخش است.

1. Ādam

2. Mūsā

- طایفه سوم: ملوک بنی اسرائیل، مقدم ایشان شائول^۱. [295v=1]
- طایفه چهارم: ملوک کلدانیین^۲ اول ایشان بُحْتَنْصَر^۳.
- طایفه پنجم: پادشاهان مجوس عجم، اول ایشان دریوش الماهی^۴.
- طایفه ششم: یونانیان، اول ایشان اسکندر^۵ که از مقدونیه خروج کرد و عالم
۵ بگرفت.
- طایفه هفتم: افرنج که پادشاهان مقیم ایشان را قیصر می خوانند، اولشان
اغسطوس^۶ قیصر.
- طایفه هشتم: یونانیان نصاری.
- طایفه نهم: عرب و اهل اسلام، سرور و مهتر ایشان محمد^۷ مصطفی
۱۰ علیه الصلوة والسلام.
- طایفه دهم: ترک و مغول، پادشاه ایشان چنگگیزخان^۸ و اروغ نامدار [او] که
اکثر عالم مسخر ایشان است.

1. Šā'ūl

4. Darjūš al-Mādī

7. Muḥammad

2. Kaldānijjīn

5. Iskandar

8. Ġinggiz Ḥān

3. Buḥtnašar

6. Aġuštūs

باب دوم*

از قسم اول از تاریخ افرنج در بیان فطرت آدم^۱ و حوا^۲ و فرزندان ایشان

۵

زعم اقوام افرنج آن است که باری تعالی و تقدّس به کمالِ قدرتِ خویش آدم را در زمین دمشق بیافرید و به بهشت برد که از آن چهار رودخانه بزرگ بیرون می‌آید: نیل^۳ و فرات^۴، جیحون^۵، فرون^{**}.

و آدم تنها در آنجا می‌خفت. ایزد تعالی جهتِ مؤانست [او] از یک استخوانِ پهلوی او حوا را بیافرید تا آدم به حضور او اُنس و آرام یافت؛ و^{۱۰} ابلیس به شکلِ مار برآمد و حوا را بفریبانید تا میوه‌ای را که حق تعالی از خوردن آن نهی کرده بود، می‌خورد و به شوهر نیز می‌داد. ناگاه خشم خدای در رسید و هر دو برهنه شدند، و عوراتِ خود را به برگ

*. نسخه چاپی فاقد این بخش است.

1. Ādam

2. Ḥawā

3. Nīl

4. Furat

5. Ġaiḥūn

*. نسخه اساس و نسخه «تو» هر دو «فرون» آورده‌اند، در ترجمه آلمانی ص ۳۴ صریحاً کارون آمده؟!

درختِ انجیر می‌پوشانیدند. حق تعالی ایشان را از بهشت براند، و گروهی زبانیۀ دوزخ را با شمشیرها از آتشِ افروخته بر درِ بهشت بنشانند تا دخولِ آدم^۱ و حوّا^۲ را مانع شوند.

از آن وقت باز دگر [در] بهشت باز نشد تا آنگاه که عیسی^۳ علیه‌السلام از دارِ فنا به دارِ بقا شد. حق تعالی فرمود که وقتی آدم را بیمارزم که از کسبِ دستِ خود خورد. آدم بعد از خروج از بهشت چون سی سال از عمر او گذشته بود، با حوّا مباشرت کرد. از او پسری قابیل^۴ نام و دختری اقلیما^۵ نام توأم در وجود آمدند.

و بعد از آن به سی سال دیگر [بار] مباشرت کرد، پسری هابیل^۶ نام و دختری لبودا^۷ نام به یک شکم در وجود آمدند. پس از هفتاد سال دیگر، دختری که توأم این برادر بود به آن برادر داد. قابیل طالبِ توأم خود شد؛ و به جهت آنکه به قربان تقرّب می‌جست از ثمار زمین، به سبب آنکه فلاح بود، قربانِ او قبول نیامد. خشم گرفت و برادر خود هابیل را بکشت؛ و اساس قتل و ظلم و عدوان او نهاد؛ و شهری ساخت به نام پسرِ خود اخنوخ^۸ نام.

و آدم به سبب قتل هابیل صد سال می‌گریست. بعد از آن با حوّا صحبت کرد. پسری در وجود آمد او را، شیث^۹ نام نهاد؛ و آن روز از عمرِ آدم گذشته بود به قول نصاری دویست و سی سال؛ و به رای یهود صد و سی سال؛ و به قول هر دو طایفه آدم علیه‌السلام نهصد و سی سال بزیست، آنگاه از دارالبوار به دارالقرار رحلت کرد و با مقامِ اصلی خود به بهشت رفت و فرزندان را در دستِ حوادثِ عالم کون و فساد بگذاشت؛ و نسب فرزندان او تا به نوح^{۱۰} علیه‌السلام بدین ترتیب است:

- | | | |
|--------------------|-----------|----------------|
| 1. Ādam | 2. Ḥawā | 3. Īsā (gesus) |
| 4. Qābīl (Abel) | 5. Iqlīmā | 6. Hābīl |
| 7. Labūdā (Lebuda) | 8. Uḥnūḥ | 9. Šīt |
| 10. Nūḥ | | |

- پسر آدم^۱، شیث^۲، پسری آورد او را آنوش^۳ نام کرد، و آن زمان عمر او به قول نصاری دویست و شصت و پنج سال بود، و به رای یهود صد و شصت و پنج ساله. [و به هر دو قول تمام عمر او نهصد و دوازده سال بود.]
- پسر شیث، آنوش. از وی پسری آمد او را قینان^۴ نام نهاد، و در آن وقت به قول نصاری عمر او به صد و نود سال رسیده بود؛ و به قول یهود به نود سال؛ ۵ [و به اتفاق فریقین مجموع عمر او نهصد و پنج سال بود.]
- پسر آنوش، قینان. او را پسری در وجود آمد نام او مهلائیل^۵ نهادند، و معلوم نیست که در آن زمان از عمر او چه گذشته بود، ولیکن مجموع عمر او [296r = 2] با اتفاق نصاری و یهود هشتصد و شصت و پنج سال.
- [پسر قینان، مهلائیل، از او پسری در وجود آمد نام او یارد^۶ و چون یارد بن مهلائیل صد و شصت و دو ساله شد؛ از وی پسری آمد اخنوخ^۷ نام نهاد؛ و با اتفاق فریقین مجموع عمر او نهصد و شصت و دو سال بود. ۱۰
- و این اخنوخ هرمس^۸ است به زعم یونانیان که عرب او را ادریس^۹ النبی خوانند. مقام او در صعیدالاعلی مصر بود، و بنای آن او نهاد؛ و مردم را به طوفان انداز کرد؛ و بر طاعات و عبادات مواظب بودی؛ او را پسری آمد، ۱۵ متوشلح^{۱۰} نام نهاد؛ و در آن زمان از عمر اخنوخ به قول نصاری صد و شصت و پنج سال، و به قول یهود شصت و پنج سال گذشته بود، و تمام عمر او سیصد و شصت و پنج سال بود.
- از پسر اخنوخ، متوشلح پسری آمد، او را لامخ^{۱۱} نام کرد، و با اتفاق یهود و نصاری عمر او نهصد و شصت و دو سال بود. پسر متوشلح، لامخ که او را به] ۲۰

1. Ādam

2. Šīt

3. Ānūš

4. Qīnān

5. Mahlā'il

6. Jārīd

7. Uhnūh

8. Harmas

9. Idrīs

10. Matūšalah

11. Lāmīh

[زبان عرب لمک^۱ گویند، از وی نوح^۲ پیغمبر علیه السلام در وجود آمد؛ و این لامخ^۳ پیش از پدر وفات یافت، و باتفاق یهود و نصاری مدّت عمر او هفتصد و هفتاد و هفت سال بود.]

1. Lamak

2. Nūḥ

3. Lāmīḥ

[باب سیوم]

[از قسمِ اوّل از تاریخِ افرنج در ذکر آمدنِ نوح^۱ علیه السّلام،
و فرزندان و مقدارِ اعمارِ ایشان*]

۵

[نوح بن لامخ^۲ به زمینِ شام^۳ در وجود آمد؛ و از او سه پسر آمدند؛ سام^۴ و
حام^۵ و یافت^۶؛ و مدّت نهصد و پنجاه سال بزیست؛ و چون از عمرِ او ششصد
سال گذشته بود، طوفانِ آب پدید آمد؛ و حق تعالی بیشتر او را از حال طوفان
خبر کرده بود؛ و به فرمانِ الهی کشتی ساخته، طولِ آن سیصد ذراع^۷ و
عرضش پنجاه و عمق سی.

۱۰

و خود با زن و هر سه پسر با زنانِ ایشان به کشتی درآمد؛ و از انواع و
اصناف حیوان، چرنده و پرنده، از آنچه پاک بودند، هفت جفت نر و ماده، و از
نجس یک جفت درآورد؛ و از طعام آن مقدار که سدّ الرمقی باشد؛ و چون به

1. Nūḥ

2. Lāmiḥ

5. Ḥām

3. Šām

6. Jāfiṭ

4. Sam

7. Dirāʿ

*.نسخه چاپی فاقد «باب سیوم از قسم اوّل...» است.

[کشتی در آمد، چهل شبانروز متواتر باران بارید، و بیست و هفتم ماه ایار^۱ رومی آب بالا گرفت، و چهل گز از سر کوهها بگذشت.

و بعد از یک سال تمام نوح^۲ از کشتی بیرون آمد [B-412R] [۲=۴۱۰]؛

و گوشت حیوانات بر مردم حرام بود. حق تعالی بسبب ضرورت بر نوح و فرزندانش او مباح گردانید. و نوح عمارت و زراعت پیش گرفت، و درخت انگور^۵ بنشانند، و آب آن بیاشامید و مست شد و بخفت.

و جامه از او باز افتاد، و عورتش ظاهر شد؛ و حام^۳ بر وی بگذشت و بخندید، و عورت پدر را نپوشانید؛ و سام^۴ و یافث^۵ بیوشانیدند. نوح چون بیدار شد و از حال فرزندان آگاهی یافت، حام را با فرزندان لعنت کرد؛ و بدان سبب حق تعالی فرزندان او را در فسق و فجور بگذاشت تا قیامت. آنگاه نوح^{۱۰} علیه السلام بلاد السودان^۶ را به حام داد و بلاد السمر^۷ به سام و بلاد الشقر^۸ به یافث.

بعد از آن نوح وفات یافت. فرزندان او از سام تا ابراهیم^۹ علیه السلام بدین ترتیب و تفصیل اند: پسر نوح سام. او را پسری در وجود آمد ارفحشد^{۱۰} نام کرد؛ و وسط معموره جهان از فرزندان او پسر آدمی شد، و مدّت عمر او دویست سال بود.

ارفحشد را پسری آمد نام او قینان^{۱۱} کرد، و مدّت عمر او چهارصد و شست و پنج سال بود.

پسر ارفحشد قینان، از وی پسری آمد شالخ^{۱۲} نام نهاد؛ و پیش جهودان او پسر ارفحشد است؛ و قینان بعد از طوفان علوم افلاک اختراع کرد؛ و فرزندانش بعد از او صورت وی از زر بساختند و سجده می کردند؛ و شهر^{۲۰}

1. Ajjār

4. Sam

7. Sumr

10. Arfaḥṣad

2. Nūḥ

5. Jāfiṭ

8. Šuḡr

11. Qīnān

3. Ḥām

6. Sūdān

9. Ibrāhīm

12. Šālīḥ

[حرّان^۱ او بنا کرد؛ و مدّت عمر او چهارصد و سی سال است.
 پسر قینان^۲ شالغ^۳، پسری آورد، او را عابر^۴ نام نهاد، و مدّت عمر او نیز
 چهارصد و سی سال است.]*
 پسر شالغ عابر، او را پسری آمد و نام او فالغ^۵ کرد، و عبری^۶ از عابر مشتق
 است؛ و پیشتر لغت مردم سریانی^۷ بود؛ و حق تعالی به آن زبان با آدم^۸ سخن
 گفته؛
 و بعد از آن به سه زبان منقسم شد. افسح آن ارمانیه^۹. لغت رها^{۱۰} و حرّان
 و شام^{۱۱} خارجه و فلسطینیه الی دمشق^{۱۲} و جبل لبنان^{۱۳}، و کلدانیه^{۱۴} لغت
 جبال و سوادِ عراق^{۱۵}.

و مدّت عمر عابر سیصد و چهل و سه سال بود.
 پسر عابر: فالغ^{۱۶}. پسری آورد و او را ارغو^{۱۷} نام کرد، و در آن زمان
 فرزندان نوح^{۱۸} دیگر باره مُلک زمین قسمت کردند، فرزندان سام^{۱۹} را وسط
 معموره فلسطین و شام و آثور^{۲۰} و سامرا و بابل^{۲۱} و فارس و حجاز^{۲۲} رسید؛ و
 فرزندان حام^{۲۳} را جنوب و افریقیه و زنج^{۲۴} و مصر و نوبه^{۲۵} و بربر^{۲۶} و حبشه و
 سند^{۲۷} و هند^{۲۸}؛ و فرزندان یافث^{۲۹} را شمال اندلس و افرنج و بلاد یونان و

1. Ḥarrān	2. Kīnān	3. Šālīḥ
4. Ābir		
5. Fāliḡ	6. 'brī	7. Surjānī
8. Ādam	9. Armānijh	10. Ruhā
11. Šām	12. Dimišk	13. Libnān
14. Kaldānijjah	15. 'Irāḡ	16. Fāliḡ
17. Arḡū	18. Nūḥ	19. Sām
20. Atūr	21. Babil	22. Ḥiḡāz
23. Ḥām	24. Zanḡ	25. Nūbah
26. Barbar	27. Sind	28. Hind
29. Jāfiṭ		

*. پس از: «پسر شالغ، عابر...» دو متن یکسان و همانند است، از این روی از آوردن ادامه مطلب نسخه «تو» خودداری می‌کنم و به نقل نسخه اساس می‌پردازم با مقابله آن با نسخه «تو».

صقالبه و بلغار و ترک و ارمن.

عمر فالغ^۱ سیصد و چهل و سه سال بود.

پسرِ فالغ، ارغو^۲. از او پسری آمد او را ساروغ^۳ نام نهاد، و در آن زمان نمرود^۴ بن کوش^۵ از اولادِ حام^۶ در بابل^۷ پادشاه بود، و صرحی شامخ بنا کرد، و ریحِ عاصف آن را از بیخ بکند و خراب گردانید؛ و نمرود بمرد؛ پسری داشت نام او بالوس^۸، او را پسری بود نینوس^۹ نام، به نام خود شهری ساخت به کنار جودی موصل و خراب است.

و عمرِ ارغو سیصد و سی و نه سال بود.

پسرِ ارغو ساروغ. او را پسری در وجود آمد نام او ناخور^{۱۰} کرد، و در عهد او سگّه دینار^{۱۱} و درم^{۱۲} بادید آمد؛ و در آن زمان، فرعون^{۱۳} بن سائیس از فراعنه مصر مستولی شد.

و مدّت عمرِ ساروغ سیصد و سی سال بود.

پسر ساروغ. ناخور. او را پسری آمد او را ترخ^{۱۴} نام نهاد؛ و مدّت عمرِ او دویست و یک سال بود. والسّلام.

پسر ناخور: ترخ. از او ابراهیم^{۱۵} پیغامبر صلوات الله علیه و سلامه در وجود آمد؛ و در آن عهد ملک فلسطین مورو فوس^{۱۶} نام شهر دمشق^{۱۷} را بنا کرد، و مدّت عمر ترخ بعد از آن که در شهر حرّان^{۱۸} وفات یافت دویست و هفتاد و پنج سال بود.

و از عهد نوح^{۱۹} باز تاریخی [شد و] اختلافی که میان تاریخ یهود و نصاری

- | | | |
|-------------|--------------------|-------------|
| 1. Fāliq | 2. Argū | 3. Sārūg |
| 4. Nimrūd | 5. Kūš | 6. Hām |
| 7. Babil | 8. Bālūs | 9. Nīnūs |
| 10. Naḥūr | 11. Dīnār | 12. Dirham |
| 13. Fir'aun | 14. Tārah (Terach) | 15. Ibrāhīm |
| 16. Mūrfūs | 17. Dimišk | 18. Ḥarrān |
| 19. Nūḥ | | |

- بود مرتفع گشت و هر دو تاریخ متحد شد؛ و این معنی از آنجا معلوم شده که در زمان بطلمیوس پادشاه که به مدّت دویست و سی و شش سال بر مولد عیسی^۱ علیه السّلام مقدّم بود، وزیر او به فرمان وی کتب انواع علوم جمع کرد. بعد از او بطلمیوس از او پرسید که هیچ کتابی ماند که در خزانه ما نیست.
- ۵ وزیر گفت: کتب وحی بنی اسرائیل مانده. فرمود تا حاصل کنند. وزیر احبار بنی اسرائیل از هر سبطی شش نفر، هفتاد و دو کس را جمع کرد، و هر دو نفر را در موضعی جدايگانه بنشانند تا توریت را که حفظ داشتند، املا کردند. سی و شش نسخه حاصل شد، و چون مقابله کردند، تمامت موافق و مطابق همدیگر آمد، چنانکه هیچ اختلافی در لفظ و معنی نبود.
- ۱۰ بطلمیوس بر آن اعتماد کرد و در خزانه نهاد؛ و طوایف نصاری بر صحّت آن اعتماد دارند؛ و توریت دیگر که در دست بنی اسرائیل است آن را بسیطه^۲ می گویند؛ و یهودیان بر آن بسیطه اعتماد می کنند؛ و میان این دو نسخه از آدم^۳ تا ابراهیم^۴ علیهما السّلام در مدّت به یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج سال اختلاف است؛ و از عهد ابراهیم علیه السّلام باز در کمیّت مقدار تواریخ هیچ اختلاف نیست.

1. 'Īsā

2. Baṣīṭah

3. Ādam

4. Ibrāhīm

باب چهارم

از قسم اول از تاریخ افرنج از ولادت ابراهیم^۱ پیغامبر صلوات الله علیه
و ذکر ذریّت او تا به مریم^۲ مادرِ مسیح علیه السلام*

۵

ابراهیم النبی صلوات الله و سلامه علیه از تَرخ^۳ بن ناخور^۴ در وجود آمد، و
مدّت صد و هفتاد و پنج سال عمر یافت؛ و در سنّ پانزده سالگی دعای او
مستجاب شد به قریه کلدانیین^۵؛ و هیكل اصنام را بسوخت؛ و برادرِ او هاران^۶
نام خواست تا بتان را از آتش خلاص دهد، او نیز سوخته شد.

آنگاه ابراهیم^۷ بعضی خویشان و متعلقان را برگرفت و از دست دشمنان به
حرّان^۸ گریخت؛ و چهارده سال آنجا مقیم شد.

بعد از آن به وی وحی آمد که به شهر مصر^۹ رو بازن و بچه. به مصر روانه
شد، و در راه به ملکیزدق^۹ پیغامبر رسید، و او را [296v=3]

1. Ibrāhīm

2. Marjam

*.نسخه چاپی فاقد این بخش است.

3. Taraḥ

4. Nāhūr

5. Kaldanijjn

6. Hārān

7. Ḥarrān

8. Miṣr

9. Malkīzadaq

* [احترام بسیار کرد، و عشرِ مال به مَلْکِزَدَق^۱ داد، و او ابراهیم]^۲ را دعای بسیار کرد و گفت می‌بینم که نسلِ تو چون ستارهٔ آسمان بی‌حد و عدّ باشد و چون ریگ بیابان بی‌حصر و قیاس.

و چون ابراهیم به مصر رسید، فرعون^۳ او را طلب داشت و از ابراهیم پرسید که ساره از آنِ تو چه باشد؟ گفت: خواهرِ من است از پدر، و دخترِ عم^۴ او بود. فرعون بدانست که او زن ابراهیم بوده است. او را به ابراهیم رد کرد با تحف و هدایا، از آن جمله کنیزکی بود هاجر^۴ نام، و بعد از مدّتی چون ابراهیم را از ساره^۵ فرزند نمی‌شد، با هاجر و طی کرد. از او پسری در وجود آمد، او را اسمعیل^۶ نام نهاد.

۱۰ هاجر به واسطهٔ فرزند بر ساره که خاتون بود تکبر کرد. ساره او را با فرزند به هم به بطایح عرب راند. هاجر شبی شخصی نورانی به خواب دید که او را تسلی می‌کرد و گفتی: خوشدل باش که از این پسرِ تو اسمعیل امّتی عظیم متولّد شوند.

و چون صد سال از عمرِ ابراهیم علیه‌السّلام بگذشت، ساره حامله شد، و از او اسحق^۷ در وجود آمد؛ و چون نوزده ساله شد، ابراهیم او را به کوه برد تا قربان کند، باری تعالی در حال او را بره‌ای فرستاد که این را از برای نفسِ اسحق قربان کن.

و نصاری می‌گویند این مثل مسیح بود علیه‌السّلام که نفس خود را برای دین خدا و بهرِ خلق قربان کرد؛ و چون اسحق را سال به سی و هشت رسید ساره نماند؛ و بعد از آن ابراهیم علیه‌السّلام نیز وفات یافت و متوجّه حضرت^{۲۰} [

*. نسخهٔ اساس و نیز چاپی فاقد این بخش است. تا برگ ۳۵، س ۱۵.

1. Malkīzadāq

2. Ibrāhīm

3. Fir'aun

4. Hāgīr

5. Sārah

6. Ismā'īl

7. Ishāk

[قدس شد؛ و ایشان هر دو را در مغاره‌ای که می‌گویند استخوانهای آدم^۱ علیه‌السلام آنجا است نهادند در حدود بیت‌المقدس^۲؛ و آن را این زمان خلیل‌الله می‌خوانند.

اسحق^۳ علیه‌السلام دو فرزند آورد: یعقوب^۴ پیغمبر علیه‌السلام که پدر بنی اسرائیل بود، و عیص^۵ جدّ اقوام فرنگ؛ و چون رَبَّكَه^۶ زن اسحق به این دو فرزند توأم حامله بود، اسحق از مَلَكِزَدَق^۷ پیغمبر پرسید که این حامله چه زاید؟ گفت: دو پسر آرد که مهتر خدمت کهنتر کند.

و عیص دخترِ عمِّ خود [ماجله] بنت اسمعیل^۸ را بنخواست، و از او پسری آورد اکروم^۹ نام که تمامت بنوالاصفر از نسلِ وی‌اند؛ و ایوب^{۱۰} پیغمبر علیه‌السلام از نسلِ عیص است. ایوب بن موص بن راریح^{۱۱} بن عیص بن اسحق، و راریح را بعضی زاغول^{۱۲} گویند؛ و مادر ایوب از فرزندانِ لوط^{۱۳} بود. و چون فرزندانِ اسحق به حدِّ بلوغ رسیدند، عیص مردی شجاع دلاور و شکار دوست بود. اسحق گوشت شکار دوست داشتی. روزی عیص به شکار بود و اسحق را چشمها پوشیده. فرمود عیص را بگویند تا مرا از گوشتِ شکار طعام دهد، تا او را دعا کنم. مادرِ یعقوب را دوستر می‌داشت. او را گفت: پدر^{۱۵} را طعام ده تا ترا دعا کند. یعقوب او را طعام داد؛ و چون بر تنِ عیص موی بسیار بود، یعقوب پوستینی در دست کشید. اسحق چون او را لمس کرد، گفت: به تنِ عیص مانند لکن بوی یعقوب می‌آید؛ و دست بر سر او مالید و او را دعا کرد.

حق تعالی به او پیغمبری ارزانی داشت، و عیص از آن محروم ماند. [چون]^{۲۰}

- | | | |
|------------------|---------------------|------------|
| 1. Ādam | 2. Bait al-Muḳaddas | 3. Ishāḳ |
| 4. Ja'kūb | 5. 'Iṣā | 6. Rabakka |
| 7. Malkīzadaḳ | 8. Ismā'īl | 9. Akrūm |
| 10. Ajjūb (Hiob) | 11. Rārīḥ | 12. Zāgūl |
| 13. Lūṭ | | |

[از شکار باز آمد، یعقوب از او بگریخت و پیش برادرِ مادر خود رفت، لاوان^۱ به شهرِ حرّان^۲؛ و دخترِ کهنتر او را خواستاری کرد. لاوان دخترِ مهتر به او داد. یعقوب^۳ هفت سال به جهت دخترِ کهنتر خدمت لاوان کرد و او را بخواست، و با ولایتِ خود مراجعت نمود با دوازده پسر که یهود ایشان را اسباط خوانند: روبین^۴، شمعون^۵، لاوی^۶، که موسی^۷ علیه السّلام نسل وی است؛ ایساخار^۸، زبُولون^۹، یوسف^{۱۰}، مادرش راحیل^{۱۱} نام بود؛ بنیامین^{۱۲}، او نیز از راحیل آمده. جاد^{۱۳}، مادرِ او زلفا^{۱۴} بود، اسیر^{۱۵}، مادر او نیز هم زلفا بود، دان^{۱۶}، او را زنی، بلها^{۱۷} نام آورده است، نفتالی^{۱۸}؛ او را نیز هم بلها آورده است.

۱۰ و مراد ما از این تاریخ، تاریخ مسیح علیه السّلام است، و او از مریم در وجود آمد، و مریم^{۱۹} از نسلِ داود^{۲۰} علیه السّلام بود؛ و داود از نسلِ یهودا^{۲۱} ابن یعقوب.

ذکر فرزندان یهودا بطناً بعد بطن [یاد] خواهیم کرد تا به

مریم مادرِ مسیح علیه السّلام*

یهودا بن یعقوب از اهلِ کنعان^{۲۲} زنی خواست و از او سه پسر آورد: [

- | | | |
|------------|-----------|--------------|
| 1. Lāvān | 2. Ḥarrān | 3. Ja'kūb |
| 4. Rūbīn | 5. Šim'ūn | 6. Lāwī |
| 7. Mūsā | 8. Isāḥār | 9. Zabūlūn |
| 10. Jūsuf | 11. Rāḥīl | 12. Binjāmīn |
| 13. Ġād | 14. Zilfā | 15. Asīr |
| 16. Dān | 17. Bilhā | 18. Naftālī |
| 19. Marjam | 20. Dāwūd | 21. Jahūdā |
| | | 22. Kana'ān |
- *. عنوان گونه‌ای در نسخهٔ «تو» آمده.

[عیر^۱، اونان^۲، شیلا^۳؛ و عیر از بنات لوی زنی بخواست تamar^۴ نام؛ و عیر را از او فرزند نیامد، و عیر وفات یافت. برادر دیگرش اونان نام او را بخواست، از او نیز فرزند نیاورده، نماند. شیلا می‌ترسید که تamar را بخواهد. تamar خود را مجهول ساخت تا شیلا با او وطی کرد و حامله شد، و دو پسر توأم آورد: فِراض^۵ و زرح^۶؛ از فِراض پسری آمد نام او حَصْرُون^۷، و از او فرزند آمد نام او رام^۸، و از او عمیناداب^۹ در وجود آمد، و از او نحسون^{۱۰}، و از او سلمان^{۱۱}، و از او بُوعَز^{۱۲}، و از او اشدای^{۱۳}، و از او داود^{۱۴} علیه‌السلام در بیت‌اللحم^{۱۵}؛ و هفت سال و شش ماه در بیت‌اللحم پادشاهی کرد، و بعد از آن سی و سه سال بر همه بنی اسرائیل پادشاه بود، و توریت و زبور به آواز خوش خواندی.

و نوزده فرزند آورد و هفتاد سال بزیست و چهل و دو سال پادشاهی کرد با پیغمبری؛ و پسر خویش را سلیمان^{۱۶} علیه‌السلام ولی‌العهد و قایم مقام گردانید. سلیمان بن داود علیه‌السلام بزرگتر و قوی‌تر از جمله پادشاهان مصر^{۱۷} و شام^{۱۸} و بنی اسرائیل بود؛ و در سال دوم از پادشاهی خویش بیت‌المقدس^{۱۹} * [آغاز 297r=4] را بنا نهاد، و به مدت یازده سال تمام کرد،^{۱۵} و به زبان یهود^{۲۰} یروشالایم^{۲۱} گویند، و فرنگ او را اورسلیم^{۲۲} گویند، و ولایت شام را سوریا^{۲۳}.

1. 'Īr	2. Ūnān	3. Šīlā (Shela)
4. Tāmār	5. Firāṣ	6. Zarah
7. Ḥaṣrūn	8. Rām	9. 'Amīnādāb
10. Naḥsūn	11. Salmān	12. Bū'az
13. Ašdāy	14. Dāwūd	15. Bait al-laḥm
16. Sulaimān	17. Miṣr	18. Šām
19. Bait al muḥaddas		

* برگ افتاده در اینجا به پایان می‌آید و از این پس هر دو نسخه در پیش ما است.

20. Jahūd	21. Īarūšalāīm	22. Urūsalam
23. Sūrijā		

و در بیت‌المقدس^۱ مال بسیار صرف کرد و مردم را بخواند تا آنجا نماز کردند، و از سلیمان^۲ [رَحَبَعَم] در وجود آمد، و به جهت آنکه به هوا و هوس مشغول می‌بود، از جمله اسباط ده سبط از او برگشتند، و دو سبط در مطاوعت او بماندند، و از او اوبیا^۴ در وجود آمد، و از او آسا^۵، و از او یوشافاط^۶، و از او ئورام^۷، و از او حزیاهو^۸، و از او یوآش^۹، و از او مصیا^{۱۰}، و از او عُزیا^{۱۱}، و از او عوریا^{۱۲}، و از او ئوتام^{۱۳}، و از او آحاز^{۱۴}، و از او حزقیایا^{۱۵}، و از او مَشْشا^{۱۶}، و از او آمون^{۱۷}، و از او اوسیا^{۱۸}.

و از او سه پسر آمدند: اهوآحاز^{۱۹}، صدقیا^{۲۰}، اوخنیا^{۲۱} که پدر دانیال^{۲۲} پیغامبر است، و مریم^{۲۳} مادر مسیح از نسل او است، و از اوخنیا، اسیر، و از او شالتی ایل^{۲۴} در وجود آمد؛ و از او زرویاویل^{۲۵}، و از او ابیود^{۲۶}، و از او ایلیاقیم^{۲۷}، و از او آزر^{۲۸}، و از او صادق^{۲۹}.

و در عهد صادق اسکندر^{۳۰} یونانی از مقدونیه خروج کرد، و دارا^{۳۱} بن داراب^{۳۲} را بکشت، و مُلکِ ایران^{۳۳} بستد و به قدس^{۳۴} آمد، و آن مقام را عزیز و متبرک داشت، و پیران آنجا را بنواخت.

و دانیال پیشتر از آن مردم را از خروج اسکندر إخبار کرده بود. اسکندر

1. Bait al muḳaddas	2. Sulaimān	3. Raḥaba'am (Rechabeam)
4. Ūbā	5. Asā	6. Jūšafāṭ
7. Jūrām	8. Ḥazjāhū	9. Jū'aš
10. Mašijā	11. 'uzijā	12. 'ūrijā
13. Jūtām	14. Aḥāz	15. Ḥizqijā
16. Manašā	17. Amūn	18. Jūsijā
19. Jahūaḥāz	20. Šidkijā	21. Jūhanijā
22. Dānijal	23. Marjam	24. Šālī-īl (Sealtiel)
25. Zarūajāwīl (Zerubabel)		26. Abijūd
27. Ijāqīm	28. 'Azūr	29. Šādūḳ
30. Iskandar	31. Dārā	32. Dārāb
33. Irān	34. Ḳuds	

- دست و پای او را ببوسید و هفت سال خراج قدس^۱ ببخشید؛ و از صادق^۲،
 احیر^۳ در وجود آمد، و از او ایلید^۴، و از او ایلعازر^۵، و از او ماتان^۶. و از او دو
 پسر آمدند: یوقیم^۷ به لغت اهل کتاب، و اما نام او عمران^۸ بوده و یعقوب^۹.
 و از یوقیم مریم^{۱۰} در وجود آمد؛ و از یعقوب یوسف^{۱۱} نجار که بدو
 تهمتِ خطا بردند؛ و از مریم بکر عیسی علیه السلام به فرمان حق تعالی بزاد،
 و معاصر جماعتِ مذکور از زمان روملوس^{۱۲} که بانی رومیّه کبری^{۱۳} بوده تا
 زمان ولادت عیسی علیه السلام مدت چهارصد و شست و چهار سال [بود]،
 هفت پادشاه از پسران روملوس متعاقب بنشستند؛ و از اینجا جولیس^{۱۴}
 قیصر^{۱۵} پدید آمد به موجبی که تقریر خواهد رفت.
- و چون کیرسطوس^{۱۶} که ترسایان او را مسیح^{۱۷} و کلمه الله گویند در وجود
 آمد، چهل و دو سال از پادشاهی اغسطوس^{۱۸} قیصر گذشته بود؛ و مادر
 اغسطوس در حالت ولادت وفات یافت، [شکم او بشکافتند] و اغسطوس را
 از شکم او بیرون آوردند؛ و چنین کس را به زبان رومیّه قیصر گویند، بدان
 سبب اسم قیصر بر اغسطوس افتاد.
- و او چون به مال و لشکر بزرگ شد، اسکندریه^{۱۹} را فتح کرد، و خزاین و
 اموال وافر برداشت.
- چون قسم اول از تاریخ افرنج تمام شد، این زمان قسم دوم آغاز کنیم.

- | | | |
|----------------------|-------------|--------------|
| 1. Kuds | 2. Şādūḳ | 3. Aḫīr |
| 4. İlijūd | 5. İli'āzar | 6. Mātān |
| 7. Jūḳīm | 8. 'Imrān | 9. Ja'ḳūb |
| 10. Marjam | 11. Jūsuf | 12. Rūmulūs |
| 13. Rūmijja-ji Kubrā | 14. Ğūlijūs | 15. Ḳaişar |
| 16. Kiriştūs | 17. Masīḥ | 18. Aujuştūs |
| 19. Iskandarijjah | | |

قسم دوم*

از تاریخ افرنج از مبدأ ولادتِ عیسی^۱ علیه السّلام الی یومنا هذا که
شهور سنهٔ خمس و سبعمایه هجری است و این قسم مشتمل است بر چهار
باب چنانکه در فهرست اثبات یافت

۵

باب اوّل

در ذکر معتقدِ اقوامِ نصاری در حقّ مسیح^۲ علیه السّلام

۱۰

و این [اقوام] نصاری به حسب عدد و دعوتِ حواریان که انصار و اعوانِ مسیح
بودند دوازده قسم است که مقتدایان ایشان اند، جمله باتّفاق عیسی را ابن
گویند؛ از آنکه تقریر می‌کنند که حقّ تعالی را سه صفت ذاتی است، و صفات
بجملگی داخل آن سه‌اند...؛ و باری تعالی که عبارت از وجود محض است،
ایشان او را آب می‌خوانند؛ و عیسی را حکمت و کلام خدا می‌گویند، و به

۱۵

*. نسخهٔ چاپی فاقد این بخش است.

1. 'Isā

2. Masīḥ

واسطه اعتبارِ اثر در مؤثر عیسیٰ را ابن گویند؛ و مراد از آب و ابن و روح القدس که ابتدای کلام و تسمیه و سگّه زر ایشان می‌باشد این هر سه است که یاد کرده شد.

و حکما و متکلمان نصاری می‌گویند که موجود یا محسوس باشد یا معقول؛ و معقول آنست که به ادراک ظاهر مدرک نشود؛ و ثانی را نصاری آلهه گویند، چنانکه در توریت و زبور آمده است که اله الالهه. پس موجود معقول را اگر تعلق به جسمانیات باشد، نفس گویند، و اگر متعلق نباشد مطلقا یا واجب بود یا ممکن؛ و ایشان ممکن العقل را روح القدس خوانند، و واجب را که علة العلل است و اشرف العلل [و] محتاج الیه تر پدر است، بدان سبب او را تعالی و تقدس پدر خوانند؛ و نفس را برای آن فرزند می‌خوانند که قابل اثر واجب الوجود است؛ و روح القدس منزّه است از آلات در تحصیل کمال خود تعالی الله عما يقول الظالمون علوا کبیرا.

این کلمات از تقریر روات این تاریخ ایراد کرده شد، و العهده [297r=4] علی الراوی، و یقین که بزرگانی که مطالعه این تاریخ کنند، اگر سخنی را مخالف معقول یابند، آن را بر ضعف معتقد مورخ حمل نکنند چه نظر او بر تزییف مذهبی و ترجیح ملتی نیست؛ و او را حکایت هر طایفه [۴۱۳=۱] به حسب روایت ایشان نقل باید کرد نه بر وفق معتقد خود، لاجرم از طعن طاعن و وقیعت معترض ایمن باشد، و حوالت مطاعن این طایفه.

و راوی به روایت حکایت کافر نشود، و باری تعالی حکایات نمرود^۱ و فرعون^۲ و دیگر کفار در قرآن^۳ مجید بر سبیل اخبار و قصص فرموده است، والسلام.

1. Nimrūd

2. Fir'aun

3. Qur'ān

باب دوم*

[در بیان حدود ولایات ارمن از مداین و ضیاع]

ولایت ارمن در پیش مملکت فرنگان است و به منزلت دهلیز آنجا؛ و ارمینیه ۵ را بر دو موضع اطلاق کنند کبری و صغری.

ارمینیه کبری طول آن ممتد است از تخوم ارزنجان^۱ تا حدود سلماس^۲، و عرض آن از ابتدای ولایت گرجستان^۳ تا اقصای وان^۴ و وسطان^۵؛ [و ارمینیه صغری] طول آن از طرف شام^۶ است تا منتهای ولایت روم^۷ که آن را اوج^۸ می خوانند، و عرض آن از تخوم ملاطیه^۹ تا مرز روم و انطاکیه^{۱۰}.

و از جمله جهات و جوانب کوه به آن ولایت محیط است، و در او پنج پاره شهر معظم معمور است: [اخلاط^{۱۱}، ایاس^{۱۲}، سیس^{۱۳}، طرسوس^{۱۴}،

*. نسخه چاپی فاقد این بخش است، و ضبط نامها از ترجمه آلمانی است.

- | | | |
|--------------------------|------------|---------------|
| 1. Arzañgan (Ādarbaiğān) | 2. Salmās | 3. Gurgistān |
| 4. Wān | 5. Wustān | 6. Šām |
| 7. Rūm | 8. Ūğ | 9. Malāṭijjah |
| 10. Anṭākijjah | 11. Ahlāt | 12. Ayās |
| 13. Sīs | 14. Ṭarsūs | |

ادنه^۱، * میسیس^۲] و از ضیاع و قری معتبر مشهور قریب بیست هزار پاره دیه معمور، و از ولایت روم^۳ به آنجا چهار راه است [اؤل] از جانب قیصریه^۴ که آن را راه خوسجور^۵ و راه دولو^۶ گویند. [دویم] راه لولوه^۷ که معدن نقره است، بالای قلعه بلوچ^۸، و آن راه کاروان شتر است.

۵ [سیم] راه قرمان^۹ که محاذی ساحل دریای روم می رود تا به شهر ایاس^{۱۰}؛ [چهارم] راهی که از شهر ملاطیه^{۱۱} از جانب حلب^{۱۲} و دیار شام^{۱۳} بیرون می رود؛ و به سبب آنکه اهل آن ولایت ترسانند، لشکرهای مسلمانان از ولایت مصر^{۱۴} و شام به ولایت ارمن تاختن می آورند. [تکفور^{۱۵}] که پادشاه ارمنیه صغری است، ولایت را باز می گذارد و به قبرقه به دریا می رود.

۱۰ [زیدافرانس^{۱۶}] که پادشاه معظم دیار فرنگ است پیش تکفور پیغام فرستاد که ترا چندین ولایت است از هر دیهی سه سوار بیرون کن و با مسلمانان مصاف ده تا بگریزند. تکفور جواب داد که مالی وافر می باید تا استعداد صدهزار سوار کرده شود؛ و مصریان چون تاختن می آورند قریب ده هزار دینار^{۱۷} خسارت بر ولایت زیادت نمی افتد، و با این قلاع حصین چیزی به دست نمی دارند؛ و از سیس^{۱۸} تا جزیره قبروس [قوبرس] یک روزه راه دریا است؛ و در آن جزیره چند پاره شهر معمور است؛ و صوف نیکو که به قیدسی مشهور است از آنجا می آرند؛ و لادن^{۱۹} نیز هم از آنجا بر می خیزد.

- | | | |
|------------------|------------------|--------------------|
| 1. Adana | 2. Mīsīs | 3. Rūm |
| 4. Kaişarijjah | 5. Hūsğūr | 6. Dūlū |
| 7. Lūlūh | 8. (Kal'a) Bulūç | 9. Karāmān |
| 10. Ayās | 11. Malātijjah | 12. Heleb (Aleppo) |
| 13. Šām (Syrien) | 14. Mişr | 15. Takfūr |
| 16. Rey de Frans | 17. Dīnār | 18. Sīs |
| 19. Lādan | | |

باب سوم*

[از قسم دوم از تاریخ افرنج در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن]

۵

زمین افرنج بسیط و عریض است و مملکتی وسیع در جانب غربی شمالی از ربع مسکون؛ و جداول آن از جانب جنوب بحر روم^۱ است، طولش ممتد [است] از مغرب به مشرق میان طنجه^۲ و شام^۳؛ و حدّ دوم از طرف شمالی بلاد روس^۴ و ترک^۵ و صقالبه؛ حدّ سوم طرف مشرق در جنب ولایت یونان؛ حدّ چهارم بحر محیط غربی معروف به اوقیانوس^۶.
و این مملکت [اول] از جهت مشرق بلاد الامانیه^۷، وسط بلاد افرنسه^۸، آخر بلاد اندلس^۹، و اصل آن مملکت مدینه رومیّه عظمی^{۱۰} است و دارالملک

*. نسخه چاپی از این بخش آغاز می‌شود.

- | | | |
|------------------------|---------------------|--------------------|
| 1. Baḥr-i Rūm | 2. Tanḡah (Tanger) | 3. Šām |
| 4. Russ | 5. Turk | 6. Uḡjānūs |
| 7. Bilād-i Alāmānijjah | 8. Bilād-i Ifransah | 9. Bilād-i Andalus |
| 10. Rūmijja-ji 'uzmā | | |

فرنگان آن شهر است. و اوّل کسی که آن را بنا نهاد ستورنوس^۱ بود که در توریت نام او نمرود^۲ آمده، و او را پسری ناخلف بود، ترسید که او را برادری شود. پدر را بگرفت و خادم کرد.

ستورنوس^۳ از استیلا و غلبهٔ پسر بگریخت، و به زمین رومه رفت جایی عظیم نزه و خرّم دید، شهر رومیّه^۴ را بنا کرد، و هر امیری به حسب مرتبه عمارتی کردند؛ و بعد از آن چون مرتبهٔ پادشاهی به روملوس^۵ رسید، آن شهر را بارویی کشید و نام خود بر آنجا نهاد؛ و عجم آن را هرومه^۶ خوانند؛ و وسط ولایت و دارالملک افرنج شد؛ و دور آن تقریباً بیست فرسنگ باشد. سیصد و شصت برج بر باروی آن ساخته‌اند؛ و در ماه ایار^۷ رومی که چهار هزار و چهارصد و هشتاد سال از تاریخ آدم^۸ گذشته بود، باروی آن شهر ساختند. ۱۰ و بعد از روملوس هفت پادشاه از فرزندان او متعاقب بنشستند در مدّت دویست و چهل سال؛ و سقراط^۹ حکیم در زمان ایشان بود؛ و بعد از عهد فرزندان روملوس هر سال پادشاهی را بر تخت می‌نشاندند؛ و آخر سال [297v=5] معزول می‌کردند، تا چهارصد و هجده سال برین بگذشت. چون بعد از آن جولئوس^{۱۰} بادید آمد، از جلوس او باز دیگر بار پادشاهی بطناً بعد ۱۵ بطن شد، و از پدر به پسر می‌رسید.

جولئوس چون پنجاه و شش سال از عمر او گذشته بود، نماند؛ بعد از ایشان اگسطوس^{۱۱} پادشاه شد، و مدّتی مدید قیصره آنجا مقام داشتند؛ و اکنون مقام پایان است که خلفای مسیح^{۱۲} علیه‌السلام‌اند، و آن شهر در غایت ۲۰ نهایت معموری است.

و ترتیب سروران و پادشاه افرنج چنان است که مرتبهٔ اوّل پاپ است که

1. Satūrnūs	2. Nimrūd	3. Satūrnūs
4. Rūmijja	5. Romulus	6. Hrūmah
7. Ajjār	8. Ādam	9. Suḳrāt
10. Ġūlijus	11. Augustus	12. Masīh

- معنی آن پدرِ پدران^۱ باشد، و او را خلیفهٔ مسیح^۲ می‌دانند؛ مرتبهٔ دوم قیصر^۳.
 و به زبان افرنجی قیصر را «اَنپُور»^۴ گویند، معنی آن سلطان سلاطین^۵ باشد؛
 مرتبهٔ سوم «ریدافرانس»^۶ که معنی آن پادشاه پادشاهان^۷ است.
 و «انپُور» که قیصر است، پادشاهی به ابوت ندارد، او را به حسبِ زیادت
 ۵ استعداد از میان جمعی مستعدان اختیار می‌کنند و به پادشاهی می‌نشانند؛ و
 «ریدافرانس» پادشاهی به میراث دارد اَباً عن جدِّ، و اکنون بغایت معظم و
 معتبر است؛ و در تحتِ فرمانِ او دوازده پادشاه^۸ باشند، هر پادشاهی را سه
 ملک^۹ مطیع.
 مرتبهٔ چهارم: رَی^{۱۰} که معنی آن مَلِک و خداوند باشد؛ و مرتبهٔ پاپ تا
 ۱۰ غایتی بلند و بزرگ است که هرگاه که خواهند که قیصری را نصب کنند، هفت
 کس از معتبران که جهت آن تعیین‌اند در آن باب کنکاج کنند، سه «مَرَحَسِیا»^{۱۱}
 و سه امیر بزرگ و یکی پادشاه؛ و در جمله اعیان فرنگ بحث کنند تا قرب ده
 کس را برگزینند؛ از میان آن ده یکی را که به زهد و صلاحیت و کفایت و عفت
 منسوب باشد؛ و به امانت و دیانت و ثبات و وقار و حُسنِ اخلاق و شرف و
 ۱۵ کمالِ نفسِ موسوم بعد از استقصاء تمام اختیار کنند؛ و تاجی از نقره بر سرِ او
 نهند.
 در ملک الامانیّه^{۱۲} که به زعم افرنج آن ولایت را ثلثِ ربعِ مسکون
 می‌نهند، و از آنجا به ولایت لنبردیه^{۱۳} آید، آنجا تاجی از پولاد بر سرِ او نهند؛
 و از آنجا به رومیّه^{۱۴} کبری شهر پاپ آید، و پاپ تاجی از زر به هر دو پای
 ۲۰ بردارد و بر سرِ او نهد. بعد از آن او خود را بیفگند تا پاپ پای بر سرِ او گردن او

1. Pidar-i Pidarān

2. Masl̄h

3. Kaişar

4. Anparūr (Emperor)

5. Sulṭān-i Salaṭīn

6. Rey de Frans

7. Pādişah-i Pādişahān

8. Pādişāh

9. Malik

10. Rey

11. Marḥaşjā' Amīr-i buzurğ

12. Alāmānijjah

13. Lunbardijjah

14. Rūmijja-ji Kubrā

نهد و بر تن او برود؛ آنگاه رکاب شود تا پاپ پای بر سر او نهد و بر سر اسپ نشیند؛ آنگاه اسم قیصری بر او اطلاق کنند؛ و پادشاهان افرنج مطیع و منقاد امر و نهی او شوند؛ و حکم او در بر و بحر آن ولایات افرنج روان گردد. و افرنج از زمین مغرب است که موازی و محاذی آن دریا است که در ۵ موضع هر دو ساحل آن چنان به یکدیگر نزدیک می شوند که عرضش به پنج فرسنگ می رسد؛ و طول آن موضع بیست فرسنگ باشد؛ و آن را زُقاق^۲ می خوانند، و آن زمین را فرنگ اشبانی^۳ خوانند، و طول آن کمابیش یک ماهه راه باشد، و در آن چند پاره شهر معمور است بدین تفصیل: بَلَنسیا^۴، مُرشیه^۵، شاطبه^۶، طَلیطله^۷، اشبیلیا^۸، قُرطبه^۹، ازرقدره^{۱۰}؛ و چند پاره جزیره بزرگ و کوچک، چون ایبسا^{۱۱}، میورکه^{۱۲}، میورکه^{۱۳}، لارجزیره^{۱۴}، صقیلیه^{۱۵}. فی الجمله این ولایات مذکوره در اوایل عهد اسلام، مسلمانان فتح کرده بودند و در دست پادشاهان مغرب بود در سنه ستین و ستمایه هجری رَی کَسْطُلُونیّه^{۱۶} از مسلمانان بستند، و اکنون خراج به رَی اشبانی^{۱۷} می دهند؛ و مسلمانان را که سگان جزیره صقیلیّه بودند به شهر لوچیره^{۱۸} که در وسط ملک افرنج است آوردند؛ و به جای ایشان قومی ترسایان را به آن جزیره فرستادند جهت احتیاط تا با مغاربه یکی نشوند. و در آن وقت که مسلمانان عکّه^{۱۹} را بستند، و در زمین ایران کلیسیاها خراب کردند، فرنگان آن مسلمانان را که قریب دویست هزار نفر مرد بودند،

- | | | |
|-------------------------|------------------|-------------------------|
| 1. Mağrib | 2. Zuḳāk | 3. İsbānija |
| 4. Balansija | 5. Muršijjah | 6. Šaṭibah |
| 7. Tulaitulah | 8. İsbīlija | 9. Qurṭobah |
| 10. Azārḳadrah | 11. Ibīsā | 12. Majurkah (Mallorca) |
| 13. Minūrakah (Minorca) | 14. Lārḡazīrah | 15. Siḳīlījjah |
| 16. Rey Kaṣṭalūnījjah | 17. Rey İsbānījā | 18. Lučīrah |
| 19. 'Akkah | | |

- در عوض آن شهید کردند؛ و اکثر مردم شهر طَلَيْطَلَه^۱ بنی اسرایل اند از فرزندان یهودا بن یعقوب^۲ علیهما السّلام.
- و این ولایت را از نقطه مغرب آن طرف که با جانب شمال دارد، ولایتی است طول آن یک ماهه راه. پادشاهی بزرگ معتبر دارد نام او رَی بُرْدُگَلَه^۳، و او را مال فراوان و لشکر بی پایان است، و احیاناً میان او و رَی اشبانیاً^۴ مضاف^۵ افتد؛ و محاذی این زمین در میان دریای محیط دو جزیره است نام یکی: ایبرنیا^۵. از خاصیت خاکِ آن زمین آن است که حشرات زهردار می میرند، و در آن زمین موش متولد نمی شود؛ و مردم آنجا دراز عمر باشند سرخ روی بلند بالای قوی هیکل دلاور؛ و در آنجا چشمه ای آب روان است که اگر چوبی در آن نهند به یک هفته ظاهر آن سنگ گردد.
- ۱۰ و نام جزیره دیگر که بزرگتر است انگله تر^۶؛ و [در آن کوه] خواص بسیار و معادن بی شمار است از زر و نقره و مس و قلعی و آهن و درخت میوه فراوان؛ و از عجایب آن زمین درختی است که مرغ بار می آورد؛ و آن چنان است که به وقت شکوفه انبانی مثل سیبی از آن بیرون می آید، و [در میان آن صورت مرغی است، چون کلان می شود جان می گیرد] و آن راده سال نگاه می دارند، ۱۵ [و دانه می خورد تا] مقدار بطنی بزرگ می شود؛ و گوشت اهل آن زمین بیشتر از آن مرغ است.
- و تقریر می کنند که میان عیسویان به وقت روزه که حیوانی نمی خورند، و در خوردن آن اختلاف است، بعضی آن را از نباتی می نهند، جهت آنکه بار درختی است؛ و بعضی از حیوانی، چه از آن خون می آید؛ و در آن هر دو ۲۰ جزیره گوسفندان می باشند که از پشم ایشان صوف^۷ قدسی و سقر لاط بغایت

1. Tulaitulah

2. Jahūdā ben Ja'kūb

3. Rey Burdugalah

4. Rey İsbānijā

5. Ibarnijā

6. Anglehterre

7. Şūf

لطیف می آید.

و پادشاه هر دو جزیره را نام سقوطلانندیه^۱ است، و خراج به ری انگله تر^۲ می دهند. و بعد از آن ولایتی است معتبر بغایت بسیط و عریض، و بیشتر آن خشک است و بعضی دریابار. و در جنب الامانیه^۳ ولایت قیصر^۴ افتاده، و پادشاه آن جا را ریدافرنس^۵ خوانند و انگله تر، پادشاه جزایر خراج گزار او است؛ و در جنب این ولایت [298r=6]* ریدافرنس ولایت الامانیه است که ولایت قیصر است، و دوازده پادشاه^۶ معتبر مطیع و منقاداند و خراج گزار قیصر.

و در جنب الامانیه مملکتی دیگر هست که آن را بوهیمیا^۷ خوانند، و پادشاه آنجا را ساقی^۸ گویند، مطیع قیصر است و صد هزار سوار دارد؛ و متصل به آن ولایت مملکتی بزرگ است و پادشاهی معتبر نام او بولونیا^۹، و در آنجا کوهها است پُر معادن جواهر [و] فلزات؛ و در این چند سال آن نماند و مُلکِ او رِی بوهیمیا به تغلب بگرفت و اکنون در تصرف او است.

و در جنب ولایت بولونیا ولایتی دیگر هست نام آن بروسیه^{۱۰}، و آن مملکت ربانان است که گلیم سفید می پوشند و صلیب سیاه بر سینه دارند، و در قدیم ایام بت پرستان و آتش پرستان داشته اند، و برابر نقطه شمال است؛ یک طرف او [سوی] روسیه^{۱۱} دارد که آن را صقلاب^{۱۲} گویند مابین مشرق و شمال، و نهایتش به دریای محیط می رسد، و هوای آنجا بغایت سرد می باشد؛ و روز زمستان ایشان و شب تابستان در غایت کوتاهی؛ و این]

1. Skūtlāndijjah

2. Rey Anglaterre

3. Alamanijah

4. Kaişar

5. Rey de Frans

*. پس از این برگ، برگی از نسخه اساس نسخه ۱۶۵۴ افتاده است که من خوشبختانه از نسخه ۱۶۵۳ خود سود جستیم.

6. Pādişah

7. Būhīmijā

8. Sākī

9. Būlūnījā

10. Burūsijjah

11. Rūsijjah (Rossia)

12. Şaklab (Slaven)

[مملکت پادشاهی دارد نام او سَوْتیا^۱، و طول آن جزیره در میان دریا دور می‌کشد، و از افراط برودت کسی آنجا نمی‌تواند رفتن؛ و کهربای زرد و سفید از آنجا می‌خیزد.

و متصل به آن زمین مملکتی هست نام پادشاه آنجا گوتلانديه^۲، او را به نام جزیره‌ای که در آن مملکت است می‌خوانند، و جزیره‌ای دیگر هست نام آن ۵ نورویگه^۳، و پادشاه آنجا را نیز به نام جزیره باز خوانند، و تقریر می‌کنند که طول آن ممتد است تا زیر نقطه قطب شمالی، چنانکه به سمت الرأس می‌رسد؛ و شانقار سینه سفید از آنجا می‌آورند.

و می‌گویند آدمی نیز هم در طفلی سفید موی و سفید مژه و ابرو می‌باشد؛ و راویان روایت می‌کنند که غایت درازی روز آنجا در اول آفتاب در جدی دو ۱۰ ساعت می‌باشد، و بیست و دو ساعت صبح و شفق چنانکه خطهای باریک بتوان خواندن و نبستن. و چون آفتاب به اول سرطان برسد به عکس این باشد. و سبب این معنی آنکه فلک آنجا رحوی می‌گردد.

و آنچه در زبان خلق و افواه مردم افتاده که ظلماتی هست، معتمدان ایشان تقریر می‌کنند که از ابتدای آن جزیره تا انتها دایما] ضباب می‌باشد؛ چنانکه ۱۵ هرگز بر نمی‌خیزد، و بدان سبب همواره تاریک بود، به این اعتبار آن را ظلمات می‌گویند؛ و حیوانات در آنجا اندک می‌باشند. و می‌گویند مردم آنجا بغایت بزرگ‌هیکل و عظیم جثه می‌باشند، و زود پیر می‌شوند.

و برابر زمین مغرب بغیر از ولایت اشبانیا متصل به آن زمینی است که آن را کستلونیّه^۴ گویند و اره‌گون^۵ نیز گویند، و نسبت به نام ولایت شاه آنجا رازی ۲۰ کستلونیّه خوانند؛ و از کوههای آن ولایت سیماب می‌خیزد، و معادن زر و نقره و مس نیز هست.]

1. Swatijā

2. Gūtlāndijjah

3. Nūrwiġah

4. Kaṣṭālūnijjah (Catalonia)

5. Aragūn (Aragon)

[و این ولایت کستلونیة^۱ سه ملک است: فلنسیه^۲، مُرسیه^۳، میورکه^۴؛ و مردم آنجا بغایت شجاع و دلاور باشند تا غایتی که مردن را عیب دانند، و کشته شدن را هنر شمرند؛ و در [جنب] کستلونیة ولایتی دیگر هست که بر خط مشرق می‌رود، نام آن برؤونساه^۵، و آن ولایتی بغایت معمور و کثیرالخلق است، و در آنجا طعمه عزیزالوجود.

۵ و بالای این ولایت هم بر خط مشرق موازی ولایت ریدافرنس^۶ ولایتی است نام آن دُلُوزَه^۷، و در آنجا لشکری بزرگ هست، و بالای آن متصل به این زمین شهری است بزرگ، نام آن پَریس^۸، و در آنجا مردم بسیار مقیم و غریب، تحصیل علوم طبّی و حکمی کنند؛ و می‌گویند متعلّمان غریب در آنجا قرب صد هزار باشند.

۱۰ در میان پَریس و کستلونیة ولایتی دگر هست نام پادشاه آن رَدنفره^۹؛ شاه آنجا با پادشاه مغرب^{۱۰} دوست باشد، و یکدیگر را تعهد کنند و هدایا فرستند، و به وقت احتیاج به لشکر مدد و مساعدت نمایند؛ و در جنب آن ولایت ولایتی است بغایت معمور، و بسیار خلق بر ساحل دریا، و نام آن جَنُوه^{۱۱} است، و پادشاه آنجا دو بیست قبرغه دارد، هر یک به سیصد مرد جنگی مشحون؛ و تجّار افرنج که به اطرافِ مصر^{۱۲} و شام^{۱۳} و مغرب و اطرافِ روم^{۱۴} و تبریز^{۱۵} سفر می‌کنند، همه از آن فرضه روان می‌شوند به کشتی.

و بالای آن ولایت بر خطِ مشرق بیابانی است هامون، قریبِ چهل میل راه، پیرامن آن بیست و دو پاره شهر معمور پُر نعمت و لشکر افتاده؛ و در آن

1. Kaṣṭalūnijjah (Catalonia)

3. Muršijjah

6. Rey de Frans

9. Reu de Nafarah

12. Miṣr

15. Tabrīz

4. Majūrakah

7. Dulūzah

10. Mağrib

13. Šām

2. Falansijjah

5. Burūwansā

8. Barīs (Paris)

11. Ġanuwah (Genua)

14. Rūm

[شهرها پادشاهی اصیل معتبر نیست. صدور و اکابر آنجا مردی پارسای نیکوسیرت را به مزد می‌گیرند، و باتفاق او را [سالی] به پادشاهی می‌نشانند؛ و در آخر سال منادی ندا کند که کیست که در این یک سال بر او ظلمی رفته است، باید که دادخواه شود.

- ۵ جمله متظلمان حاضر شوند، و گردن او را آزاد کنند. بعد از آن دیگری را طلب دارند و به پادشاهی بنشانند، و پیرامون آن صحراها لشکر بی‌اندازه است؛ و در سوابق ایام اهل دو شهر را با یکدیگر خصومت افتاد، و از هر دو جانب ششصد هزار سوار برنشسته در برابر یکدیگر آمدند. و متصل به آن ولایت ولایتی دیگر است نام او رومانیه^۱، و دارالملک آن شهری معظم است و در آنجا مردم بسیار به اکتساب آداب و حکمت و فنون علوم مشغول باشند؛ و از آن زمین اسپان تپچاق خیزند.
- ۱۰ و در جنب آن ولایت ولایتی هست نام آن مارکه دی ترفیس^۲، و از آنجا نیز اسپان تپچاق نیکو خیزند، و در آن ولایت لشکری بسیار است؛ و متصل به آن ولایت برکنار دریا شهری است نام آن فنیسیه^۳، و اکثر ابنیه آن را از دریا برآورده‌اند؛ و پادشاه آنجا را نیز سیصد قبرقه می‌باشد؛ و آنجا نیز پادشاهی به ابوت و اصالت نیست. بزرگان شهر باتفاق شخصی پارسای متدین را به پادشاهی می‌نشانند؛ و چون او در گذرد دیگری را اختیار کرده نصب کنند.
- ۱۵ و بالای این ولایت مملکتی هست بزرگ، پادشاه آنجا بطریق آکیلیا^۴، با لشکری بسیار و نعمتی بی‌شمار؛ و در آنجا کوهی است که دایما پُر برف باشد، و از آنجا [7=299] بلور صافی می‌خیزد.
- ۲۰ و از طرف شمال این زمین، ولایت لُنبردیّه^۵ و گوتلانندیّه^۶ و سویجیه^۷؛ و

1. Rūmānjūlah (Romangnola)

2. Markah di Tarafīs

3. Fanīsijjah

4. Akīlīja

5. Lunbardijjah

6. Gutlāndijjah (Gotlandia)

7. Siwīgijjah (Suecia)

دَسِیه^۱؛ و در جنب بطریق مملکتی بسیط عریض است به ولایت قُوم^۲ و بلغار^۳ پیوسته، و در آنجا لشکری بی حد، و نُوقا^۴ [۲=۴۱۵] از اروق جُوجی^۵ با لشکری بزرگ مغول پیوسته تاختن به آن ولایت می‌برد و ایشان را می‌زد، و آن را ماجراستان^۶ می‌گویند.

۵ و از جانب لنبردیة^۷ که روی به جنوب و قبله^۸ دارند ولایتی بزرگ است نام آن مَرَكْدَنُكُونَا^۹ که خانهٔ پاپ است، و ایشان دریای جنوب و طرفِ قبله نگاه می‌دارند، و محاذی ایشان جانب دریای شمال نیز نگاه می‌دارند.

و در جنب آن ولایت ولایتی دیگر است روی با جانب مغرب^{۱۰} دارد نام آن پاتری مُونِیو دُ سَن پِیر^{۱۱}؛ و در میان ولایت لنبردیة ولایتی بزرگ است نام آن توسکانا^{۱۲}؛ و در آنجا چند پاره شهر معمور و لشکری نامحضور.

و در جنب دریای مغرب نزدیک شهر جنوه^{۱۳} شهری است معتبر مشهور بیزا^{۱۴} نام، و در بر و بحر آن لشکر فراوان و چول بهادر^{۱۵} نام که او را با پادشاهان مغول و اروق چنگگیزخان دوستی و اتحاد بود، پادشاه آنجا است. و در شرقی ولایت رومیة کبری^{۱۶} ولایتی است نام آن کنبانیة^{۱۷}، و در آنجا ۱۵ لشکری بسیار؛ و بالای کنبانیة مملکتی است که طول آن یک ماهه راه باشد، نام آن کارلُو^{۱۸}.

و دو طرف آن غربی و شمالی دریا است و مرجان سرخ از کنار دریا از جانب شمال آن ولایت برمی‌خیزد، و در وسط آن مملکت شهری است معظّم

- | | | |
|---------------------|---|---------------------|
| 1. Dasijjah (Dacia) | 2. Kūm | 3. Bulgār |
| 4. Nūkā | 5. Gūgī | 6. Mağāristān |
| 7. Lunbardijjah | 8. Kīblah | 9. Markah d' Ankūnā |
| 10. Mağrib | 11. Patrimūnijū d.s.p.tr (Patrimonio di San Pietro) | |
| 12. Tūskānā | 13. Ġenuva | 14. Bīzā |
| 15. Čūl Bahādur | 16. Rūmijjah Kubra' | 17. Kanbānijjah |
| 18. Karlū | | |

نام آن لُوچیره^۱. ساکنان آنجا جمله مسلمانان بودند و کشته شدند، و متصل به آنجا جزیره‌ای است بزرگ از جانب مغرب نام پادشاه آن ریجال^۲؛ در آنجا مرجان است و معادن بی اندازه.

و در نهایت آن ولایت جزیره‌ای است بزرگ، نام آن صقیلیه^۳، پادشاه آن جزیره از پادشاه ولایت مغرب تونس^۴ خراج می ستاند؛ و ریجال دختر به پسر^۵ ری دارگون^۵ داد؛ و جزیره صقیلیه که قریب دویست فرسنگ است به او بخشید؛ و در این جزیره عجایب بسیار است از آن جمله کوهی است که پیوسته آتش از آن می درفشد.

و روایت می کنند که به وقت اجتماع و استقبال قمرین [التهاب] شعله آتش از آنجا به فرسنگها می رسد؛ و در پای آن کوه آبی بزرگ است آن را^{۱۰} تمامت می جوشاند؛ و پیرامن آن جزیره دوازده کوه است در آنجا خرماستان و نیشکرستان بسیار. و در حوالی آن جزیره چند جزیره دیگر است و تمامت افرنج دارند، و [ما] بین تونس و صقیلیه پنجاه میل باشد در دریا. و میان خشکی الامانیه^۶ و نوروگه مملکتی است نام آن [ری] دواسیا، کوههای آن پُر معادن زر و نقره و دیگر جواهر است.^{۱۵}

و میان الامانیه و ریدفرانس^۷ ولایتی است که آن را فندر^۸ خوانند، و شهر دارالملک را ارس^۹، و بر پنج فرسنگی شهر بیابانی است، و در آنجا کلیسیایی بغایت بزرگ و معتبر که آن را ایوانس^{۱۰} خوانند، و در آن کلیسیا خلق بسیاراند و اطعمه عزیزالوجود. و حکمت الهی چنان اقتضا کرده است که هر سال چون آفتاب به اول درجه جدی رسد، تمامت هوای آن صحرا پُر از مرغ سار شود،^{۲۰} هر یک دانه‌ای زیتون به منقار برگرفته بیارند و در آن کلیسیا و حوالی آن،

1. Lūčīrah

4. Tūnis (Tunis)

6. Alāmānijjah

9. Aras

2. Rīgār-Rīgāl

5. Rey d' Aragūn (König Von Aragon)

7. Rey de Frans

10. Iwānūs

3. Sīkīlijjah (Sicilia)

8. F(L.)ndr Flandria

می اندازند و باز می گردند، تا مدّت سه شبانروز بگذرد؛ و بعد از آن آن مرغ را در آن حوالی نبینند؛ و می گویند در صد فرسنگی آنجا درخت زیتون نیست، و کس نداند که از کجا می آورند؛ و ساکنان آنجا آن زیتونها را جمع کنند و طعام و ادام سازند، و از بعضی روغن گیرند و در کلیسیا بسوزانند.

۵ این حکایت نیز از عجایب عالم است، و اهل فرنگ شکل و هیأت ربع غربی را برکشیده اند و آن را باب مندو^۱ می خوانند؛ و صورت تمامت ولایت و جزایر و جبال و بحار و صحاری در آنجا نقش کرده، و مقیاسی جهت مساحت زمین به فراسخ ساخته اند، و قطر آن را به ده قسمت کرده؛ و چون خواهند که مقدار بین الموضعین بدانند آن را به پرگار قیاس کنند؛ و صورت آن در مجلد سوم از این کتاب مبارک که بر صور الاقالیم مشتمل است اثبات خواهد یافت. ۱۰ و فرنگان به بیست و پنج لغت سخن می گویند، و هیچ طایفه زبان طایفه دیگر فهم نکنند، زبان خط و حساب که همه دانند.

1. Bāb mandū

شایان یادآوری است که این ترکیب تصحیف «ماپ موندی» است به معنی «نقشه عالم» از مقدمه کارل یان بر «تاریخ افرنج».

باب چهارم

از قسم دوم از تاریخ افرنج در ولادتِ مسیح^۱ علیه‌السّلام
و حکایت حادثهٔ او و ذکر اجلاس پاپان و قیاصره
که پادشاهان افرنج‌اند

۵

در سال چهل و سوم از پادشاهی اغسطوس^۲ قیصر^۳، مسیح پیغامبر
علیه‌السّلام از مریم^۴ عذرا در وجود آمد [در بیت‌اللحم^۵] در شب سه شنبه
بیست و پنجم کانون^۶ الاوّل سال بر سیصد و نه اسکندری؛ و از معجزهٔ او
بتخانهٔ بزرگ که در رومیّه کبری^۷ بود، و تمامت صورِ بتان عالم بر دیوار آن جا
نقش کرده، و آن را هیکل^۸ گفتندی، بيفتاد و خراب شد.
و هم در آن وقت چشمهٔ روغنِ زیت در میان شهر رومیّه^۹ از زمین بر
جوشید و روان شد، و به رودخانهٔ طیبیریوس^{۱۰} که در میان شهر

1. Masīh

2. Augustus

3. Kaisar

4. Marjam

5. Bait al-laḥm

6. Kānūn

7. Rūmijah-ji Kubrā

8. Haikal

9. Rūmijja

10. Tībārijūs

رومیّه می‌رود پیوست. و از پیش پادشاهان مجوس فارس و خانان^۱ ترکستان^۲ که منجّمان ایشان را خبر کرده بودند که در این سال کودکی زاید در بیت‌المقدّس^۳، که اهل عالم مطیع و منقاد او شوند.

جماعت رسولان رسیده بودند و کندر و مُر جهت بخور آورده.

۵ اغسطوس^۴ کودکان بیت‌اللحم^۵ و قدس^۶ می‌گُشت. به یوسف^۷ که عم‌زاده مریم^۸ بود وحی آمد که [299v=7]*

[مریم را با طفل او بردار و به جانب مصر^۹ رو. او ایشان هر دو را بگریزانید

[۴۱۵=۲] و به مصر رفتند، و دو سال آنجا بودند.

۱۰ و عیسی^{۱۰} علیه‌السّلام هم در طفولیت از راه معجزه از آب شراب ساخت، و از یک خم رنگرزی انواع الوان بیرون آورد؛ و چون سال او به سی رسید، یوحنا^{۱۱} پسر زکریّا^{۱۲} او را معمودیه کرد تا ترسا شد؛ و معمودیه نصاری چنان است که آن کس را به کلیسیا برند و در حوض آب نشانند و در آب گرم بشویند، و نمازی چند بکنند و دعایی چند بخوانند و مذهبش تلقین کنند، و روغن میرون بر وی مالند، چنانکه بر همه اعضا برسد؛ آن‌گاه ترسا شده باشد؛ و اگر شخصی کودک باشد او را وکیلی بدارند.

۱۵ و مسیح^{۱۳} را علیه‌السّلام در اوّل سال سی و سه‌ام جهودان شکنجه کردند، و از دار فنا به دار بقا رحلت کرد؛ و از ابتدای عهد آدم^{۱۴} تا به دور مسیح علیه‌السّلام پنج هزار و صد و نود و نه سال بود.

- | | | |
|----------------------------------|--------------------|-------------|
| 1. Ḥanān | 2. Ḥāḳān Turkestān | |
| 3. Bait al-muḳaddas (Yerusaleem) | | 4. Aujustus |
| 5. Bait al-laḥam | 6. Ḳuds | 7. Jūsuf |
| 8. Marjam | | |

*. باز برگی از نسخه‌ی اساس ۱۶۵۴ افتاده است که من از برگ ۴۱۶ «تو» بهره می‌گیرم برای تدارک افتادگی.

- | | | |
|--------------|-----------|-------------|
| 9. Miṣr | 10. 'īsā | 11. Jūḥannā |
| 12. Zakarija | 13. Mašīh | 14. Ādam |

[این زمان آغاز می‌کنیم و تواریخ پاپان که خلفای مسیح‌اند، و تواریخ قیصره مسمی و مفضل بنویسیم؛ و نسبت متصل مسیح^۱ علیه‌السّلام از زرویاویل^۲ که جد دهم او بود. والسّلام]

[ذکر تواریخ قیصره و پایان و بعضی احوال که در زمان ایشان رفته است]

تاریخ اَغْطُوس^۱ قیصر^۲. او را اُکْتَفِیَانُوس^۳ نیز گفته‌اند؛ و پیش از ولادت
۵ مسیح^۴ علیه‌السلام چهل و دو سال پادشاهی کرده بود. و او اول کسی است که
او را قیصر خواندند و بغایت عاقل و کافی و شجاع بود. تا تمامی پنجاه سال
پادشاهی کرد.

تاریخ کِرِسْطُوس^۵ مسیح علیه‌السلام. عیسی را علیه‌السلام کِرِسْطُوس
۱۰ خواندند، چون دعوت کرد، جهودان او را در اول سال سی و سوم به فرمان
بُونْسِیُوس^۶ که در بیت‌المقدس^۷ نایب طِبَارِیُوس^۸ قیصر بود شکنجه کردند، و
از دار دنیا به دار عقبی رفت.

تاریخ طِبَارِیُوس قیصر. طِبَارِیُوس پسر زن اَغْطُوس بود و داماد او. بعد
از او قیصر شد؛ چون بیست سال از پادشاهی او گذشته بود، مسیح

-
- | | | |
|-----------------------|-------------------------|-----------------------------|
| 1. Aḡuṣṭūs (Augustus) | 2. Kaiṣar | 3. Uktafijānūs (Octavianus) |
| 4. Masīh | 5. Kiriṣṭūs (Christus) | 6. Būnsijūs (Pontius) |
| 7. Bait al-muḡaddas | 8. Ṭībārijus = Tiberius | |

علیه‌السلام شکنجه خورد. بعد از آن پنج سال پادشاهی کرد، و نایبی ایروئس^۱ نام را به شام فرستاد تا یوحنا^۲ پسر زکریا^۳ را بکشت؛ و بونسوس^۴ به قدس^۵ مسیح^۶ را شکنجه کرد.

۵ تاریخ غایوس^۷ قیصر^۸. چون طباریوس^۹ خود را بکشت، غایوس بر تخت قیصری نشست؛ چهار سال و هشت ماه و ده روز، و به واسطه آنکه مردی بدسیرت بود، و با خواهر و دختر خود زنا کرد، او را بکشتند.

تاریخ قُلُودِیُوس^{۱۰} قیصر. بعد از آن که غایوس قیصر را بکشتند، قُلُودِیُوس را به پادشاهی بنشانند، و پانزده سال قیصری کرد، و مردی فاسق^{۱۰} فاجر بود، و به عهد او به مصر^{۱۱} سیمرخ^{۱۲} را دیدند؛ و جزایر آرقوس^{۱۳} را او فتح کرد.

تاریخ فیطورس^{۱۴} حواری. مهتر حواریان بود، و مسیح^{۱۵} او را خلیفه خویش گردانید، و بعد از او هفت سال در انطاکیه^{۱۶} پاپ بود بر کرسی^{۱۵} خلافت، و بعد از آن به رومیه کبری^{۱۷} آمد، و بیست و پنج سال و هفت ماه پاپی کرد، و [این فیطورس] در اوایل عهد نازون^{۱۸} قیصر به شکنجه هلاک شد.* [299r=8]

1. Irūtas	2. Jūḥannā	3. Zakarija
4. Būnsijus	5. Ƙuds	6. Masīh
7. Ġayūs (Gaius)	8. Ƙaišar	9. Tībārijūs = Tiberius
10. Ƙulūdijūs (Claudius)	11. Mišr	12. Humā'
13. Arƙūs (Orcades)	14. Fiṭūrus (Petrus)	15. Masīh
16. Anṭākijjak	17. Rūmijja-ji Kubrā	18. Nārūn (Nero)

*. در جدول به اصطلاح اساس - نسخه ۱۶۵۴ - برگ و، «تاریخ دومیتانس» آمده، و پس از آن «نازون قیصر» و این نادرست است؛ افزون بر آنکه محتوای آن نیز مغشوش است؛ نسخه «تو» - ۱۶۵۳ - بدرستی نخست از «تاریخ نازون» یاد کرده است. ترجمه آلمانی کارل یان برگهای ۵۷ و ۵۸ نیز گواه درستی نسخه «تو» است، و ما چنین آوردیم.

[تاریخ نَارُون^۱ قیصر^۲. بعد از قُلُودِیُوس^۳، نَارُون بر تخت قیصری نشست، و مدّت چهارده سال پادشاهی کرد و ترسایان را بکشت، و جهودان بر وی یاغی شدند، و آتش در رومیّه^۴ زد؛ و اهل آنجا او را بکشتند. [۱=۴۱۶]

۵ [تاریخ لِنُوس^۵ پاپ. از ولایت توسکانا^۶ بود، و بعد از فیطورُس^۷، یازده سال و سه ماه و دوازده روز بر کرسی پایی نشست، و کرامات می نمود؛ و مردم می گفتند جادویی می کند، و سراو ببریدند.

۱۰ [تاریخ گَلَبَه^۸ قیصر. بعد از آنکه نَارُون قیصر را بکشتند، این گَلَبَه را از جزیره ایبارنیّه^۹ بر تخت قیصری نشانند، و مدّت یک سال پادشاهی کرد.

۱۵ [تاریخ اِسْفَسِیَانُوس^{۱۰} قیصر. بعد از گَلَبَه اِسْفَسِیَانُوس [بر تخت] بنشست [مدّت ده سال]، و در عهد او جهودان بیت المقدّس^{۱۱} که به زمان نارون یاغی شده بودند، ایل شدند و او به اتفاق پسرش طیطوس بیت المقدّس را قتل و غارت کردند، و بسیار مردم از گرسنگی بمردند.

[تاریخ کِلِیْتُوس^{۱۲} پاپ. اصل او از رومیّه بود و به زمان فیطورُس^{۱۳} بیست و پنج قسیس را تربیت کرد، و بعد از لِنُوس^{۱۴} او را بر کرسی پایی نشانند؛ یازده سال و یک ماه یازده روز؛ [و بآخر] به تهمت سحر او را بکشتند.]

- | | | |
|-------------------------------|----------------------|--------------------------|
| 1. Nārūn (Nero) | 2. Kaişar | 3. Kulūdjijūs (Claudius) |
| 4. Rūmijja | 5. Līnūs (Linus) | 6. Tūskānā (Toscana) |
| 7. Fītūrus (Petrus) | 8. Galbah (Galba) | 9. Ibārnijjah (Hibernia) |
| 10. Isfasijānūs (Vespasianus) | | 11. Bait al muḳaddas |
| 12. Kilītūs (Cletus) | 13. Fiṭūrus (Petrus) | 14. Līnūs (Linus) |

[تاریخ طیطوس^۱ قیصر^۲. بعد از اِسْفَسِیَانُوس^۳ قیصر پسرش طیطوس به قیصری بنشست، مدّت دو سال؛ و بغایت جوانمرد بود. تمامت اموال بیت المقدّس^۴ را به رومیّه^۵ آورد و بخشید.

۵ تاریخ کِلِیْمَنَس^۶ پاپ. اصل او از رومیّه بود، و بعد از کِلِیْتُوس^۷ به پاپی بنشست، مدّت نه سال و دو ماه و دوازده روز؛ و پیش از جلوس او کرسی خالی بود؛ و در دین ترسایی کتاب بسیار ساخت؛ و پادشاه او را از ولایت بیرون کرد، و به جزیره سَرَسُون^۸ فرستاد و آن جا کشته شد.

۱۰ تاریخ بیطوس^۹ قیصر. بنطوس قیصر بن اِسْفَسِیَانُوس در رومیّه به قیصری بنشست بعد از برادرش، مدّت پانزده سال قیصری کرد، و صعیدیین (؟) گویند نه سال.*

تاریخ دُومِیْطَانُوس^{۱۰} قیصر. برادر طیطوس بود، و بعد از او به قیصری بنشست، مدّت شانزده سال، و بتخانه بَنطُون^{۱۱} در رومه بساخت، و از [هر] ۱۵ ولایتی بتی آنجا آورد، و چون ایشان را دشمنی ظاهر شدی روی آن بت به آن طرف بودی تا دفع [او] کردند.

تاریخ اَنکَلِیْطُوس^{۱۲} پاپ. بعد از کِلِیْمَنَس^{۱۳} انکلیطوس نه سال و دو ماه و

- | | | |
|----------------------|---------------------|------------------------------|
| 1. Tītūs (Titus) | 2. Kaisar | 3. Isfasijānūs (Vespasianus) |
| 4. Bait al muḳaddas | 5. Rūmijja | 6. Kilīmans (Clemens<1>) |
| 7. Kilfītūs (Cletus) | 8. Sarsūn (Cherson) | 9. Bantūs (?) |

*. این قیصر فقط در نسخه «تو» (۱۶۵۳) نام برده شده، در اساس هم نیست. در ترجمه آلمانی هم از او نام برده نمی شود. ناگزیر به جای گذاشتم.

- | | |
|----------------------------|---------------------------|
| 10. Dūmīṭānus (Domitianus) | 11. Banṭūn (Pantheon) |
| 12. Anaklītūs (Anacletus) | 13. Kilīmans (Clemens<1>) |

دو روز بر کرسی پایی نشست، و به وقت جلوس او مدّت هفت سال از پادشاهی دومیطانوس^۱ قیصر گذشته بود، و فرمود که قسیسان موی و ریش بتراشند، و او را به تهمت سحر بکشند.

۵ تاریخ نارون (نارفه)^۲ قیصر^۳*. بعد از دومیطانوس، نارون بر تخت قیصری نشست مدّت یک سال و چهار ماه، و به ازای بدیها که دومیطانوس کرده بود، او در حقّ مردم نیکوییها کرد. والسلام.

۱۰ تاریخ افرسطوس^۴ پاپ. اصل او از رومه بود، و بعد از آنکلیطوس مدّت ده سال و سه ماه و یک روز بر کرسی پایی نشست، و او را نیز به سبب دین به شکنجه بکشند. والسلام.

۱۵ تاریخ طریانوس^۵ قیصر. بعد از نارون^۶، طریانوس به قیصری بنشست مدّت هجده سال و شش ماه؛ و بابل^۷ را بگرفت، و تا هندوستان^۸ برفت، و ترسایان بسیار را بکشت. والسلام.

تاریخ آلیسندر^۹ پاپ. اصل او از رومه بود و بعد از افرسطوس به پایی بنشست مدّت نه سال و پنج ماه و دو روز؛ و او را نیز به واسطه دین به شکنجه بکشند. والسلام.

1. Dūmīḡānus (Domitianus)

2. Nārfaḥ (Nerva)

3. Ḳāisar

*. در ترجمه آلمانی به نقل از مسعودی نام این قیصر «نیرواس» آمده.

4. Afarīštūs

5. Tarjānus (Traianus)

6. Nārūn (Nero)

7. Bābil

8. Hindūstān (Indien)

9. Alīsandar (Alexander<I>)

تاریخ ادریانوس^۱ قیصر^۲. بیست و دو سال قیصر بود، و بیت المقدس^۳ را که خراب کرده بودند آبادان کرد؛ و قدس^۴ را که اورشلیم^۵ می‌گفتند ادریانه^۶ نام نهاد، و جهودان را از دخول در آنجا منع کرد، و ترسایان را عزیز [و گرامی] می‌داشت.

۵

تاریخ سیستوس^۷ پاپ. اصل او از رومه بود، و بعد از آلیسندر^۸ ده سال و سه ماه و بیست و یک روز بر کرسی [پاپی] نشست، و عاقبة الامر او را نیز به شکنجه هلاک کردند، و السلام. [299v=9]*

[تاریخ طلسمفروس^۹ پاپ. اصل او از رومیه بود، بعد از سیستوس به پاپی^{۱۰} بنشست مدت یازده سال و سه ماه و دوازده روز. و هم به سبب دین او را به شکنجه بکشتند.

تاریخ طیطوس^{۱۰} قیصر. او را اَنطُونیائوس^{۱۱} نیز گفته‌اند، و داماد ادریانوس بود. بیست و دو سال و سه ماه قیصری کرد، و او از شهر برغامون^{۱۲} بوده است.

تاریخ اگینوس^{۱۳} پاپ. اصلش از یونان بود از آتینه^{۱۴} که مدرسه ارسطو^{۱۵}

- | | | |
|--------------------------|-----------------------------|-------------------------|
| 1. Adrijānūs (Hadrianus) | 2. Kaişar | 3. Bait al Muḳaddas |
| 4. Ḳuds | 5. Ūrūşālim | 6. Adrijānah (Hadriana) |
| 7. Sīştūs (Sixtus) | 8. Alīsāndar (Alexander<1>) | |
- *. موارد یاد شده در نسخه اساس نیامده است، از نسخه «تو» ۱۶۵۳، با سنجش ترجمه آلمانی آوردم.
- | | | |
|-----------------------------|--------------------|--------------------------|
| 9. Ṭalasarūs (Telesphorus) | 10. Ṭītūs (Titus) | |
| 11. Anṭūnijānūs (Antoninus) | 12. Barġāmūn | |
| 13. Igīnūs (Hyginus) | 14. Atīnah (Athen) | 15. Aristū (Aristoteles) |

[بوده؛ و بعد از طَلَسْفَرُوس^۱ بر کرسی پاپی نشست، و مدّت چهار سال و شش ماه و پنج روز پاپی کرد، و پیش از جلوس او ده روز کرسی خالی بود، و او را نیز به شکنجه هلاک کردند.

۵ تاریخ پیوس^۲ (۱) پاپ. اصلش از هِرَقْلِيَّه^۳ بود و بعد از اِگِنُوس^۴. ده روز کرسی خالی بود، آن گاه پیوس به پاپی نشست نه سال و چهار ماه و بیست و یک روز؛ و در عهد او فریشته‌ای ظاهر شد بر مردی از میث^۵ نام، و گفت چون ماه اذار^۶ به چهاردهم رسد، اوّل یکشنبه عید بزرگ کنند؛ و فرمود که موی گردن بتراشید.

۱۰

تاریخ اَنِسْتُوس^۷ پاپ. بعد از پیوس یازده روز کرسی خالی بود. آنگاه انیسه‌توس بنشست هفت سال و سه ماه و سه روز، و او را به شکنجه بکشند.*]

۱۵ تاریخ مَرْقُوس^۸ [قیصر] و اورلیوس^۹**. ایشان هر دو برادران بوده‌اند. به شرکت همدیگر مدّت نه سال به جای پدر به قیصری نشستند؛ و در اوّل عهد ایشان ملک ارمن^{۱۰} [بیامد] و ملک یونان خراب کرد؛ و مَرْقُوس ایشان را بگریزانید و تا صَقَالِبِه^{۱۱} و ولایت ترک برفت، و ایشان را قهر کرد.

- | | | |
|------------------------|--------------------|--------------------------|
| 1. Talasfarūs | 2. Pijūs (Pius<1>) | 3. Hiraqlījāh (Heraklea) |
| 4. Iḡīnūs (Aygīnus) | 5. 'Armit (Hermis) | 6. Ādār |
| 7. Anīsātūs (Anicetus) | | |

*. این موارد نیز در نسخه‌ی اساس نیامده است و ما از نسخه‌ی «تو» ۱۶۵۳ تدارک کردیم با سنجیدن ترجمه‌ی آلمانی.

8. Marḡūs (Marcus)

** خوشبختانه نسخه‌ی اساس دارای این بخشها هست.

- | | | |
|------------------------|------------|---------------|
| 9. Uralijūs (Aurelius) | 10. 'Arman | 11. Ṣaḡālibah |
|------------------------|------------|---------------|

تاریخ سوتر^۱ پاپ. از گمبانیه^۲ بود، و بعد از انیسه توس^۳ پانزده روز کرسی خالی بود. آن گه سوتر بنشست مدّت یازده سال و سه ماه و بیست و یک روز، و هم به شکنجه هلاک شد.

تاریخ قوموطوس^۴ قیصر^۵. بعد از مرقوس^۶ و برادرش اورلیوس^۷ بن ۵ قوموطوس به قیصری نشست مدّت سیزده سال، و با اهل الامانیه^۸ جنگ کرد و ایشان را مطیع گردانید، و در جنگ صفالیه^۹ به جنگ کشته شد.

تاریخ الوتریوس^{۱۰} پاپ. اصل او از افریقیه بود، و بعد از سوتر ده روز کرسی خالی بود. [۴۱۶=۲] آن گاه او بنشست مدّت ده سال و دو ماه و ده روز؛ و او فرمود تا مردم را به آب و ابن و روح القدس ترسا کنند؛ و به شکنجه کشته شد.

تاریخ ایلوس^{۱۱} [قیصر] و سوریانوس^{۱۲}. ایلوس مدّت بیست و چهار سال قیصری کرد، از آن جمله نوزده سال و چهار ماه به شرکت سوریانس، و ۱۵ اصل سوریانوس از مغرب^{۱۳} بود، و ترسایان بسیار را بکشت و در جزیره آنگله^{۱۴} تر نمااند.

تاریخ وکطور^{۱۵} (۱) پاپ. [اصل] او از افریقیه بود، و بعد از الوتریوس^{۱۶} ده

- | | |
|------------------------|------------------------------|
| 1. Sūtar (Soter) | 2. Kambānijjah (Campanien) |
| 3. Anīsatus (Anicetus) | 4. Qūmūṭūs (Commodus) |
| 5. Kaiṣar | |
| 6. Marḳūs | 7. Uralijūs (Aurelius) |
| 8. Ahl-i Alāmānijjah | |
| 9. Ṣaḳālibah | 10. Alautarijūs (Eleuterius) |
| 11. İlijūs (Helius) | 12. Sawarijānūs (Severianus) |
| 13. Maḡrib | 14. Anglahtar (Angleterre) |
| 15. Wikṭūr (Victor<I>) | 16. Alautarijūs (Eleuterius) |

روز کرسی خالی ماند. آن گاه او بنشست مدّت ده سال و دو ماه و ده روز، و او فرمود تا مردم را به آب و ابن و روح القدس ترسا کنند، و به شکنجه کشته شد*.

۵ تاریخ زیفرینوس^۱ پاپ. اصل او از رومیّه^۲ بود، و بعد از وکطور دوازده روز کرسی خالی ماند، آن گاه زیفرینوس بنشست مدّت نه سال و شش ماه و ده روز، و او را به شکنجه بکشند. [300r=10]

۱۰ [تاریخ آنطونیانوس^۳ قیصر^۴. پسر سیوریانوس^۵ بود. بعد از پدر او را به قیصری نشانند، و مدّت هفت سال و شش ماه پادشاهی کرد؛ و فاسق وزانی بود و زن پدر را بخواست.

۱۵ تاریخ کلیسپوروس^۶ (۱) پاپ. این نیز از رومیّه بود. بعد از زیفرینوس کرسی شش روز خالی بود. بعد از آن او را به پاپی نشانند، مدّت پنج سال و دو ماه و ده روز. و در عهد این پاپ برق بیامد و دو درخت بزرگ که در رومیّه بود بسوخت.

تاریخ مرطینوس^۷ قیصر^۸. بعد از آنطونیانوس^۹، مرطینوس را بر تخت قیصری نشانند و مدّت یک سال و دو ماه پادشاهی کرد، و بعد از آن با پسر]

*. با زندگی الوتریوس خلط شده است ظاهراً، از این روی نسخه «تو» ۱۶۵۳ فاقد این عبارت تکمله است.

- | | | |
|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| 1. Zīfarīnūs (Zephyrinus) | 2. Rūmijja | 3. Anṭūnijānūs (Antonianus) |
| 4. Kaiṣar | 5. Sawarijānūs (Severianus) | |
| 6. Kalīštūrūs (Calixtus<1>) | | 7. Marṭīnūs (Macrinus) |
| 8. Kaiṣar | 9. Anṭūnijānūs (Antonianus) | |

[بهم بر دست دشمنان کشته شدند.]

تاریخ اُربانوس^۱ (۱) پاپ. از رومیّه بود و مدّت چهارده سال و یازده ماه و سیزده روز بر کرسی پاپی نشست؛ و در عهد او دو جوان بیامدند تا دین مسیح بیاموزند. فرشته‌ای بیامد و گفت: نجات شما در توحید است و یک دین و یک معمودیه.

تاریخ اَنطونیانوس^۲ (۳) قیصر. بعد از مرطینوس، اَنطونیانوس را بر تخت قیصری نشاندهند و مدّت چهارده سال پادشاهی کرد و مردی زانی و فاسق بود.

تاریخ اَلسَندریوس^۳ قیصر. در آخر عهد [انطونیانوس]* این اَلسَندریوس قیصر شد، و مدّت سیزده سال پادشاهی کرد، و لشکر به فارس^۴ کشید و جنگ کرد و مسخر گردانید.

تاریخ بُنطویانوس^۵ پاپ. از روسر بود، و بعد از اُربانوس^۶ او را بر کرسی پاپی نشاندهند، و مدّت پنج سال و دو ماه پاپی کرد، و در جزیره سردانیّه^۷ به شکنجه کشته شد، و کیریاکوس^۸ را به جای او بنشاندهند یک سال و سه ماه؛ و آرزو کرد که به جایی رود که پاکان را کشند. به کولونیّه^۹ رفت که

1. Ūrbānūs (Urbanus<1>)

2. Anṭūnijānūs (Antonianus)

3. Alīsāndarijūs (Alexander)

* «در آخر عهد اُربانوس.» آمده، بر مبنای ترجمه آلمانی ص ۶۱ اصلاح شد.

4. Fārs

5. Būnṭūjānūs (Pontianus)

6. Ūrbānūs (Urbanus<1>)

7. Sardānijjah

8. Kīrijākūs

9. Kulūnijjah

[شهری است از الامانیّه^۱، و جهت آنکه در رومیّه^۲ نمرد، او را از پاپان
نشمزند.]

تاریخ مکسیمینانس^۳ قیصر^۴. بعد از آلیسندریوس^۵ این مکسیمینانوس به
۵ قیصری بنشست مدّت سیزده سال، و ولایت الامانیّه مسخر گردانید. والسلام.

تاریخ آنطروس^۶ پاپ. بعد از اوربانوس^۷ که به جای* بونطویانوس
نشسته، این آنطروس به پاپی بنشست مدّت سه سال و یک ماه و پانزده روز، و
به شکنجه هلاک شد.

۱۰

تاریخ گردیانوس^۸ قیصر. شش سال قیصری کرد. برفت و فارس^۹ بستند و
با رومیّه آمد؛ و فیلیپوس^{۱۰} او را و پسرش را به حیلت بکشت. والسلام.

تاریخ فبیانوس^{۱۱} پاپ. از رومه بود. مدّت شانزده سال و یازده ماه و
۱۵ یازده روز بر کرسی پاپی بنشست، و او را به شکنجه هلاک گردانیدند.
والسلام.

تاریخ فیلیپوس^{۱۲} قیصر. مدّت هفت سال قیصری کرد، و اوّل قیصری که
ترسا شد او بود، و خود و پسر در رومه به سبب دین کشته شدند و تمامت

- | | | |
|---|---------------------------------|-----------------------------|
| 1. Alāmānijjah | 2. Rūmijja | 3. Maksīminānus (Maximinus) |
| 4. Kaišar | 5. Alīsāndarijūs (Alexander<1>) | |
| 6. Anṭarūs (Anterus) | 7. Urbānūs (Urbanus<1>) | |
| * این نیز غفلت نویسنده است. انطروس پس از بونطویانوس نشسته است به پاپی نسخه بدلها. | | |
| 8. Gurdijānūs (Gordianus) | 9. Fars | |
| 10. Fīlībūs | 11. Fabijānūs (Fabianus) | 12. Fīlībūs (Philippus) |

اموال به کلیساها دادند.

تاریخ کُرتلیوس (کُورنالیوس^۱) * پاپ. از رومه بود و سه سال و دو ماه و ده روز پاپی کرد. او را نیز به شکنجه بکشتند. والسّلام.

۵

تاریخ ذوقیوس^۲ قیصر. یک سال قیصر بود، و ترسایان بسیار را بکشت. والسّلام.

۱۰

تاریخ لُطسیوس (۱)^۳ پاپ. از رومه کبری بود. سه سال و سه ماه و سه روز پاپ بود و به شکنجه کشته شد. والسّلام. [300v=11]

[تاریخ غالوس^۴ قیصر. مدّت دو سال و سه ماه قیصری کرد.

۱۵

تاریخ اولارینوس^۵ قیصر. دو ماه قیصری کرد و در سیم ماه کشته شد.

تاریخ والرّیانوس^۶ قیصر؛ و پسرش گلیانوس^۷ به مشارکت مدّت پانزده سال قیصری کردند، و از لشکر فارس شکسته شد، و پادشاه فرس پای بر گردن او می نهاد و بر اسپ می نشست.]

1. Kūrñālījūs (Cornelius)

*. در همه نسخه های ما «کرتلیوس» است و در ترجمه آلمانی، P:62: «کورنالیوس»!

2. Dūqijūs (Decius)

3. Luṭsijūs (Lucius<1>) 4. Gālūs (Gallus)

5. Ūlārīnūs (Volusianus) 6. Walarijānūs (Valerianus)

7. Galijānūs (Gallienus)

[تاریخِ اسطیفنوس (۱) ^۱ پاپ. اصلش از رومیّه ^۲ بود، و چهار سال و دو ماه و ده روز به پاپی نشست، و بسیاری از کافران ترسا کرد؛ و بتخانه ای عظیم بود، دعا کرد تا بیفتاد، و به سبب آن کفار بسیار به دین درآمدند و بعاقبت کشته شد.

۵

تاریخِ سکسطوس (۲) ^۳ پاپ. اصلش از رومیّه بود. دو سال و یازده ماه و شش روز بر کرسی پاپی نشست، و قیصری بزرگ را به دین ترسایید در آورد، و خزانه او بر فقرا نفقه کرد، و عاقبت سرش ببریدند.]

تاریخِ دیونیسیوس ^۴ پاپ. بعد از سکسطوس پاپ یک ماه کرسی خالی بود و آنگاه دیونیسیوس را بنشانند مدت دو سال و سه ماه، و به شکنجه هلاک شد. والسلام.

۱۰

تاریخِ فالکس (۱) ^۵ پاپ. اصلش از رومه بود. دو سال و دو ماه پاپی کرد و بمرد. والسلام.

۱۵

تاریخِ قلودیوس ^۶ قیصر ^۷. یک سال و نه ماه قیصری کرد و ولایت غوطیه ^۸ را مسخر گردانید. والسلام.

تاریخِ افسیانوس ^۹ (اتیخیانوس) * پاپ: اصلش از توسکانا ^{۱۰} بود. هشت

۲۰

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| 1. Ištāfanūs (Stephanus<I>) | 2. Rūmijja. |
| 3. Šikstūs (Sixtus<II>) | 4. Dijūnīšijūs (Dionysius) |
| 5. Fālikš (Felix <I>) | |
| 6. Ḳulūdijūs (Claudius) | 7. Ḳaišar |
| | 8. Gūtījjah |
| 9. Afsijānūs (Eutychianus) | |

* در نسخه‌ها: «افسیانوس» آمده است. ناگزیر نامها را از ترجمه آلمانی باز می‌نویسم. در دایرةالمعارف نیز «اتیخیانوس» آمده است.

10. Tūskāna

سال و دو ماه به پاپی بنشست و کارهای نیکو کرد و به شکنجه کشته شد. والسلام.

تاریخ اورلینوس^۱ قیصر^۲. مدّت پنج سال و شش ماه قیصر بود؛ و رومه را بارو ساخت، و مردم را فرمود تا گوشت خوک خوردند. [301r=12] ۵

[تاریخ ططقیئوس^۳ قیصر. مدّت هفت ماه قیصری کرد، و بغایت جواد و جوانمرد بود، و در فارس^۴ بمرد.

تاریخ غایوس^۵ پاپ. از دلماتیه^۶ بود. یازده سال و چهار ماه و چهار روز ۱۰ پاپی کرد، و به شکنجه هلاک شد. [۴۱۷=۱]

تاریخ فروبوس^۷ قیصر. مدّت سه سال و چهار ماه قیصر بود، و نماند.

تاریخ فلوریانس^۸ قیصر. یک سال و بیست روز قیصری کرد، و به شهر ۱۵ طرسوس^۹ کشته شد.

تاریخ قاروس^{۱۰} قیصر. مدّت دو سال به شرکت گریئوس^{۱۱} و نمریائوس^{۱۲} قیصری کرد و تاختن به فارس برد، و در بین النهرین به برق کشته شد. [

-
- | | | |
|------------------------------|---------------------------|-----------------------|
| 1. Auralīnūs (Aurelianus) | 2. Kaiṣar | 3. Ṭaṭkitūs (Tacitus) |
| 4. Fārs | 5. Gājūs (Gaius) | 6. Dalmātijjah |
| 7. Furūbūs (Probus) | 8. Flūrijānus (Florianus) | 9. Ṭarsūs |
| 10. Ḳarūs (Karus) | 11. Karinūs (Carinus) | |
| 12. Numarijānūs (Numerianus) | | |

تاریخ دیوقلیطائس^۱ قیصر. او و پسرش مکسیمیانوس^۲ (مکسیمیانوس)* مدّت بیست سال به مشارکت قیصری کردند، و از انواع ظلم و تعدّی هیچ باقی نگذاشت، و بیست و دو هزار مرد ترسا را بکشت، و عاقبت او را زهر دادند تا بمرد.

۵

تاریخ مردسلینوس^۳ پاپ. اصلش از رومه کبری بود. مدّت بیست و هفت سال و دو ماه و بیست و یک روز بر کرسی پاپی بنشست، و به آرام قیصر بتان را کندرو سوخت، و بعد از آن توبت کرد و کفارت داد؛ و وصیت کرد که او را در گور بنهند، و قیصر سرش را ببرید. والسلام.

۱۰

تاریخ مردسلوس^۴ پاپ. از رومه بود. مدّت شش سال و بیست و دو روز به پاپی بنشست، و قیصر وقت او را شبانی فرمود، و مدّتی گله چرانید تا بمرد.

تاریخ ولریوس^۵ (و کریوس)** قیصر^۶. دو سال قیصری کرد و اسپانیه^۷ [بگرفت] و دختر ری برتانیه^۸ را بخواست و از او قسطنطینوس^۹ آورد. والسلام.

۱۵

1. Dijūklīfānus (Diocletianus)

2. Maksimijānus (Maximianus)

*. نسخه‌ها چنین املائی به کار برده‌اند!

3. Mardsalīnūs (Marcellinus)

4. Mardsalūs (Marcellus)

5. Walarijūs (Galerius)

** در نسخه‌ها چنین ضبطی آمده؛ بی نقطه؛ متن، از ترجمه آلمانی است (گالریوس) نیز در کنار ضبط ترجمه آلمانی آمده است pa:64.

6. Kaišar

7. Ispānija

8. Britānijah (Britannia)

9. Kuštantīnūs (Constantinus)

تاریخ اوزیبیوس^۱ پاپ. اصلش از یونان^۲ بود و بعد از مردسلوس^۳، مدّت یک ماه کرسی خالی ماند. بعد از آن او را به پاپی نشانندند، مدّت دو سال و دو ماه و بیست روز.

۵ تاریخ قسطنطینوس^۴ قیصر. مدّت سی سال قیصری کرد و ده ماه و یازده روز برص داشت. سلفستروس^۵ پاپ او را علاج کرد، و او ترسا شد و خانه را به کلیسا ساخت، و خود به قسطنطینیّه^۶ رفت و مملکت افرنج را با سلفسدروس^۷ گذاشت.

۱۰ تاریخ ملکیادس^۸ پاپ. اصل او از مغرب بود و بعد از اوزیبیوس^۹ بیست و هشت روز کرسی خالی ماند. آن گاه او را بنشانندند؛ و مدّت سه سال و هشت ماه و هشت روز پاپی کرد؛ و عیسویان را فرمود تا یکشنبه و پنجشنبه روزه گیرند (نگیرند؟)* جهت آن که بت پرستان آن دو روز را روزه دارند. والسلام. [301v=12]

۱۵

[تاریخ سلفسدروس پاپ. اصلش از رومیّه^{۱۰} بود. بیست و سه سال و ده ماه و یازده روز پاپی کرد، و طبیبی حاذق بود. قسطنطینوس^{۱۱} را از برص خلاص داد، و میان ترسایان او جمعیت ساخت تا در شهر نیکیه^{۱۲} ششصد و

-
- | | | |
|--|--------------------------------|--------------------------------|
| 1. Ūzībīyūs (Eusebius) | 2. Jūnān | 3. Mardsalūs |
| 4. Ḳuṣṭanṭīnūs (Constantinus) | | 5. Silfaṣturūs |
| 6. Ḳuṣṭanīnijah (Constantinopel) | | 7. Silfasdurūs (silvester <1>) |
| 8. Malkījādas (Melchiades) | | 9. Ūzībīyūs |
| *نسخه‌ها: «روزه گیرند» و ظاهراً «نگیرند» درست است بر مبنای نسخه چاپی و ترجمه آلمانی. | | |
| 10. Rūmijja | 11. Ḳuṣṭanṭīnūs (Constantinus) | |
| 12. Nikaijjah | | |

[هجده مَرَحَسِیا^۱ جمع شدند و با جهودان مناظره کردند، و ایشان را مُلزم کرد و گاوی مرده را اب و ابن و روح القدس در گوش گفت: گاو برخاست، و بدان سبب قسطنطین^۲ ترسا شد.

۵ تاریخ مَرَقوس^۳ پاپ. اصلش از رومیّه^۴ بود، و بعد از سلفسدروس^۵ یک ماه کرسی خالی بود. بعد از آن او را بنشانند، و مدّت دو سال و هشت ماه و بیست روز پایی کرد.

۱۰ تاریخ قُسْطُوس^۶ (۲) قیصر^۷. پسر قسطنطینوس^۸ بود. او را نیز قسطنطینوس گفتندی و قسطنطین و قُسْطُوس هم گفتندی، و مدّت یازده سال بر تخت قیصری بود.

۱۵ تاریخ جُلِیُوس^۹ (۱) پاپ. اصلش از رومیّه^{۱۰} بود، و یازده سال و دو ماه و هشت روز پایی کرد، و از دست قُسْطُوس زحمتها کشید، و چون او نماند، بیاسود.

تاریخ یُولِیَانُوس^{۱۱} قیصر. برادر [زاده] قُسْطُوس بود. دو سال و هشت ماه قیصری کرد؛ و از ترسایی به بت پرستی رفت، و جهودان را فرمود تا بیت المقدّس^{۱۲} را عمارت کردند. زلزله شد و باز خراب گشت، و بر کنار دجله [

1. Marḥasjā'

4. Rūmijja

7. Kaiṣar

10. Rūmijah

2. Ḳustanṭīn

5. Sīlpasdrūs

8. Ḳustanṭīnūs

11. Jūlijānus (Julianus)

3. Marḳūs (Marcus)

6. Ḳustūs (Constantius<II>)

9. Julijūs (Julius<I>)

12. Bait al-Muḳaddas

[با لشکر فُرس^۱ مصاف داد. او را در خیمه بکشتند.

تاریخ لیبریوس^۲ پاپ. از رومیّه بود، و بعد از جلیوس^۳ پانزده روز کرسی خالی بود، آن گاه او را بنشانند. ده سال و هفت ماه و هفت روز پاپی کرد؛ و قیصر او را بر اغوا می داشت، و [او] ابا می نمود. او را معزول کردند و پاپی^۵ دیگر بنشانند.]

تاریخ یوپیانس^۴ قیصر^۵. مدّت هفت سال قیصری کرد، و مردی بغایت نیکوسیرت بود، و مردم از وجود او در آسایش بودند. والسلام.

۱۰

تاریخ فالکس (۲)^۶ پاپ. از رومه بود. دو سال و هفت ماه و هفت روز پاپی کرد؛ و چون گمراهی قیصر با خلق می گفت، قیصر فرمود تا سر او ببریدند. والسلام.

تاریخ والنطیانس^۷ قیصر. [والنطیانس قیصر] و برادرش والیس^۸ قیصری^{۱۵} کردند، مدّت دوازده سال. در دین عیسوی متزلزل قدم بود، و عیسویان را زحمت بسیار داد، و با فرنگان جنگ کرد و سی هزار از ایشان بکشت.

تاریخ لیبریوس^۹ پاپ. در میانه عهد فالکس او را چندگاه به پاپی نشاندند، و فالکس را معزول کرده، و باز فالکس را بنشانند؛ و چون نماند دیگر^{۲۰} باره لیبریوس را بنشانند، مدّت شش سال تمام.

- | | | |
|---------------------------------|-------------------------|------------------------|
| 1. Furs | 2. Lībarijūs (Liberius) | 3. Julijūs (Julius<I>) |
| 4. Jūvijānus (Jovianus) | 5. Kaišar | 6. Fālikš (Felix<II>) |
| 7. Wālantijānus (Valentinianus) | | 8. Wālis (Valens) |
| 9. Lībarijūs (Liberius) | | |

تاریخ والیس^۱* قیصر^۲. مدّت یازده سال قیصری کرد، و در عهد او میان جهودان و گبران جنگ افتاد، و مجادله بسیار کردند. و او مردی پاک‌اندرون بود. مردم بسیار را ترسا گردانید، و مالها در دین عیسوی ایثار کرد.

۵ تاریخ طمسوس^۳ (۱) پاپ. اصل او از اسپانیا^۴ بود. مدّت هجده سال و دو ماه او را به پایی نشانند، و صد و پنجاه مَرَحسیا^۵* را جمع کرد تا لیبریوس را دعای بد کردند و نفرین تا هلاک شد.

۱۰ تاریخ طائودوٹوس^۶ قیصر. مدّت شش سال و هشت ماه [و نه روز] قیصری کرد. والسلام.

تاریخ سِرِیجیوس^۷ پاپ. از رومه بود و مدّت پانزده سال و دو ماه و پانزده روز بر کرسی پایی بود، و در استنبول^۸ با ششصد و پنجاه مرد ترسای پارسا جمعیت ساخت، و در عهد او اماوس^۹* در وجود آمد که از بالای ناف دو تن داشت در بیشتر احوال با همدیگر مختلف. [302r=14]

[تاریخ اَرْقادیس^۹ قیصر. مدّت سیزده سال قیصری کرد، و در عهد او]

1. Wālis (Valens)

*. در ترجمه آلمانی، حاشیه بر مبنای مسعودی «اوالنس» می‌نویسد.

2. Kaišar

3. Ṭamāsus (Damasus <1>)

4. Išbānijā

*. نسخه‌ها همواره «مرحبا، مرحبا» می‌نویسند.

5. Marhasijā'

6. Ṭāudūtūs (Theodosius) 7. Sirīgijūs (Siricius)

8. Istanbul

***. هر دو نسخه صریحاً «ادرماس» آورده‌اند.

9. Arkādijus (Arcadius)

[شخصی از جانب شمال بیرون آمد و شهر هوت^۱ و رومیّه^۲ بستد و به آتش بسوخت، و بقیتی که بماند از برق خراب شد.

تاریخ آنستاسیوس^۳ (۱) پاپ. اصل او از رومیّه بود و مدّت دو سال و بیست و شش روز پاپی کرد، و چون وفات یافت، مدّت یک ماه کرسی خالی ماند.^۵

تاریخ انوریوس^۴ قیصر^۵. مدّت پانزده سال بر تخت قیصری بود و بر عموم مردم مشفق و مهربان. امرا او را بر قتل تهییج کردند. جواب داد که اگر مرا دست برسد، مرده را زنده کنم.^{۱۰}

تاریخ اینوسنسیوس^۶ (۱) پاپ. [۴۱۷=۲] اصل او از شهر البان بود، و مدّت پانزده سال و دو ماه و بیست و [دو]^{*} روز پاپی کرد، و ارقادیس^۷ قیصر را نفرین کرد.^{۱۵}

تاریخ تائودوسیوس^۸ (۲) قیصر. مدّت بیست و هفت سال بر تخت قیصری بود، و در عهد او اصحاب الکهف بیرون آمدند هفت کس؛ و از جزیره کریته^۹ ابلیس بر صورت موسی^{۱۰} پیدا شد و خلق را به قدس^{۱۱} وعده داد. قیصر او را الزام کرد تا بر آب بگذرد، نتوانست، غرق شد.]

-
- | | | |
|--------------------------------|---------------------------------|---------------------------------------|
| 1. Rom, Verbrannte | 2. Rūmijja | |
| 3. Anastāsijūs (Anastasius<1>) | | 4. Unūrijūs (Honorius) |
| 5. Kaišar | 6. Inūsinsijus (Innocentius<1>) | |
| | | *. «دو روز» را از ترجمه آلمانی گرفتم. |
| 7. Arkādijus | 8. Tāudūsijūs (Theodosius<II>) | |
| 9. Kirītah | 10. Mūsā | 11. Ҷuds |

[تاریخ زوسیموس^۱ پاپ. اصلش از روم^۲ بود. مدّت هشت سال و ده ماه بر کرسی پاپی نشست، و فرمود که غلام قسیس^۳ نشود؛* و بعد از او کرسی یازده روز خالی بود.

۵ تاریخ بُنیفاسیوس^۴ (۱) پاپ. اصلش از رومیه بود. مدّت سه سال و هشت ماه و سه روز پاپ بود.

تاریخ سُلستینوس^۵ (۱) پاپ. اصلش از رومه کبری بود. هشت سال و یک ماه و نه روز به پاپی نشست؛ و شخصی را به جزیره یرلانده^۶ فرستاد تا مردم آنجا را ترسا کرد، و در شهر آفزوس^۷ جمعیت ساخت و با خصمان دین جدل کرد.

تاریخ مرقیانوس^۸ و فلنطینوس^۹ قیصر^{۱۰}. ایشان به مشارکت [یکدیگر] هفت سال قیصری کردند.

۱۵

تاریخ سیکستوس^{۱۱} (۳) پاپ. اصلش از رومه کبری بود و مدّت هشت سال و هجده روز پاپی کرد، و در رومه کلیساها ساخت، [و خرابیها را عمارت کرد].

1. Zūsīmūs (Zosimus)

2. Rūm

3. Kīssīs

*. نسخه‌ها: «شود» صریحاً، متن از چاپی است.

4. Bunifāsijūs (Bonifatius<1>)

5. Sulastīnūs (Coelestinus<1>)

6. Irland

7. Afazūs

*. در نسخه «اساس» نخست «مرقیانوس و فلنطینوس» آمده، سپس «سلسطینوس»؛ بر مبنای نسخه «تو» و ترجمه آلمانی مرتب شد.

8. Markījānūs (Marcianus)

9. Falantīnūs (Valentinianus)

10. Kaišar

11. Sīkštūs (Sixtus<III>)

تاریخ لئونتیوس^۱ قیصر* مدّت شش سال قیصری کرد.

تاریخ لئو^۲ (۱) پاپ. اصلش از توسکانا^۳ بود، و بیست و یک سال و دو ماه پایی کرد، و در عهد او چهارم جمعیت شد؛ سیصد و پنجاه مَرَحَسِیا^۴ برابر نسطور^۵ بنشستند و بحث کردند در این مسأله که نسطوریان می‌گویند که عیسی^۶ مرگب از دو چیز است از خدایی و آدمیتی یعنی روح و جسم. [302v=15]

[تاریخ زنون^۷* قیصر^۸. مدّت هجده سال قیصر بود؛ و در عهد او سکسونیه^۹ رفتند و جزیره برتانیه^{۱۰} بگرفتند، و ساکنان آنجا را بکلی بکشتند، و ایشان در آنجا مقام ساختند.

تاریخ ایلاریوس^{۱۱} پاپ. از جزیره سردانیه^{۱۲} بود، و مدّت شش سال و پنج ماه و ده روز بر کرسی پایی تمکن یافت.

۱۵

تاریخ سمپلیجیوس^{۱۳} پاپ. اصلش از شهر تیبور^{۱۴} بود، و پانزده سال و شش ماه و هفت روز بر کرسی پایی نشست، و در عهد [او] شخصی از جزیره انگلتر^{۱۵} برخاست و دعوی پیغمبری کرد و کشته شد.]

* در نسخهٔ اساس پس از «لئوپاپ» آمده.

- | | | |
|-------------------------|------------------|------------|
| 1. Liūntijūs (Leontius) | 2. Lijū (Leo<1>) | 3. Tūskāna |
| 4. Marḥasjā' | 5. Nastur | 6. 'Isā |
| 7. Zinūn (Zenon) | | |

* در حاشیهٔ ترجمهٔ آلمانی از قول مسعودی «ذینو» می‌آورد.

- | | | |
|-------------------------|----------------------------|-----------------------------|
| 8. Kaišar | 9. Saksūnijjah | 10. Britānijjah (Britannia) |
| 11. Īlārijūs (Hilarius) | 12. Sardānijja (Sardinien) | 13. Simpligjūs (Simplicius) |
| 14. Tibūr | 15. Anglahtar (Angleterre) | |

[تاریخ اناسطاس^۱ قیصر^۲، (انسطاسیوس*)]. مدّت بیست و هفت سال پادشاهی کرد، و در کار رای و تدبیری نداشت و در آن امور عاجز بود و متحیر؛ و از او خیری به دوست و شری به دشمن نرسید.

۵ تاریخ فالکس^۳ (۳) پاپ. اصلش از هرومه^۴ بود؛ و مدّت هشت سال و یازده ماه و پانزده روز پاپی کرد.

تاریخ گلاسیوس^۵ پاپ***. اصلش از مغرب^۶ بود. هشت سال و هشت ماه و هجده روز بر کرسی پاپی نشست؛ و در دور او یکی از حواریان ظاهر شد، و انجیلی به خط متی از جمله حواریان پدید آمد. [۱۰

تاریخ انسطاسیوس^۷ (۲) پاپ. اصل او از رومه کبری بود. مدّت یازده سال و یازده ماه و بیست و چهار روز پاپی کرد و درگذشت. والسلام.

۱۵ تاریخ یوستینوس^۸ (۱) قیصر^۹. مدّت نه سال قیصر بود، و در عهد او در انطاکیه^{۱۰} زلزله ای عظیم ظاهر گشت، و اکثر عمارات شهر خراب شد و مردم هلاک گشتند.

1. Anāstās (Anastasius<I>)

2. Kaiṣar

*. در نسخه «تو» و ترجمه آلمانی «اناسطاس» آمده. و معادل آن انیسطاسیوس.

3. Fālik (Felix<III>)

4. Hrūmah (Rom)

5. Galāsijūs (Gelasius <I>)

*. در نسخه «تو» تاریخ «گلاسیوس» بار اول ناقص آمده بی اشاره به پیدایی انجیل!

6. Maḡrib

7. Anasṭāsijūs (Anastasius <II>)

8. Yūstīnus (Justinus <I>)

9. Kaiṣar

10. Anṭākijjah

تاریخ سِمیگُس^۱ پاپ. اصل او از جزیرهٔ سردانیّه^۲ بود. مدّت پانزده سال و هفت ماه و بیست و سه روز بر کرسی پاپی نشست؛ و در عهد او ریدافرنس^۳ پادشاه بزرگ افرنج ترسا شد.

۵ تاریخ یوسطینیانوس^۴ (۱) قیصر. مدّت بیست و هفت سال بر تخت قیصری متمکن بود، و در عهد او قحط و غلایلی عظیم افتاد چنانکه مردم یکدیگر را بخوردند؛ و او مردی علم دوست بود، و در سیاست پادشاهی کتاب بسیار ساخت.

۱۰ تاریخ اورمیزده^۵ پاپ. اصلش از کامبانیّه^۶ بود. نه سال و هجده روز بر کرسی پاپی متمکن نشست، و بعد از آن وفات یافت.

تاریخ یوحَنَس^۷ (۱) پاپ. اصلش از رومهٔ کبری بود، و مدّت دو سال و چهار ماه بر کرسی پاپی نشست؛ و در عهد او مردم ولایت فرنگ جمله ترسا^۸ شدند، و ملّت عیسوی رونق تمام یافت. [303r=16]

[تاریخ فالکس^۹ (۴) پاپ. اصلش از شهر سَبینه^۹ بود، و مدّت چهار سال و دو ماه و سیزده روز بر کرسی پاپی متمکن بود.]

1. Simīkus (Symmachus) 2. Sardānijjah

4. JūstīniJānūs (Justinianus<1>)

6. Kambānijjah (Campanien)

8. Fālix (Felix <I ∇>)

9. Sabīnah

3. Ray di Frans

5. Ūrmīzdah (Hormisdas)

7. Jūḥannās (Johannes<1>)

[تاریخ بُنیفاسیوس^۱ (۲) پاپ. اصلش از رومیۀ^۲ کبری بود. مدّت دو سال و دو ماه و بیست و شش روز پایی کرد.]

تاریخ یوسطینوس^۳ (۲) قیصر^۴. مدّت یازده سال قیصری* کرد، و در عهد [او] از ولایت الامانیه^۵ لشکری بزرگ به ولایت لُنبردیّه^۶ رفت، و اهل آنجا را بکشتند، و در آنجا مقیم شدند.

تاریخ یوحَنَس^۷ (۲) پاپ. اصلش از رومیّه بود. مدّت دو سال و چهار ماه و هفت روز بر کرسی پایی نشست.

تاریخ اغاِطوس^۸ (۱) پاپ. اصلش از رومیّه بود. یازده سال و بیست و هشت روز پایی کرد.]

تاریخ سِلْفَرِیوس^۹ پاپ. اصلش از کنبانیّه^{۱۰} بود. یک سال و پنج ماه و یازده روز به پایی بنشست، و قیصر وقت او را به تعذیب و شکنجه هلاک کرد.

تاریخ یوسطِنِیانُس^{۱۱} (۲) قیصر. یازده سال قیصری کرد و با قبادِ کسری،

1. Bunifāsijus (Bonifartus<II>)

2. Rūmijja-ji Kubra

3. Jūsṭīnūs (Justinus<II>) 4. Kaiṣar

*. نسخهٔ اساس این پاره‌ها را ندارد، نسخهٔ «تو» «پایی» نگاشته است، همچنین به جای «لُنبردیّه» «اشبیلیه» نگاشته. بر اساس ترجمهٔ آلمانی اصلاح شد.

5. Alamanijjah (Alamania)

6. Lunbardijjah (Lombardia)

7. Jūḥannās (Johannes<II>)

8. Agāpatūs (Agapetus<I>)

9. Silfarijūs (Silverus)

10. Kanbānijjah (Campanien)

11. Jūsṭīnijānūs (Justinianus<II>)

ملک فُرس^۱ به کنار فرات، نزدیک شهر رُها^۲ مصاف داد؛ و باز به انطاکیه^۳ رفت؛ و فرس رومیّه^۴ را بستند و برده بسیار بردند. آن گاه قیصری فرنگان سپری شد، و دور با یونانیان افتاد.

۵ تاریخ فیگیلیوس^۵ پاپ. اصلش از رومه بود. هفده سال و هفت ماه و شش روز پایی کرد؛ در عهد او جمعیت ترسایان بود به استنبول^۶، و مجادله با مخالفان ملت.

تاریخ طباریوس^۷ (۱) قیصر^۸. هفت سال بر تخت قیصری بود و بیشتر اموال خود به صدقه داد و گفت: آنچه دادم مرا است، و آنچه مانده دشمن را. ۱۰ روزی در زمین خانه حقه ای مرمرد دید، نقش خاج بر آن برداشت. از آن یکی دیگر یافت. برداشت. سوراخی یافت. بکاوید. گنجی وافر یافت، تمامت بر مردم ایثار کرد.

تاریخ فیلاگیوس^۹ (۱) پاپ. از رومه بود، و مدت چهار سال و دو ماه و ۱۵ بیست روز پایی کرد؛ و نماند. والسلام.

تاریخ یوحنّس^{۱۰} (۳) پاپ. اصلش از رومه بود، [۴۱۸=۱] و یازده سال و یازده ماه و بیست و چهار روز بر کرسی پایی نشست؛ والسلام. [304r=18]

1. Furs

2. Ruhā

3. Anṭākijjah

4. Rūmijja

5. Fīgilijūs (Vigilius)

6. Istanbul

7. Tībārijūs (Tiberius(1))

8. Kaišar

9. Fīlāgijūs (Pelagius <I>)

10. Jūḥannās (Johannes< III>)

[تاریخ موریقی^۱ [موریقوس]*^۲ قیصر]. بیست سال قیصر بود، و در عهد او چوخای کرسطوس^۳ یافتند بی درز؛ و ندایی شنید که کشته خواهد شد. بترسید و توبه کرد؛ و با انوشیروان^۴ عادل بر در رها^۵ مصاف داد، و در سال هشتم از پادشاهی او خسرو پرویز^۶ از بهرام چوبین^۷ بدو التجا کرد، و او او را مدد داد تا بهرام را هزیمت کرد و عاقبت کشته شد. ۵

تاریخ بَنَطِکُطُوس^۸ (۱) پاپ. اصلش از هرومه^۹ بود، و سه سال و یک ماه و نوزده روز پایی کرد؛ و در عهد او قحط و غلا و فتنه در فرنگستان ظاهر شد.

۱۰ تاریخ پَلاگیوس^{۱۰} (۲) پاپ. اصلش از رومیّه^{۱۱} بود. ده سال و سه ماه و ده روز به پایی بنشست، و در عهد او باران بی اندازه بارید و رودخانه رومیّه برابر باروی شهر برآمد؛ و چندان مار و حشرات و حیوانات گندیده بیاورد که از گند آن خلقی بسیار بمرد، و او نیز بمرد.

۱۵ تاریخ فوقا^{۱۲} قیصر^{۱۳}. مدّت نه سال بر تخت قیصری بود و بتخانه‌ای بزرگ بساخت و به پاپ بخشید تا او آن را کلیسیا کرد.

تاریخ گریگوریوس^{۱۴} (۱) پاپ. از رومیّه کبری^{۱۵} بود. سیزده سال و سه

1. Maurīkī (Maurikios)

*. در نسخه‌ها نیامده، از حاشیه ترجمه آلمانی گرفتم بر اساس «مسعودی».

2. Kaišar

3. Kirištūs

4. Anūširwān

5. Ruhā

6. Ḥosrou Parwīz

7. Bahrām Ġūbīn

8. Banaḡiktūs (Benedictus<I>)

9. Hrūmah (Rom)

10. Palāḡjūs (Pelagius<II>)

11. Rūmijja

12. Fūkā (Phokas)

13. Kaišar

14. Grīgūrījūs (Gregorius <I>)

15. Rūmijja ji Kubrā

[ماه و ده روز به پایی بنشست و علم دوست بود، و کتب بسیار ساخت، و معجزه‌ها نمود، و اهل جزیرهٔ آنگله‌تر^۱ را ترسا کرد؛ و در عهد او در فرنگستان مرگِ مفاجا حادث شد خاصه در رومیّه^۲، و خلقی انبوه بمردند.

تاریخ [سَفِنیانوس]* سَبِنیانوس^۳ پاپ. اصلش از توسکانا^۴ بود. مدّت ۵ یکسال و پنج ماه و نه روز پایی کرد.]

تاریخ هِرَقلیوس^۵ قیصر. مدّت سی و یک سال بر تخت قیصری بود، و در نهم سال پادشاهی او سال بر نهصد و سی و پنج اسکندری بیت‌المقدس^۶ را بگشود، و بعد از آن به سه سال اسکندریه^۷ بگرفت و مصر^۸، و عزم نوبه^۹ کرد.

و دهم سال از قیصری او لشکر اسلام از زمین یثرب^{۱۰} به فرمان خاتم النبیین محمد^{۱۱} رسول الله صلی الله علیه و سلم در حرکت آمدند. و هِرَقلیوس در علم نجوم مهارتی داشت، و بر مقتضی سیر سیارات خبر یافت که بر دست شخصی سنّت کرده مُلکِ او برافتد؛ و بر دست لشکر آن شخص خاندان او برافتد.^{۱۵} پیش ریدافرنس^{۱۲} نوشت که جهودان را که اهل سنّت [ختنه] اند تمامت بکش یا ترسا کن. او [ایشان] همه را ترسا کرد؛ و بیست و هفتم سال از پادشاهی او مسلمانان انطاکیه^{۱۳} [را] بگرفتند و بیت‌المقدس^{۱۴} را خراب کردند، و در ایام سابق خاج مسیح^{۱۵} را پادشاهان فُرس^{۱۶} به غارت برده بودند.

1. Anglahtar

2. Rūmijjah

*. تلفظ «سَفِنیانوس» بر مبنای ترجمهٔ آلمانی است.

3. Safinijānūs (Sabinianus)

4. Tuskānā

5. Hiraqlijūs (Herakleios)

6. Bait al-Muḳaddas

7. Iskandariyyah

8. Mişr

9. Nūbah

10. Jaṭrib (Madīna)

11. Muḥammad

12. Rey d'ifrāns

13. Anṭākijjah

14. Bait al-Muḳaddas

15. Masīh

16. Furs

هرقلیوس^۱ به آذربایگان^۲ رفت و آن را از یزدجرد^۳ شهریار باز ستد و با قدس^۴ آورد، و تهی پای در آنجا رفت و در دروازه هاگشاده شدند. و بعد از آن لشکر اسلام بر مملکت ملوک فرس^۵ استیلا یافتند؛ و هرقلیوس^۶ درگذشت.

۵

تاریخ بُنیفاسیوس^۷ (۳) پاپ. اصلش از رومه کبری بود. مدت نه ماه و بیست روز به پاپی نشست. والسلام.*

تاریخ بُنیفاسیوس ثانی^۸ (۴) پاپ** این بُنیفاسیوس ثانی از کنبانیه^۹ بود، شش سال و هفت ماه و دوازده روز پاپی کرد، والسلام.

۱۰

تاریخ طائوسطط^{۱۰} پاپ. سه سال و بیست روز پاپی کرد، و چنان پارسا و صالح بود که بر خداوند برص بوسه داد، و او از آن علت خلاص یافت.

۱۵

تاریخ بُنیفاسیوس^{۱۱} (۵) پاپ. اصلش از کنبانیه^{۱۲} بود. پنج سال و سیزده

-
- | | | |
|--|---------------------------|---------------------------|
| 1. Hiraqljūs (Herakleios) | 2. Aqarbājgan | 3. Jazdajird |
| 4. Kuds | 5. Furs | 6. Hiraqljūs (Herakleios) |
| 7. Bunifāsijus (Bonifatius< III>) | | |
| *. در نسخه اساس «بنیفاسیوس» پیش از زندگی «هرقلیوس» آمده. بر مبنای نسخه «تو» و ترجمه آلمانی اصلاح کردم. | | |
| 8. Bunifāsijus (Bonifatius< 1V>) | | |
| **. در نسخه «تو» پس از هرقلیوس یک «بنیفاسیوس» آمده است و آنهم ثانی است. | | |
| 9. Kanbānijjah | 10. Tāuštaṭat (Deusdedit) | |
| 11. Bunifāsijus (Bonifatius< V>) | 12. Kanbānijjah | |

روز پایی کرد و به پایی بنشست، والسّلام. [304v=18]**

[تاریخ اَنُوریوس^۱ (۱) پاپ. اصل او از کنبانیّه بود. دوازده سال و یازده ماه و هجده روز بر کرسی پایی نشست، و در عهد او شخصی فارسی سخره می‌کرد، آخر ترسا شد و به بیت‌المقدّس^۲ رفت و ربان^{**} گشت، و مسلمانان^۵ او را بکشتند.

تاریخ سَفَرینوس^۳ پاپ. از هرومه بود؛ و یک سال و چهار ماه و بیست و هشت روز پایی کرد.

۱۰

تاریخ یوحَنَس^۴ (۴) پاپ. از دلماسیّه^۵ بود. یک سال و نه ماه و بیست و هشت روز به پایی بنشست، و اسیر بسیار از مسلمانان بخريد و آزاد کرد.

تاریخ قُسطنطینوس^۶ (۳) قیصر^۷. مدّت سی و یک سال و بیست روز قیصر بود؛ و خیرات و مبرات بسیار کرد، و در عهد او امیرالمؤمنین عمر^۸ رضی الله عنه شام^۹ بستد و به بیت‌المقدّس^{۱۰} آمد، و مسجدی بنا کرد.

۱۵

تاریخ تیوٹوروس^{۱۱} (۱) پاپ. اصلش از رومیّه بود. سه سال و پنج ماه و

*. برگهای ۱۷ و ۱۸ در نسخه چاپ عکسی اساس پشت و رو شده است.

1. Unūrijūs (Honorius<I>)

2. Bait al-Muḳaddas

** چندی مورد آمده در نسخه‌ها، همه جا صریحاً «ربان» است.

3. Safarīnūs (Severinus)

4. Jūḥannās (Johannes<I V>)

5. Dalmāsijjah (Dalmāṭia)

6. Ḳuṣṭanṭīnus (Constantinus<III>)

7. Ḳaiṣar

8. Umar-i Ḥaṭṭāb

9. Šām

10. Bait al-Muḳaddas, Jeruśalem

11. Tījūtūrūs (Theodorus<I>)

[هشت روز پایی کرد.]

تاریخ مرطینوس^۱ (۱) پاپ. اصلش از تودرتینه^۲ بود. سه سال و دو ماه و بیست و هفت روز پایی کرد. والسلام.

۵

تاریخ اوجینوس^۳ پاپ. اصلش از هرومه بود. دو سال و نه ماه و بیست روز پایی کرد. والسلام.

تاریخ فیطلیانوس^۴ پاپ. اصلش از کنبائیته^۵ بود. چهارده سال و شش ماه پایی کرد. والسلام.

۱۰

تاریخ قسطنطینوس^۶ (۴) قیصر^۷. پسر قسطنطینوس سابق بود، و مدّت هفده سال قیصری کرد، و بغایت نیکوسیرت و دیندار بود؛ و ترسایان را تربیت می‌کرد، و در دور او خاتون^۸ پادشاه فرس^۹ قیصریه^{۱۰} نام به استنبول^{۱۱} آمد و ترسا شد، و شوهرش نیز با چهل هزار مرد بیامد و ترسا شد.

۱۵

تاریخ دیوطاطوس^{۱۲} پاپ. اصلش از رومه بود. مدّت چهار سال و دو ماه و پانزده روز پایی کرد. والسلام. [304v=19]

- | | |
|---------------------------|------------------------------------|
| 1. Marṭīnūs (Martinus<1>) | 2. Tūdartīnah |
| 3. Ūḡīnūs (Eugenius) | 4. Fīṭalijānūs (Vitalianus) |
| 5. Kanbānijjah | 6. Ḳaṣṭantīnus (Constantinus<1 ∇>) |
| 7. Ḳaiṣar | 8. Hātūn |
| 9. Furs (Persien) | 10. Ḳaiṣarijjah |
| 11. Istanbul | 12. Dījūtāṭus (Adeodatus) |

[تاریخ بُنیفاسیوس^۱ (۶) پاپ. اصلش از جزیره صقیلیه^۲ بود، و دو سال و شش ماه و سه روز پایی کرد.

تاریخ دُنوس^۳ [دومنوس]* (۱) پاپ. از رومیه^۴ بود. چهار سال و پنج ماه و شش روز پایی کرد.

تاریخ اگطوس^۵ پاپ. اصلش از جزیره صقیلیه بود؛ و دو سال و شش ماه و سه روز پایی کرد؛ و در عهد او در قسطنطینه^۶ ششم جمعیت ترسایان شد، و با مخالفان ملت جدل و مناظره کردند.

تاریخ لئو^۷ (۲) پاپ. از جزیره صقیلیه بود. ده ماه و هفده روز پایی کرد.

تاریخ زینون^۸ پاپ. از رومیه^۹ بود. یازده ماه و نه روز پایی کرد.

تاریخ بَنطِکطوس^{۱۰} (۲)** پاپ. از رومیه بود. یازده ماه و نه روز پایی کرد.]

1. Bunifāsijus (Bonifatius<VI>)

2. Sīkilijjah

3. Dūmūnus (Donūs<I>)

*. در نسخه «تو» تخلیط شده و دوبار «اگطوس» آمده. بر مبنای دایرةالمعارف و ترجمه آلمانی (ص 74) اصلاح شده؛ و در حاشیه ترجمه آلمانی «دومنوس» آمده است.

4. Rumijjah

5. Ağaṭūs (Agathon)

6. Ḳuṣṭanīnijjah

7. Lijū (Leo<II>)

8. Zīnūn (Conon)

9. Rūmijjah

10. Banaṭīktūs (Benedictus<II>)

** در نسخه‌ها و ترجمه آلمانی از «بَنطِکطوس» یاد نشده. در دایرةالمعارف نام او به جای «زینون» آمده، ترجمه آلمانی نام «زینون» را آورده است و من ناگزیر بر مبنای نسخه «تو» آن را آوردم.

تاریخ یوستینوس^۱ (۳) قیصر^۲. دو سال قیصری کرد و علم دوست بود، و در سیاست کتاب بسیار ساخت، و با مسلمانان به مواضعه مال و قبول جزیت صلح کرد، [۴۱۸=۲] و لئونام بروی بیرون آمد و او را از قیصری معزول کرد، و بینی او بریده به جزیره‌ای فرستاد و محبوس گردانید، و خود قیصر شد.

۵

تاریخ سرگیوس^۳ (۱) پاپ. اصل او از شهر انطاکیه^۴ بود. مدت چهارده سال و هشت ماه و بیست و سه روز پاپی کرد. والسلام.

تاریخ لئو^۵ (۳) پاپ. اصل او از شهر رومه بود. مدت دو سال و نه ماه پاپی کرد. والسلام.

۱۰

تاریخ یوحانس^۶ (۵) پاپ. اصل او از روم^۷ بود. مدت سه سال و دو ماه و سیزده روز پاپی کرد. والسلام.

تاریخ لئو^۸ (۲) قیصر. سه سال قیصری کرد. بعد از آن طباریوس^۹ بیرون آمد و بینی او به قصاص بینی یوستینوس قیصر ببرید، و او را از تخت فرو آورد و خود بنشست.

۱۵

تاریخ یوحانس^{۱۰} (۶) پاپ. اصل او از روم بود، و دو سال و هفت ماه و هفده روز پاپی کرد. والسلام. [305r=20]

۲۰

1. Jūstīnūs (Justinianus<III>)

2. Kaişar

3. Sargijūs (Sergius<I>)

4. Antākijjah

5. Lijū (Leo<III>)

6. Jūhannās (Johannes<V>)

7. Rūm

8. Lijū (Leo<II>)

9. Tībārijūs

10. Jūhannās (Johannes<VI>)

[تاریخ طَبَارِیُّوس^۱ (۲) قیصر^۲. هفت سال قیصر بود، و در عهد او یوسطینوس^۳ (۲) که در جزیره‌ای محبوس بود، با اهل جزیره زبان یکی کرد که باز پادشاه شود. ایشان قصد او کردند. بگریخت و پیش ترکان رفت و خواهر امیر ترک بخواست و مدد آورد و مُلک باز ستد.

۵

[تاریخ یوحَنَس^۴ (۷) پاپ. اصل او از روم^۵ بود، و دو سال و هفت ماه و هفده روز پایی کرد.]*

تاریخ سِیْزُونُوس^۶ پاپ. اصلش از رومی^۷ بود. بیست روز پایی کرد.

۱۰

تاریخ یوسطینُوس^۸ (۴) قیصر. شش سال دیگر این نوبت قیصری کرد؛ و اهل آن جزیره را که قصد گرفتن او را کرده بودند، بیشتر بکشت و کودکان را اسیر برد؛ و ایشان جمعیتی ساختند و فیلیبوس^۹ نام را بر خود حاکم کردند که یوسطینوس را بگرفتند و بکشتند.

۱۵

تاریخ قُسْطَنْطِیْنُوس^{۱۰} (۱) پاپ. اصلش از شام^{۱۱} بود. هفت سال و سیزده روز پایی کرد.]

1. T̄ibārījūs (Tiberius<II>)

2. Kaişar

3. Jūsṭīnūs (Justinianus<II>)

4. Jūḥannās (Johannes<VII>)

5. Rūm

*. این فقره در نسخه «تو» نیامده. نسخه اساس هم افتادگی دارد. بر مبنای دایرةالمعارف و ترجمه آلمانی آوردم و نیز نسخه چاپی.

6. Sīzūnūs (Sisinnius) 7. Rūmijjah

8. Jūsṭīnūs (Justinianus<IV>)

9. Fīlībūs (Philippus)

10. Ḳuṣṭantīnūs (Constantinus<I>)

11. Šām (Syrien)

[تاریخ فیلیپوس^۱ قیصر^۲. مدّت یک سال و شش ماه قیصری کرد.]

تاریخ گریگوریوس^۳(۲) پاپ. اصل او نیز از شام بود؛ و شانزده سال و هشت ماه و بیست و سه روز پایی کرد، و اهل ولایت الامانیّه^۴ را بیکبار ترسا گردانید. ۵

تاریخ آنسطاسیوس^۵(۲) قیصر. فیلیپوس^۶ را گرفت و چشمهای او را برکند و خویشتن به جای او بنشست و سه سال قیصری کرد، و چون بغایت ظالم بود، افراد سپاه بترسیدند و بر وی پادشاه دیگر بگزیدند. ۱۰

تاریخ تنوطوسیوس^۷(۳) قیصر. آنسطاسیوس^۸ را بگرفت و بکشتش و خود به جای او بنشست؛ و مدّت یک سال قیصری کرد. و مردی کریم و حلیم و متواضع [بود] و لئو^۹ نام او را بگرفت و کُشش کردن. والسّلام. ۱۵

تاریخ لئو^{۱۰}(۳) قیصر و پسر. او با پسر به هم مدّت بیست و پنج سال بشرکت قیصری کردند؛ و در عهد او مسلمانان استنبول^{۱۱} را محاصره کردند و قتل و غارت به تقدیم رسانید، و از مغرب^{۱۲} نیز لشکر آمد؛ ریدافرنس^{۱۳} با ایشان جنگها کرد، و مدّت دو سال فتنهها بود. والسّلام.

1. Fīlībūs (Philippus) <Bardanes>

3. Grīgūrīūs (Gregorius< II>)

5. Anaṣṭasijūs (Anastasius< II>)

7. Tāuṭūsijūs (Theodosius< III>)

9. Lijū

12. Mağrib

10. Lijū (Leo< III>)

13. Rey d'afrens

2. Kaiṣar

4. Alamanijjah

6. Filibūs

8. Anastasijūs

11. Istanbul

تاریخ گریگوریوس^۱ (۳) پاپ. و این گریگوریوس پاپی را اصل از رومه بود، و ده سال و هشت ماه و بیست و چهار روز پاپی کرد.

تاریخ قسطنطینوس^۲ (۵) قیصر^۳. بعد از پدر مدّت بیست و پنج سال باستقلال قیصری کرد، و پسرانش لئو^۴ و بوبین^۵ بشرکت سلطان افرنس^۶ شدند؛ و پسران با مسلمانان مغرب جنگها کردند، و خلقی بسیار کشته شد. والسلام.

تاریخ زکریاس^۷ پاپ. اصل او از روم^۸ بود، و ده سال و سه ماه و پانزده روز پاپی کرد. والسلام.

تاریخ اسطفنوس^۹ (۲) (اسطبنیوس) پاپ. اصلش از رومه بود و پنج سال و بیست و هشت روز پاپی کرد، و در عهد او میان رومه و لنبردیة^{۱۰} تعصب و خلاف افتاد، و زیدافرنس^{۱۱} برفت و پادشاه لنبردیة را بکشت و آن ملک بگرفت. [305v=21]

[تاریخ باولوس^{۱۲} (۱) پاپ. از رومیة^{۱۳} بود و یک سال و یک ماه به پاپی نشست، و در حقّ خلق نیکوییها و مبرات کرد.]

-
- | | | |
|-----------------------------------|------------------|--------------------------------|
| 1. Grīgūrīūs (Gregorius< III>) | | 3. Kaişar |
| 2. Kuştāntīnūs (Constantinus< V>) | | 6. Sulţān-i-Frans |
| 4. Lijū | 5. Būbīn | 9. Isteafanūs (Sthphanus< II>) |
| 7. Zakarijās (Zacharias) | 8. Rūm | 12. Bāulūs (Paulus< I>) |
| 10. Lunbardijjah | 11. Rey d'afrans | |
| 13. Rūmijjah | | |

[تاریخ قسطنطینوس^۱ (۲) پاپ. از شهر رومیّه بود و یک ماه به پاپی نشست و مخالفان ملّت بر او ظفر یافتند و چشمهای او بر کنندند.

<تاریخ لئو قیصر. >*

۵

تاریخ لئو^۲ (۴) قیصر. پسر قسطنطینوس (۶) قیصر بود، و بعد از پدر مدّت پنج سال قیصری کرد، و بعد از آن مادرش شریک شد.

تاریخ اسطیفانوس^۳ (۲) پاپ. از جزیره صقیلیّه^۴ بود. سه سال و پنج ماه و یازده روز پاپی کرد.

۱۰

تاریخ لئو^۵ قیصر^۶ و مادرش ایرینه^۷. پسر و مادر به هم مدّت دو سال تمام قیصری کردند؛ و بعد از آن مادر قصد پسر کرد و به حیلت چشم او را بکند و باستقلال خود به پادشاهی نشست.

۱۵

تاریخ ادریانوس^۸ (۱) پاپ. اصل او از روم^۹ بود. بیست و سه سال و پنج ماه و هجده روز پاپی کرد؛ و او هفتم جمعیت ترسایان ساخت به استنبول^{۱۰}، و خود با سیصد پارسا با مخالفان ملّت جدل کرد.

1. Ḳuṣṭantīnūs (Constantinus<II>)

*. در ترجمه آلمانی چنین موردی یاد شده، p:76؛ چون شماره‌اش نیز متغایر است، یاد کردم.

2. Lijū (Leo<VI>)

3. Iṣṭafanūs (Stehphanus<II>)

4. Sīḳilijjah

5. Lijū (Leo)

6. Ḳaiṣar

7. Airinah

8. Adrijānūs (Hadrianus<I>)

9. Rūm

10. Istanbul

تاریخ مادر لئو^۱ قیصر^۲. چون چشم پسر برکنند، خویشتن بر تخت نشست، مدّت سه سال پادشاهی کرد؛ و در آن وقت هفده روز آفتاب تاریک شد، و مردم حمل بر آن کردند که آن از تأثیر فعل بد او است که با پسر کرد.

تاریخ لئو قیصر؛ بعد از مادرش. لئو بعد از مادر دیگر بار قیصر شد، و ۵ مدّت پنج سال پادشاهی کرد. والسلام.

تاریخ لئو^۳ (۴) پاپ. اصلش از رومه بود. بیست و پنج سال و شش ماه پایی کرد و خصمان بر او ظفر یافتند. و چشمش بیرون کردند و زبانش بریدند. کرسطوس^۴ خود را به خواب به قیصر نمود تا لشکر کشید و اعدای ۱۰ [او] را قهر کرد؛ و در عهد او مسلمانان بر روم مستولی شدند.

تاریخ کزُلوس^۵ قیصر. چون لئو قیصر نماند، پاپ وقت کزُلوس را که زیدافرنس^۶ بود به قیصری برداشت و در رومه بر تخت نشانند، سبب آنکه به دفع پادشاه لئوردیه^۷ مدد پاپ کرده بود. ۱۵ مدّت چهارده سال قیصری کرد و دست مسلمانان از فرنگستان کوتاه گردانید؛ و تاج مسیح^۸ از قدس^۹ به روم^{۱۰} برد.

تاریخ اسطَفَنُوس^{۱۱} (۳) پاپ. اصلش از هرومه بود. مدّت هفت سال و سه ماه* و هجده روز [۴۹۱=۱] پایی کرد و نماند. والسلام. ۲۰

- | | | |
|-----------------|--------------------------------|-------------------|
| 1. Lijū (Leo) | 2. Kaişar | 3. Lijū (Leo<IV>) |
| 4. Kirişūş | 5. Karulūs (Carolus) | 6. Rey d'afrans |
| 7. Lunbardijjah | 8. Masīh | 9. Kuds |
| 10. Rūm | 11. Iştafanūs (Stephanus<III>) | |

*. نسخهٔ اساس به اشتباه «سه سال و هفت ماه و...» آورده، بر مبنای نسخهٔ «تو» و ترجمهٔ آلمانی اصلاح کردم.

[تاریخ] لوطویکوس^۱ (۱) [قیصر] و پسرش لوتریوس^۲. مدّت بیست و پنج سال قیصری کردند، و در دور ایشان وبای فاحش ظاهر شد، و در اوّل تابستان تگرگی عظیم بارید بغایت بزرگ.

۵ تاریخ بسکالِس^۳ (۱) پاپ. از شهر رومیّه^۴ بود، هفت سال و دو ماه پاپی کرد، والسلام. [306r=22]

[تاریخ اُجینوس^۵ (۲) پاپ. هم از رومیّه بود. سه سال و دو ماه پاپی کرد.

۱۰ تاریخ فلنطینوس^۶ پاپ. او نیز از رومیّه بود. مدّت چهل روز پاپی کرد.

تاریخ گریگوریوس^۷ (۴) پاپ. هم از رومیّه بود. مدّت پانزده سال پاپی کرد، و چون میان اهل رومیّه تعصّب و جدل بود، او سلطان مصر^۸ را به مدد خواند تا رومیّه بستد و کلیسیای بزرگ را پایگاه ساخت و بعد از آن ریدافرنس^۹ و ری لنبردیّه^{۱۰} بیامدند و ایشان را به هزیمت کردند.

تاریخ لوطریوس^{۱۱} (۱) قیصر. چون پدرش لوطویکوس^{۱۲} نماند، او باستقلال قیصر شد، و مدّت ده سال پادشاهی کرد، و بعد از آن پسر خود را شریک گردانید و مدّت پنج سال دیگر قیصری کرد. آنگاه ملول گشت و ربان]

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| 1. Lūtuwīkūs (Ludovicus<I>) | 2. Lūtarījūs (Lotharius) |
| 3. Baskālis (Paschalis<I>) | 4. Rūmijja |
| 5. Ūġīnūs (Eugenius<# >) | 6. Falanṭīnūs (Valentinus) |
| 7. Grīgūrīūs (Gregorius<IV>) | 8. Miṣr |
| 9. Rey d'afrans | 10. Rey Lunbardijjah |
| 12. Lūtuwīkūs | 11. Lūtarījūs (Lotharius<I>) |

[شد و در غاری نشست و مُلک به پسر بازگذاشت.

تاریخ سَرگِیوس^۱ (۲) پاپ. اصلش از رومیّه^۲ کبری بود. مدّت سه سال پایی کرد.]

۵

تاریخ بَنطِکطوس^۳ (لئو^۳) پاپ. از رومه بود. هشت سال و سه ماه و هشت روز پایی کرد؛ و در عهدِ او رِی آنگله^۴ تر^۴ تواضعها نمود، و به هر یک سر یک درم به پاپ داد.

تاریخ بَنطِکطوس*^۵ (۳) پاپ. از رومه بود. دو سال و شش ماه پایی کرد و ۱۰ با مردم نیکوییهای بسیار کرد. والسّلام.

تاریخ باؤلوس^۶ پاپ. از رومه بود. مدّت دو سال و دو ماه پایی کرد. والسّلام.

۱۵

تاریخ لُوَطویکوس^۷ (۲) قیصر. چون پدرش لوطریوس^۹ ربان شد و مُلک به او بازگذاشت، او مدّت نوزده سال و چهار روز باستقلال قیصری کرد.

-
1. Sargijūs (Sergius< II>)
 2. Rūmijja
 3. Banaṭikṭūs (Leo< III>)
 4. Rey Anglahtar
 5. Banaṭikṭūs (Benedictus< III>)
 6. Bāulūs (Paulus)
 7. Lūṭuwīkūs (Ludovicus< II>)
 8. Kaišar
 9. Lūṭarijūs

*. در نسخهٔ اساس نخست نام «لئو» با شرح آن آمده، و سپس «بنطکطوس» نیز با شرح جدا، صورت چاپی ما برگرفته از ترجمهٔ آلمانی است، p:78؛ در نسخهٔ «تو» نام «لئو» نیامده.

تاریخ اِسْطَبْنُوس^۱ پاپ. از رومه بود، و مدّت چهار سال تمام بر کرسی پایی نشست. والسّلام. [306v=23]

۵ [تاریخ نیکولاؤس^۲ (۱) پاپ. از رومیّه^۳ بود. نه سال و دو ماه و بیست و پنج روز پایی کرد؛ و در عهد او در شهر کولونیّه^۴ وبا افتاد. همه مردم در کلیسیاهای بزرگ رفتند، و برق مانند اژدها بر کلیسیاها افتاد و بیشتر مردم هلاک شدند.

تاریخ ادریانوس^۵ (۲) پاپ. اصلش از رومیّه بود. پنج سال پایی کرد.

۱۰ تاریخ کَرُلوس^۶ (۲) قیصر^۷. مدّت هشت سال قیصری کرد، و در عهد او جزیره صقیلیّه^۸ که مسلمانان گرفته بودند، فرنگان بازگرفتند، و از قبیل خود پادشاهی در ولایت اسکندریّه^۹ بنشانند؛ عاقبت او را جهودی زهر داد و بکشت.

۱۵ تاریخ یوحَنَس^{۱۰} (۸) پاپ. از رومیّه^{۱۱} بود. مدّت ده سال و ده ماه پایی کرد، و به عهد او استنبول^{۱۲}، هشتم جمعیت ترسایان ساختند. سیصد و هشتاد مرد ترساگرد شدند و با خصمان ملّت مباحثه و مجادله کردند.

تاریخ کَرُلوس ثانی^{۱۳} (۳) قیصر. این کَرُلوس ثانی هفت سال بر تخت قیصری

-
- | | | |
|--------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| 1. Iṣṭabīnūs (Stephanus) | 2. Nīkūlāūs (Nicolaus<I>) | |
| 3. Rūmijja | 4. Kulūnijjah | 5. Adrijānūs (Hadrianus<II>) |
| 6. Karulūs (Carolus<II>) | 7. Kaiṣar | 8. Sīkilijjah |
| 9. Iskandarijjah | 10. Jūḥannās (Johannes<VIII>) | |
| 11. Rūmijja | 12. Istanbul | 13. Karulūs (Carolus II<III>) |

[نشست؛ و در عهد او در انطاکیه^۱ قحط و غلایبی عظیم افتاد، و زیدافرنس^۲ را مدد کرد تا گبران ولایت نوروینگه^۳ را که به فرنگستان خرابی می‌کردند جواب داد، و ایشان جمله ترسا شدند.

۵ <تاریخ یوحسس VIII پاپ >* ۵

تاریخ مَرطینوس^۴ [مَرینوس (۱)] پاپ. اصل او از رومیّه بود. مدّت یک سال و پنج ماه پایی کرد و نماند.

۱۰ تاریخ اَطْرِنانوس^۵ (۳) پاپ. اصل او نیز از رومه بود. مدّت یک سال و چهار ماه پایی کرد. والسّلام.

تاریخ اِسْطَبینوس^۶ (۵) پاپ. اصلش از رومه کبری بود. مدّت شش سال و ده روز پایی کرد. والسّلام.

۱۵ [تاریخ ارنوفس^۷ (ارنولفوس) قیصر**].^۸ دوازده سال قیصری کرد و عاقبت شپش در وی افتاد، و اطبا از معالجه او عاجز آمدند و بدان علّت بمرد.

1. Anṭakijjah

2. Rey d'afrens

3. Nūrwiġah

*. فقط در ترجمه آلمانی، p:79، به گونه الحاقی از <تاریخ یوحسس VIII > یاد شده.

4. Marṭīnūs (Marinus<I>)

5. Aṭrijānūs (Hadrianus<III>)

6. Iṣṭabīnūs (Stephanus<V>)

7. Urnufūs

** جز در اساس ما که آنهم فقط نام آمده در هیچ نسخه‌ای و حتی ترجمه آلمانی باز نیافتیم. در چاپی «ارنولفوس» آمده.

8. Kaiṣar

تاریخ فرموسوس^۱ پاپ. اصلش از رومه بود. مدّت پنج سال و شش ماه پایی کرد. والسّلام.

تاریخ بنیفاسیوس^۲ (۶) پاپ. اصل او از توسکانا^۳ بود. مدّت پانزده روز پایی کرد. والسّلام. [307r=24] ۵

[تاریخ اسطفنوس^۴ (۶) پاپ. اصلش از رومیّه کبری^۵ بود. مدّت یک سال و سه ماه پایی کرد.

تاریخ رومانوس^۶ پاپ. از رومیّه^۷ بود. سه ماه و ده روز پایی کرد. ۱۰

تاریخ تیوطروس^۸ (۲) پاپ. بیست روز پایی کرد.

تاریخ یوحسس^۹ (۹) پاپ. اصلش از هرومه بود. دو سال و پانزده روز بر کرسی پایی نشست و با اهل شهرها و ولایت رومیّه جنگها کرد. ۱۵

تاریخ بنطکطوس^{۱۰} (۴) پاپ. اصلش از رومه کبری^{۱۱} بود، و مدّت چهل روز پایی کرد. والسّلام.

-
1. Furmūsūs (Formosus)
 2. Bunifāsijūs (Bonifatius<VI>)
 3. Tūskānā
 4. Iṣṭafanūs (Stephanus<VI>)
 5. Rūmijja-Ji Kubrā
 6. Rūmānūs (Romanus)
 7. Rūmijja
 8. Tījūtūrūs (Theodorus<II>)
 9. Jūḥannās (Johannes<IX>)
 10. Banaṭīktūs (Benedictus<I V>)
 11. Rūmijja-Ji Kubrā

تاریخ لئو^۱ (۴) پاپ. اصلش از رومیّه کبری بود، و مدّت چهل روز پایی کرد. والسّلام.

تاریخ کرسطوفوروس^۲ پاپ. مدّت هفت سال پایی کرد، و در آخر او را معزول کردند، و ربان* شد و نماند. والسّلام. ۵

[تاریخ ارنولفس قیصر]**

تاریخ لوطوفیکوس^۳ (۳) قیصر^۴. و برادرش برنگاریوس^۵.***
۱۰ لوطوفیکوس بعد از آن که شش ماه تنها قیصری کرده بود، برادرش برنگاریوس با او شریک شد، و در ولایت الامانیّه^۶ می نشست، و او خود در ایتلیه^۷؛ و مدّت هشت سال قیصری کردند.

تاریخ سرگیوس^۸ (۳) پاپ. از رومه بود. هفت سال و سه ماه و شازده روز پایی کرد. [307v=25] ۱۵

[تاریخ آنستاسیوس^۹ (۳) پاپ. از رومیّه کبری^{۱۰} بود. مدّت دو سال و دو ماه پایی کرد.]

1. Lijū (Leo < I V >)

2. Kristūfūrūs (Christophorus)

*. در هر دو نسخه به مانند دو فقره پیشین «ربان» آمده صریحاً.

** این فقره فقط در ترجمه آلمانی آمده است، P.80.

3. Luṭfīkūs (Ludovicus < III >)

4. Kaişar

5. Barangārijūs

*** در نسخه اساس سپس «تاریخ لوطوفیکوس قیصر» آمده بی شرح و سپس با برادرش با شرح.

6. Alamanijjah

7. İtaliya

8. Sargijūs (Sergius < III >)

9. Anastasijūs (Anastasius < III >)

10. Rūmijja-Ji Kubrā

[تاریخ لانطو^۱ پاپ.*]

تاریخ اوگو^۲ قیصر^۳. اوگو به شرکت پسرش پرنگریوس^۴ مدت هفت سال پادشاهی کرد، و در عهد او لشکر ماجرستان^۵ به اشبانیه^۶ [۴۱۹=۲] آمدند و خرابیها کردند، و پادشاه بوهیمی^۷ با اهل آنجا بیکبارگی ترسا شدند؛ و بدترین دو پسر او بهترین را بکشت.

تاریخ امیری که قایم مقام اوگو شد

۱۰ اوگو بعد از آن که به شرکت پسر هفت سال قیصری کرده بود، بدترین پسرانش بهترین را که شریک او و لایق پادشاهی بود بکشت؛ و اوگو امیری را از امرا قایم مقام خود گردانید؛ و آن امیر بعد از او مدت چهل و یک سال و دو ماه قیصری کرد.

۱۵ تاریخ یوحنس^۸ (۱۰) پاپ. شانزده سال و دو ماه و سه روز بر کرسی پاپی متمکن بود، و با مسلمانان جنگها کرد؛ و در عهد او لشکر ماجر به رومی^۹ آمدند و قتل و تاراج بسیار کردند.

تاریخ لئو^{۱۰} (۵) پاپ. اصلش از رومی^۹ بود. شش ماه و پنج روز پاپی کرد.

1. Lanțu

*. فقط در نسخه «تو» همین مورد آمده است. در هیچ منبع دیگر چیزی نیافتیم جز دایرةالمعارف.

2. Ūgū (Hugo)

3. Kaişar

4. Barangārijūs

5. Mağāristān

6. Išbanijja

7. Būhīmijjah

8. Jūḥannās (Johannes<X>)

9. Rūmijja

10. Lijū (Leo<V>)

تاریخ اِسْطَبِنُوس^۱ (۷) پاپ. از رومیّه کبری^۲ بود. دو سال و یک ماه و دوازده روز پایی کرد.

<کُنْرادُوس^۳ (۱) قیصر. >^{۴*}

۵

تاریخ هَنْرِیکُوس^۵ (۱) قیصر. هجده سال بر تخت قیصری متمکن بود.

تاریخ یوحَنَس^۶ (۱۱) پاپ. از رومیّه بود. چهار سال و دو ماه و پانزده روز پایی کرد؛ و در عهد او در ولایت جنوه^۷ چشمه‌ای پدید آمد و از آن خونِ صرف بر زمین جوشید؛ و در آن سال مسلمانان از مغرب^۸ بیامدند و قتل و ۱۰ نهب وافر کردند.

تاریخ لئو^۹ (۶) پاپ. از رومیّه^{۱۰} بود، شش سال و یک ماه پایی کرد.

تاریخ اِسْطَبِنُوس^{۱۱} (۸) پاپ. از الامانیّه^{۱۲} بود. سه سال و شش ماه و ده روز پایی کرد. [308r=26]

[تاریخ مَرَطِیْنُوس^{۱۳} (۳) [مَرِینُوس (II)] پاپ. از رومیّه کبری^{۱۴} بود. سه سال]

-
- | | |
|---|------------------------------------|
| 1. Ištābinūs (Stephanus <VII>) | 2. Rūmijja-Ji Kubrā |
| 3. Kunrādūs (Conradus) | 4. Kaišar |
| *. «کنرادوس» فقط در ترجمه آلمانی به خطی ریزتر آمده است، p:81، بی شرحی و حاشیه‌ای. | |
| 5. Hanrīkūs (Hericus <I>) | 6. Jūḥannās (Johannes <XI>) |
| 7. Ġinva (Jenua) | 8. Mağrib |
| | 9. Lijū (Leo <VI>) |
| 10. Rūmijja | 11. Ištābanijūs (Stephanus <VIII>) |
| 12. Alamanijjah | 13. Martīnūs <III> (Marinus <II>) |
| 14. Rūmijja-Ji Kubrā | |

[و شش ماه و ده روز بر کرسی پایی نشست.

تاریخ برَنگاریوس^۱ (۱) قیصر^۲. هفت سال قیصری کرد و در زمان او ایتلیه^۳ معمور شد؛ و او مردی بغایت عادل و نیکوسیرت بود.

۵

تاریخ اغاپطوس (۲)^{۴*} پاپ. از رومیه^۵ بود. هفت سال و ده ماه و پنج روز به پایی نشست.

تاریخ لوتریوس^۶ (۲) قیصر. دو سال قیصری کرد، و در عهد او آفتاب سرخ رنگ طلوع می کرد. عاقبت در ایتلیه فتنه و آشوب ظاهر شد.

۱۰

تاریخ یوحنَس^۷ (۱۲) پاپ. از رومیه بود. ده سال و شش ماه و ده روز پایی کرد؛ و چون زندگانی او نه بر طریقه پاپان بود، اصحاب او را پیش قیصر غمز کردند تا او را از پایی معزول کرد.

۱۵

تاریخ برَنگاریوس^۸ (۲) قیصر و پسرش. پدر و پسر یازده سال بشرکت قیصری کردند؛ و چون برَنگاریوس بغایت ظالم بود، اوتو^۹ پادشاه الامانیه^{۱۰} با لشکری بیامد و او را معزول کرد، و او ولایت لنبردی^{۱۱} بدو داد و باز گردانید.

1. Barangārijūs (Berengarius<I>)

2. Kaişar

3. Italiijah

4. Agapaṭūs (Agapetus)

*. در آوانوشت ترجمه آلمانی «Agafatūs» آمده است، «آغافطوس».

5. Rūmijja

6. Lūtarijūs (Lothanius<II>)

7. Jūḥannās (Johannes<X II>)

8. Barangārijūs (Berengarius<II>)

9. Ūṭū

10. Alamanijjah

11. Lunbardijjah

[دیگر بار چون او همچنان ظلم می‌کرد، اُطو باز بیامد، و پاپ او را قیصر^۱ گردانید.

تاریخ بَنَطِکَطُوس^۲ (۵) پاپ*. مدّت دو سال و پنج روز به پاپی بنشست، و زندگانی نیکو کرد.].

۵

تاریخ لیون (لئو) (۷) پاپ. مدّت یک سال و چهار ماه پاپی کرد. والسّلام.

تاریخ اُطُو^۴ (۱۱) قیصر^۵. مدّت شش سال قیصری کرد، و او اوّل پادشاهی بود از ولایت الامانیّه^۶، و در ملّت صلب بود، و بسیار گبران را ترسا کرد. والسّلام.

تاریخ یوحَنَس^۷ (۱۳) پاپ. از شهر نارنیه^۸ بود. هفت سال و یازده ماه و شانزده روز پاپی کرد؛ و اهل رومه او را حبس کردند و آخر بیرون آوردند، و به ولایت کنبانیّه^۹ فرستادند؛ و او طو قیصر لشکر فرستاد و به کینه او خلقی انبوه را بکشت و اسیر کرد.

تاریخ بَنَطِکَطُوس^{۱۰} (۶) پاپ. اصلش از رومه کبری بود. و مدّت یک سال و شش ماه پاپی کرد، والسّلام.

1. Kaişar

2. Banaṭiktūs (Benedictus<V>)

*. «تاریخ لئو» در ترجمه آلمانی پیش از «بنطکطوس» آمده است.

3. Lijū (Leo <VII>)

4. Ūtū (otto<I>)

5. Kaşar

6. Alamanijjah

7. Jūḥannās (Johannes<X III>)

8. Nārnijjah

9. Kanbānijjah

10. Banaṭiktūs (Benedictus<VI>)

تاریخ طمینوس^۱ پاپ. * مدّت یک سال و شش ماه پایی کرد. والسّلام.
[308r=27]

۵ [تاریخ اوطو^۲ ثانی قیصر^۳. مدّت بیست و یک سال بر تخت قیصری
تمکّن یافت، و روزگار به عدل و انصاف گذرانید.

تاریخ بُنیفاسیوس^۴ (۷) پاپ. مدّت سه سال و یک ماه بر کرسی پایی
نشست.

۱۰ تاریخ بَنطِکطوس^۵ (۷) پاپ. از رومیّه کبری بود. مدّت نه سال و شش ماه
و پنج روز پایی کرد.

تاریخ یوحنّس^۶ (۱۴) پاپ. هشت ماه پاپ بود. اهل رومیّه او را بگرفتند و
در قلعه‌ای حبس کردند تا به گرسنگی بمرد.

۱۵

تاریخ یوحنّس دوم^۷ (۱۵) پاپ. از رومیّه کبری بود^۸. سه ماه پایی کرد.]

تاریخ یوحنّس سوم^۹ (۱۶) پاپ. از رومه بود. ده سال و چهار ماه و هشت

1. Ṭamīnūs (Donus)

*. در چایی «طونوس» آمده. در ترجمه آلمانی پس از «طمینوس»، «Donus» آمده است، p:83.

2. Ūṭū (otto< II>) 3. Kaiṣar

4. Bunifāsijūs (Bonifatius< VII>)

5. Banaṭīkṭūs (Benedictus< VII>)

6. Jūḥannās (Johannes< XI V>)

7. Jūḥannās (Johannes II< X V>)

8. Rūmijja-Ji Kubrā

9. Jūḥannās (Johannes III< X VI>)

روز بر کرسی پایی نشست. والسّلام.

تاریخ اُوْطُوْ^۱ سوم قیصر^۲. دوازده سال قیصری کرد؛ و قیصری تا به عهد او با قوّت و نسبت بود. بعد از آن سه مَرَحَسِیَا^۳ و سه امیر بزرگ مردم را به حسب استعداد می‌گزیدند، تا چون بر یکی متّفق الکلمه [می شدند] به ۵ پادشاهی او را اختیار می‌کردند و بر تخت قیصری می‌نشاند.

تاریخ گریگوریوس^۴ (۵) پاپ. اصلش از ولایت سکسونیه^۵ بود. دو سال و شش ماه پایی کرد. والسّلام.

۱۰

تاریخ یوحَنَس^۶ (۱۷) پاپ. اصل او از روم^۷ بود. مدّت ده ماه و پنج روز پایی کرد. والسّلام.

تاریخ سَلْفَسْطُورُوس^۸ (۲) پاپ. از افرنسه^۹ بود. چهار سال و یک ماه و بیست روز پایی کرد و ساحر بود و به مدد ابلیس پاپ شد؛ و کبیره‌ای از وی در ۱۵ وجود آمد. او را گفتند ترا به اورشلیم باید رفت یعنی بیت المقدّس^{۱۰}، و آنجا نماز کردن؛ و در رومه به کلیسیایی بزرگ رفت، [جروسالم* می‌گفتند. او آنجا رفت] و نماز گزارد. خدای تعالی بر او خشم گرفت. او بدانست. اندام خود را پاره پاره ببرد. حق تعالی را بر او رحم آمد، توبت او قبول کرد. [309r=28]

- | | | |
|--------------------------------|-----------|----------------|
| 1. Ūtū (Otto III | 2. Kaiṣar | 3. Marḥasjā' |
| 4. Grīgūrīūs (Gregorius<V>) | | 5. Saksūnijjah |
| 6. Jūḥannās (Johannes<X VII>) | | 7. Rūm |
| 8. Silfaṣṭūrūs (Silvester<II>) | | 9. Afransah |
| 10. Bait al-muḥaddas | | |

*. «جروسالم» عیناً در نسخه «تو» آمده است.

[تاریخ یوحنا^۱ (۱۸) پاپ. از رومیّه کبری^۲ بود. پنج ماه و بیست روز پایی کرد.]

۵ [تاریخ یوحنا^۳ (۱۹) پاپ. ایضاً از رومیّه^۴ بود. [۴۲۰=۱] پنج سال و هشت ماه و چهار روز بر کرسی پایی نشست.]

تاریخ سرگیوس^۵ (۴) پاپ. دو سال و هفت ماه و هشت روز پایی کرد.]

۱۰ [تاریخ آنریکوس^۶ (۲) قیصر^۷. هفت کس که اختیار کردن قیصره به رای ایشان مفوض بود، او را بر تخت قیصری نشانند؛ و ده سال پادشاهی کرد؛ و عنین بود و بکر مرد. خواهر را به پادشاه ماجرستان داد، و ایشان را ترسا کرد.]

تاریخ بنطکوس^۸ (۸) پاپ. اصلش از توسقالان^۹ بود. یازده سال و بیست و یک روز بر کرسی پایی بود.]

۱۵

تاریخ کنراطوس^{۱۰} (۲) قیصر. او را بر تخت قیصری نشانند و پانزده سال پادشاهی کرد؛ عظیم نیکخواه خلق بود و [غمخوار] رعیت، و حریص بر دوستی و جمعیت مردم.]

-
- | | |
|-------------------------------|----------------------------------|
| 1. Jūhannās (Johannes<XVIII>) | 2. Rūmijja-Ji Kubrā |
| 3. Jūhannās (Johannes<XIX>) | 4. Rūmijjah |
| 5. Sīrgijūs (Sergius<I V>) | 6. Anrikūs (Henricus(<II>)) |
| 7. Kaišar | 8. Banatikus (Benedictus <VIII>) |
| 9. Tūškālan (Tuscugun) | 10. Kunrāṭūs (Conradus<II>) |

تاریخ یوحَنَس^۱ (۲۰) پاپ. اصلش از رومه کبری بود. نه سال و دوازده روز پایی کرد. والسّلام.

تاریخ بِنَطِکُطُوس^۲ (۹)* پاپ. از ولایت توسقالان^۳ بود. چهارده سال پایی کرد، و چون نماند بر شخصی پارسا صورت او ظاهر شد سرش مانند سر خر ۵ و دُم مانند خرس، آن شخص از حال او پرسید، گفت چنانکه در دنیا بودم مرا بدان صورت کردند.

<تاریخ یوحَنَس (۲۱) پاپ. >

۱۰

تاریخ سِلْفَسْطُرُوس^۴ (۳) پاپ. بنجاه و شش روز پاپ بود.

تاریخ اَنْرِیکُوس^۵ (۳) قیصر^۶. پسر کُنراطوس^۷ بود، و گویند داماد او. مدّت بیست و هفت سال قیصر بود. و به عهد او در ولایت ابولیه^۸ صورتی از مرمر یافتند کاسه سر او از مس، و بر آن نوشته که در اوّل روز از ماه ایار^۹ که آفتاب به ۱۵ سرطان رسد، سر من زرین شود، و کس معنی آن فهم نمی کرد. مسلمانان اسیر حاضر بود و فهم کرد، و روز اوّل ایار چون آفتاب به نصف النهار رسید، آنجا که سایه سر آن صورت افتاده بود بکاوید. گنجی

1. Jūhannās (Johannes<XX>)

2. Banaṭikṭūs (Benedictus<IX>)

*. در نسخه اساس نخست «کنراطوس قیصر» آمده و روبروی آن «یوحَنَس» و سپس «بنطکطوس پاپ»، من بر مبنای ترجمه آلمانی متن را آراستم، p:84.

3. Tūškālān (Tusculum) 4. Silfaṣṭūrūs (Silvester<III>)

5. Anrikūs (Henricus<III>)

6. Kaiṣar

7. Kunraṭus (Conradus <II>)

8. Abūlijjah

9. Ajjār

یافت. مردم متعجب ماندند، و او را از اسیری خلاص دادند.

تاریخ گریگوریوس^۱ (۶) پاپ. از رومه بود و مردی نیکوسیرت. مدت پنج سال پاپی کرد، و بدان را مقهور داشتی؛ و آن طایفه به قصد او برخاستند [بر او ظفر نیافتند؛] و به گاه نزع وصیت کرد تا او را بر گردون نهند و به گاو روانه گردانند. آنجا که گاو بایستد، او را دفن کنند. گاو بر در کلیسیا بایستاد و درها باز شد. او را آنجا دفن کردند. [309v=29]

[تاریخ قلیمنس^۲ (۲) پاپ. اصلش از الامانیه^۳ بود. نه ماه پاپی کرد.

تاریخ طمسوس^۴ (۲) پاپ. یک ماه پاپی کرد.

تاریخ لیون (لئو)^۵ (۸) پاپ. از الامانیه بود. پنج سال و دو ماه و شش روز پاپی کرد.

تاریخ فکطور^۶ (۲) پاپ. از الامانیه بود. دو سال و سه ماه به کرسی پاپی نشست.

تاریخ اسطبنوس^۷ (۹) پاپ. از لورینیّه^۸ بود. نه سال پاپی کرد. والسلام.

1. Grīgūriūs (Gregorius<VI>)

2. Kīlīmāns (Clemens<II>)

3. Alamanijjah

4. Tamasūs (Damasus<II>)

5. Lijūn (Leo<VIII>)

6. Fiktūr (Victor<II>)

7. Ištābinūs (Stephanus<IX>)

8. Lūrīnijjah

تاریخ بَنَطِکُطوس^۱ (۱۰) پاپ. مدّت هشت ماه پاپ بود. والسّلام.

تاریخ نیکولاووس^۲ (۲) پاپ. اصلش از بورگندیّه^۳ بود. دو سال و شش ماه و بیست و پنج روز پایی کرد. والسّلام.

۵

تاریخ اَلِیسَندَر^۴ (۲) پاپ. اصلش از شهر میلان^۵ بود. مدّت یازده سال و شش ماه و بیست و پنج روز پایی کرد. والسّلام. [310r=30]

[تاریخ آنریکوس^۶ (۴) قیصر^۷. هفده سال بر تخت قیصری متمکن بود، و در عهد او امیری در خانه نشسته بود. ناگاه موشان بر او جمع می شدند و او را^{۱۰} می خوردند، و دیگران را تعرّض نمی رسانیدند، و دفع میسر نمی شد. او را به کشتی به دریا بردند تا باشد که دفع شود. همچنان در کشتی موش پیدا شد و او را بخوردند. و در زمان او لشکری بزرگ جمع شدند و با مسلمانان مصاف دادند، و بیت المقدّس^۸ از تصرّف ایشان باز ستدند، و در انطاکیّه^۹ نیزه ای یافتند که^{۱۵} کرسطوس^{۱۰} را بدان زده بودند؛ و صحّت آن را به آتش امتحان کردند و نسوخت.

تاریخ گریگوریوس^{۱۱} (۷) پاپ. اصل او از توسکان^{۱۲} بود. دوازده سال و

- | | | |
|-------------------------------|--------------------------------|---------------|
| 1. Banaṭikṭūs (Benedictus<X>) | 2. Nikūlāūs (Nicolaus<II>) | |
| 3. Būrgundijjah | 4. Alīsandar (Alexander<II>) | |
| 5. Mīlān | 6. Anrīkūs (Henricus<I V>) | |
| 7. Kaiṣar | 8. Bait-al-muḳaddas | 9. Antākijjah |
| 10. Kiristūs | 11. Grīgūriūs (Gregorius<VII>) | |
| 12. Tūskānā | | |

[یک ماه و چهار روز پایی کرد.]

تاریخ فکطور^۱ (۳) پاپ. یک سال و سه ماه و هفت روز پایی کرد.

۵ تاریخ اوربانوس^۲ (۲) پاپ. یازده سال و چهار ماه پاپ بود؛ و در عهد او امیری با لشکری انبوه بیامد نام او بوهمند^۳، و بیت المقدس را بستند.

تاریخ آنریکوس^۴ (۵) قیصر^۵. مدت پانزده سال بر تخت قیصری تمکن یافت.

۱۰

تاریخ فسکاليس^۶ (۲) پاپ. اصلش از توسکانا^۷ بود، ده سال و پنج ماه و هفت روز پایی کرد.]

تاریخ فلازیوس^۸ (۲) پاپ. اصلش از کنبانیه^۹ بود. مدت یک سال و پنج روز پایی کرد. والسلام.

۱۵

تاریخ کلیکستوس^{۱۰} (۲) پاپ. اصلش از رومه بود. پنج سال و ده ماه و سیزده روز پایی کرد. والسلام.

-
- | | |
|--------------------------|-------------------------------|
| 1. Fikṭūr (Victor< III>) | 2. Urbānūs (Urbanus< II>) |
| 3. Būhīmand | 4. Anrīkūs (Henricus< V>) |
| 5. Kaiṣar | 6. Faskālīs (Paschalis< II>) |
| 7. Tūscānā | 8. Falazjūs (Gelasius< II>) |
| 9. Kanbanijjah | 10. Kalīkstūs (Calixtus< II>) |

تاریخ لوپریوس^۱ (۳) قیصر^۲. پانزده سال* بر تخت قیصری بود. و در عهد او به ولایت افرنس^۳ بی آبی بود چنانکه رودخانه‌ها [و چشمه‌ها] و کاریزها تمامت خشک شد؛ و پاره‌ای زمین شکافته شد و آتش از آنجا بیرون آمد، و هرچند سعی کردند نتوانستند گشت، و بعد از دو سال فرو نشست.

۵

تاریخ انوریوس^۴ (۲) پاپ. از شهر بُنانیه^۵ بود. پنج سال و دو ماه و سه روز پاپی کرد. والسلام.

تاریخ انوسینسیوس^۶ (۲) پاپ. از رومه کبری بود سیزده سال و هفت ماه

۱۰

و هشت روز بر کرسی پاپی نشست. والسلام. [310v=31]

[تاریخ کنراطوس^۷ (۳) قیصر. پانزده سال قیصری کرد؛ و در عهد او

شخصی بود سلاحدار، گرلوس^۸ اولین، بالای سیصد سال عمر یافته، در آن زمان نماند.

۱۵

تاریخ سلسطینوس^۹ (۲) پاپ. از توسکانا^{۱۰} بود. پنج ماه و سیزده روز پاپی

کرد.]

1. Lūtarījūs (Lotharius< III>)

2. Kaišar

*. نسخه اساس و «تو» پانزده سال دارد همانند ترجمه آلمانی، p:87: نسخه چاپی «یازده سال» آورده که نادرست است.

3. Ifrans

4. Unūrijūs (Honorius< II>)

5. Bunānijjah

6. Inūsīnsijūs (Innocentius)

7. Kunraṭūs (Conradus< III>)

8. Karulūs

9. Sulastīnūs (Coelestinus< II>)

10. Tūscānā

[تاریخ لوسیوس^۱ (۲) پاپ. از بنانیه^{۲*} بود. یازده ماه و چهار روز پایی کرد.

تاریخ اوجینوس^۳ (۳) پاپ. از شهر بیزا^۴ بود. هشت سال و چهار ماه و بیست روز بر کرسی پایی تمکن یافت.

۵

تاریخ آنستاسیوس^۵ (۴) پاپ. از رومیه کبری^۶ بود. یک سال و چهار ماه و بیست و چهار روز به پایی بنشست.

تاریخ فریدریکوس^۷ (۱) قیصر^۸. [۴۲۰=۲] مدّت سی و هفت سال بر تخت قیصری تمکن یافت؛ و در عهد او سلطان حلب^۹ با لشکر بیامد، و شهر روچه^{۱۰*} از ترسایان بستند، و قتل و غارت کرد، و مسلمانان بیت المقدس^{۱۱} باز ستدند.

تاریخ اطریانوس^{۱۲} (۴) پاپ. از انگله تر^{۱۳} بود. چهار سال و بیست روز پایی کرد. والسلام. ۱۵

تاریخ آلیسندر^{۱۴} (۳) پاپ. از ولایت توسکانا^{۱۵} بود؛ و یک سال و بیست

1. Lūsijūs (Lucius<II>) 2. Bunanijjah

*. نسخه «تو» و چایی هر دو صریحاً «بنانیه» است، و ترجمه آلمانی «Bologna»^{۸۷}:p.

3. Ūgīnūs (Eugenius<III>)

4. Bīzā

5. Anaštasiyūs (Anastasius<I V>)

6. Rūmijja-Ji Kubrā

7. Firīdarīkūs (Fredericus<I>)

8. Kaišar

9. Sulṭān Ḥaleb (Aleppo) 10. Ruhā

*. کاتب هر دو نسخه اساس و «تو» صریحاً «روحه» نوشته اند و نه «درها» و «الرها».

11. Bait-al-muḳaddas

12. Atrijānūs (Hadrianus<I V>)

13. Anglahtar

14. Alīšandar (Alexander<III>)

15. Tūscānā

روز پاپی کرد؛ و در عهد او زلزله‌ای عظیم شد، چنانکه انطاکیه^۱ و طرابلس^۲ و دمشق^۳ خراب گشت؛ و در جزیره صقیلیه^۴ شهر کتانیه^۵ بکلی خراب شد؛ و زیادت از بیست هزار آدمی بمردند؛ و دریای صقیلیه مدّ کرد و پنج هزار آدمی غرق شدند.

۵

تاریخ لوسیوس^۶ (۳) پاپ. از توسکانا بود؛ و چهار سال و دو ماه و هجده روز پاپی کرد. والسّلام.

تاریخ اوربانوس^۷ (۳) پاپ. از شهر میلان^۸ بود. یک سال و دو ماه و بیست و پنج روز به پاپی بنشست؛ و در عهد او مسلمانان بیت المقدّس^۹ را از نصاری^{۱۰} باز گرفتند؛ و اوربانوس از آن غصّه بمرد. [311v=32]

[تاریخ گریگوریوس^{۱۰} (۸) پاپ. اصلش از بنه‌ونتو^{۱۱} بود. یک ماه و هجده روز پاپی کرد، و فرمود تا لشکرها جمع شوند و بیت المقدّس از مسلمانان بازگیرند، و در آن میانه او نماند.]

۱۵

تاریخ قلمنس^{۱۲} (۳) پاپ. اصلش از رومیه^{۱۳} بود. شانزده روز پاپی کرد و نماند.]

-
- | | | |
|---------------------------------|---------------|---------------------------|
| 1. Antākijjah | 2. Tarāblus | 3. Dimaşk |
| 4. Şaklījjah | 5. Katānījjah | 6. Lūsijūs (Lucius< III>) |
| 7. Urbānūs (Urbanus < III>) | | 8. Mīlān |
| 9. Bait-al-muḳaddas (Jerusalem) | | |
| 10. Grīgūriūs (Gregorius< VII>) | | 11. Benevento |
| 12. Qilīmans (Clemens< III>) | | 13. Rūmijjah |

[تاریخ سُلَسْطینوس^۱ (۳) پاپ. او نیز از رومیّه بود. مدّت شش سال و هشت ماه بر کرسی پاپی نشست.]

۵ [تاریخ آنریکوس^۲ (۶) قیصر^۳. هفت سال و پنج ماه قیصر بود؛ و در عهد او فرنگان قسطنطینیّه^۴ بستند، و پادشاه آنجا را بکشتند و قتل و غارت کردند، و اسیر بسیار بردند، و ممالک عالم را می‌گرفتند.]

[تاریخ اِنُوستیوس^۵ (۳) پاپ. از رومیّه بود. مدّت بیست سال بر کرسی پاپی تمکّن یافت.]

۱۰

[تاریخ اوٹو^۶ (۴) قیصر. اصلش از سکسونیّه^۷ بود، و چون تاج قیصری بر سر نهاد، بی اجازت پاپ، با بزرگان روم^۸ جنگ کرد، و با ولایت عبولیّه^۹ رفت و بستد. پاپ از او برنجید، و بر وی نفرین کرد، و بعد از آن که چهار سال قیصری کرده بود، او را معزول گردانید.]

۱۵

[تاریخ اَنُوریوس^{۱۰} (۳) پاپ. از رومه بود. ده سال و هشت ماه و سیزده روز پاپی کرد؛ و در عهد او فرنگان دمیاط^{۱۱} باز گرفتند، و مسلمانان دیگر بار باز بستند، و ریدافرنس^{۱۲} را بگرفتند؛ و به مال خود را باز خرید.]

1. Sulastīnūs (Coelestinus<III>)

2. Anrīkūs (Henricus (<VI>))

3. Kaişar

4. Kuşantīnijjah

5. İnūsintijūs (Innocentius<III>)

6. Uṭṭo (Otto<IV>)

7. Saksūnijjah

8. Rūm

9. 'Abūlijjah

10. Unūrijūs (Honorius<III>)

11. Dimjāt

12. Rey d'afrans

تاریخ گریگوریوس^۱ (۹) پاپ.*

[تاریخ فریدریکوس^۲ (۲) قیصر^۳. سلسطینوس^۴ پاپ او را تاج قیصری بر سر نهاد، و مدت سی و سه سال و دو ماه و بیست و پنج روز پادشاهی کرد، و آخر عاصی شد، و پاپ از او برنجید و بروی نفرین کرد. پسرش جهت رضای پاپ پدر را بگرفت و در زندان کرد تا بمرد. امیری بود تورنگیه^۵ نام، او را اختیار کردند و به قیصری نشانند، و چندگاه پادشاهی کرد و نماند.]**

تاریخ تورنگیه^۶ قیصر. چون پاپ از فریدریکوس برنجید و او را معزول کرد، امیری تورنگیه نام را اختیار کردند و به قیصری بنشانند؛ و چندگاه پادشاهی کرد و نماند. [مدت] پادشاهی او سی و هشت سال و دو ماه و هشت روز بود.

تاریخ سلسطینوس^۷ (۴) پاپ. اصلش از میلان^۸ بود. هفده سال پاپی کرد،
والسّلام. [311r=33]

۱۵

[تاریخ گلمس^۹ قیصر. امیر هولندیه^{۱۰} بود. او را بگزیدند و به قیصری بنشانند، و در عهد او لودویکوس^{۱۱} که ری افرنس^{۱۲} بود با لشکری تمام به]

1. Grīgūriūs (Gregorius<I X>)

*. از «گریگوریوس پاپ» در اساس فقط نامی آمده است. ناگزیر از چاپی گرفتیم، ص ۵۰؛ و ترجمه آلمانی، p:89

2. Firīdarīkūs (Fredericus<II>)

3. Kaišar

4. Sulastīnūs

5. Tūringijjah

** فریدریکوس - در هیچ نسخه‌ای به این نام اشارت نیست.

6. Tūringijjah (Thuringia) 7. Sulastīnūs (Coelestinus<I V>)

8. Mīlān

9. Gilemus (Guillelmus)

10. Hūlandijjah

11. Ludovīcūs

12. Rey d'ifrans

[مصر^۱ رفت و تاختن کرد، و دمیاط^۲ بستد، و به ترتیب فتح مصر مشغول شد. سلطان^۳ مصر بیامد و او را بشکست، و او در دست امیری مَنفرد^۴ نام اسیر شد، و خود را به مالی وافر باز خرید.

و سلطان، مَنفرد را بفرستاد تا جزیره صقیلیه^۵ بستد و حاکم شد؛ و آن وقت برادر [رَی] دفرنس را بفرستاد تا مَنفرد را بکشت و جزیره صقیلیه بازگرفت.

در آن ایام لشکر مغول به ماجرستان^۶ و بولونیه^۷ رفتند از راه دشت قیچاق^۸، و خلقی بسیار را بکشتند و غارت کردند؛ و در آن ولایت قحطی پیدا شد که مردم گوشت فرزندان می خوردند. خدای تعالی رحم کرد و از آسمان مانند آرد بارید، و نان پختند و آن را بخوردند.

و در آن عهد کوهی شکافته شد و به موضعی دیگر منتقل گشت، و قرب پنج هزار آدمی را در زیر گرفت. و در عهد سلطان فرنس در طلیطله^۹ جهودی باغی ساخت. سنگی بادید آمد که در آن هیچ رخنه نبود و شکاف نه. آن را بشکافتند و در میان آن کتابی یافتند اوراق آن از چوب، به خط عبری و فرنگی و رومی نبشته [و سخن آن مانند زبور بود و از جمله در آن سه حکایت نوشته]، یکی آنکه این کتاب در عهد رَی فرنس ظاهر شود، دیگر آنکه مسیح^{۱۰} پسر خدا از مریم^{۱۱} بکر بزاد به جهت استخلاص مردم از دوزخ؛ و به دست بدترین خلق خدا شکنجه خورد.

جهود آن کتاب را بر مردم عرض کرد، و خویشان با اهل و عیال ترسا شد. بعد از آن لُطویکوس^{۱۲} رَی فرنس^{۱۳} با لشکری بی حد و اندازه عزم شام^{۱۴}]

- | | | |
|------------------|------------------|---------------|
| 1. Mişr | 2. Dimjāt | 3. Sulṭan |
| 4. Munfred | 5. Šikilījjah | 6. Māğaristān |
| 7. Būlūnījjā | 8. Dašt-i-Qipčağ | 9. Tuḷaitūlah |
| 10. Masīh | 11. Marjam | 12. Luṭovikūs |
| 13. Rey d'ifrans | 14. Šām | |

[کرد؛ و چون به تونس^۱ رسید او را زبون گردانید تا متقبل خراج شد، و از کثرت لشکر تصور کرده بود که همه ممالک اسلام را بستاند و مسلمانی براندازد. ابویحیی تقصیر نکرد و کار او بساخت. قیصری او دو سال و یازده ماه و هجده روز بود.

۵

[تاریخ انوسنتیوس^۲ (۴) پاپ. (1243-1254)]*

[تاریخ الیسندر^۳ (۴) پاپ. از کنبانیه بود؛ و هفت سال و سه ماه و چهار روز پایی کرد؛ و در عهد او امرای الامانیه^۴ دو قیصر را گزیدند یکی از اسپانیه^۵ و یکی از انگله تر^۶؛ و پادشاهی دو قسم شد.]*^{۱۰}

[تاریخ اُوربانوس^۷ (۴) پاپ. از ترسین^۸ بود. سه سال و یک ماه و چهار روز پایی کرد.]

^{۱۵} تاریخ قلیمنس^۹ (۴) پاپ. از ولایت پرونج^{۱۰} بود. نه سال و هشت ماه پایی کرد. و او در ابتدا میل به زن داشت. [زن او] بمرد، او پاک شد و مَرَحَسِیا^{۱۱} گشت، و باز پاپ شد. خویشی از آن فریدریکوس^{۱۲} با لشکری بزرگ از

1. Tūnis

2. Inūsintijūs (Innocentius<I V>)

*. نام این پاپ فقط در ترجمه آلمانی کارل یان آمده است، p:91؛ دایرةالمعارف.

3. Alīsandar (Alexander<I V>)

4. Alamanijjah

5. Spanija

6. Anglahtar

*. این دو فقره نیز فقط در نسخه چاپی آمده است و در ترجمه آلمانی، p:91.

7. Urbānūs (Urbanus<I V>)

8. Tarsīn

9. Kīlīmans (Clemens<I V>)

10. Provinč

11. ManḤasijā

12. Firīdarikūs

[الامانیّه^۱ بیامد تا قصد پاپ کند؛ ری کرلوس^۲ او را بکشت].

تاریخ گریگوریوس^۳ (۱۰) پاپ. اصل او از لنبردیّه^۴ بود. چهارده سال و ده روز به پاپی نشست؛ و فرمود تا استخلاص قدس^۵ را لشکری بزرگ ترتیب کردند با امرای معتبر؛ و در اثنای آن پاپ نماند. [۴۲۱=۱] والسّلام.

تاریخ انوسنتیوس^۶ (۵) پاپ. از ولایت بُرگندیّه^۷ بود. پنج ماه و ده روز پاپی کرد. والسّلام.

تاریخ ادریانوس^۸ (۵) پاپ. از شهر جنوه^۹ بود. یک ماه و نه روز پاپی کرد. والسّلام.

تاریخ ایوانس^{۱۰} پاپ (یوحنّس) (۲۱). اصلش از اشبانیّا^{۱۱} بود. هشت ماه و یک روز پاپی کرد. والسّلام. [312r=34]

[تاریخ نیکولوس^{۱۲} (۳) پاپ. از روم^{۱۳} بود. دو سال پاپی کرد؛ و به عهد او رودخانه رومیّه^{۱۴} زیادت شد؛ چنانکه در شهر از خانه به خانه به کشتی تردد می‌کردند، و ری از گونیّه^{۱۵} را با پاپ خلاف افتاد و بروی عاصی شد.]

- | | | |
|---------------------------------|--|-----------------------------|
| 1. Alamanijjah | 2. Ray Karulūs | 3. Grīgūrīūs (Gregorius<X>) |
| 4. Lunbardijjah | 5. Ḳuds | |
| 6. Īnūsintijūs (Innocentius<V>) | | 7. Burgundijja |
| 8. Adrijānūs (Hadrianus<V>) | | 9. Genuva |
| 10. Īwānūs (Johannes<XXII>) | | 11. Īšbānijā |
| 12. Nikūlāūs (Nicolaus<III>) | | 13. Rūm |
| 14. Rūmijjah | 15. Rey Aragūnijjah (Königron Aragonien) | |

[تاریخ رُدُلْفوس^۱ (۱) قیصر^۲. هفده سال قیصری کرد؛ و در عهد او مسلمانان عکه^۳ و طرابلس^۴ و تمامت فرضه‌های شام^۵ بگرفتند، و خلقی را از فرنگان بکشتند؛ و او به سبب مخالفت با رَی بوهیمیّه^۶ جنگ کرد و کشته شد.

تاریخ مَرطینوس^۷ (۴) پاپ. اصل او از فرنس^۸ بود؛ سیزده سال پاپی کرد؛^۵ و در عهد او ری ارگونیّه که بر پاپ عاصی شد؛ بی اجازت پاپ در جزیره صقیلیّه^۹ تاج قیصری بر سر نهاد.

تاریخ اُنوریوس^{۱۰} (۴) پاپ. از رومیّه^{۱۱} بود. مدّت سه سال و پنج ماه پاپی کرد.^{۱۰}

تاریخ نیکولائوس^{۱۲} (۴) پاپ. از شهر اورسین^{۱۳} بود. چهار سال و یک ماه و سیزده روز پاپی کرد.]

تاریخ سلسطینوس^{۱۴} (۵) پاپ. اصل او از بروجیّه^{۱۵} بود. شش ماه بر کرسی پاپی نشست، و به اختیار خود را معزول کرد. والسّلام.

تاریخ اَطْلُفُس^{۱۶} قیصر^{۱۷}. مدّت نه سال و شش ماه بر تخت قیصری

-
- | | | |
|----------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| 1. Rudulfus (Rudolphus<I>) | 2. Ҙайсар | |
| 3. Akkah | 4. Trablus | 5. Šām |
| 6. Rey Būhimijjah | 7. Marṭinūs (Martinus<I ∇>) | |
| 8. Frans | 9. Sīkilijjah | 10. Unūrijūs (Honorius<I ∇>) |
| 11. Rūmijjah | 12. Nikūlāūs (Nicolaus<I ∇>) | |
| 13. Ursīn | 14. Sulasṭinūs (Coelestinus<∇>) | |
| 15. Barūğijjah (Perugia) | 16. Aṭulfus (Adolphus) | 17. Ҙайсар |

متمکن بود؛ و قریب دویست و پنجاه هزار آدمی مسلمان که در شهر لوچیره^۱ از آن ولایت ساکن بودند بکشت به کینه گرفتن شهرهای حوالی شام؛ و خراب کردن کلیسیاها در تبریز^۲ و ممالک ایران^۳.

۵ تاریخ بنیفاسیوس^۴ (۸) پاپ. از کنباتیه^۵ بود. نه سال تمام بر کرسی پاپی متمکن یافت؛ و در عهد او جزیره صقیلیه^۶ که ری ارگونیه^۷ گرفته بود، باز گرفتند؛ و پسر ری ارگونیه مطیع پاپ شد.

تاریخ ادالبرطوس^۸ قیصر^۹. این زمان ادالبرطوس بر تخت قیصری متمکن است، و آنچه از احوال او واقع شود، فیما بعد در قلم آید. ان شاء الله تعالی. ۱۰

تاریخ بنطکطوس^{۱۰} (۱۱) پاپ. اصل او از شهر ترفیس^{۱۱} است، و قریب یک سال، تا بر کرسی پاپی نشست، و این زمان که شهر سنه خمس و سبعمائه هجری است، برقرار پاپ او است. والسَّلَامُ عَلَی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى. [312v=35] ۱۵ [۴۲۱=۲]

تَمَّتْ اسامی القیصره و تواریخهم.

- | | | |
|------------------------------------|---------------------------------|----------------------------|
| 1. Lučirah | 2. Tabriz | 3. Irān |
| 4. Bunifāsijūs (Bonifatius<VIIII>) | | 5. Kanbānijjah |
| 6. Siḳilijjah | 7. Rey Argunijjah | 8. Adalbarṭūs (Adalbertus) |
| 9. Kaiṣar | 10. Banaṭiktūs (Benedictus<IX>) | |
| 11. Tarāfīs | | |

بررسی نسخه بدل‌های تاریخ افرنج

ص ۱۷

س ۱ تا ۴: ۱، تا، سل: [تاریخ افرنج... هر یک از ایشان] ندارد، فقط در نسخه «تو» آمده و ما از آن گرفتیم. س ۷: سل: «صفی الله علیه السلام» ندارد س ۸: سل: «هجری» ندارد. س ۱۲: تا از هر قوم بودند؛ سل: از هر قومی بودند. س ۱۳: سل: فرزندان و اعمار ایشان، «مقدار» ندارد. س ۱۴: سل: باب سوم در ولادت ابراهیم علیه السلام، این نسخه باب سوم را «در ولادت ابراهیم» آورده، و باب چهارم را «در ذکر نوح...» س ۱۴: سل: باب چهارم در ذکر نوح و زمان فرزندان و مقدار اعمار ایشان؛ تا: زمان آغاز و در بیان... «کنیم» ندارد.

ص ۱۸

س ۱ و ۲: سل: «باب چهارم» را به نوح اختصاص داده است. س ۳: تا، تو، سل: از مبدأ ولادت مسیح؛ سل: مسیح علیه السلام الی یومنا هذا فی شهر. س ۷: تو: باب سیم. س ۹: سل: در ولادت مسیح و جاده و ذکر احداث و ذکر پایان و قیصره، سه نسخه ۱، تا و تو: احداث. س ۱۴ و ۱۵: سل: شروع نمایم والله المستعان.

ص ۱۹

س ۵: سل: در حصر پادشاهان گذشته که از هر قومی بودند به زعم فرنگان. س ۸:

سل: «علیه السلام» ندارد. **س ۹:** سل: که ارباب شده‌اند، «دولت» ندارد. **س ۱۰:** سل: ایشان بوده، «است...» ندارد. **س ۱۱:** سل: آدم علیه السلام. **س ۱۱:** سل: فرزندان او تا موسی، «زمان» ندارد. **س ۱۳:** سل: طایفه دوم انبیاء بنی اسرائیل.

ص ۲۰

س ۲: ا: ملوک کسدائیین. **س ۲:** سل: اول ایشان بخت النصر. **س ۳:** ا، تو: دریوس الماهی. **س ۶:** تا، سل: پادشاهان ایشان را قیصر می خوانند. **س ۷:** تو، سل: «قیصر» ندارد. **س ۸:** سل: نصاری بالترتیب. **س ۹:** سل: اهل اسلام اول ایشان محمد علیه السلام. **س ۱۱:** تا: ترک و مغول و پادشاه ایشان جنکرخان و؛ سل: ترک و مغول اول ایشان جنکیزخان و اوروغ نامدار او.

ص ۲۱

س ۴: سل: فرزندان ایشان بالترتیب. **س ۶:** سل: آدم را علیه السلام در زمین. **س ۸:** سل: بیرون می آید چون نیل و... قرون؛ ا، تا: حرف اول «فرون» بی نقطه. **س ۹:** سل: تنها آنجا می خفت. **س ۹:** سل: ایزد تعالی و تقدس بجهت موانست او؛ ا، تا: [او] ندارد. **س ۱۰:** سل: «پهلوی» ندارد؛ تا: استخوان پهلوی او حوا بیافرید، «را» ندارد. **س ۱۱:** سل: و حوارا فرمود تا میوه‌ای. **س ۱۲:** سل: نهی فرموده بود بخورد و به شوهر نیز بداد؛ تا: از خوردن او نهی کرده می خورد.

ص ۲۲

س ۱: سل: درخت انجیر پیوشانید و حق تعالی. **س ۲:** سل: بر در بهشت نشانده تا دخول. **س ۳:** سل: آدم و حوارا در بهشت مانع شوند. **س ۴:** تا، سل: از آن وقت باز در بهشت باز نشد، [سل: باز نشدند]. **س ۵:** سل: از دارفنا به جوار بقا شدند. **س ۷:** سل: از عمر او بگذشت. **س ۹:** تا: دیگر بار مباشرت کرد، سل: دیگر باز مباشرت کرد از او. **س ۱۰:** تا: دختری لُبودا؛ سل: دختری انود نام. **س ۱۰:** سل: پس هفتاد سال دیگر بگذشت. **س ۱۱:** سل: دختری که توأمان این برادر. **س ۱۱:** سل: طالب توأمان خود شد. **س ۱۲:** سل: قربان خود می جست، «تقرّب» ندارد. **س ۱۲:** سل: به سبب آنکه

قربان او قبول. **س ۱۴**: اساس قتل و ظلم او نهاد، «عدوان» ندارد. **س ۱۵**: سل: صد سال بگریست. **س ۱۵ و ۱۶**: سل: صحبت کرد از او پسری در وجود آمد. **س ۱۶**: سل: «و آن روز از عمر آدم گذشته» ندارد؛ سل: و به قول نصاری آن روز از عمر آدم گذشته بود. **س ۱۷ و ۱۸**: سل: به قول این دو طایفه آدم نهصد و سی سال بزیست. **س ۱۹**: تو، تا: اصلی خود بهشت. **س ۱۹ و ۲۰**: سل: فرزندان او در دست عالم کون و فساد بمانند.

ص ۲۳

س ۱: سل: پسر آدم شیث، شیث پسری آورد، «نام کرد» ندارد. **س ۱ و ۲**: سل: و زمان عمر او به قول نصاری. **س ۲**: تو: به قول نصاری دویست و پنج سال بود و به قول یهود صد و پنج سال. **س ۳**: سل: و به هر دو رای تمامت نهصد و دوازده سال بود. **س ۴**: سل: پسر شیث انوش را پسری آمد نام اقیان و در آن وقت؛ تو: پسری در وجود آمد. **س ۶**: تا: و باتفاق فریقین مجموع عمر او نهصد و شصت و پنج سال بود؛ **س ۶**: تا، سل: باتفاق نصاری و یهود هشتصد و شصت و پنج سال بود. **س ۷**: تا: او را مهلائیل نام نهاد؛ **س ۷**: تو: پسر انوش قینان را پسری در وجود آمد او را مهلائیل نام نهاد و در آن زمان از عمر قینان (حرفها بی نقطه) به قول نصاری صد و هفتاد سال و به قول یهود هفتاد سال گذشته بود و مجموع عمر او نهصد و ده سال؛ سل: پسر قینان مهلائیل را پسری در وجود آمد و او را یارد نام کرد و پسر مهلائیل یارد را پسری در وجود آمد و یارد او را اخنوخ نام کرد. **س ۹**: تا: و لکن مجموع عمر او باتفاق نصاری و یهود... متن از این نسخه «تا» گرفته شد. **س ۱۳**: سل: یارد اخنوخ و او هر مس است. **س ۱۳**: سل: ادريس النبي نام کردند. **س ۱۳ و ۱۴**: تا: عرب او را ادريس النبي خواند که مقام او. **س ۱۵ تا ۲۰**: سل: پسری آورد متوشلخ نام و مدت عمر او سیصد سال بود پسر اخنوخ متوشلخ پسری آورد او را به زبان عرب لامخ گویند؛ تو: از پسر اخنوخ متوسلخ پسری آمد او را لامخ نام کرد. **س ۱۵**: تا: بر طاعت و عبادات مواظب بود و پسری آورد متوسلخ نام مدّة عمر او سیصد سال بود. پسر

خنوح متوشلخ پسری آورد او را لامخ نام کرد و باتفاق یهود و نصاری عمر او نهصد و شصت و دو سال بود.

ص ۲۴

س ۱ تا ۳: سل: عبارت: «زبان عرب... هفتاد و هفت سال بود» ندارد؛ تا: به زبان عرب لمک گویند از وی نوح پیغامبر در وجود آمد.

ص ۲۵

س ۳ و ۴: سل: از قسم اول در تاریخ افرنج در ذکر نوح علیه السلام و فرزندان او و مقدار عمر او. س ۶: تا، تو: نوح بن لامخ. س ۷: سل: یافت و او نهصد و پنجاه سال. س ۸: سل: او را پیشتر از حال طوفان خبر داده بود؛ تا: از احوال طوفان خبر کرده بود. س ۱۰: تا: عمقش سی. س ۱۱ و ۱۲: سل: و خود و پسران سه گانه و زن خود و زن پسران در کشتی درآمد از انواع چرنده و پرنده. س ۱۲: سل: از آنچه پاک بودند یک جفت در آورد و از طعام.

ص ۲۶

س ۱: تا: باران باریده است و هفتم ماه ایار رومی. س ۳ و ۴: تا: گوشت حیوانات و مردم حرام. س ۵: سل: نوح زراعت و عمارت پیش گرفت. س ۵ و ۶: سل: درخت انگور بنشانید و مست شد و بخفت. س ۷ و ۸: تا: حام برو بگذشت و بخندید و عورت او باز نپوشانید. س ۹: سل: حام را با فرزندان او لعنت کرد و حق تعالی. س ۱۱: تا: بلاد سمر به سام و بلاد شقر به یافت. س ۱۴: تا: برین ترتیب، سل، به این ترتیب آمد و پسر نوح. س ۱۴: سل: سام را پسری در وجود آمد او را ارفحشد نام کرد؛ تا: پسری در وجود آمد و او را ارفحشد نام کرد. س ۱۷: تا: پسر سام ارفحشد او را پسری آمد نام او قینان کرد. س ۱۷ و ۱۸: تا: عمر او چهارصد و شصت و پنج سال بود. س ۱۹: سل: پسر ارفحشد قینان را فرزندی آمد او را شالغ نام کرد. س ۲۱: تا: صورت او از زر بساختند و آن را سجده می کردند.

ص ۲۷

س ۱: سل: چهارصد و سی سال بود. س ۲: تا: پسر شالح عابر پسری آورد و او را. س ۲ و ۳: تا: مدّت عمر او چهار و سی سال (؟) س ۴: سل: پسر شالح عابر را پسری آمد نام قالع کرد. س ۴ و ۵: سل: از عابر مشتق است (زیر سین سه نقطه گذاشته) لغت مردم سریانی بود. س ۶: سل: گفته است؛ تا: مشتق است و پیشتر (حرفهای اول و دوم بی نقطه) گفت مردم سریانی و حق تعالی. س ۷ و ۸: سل: افصح آن زبانها لغت رها و حرّان و شام و خارجه و فلسطینه لغت دمشق؛ تا: فلسطینه لغت دمشق. س ۱۳: تا: معموره زمین فلسطین. س ۱۳: سل: معموره زمین فلسطین و شام و سام با بابل و پارس و حجاز رسید. س ۱۴: سل: مصر و بربر و حبشه و هند و سند.

ص ۲۸

س ۱ و ۲: سل: بلغار و ترک و عمر قالع، «ارمن» ندارد. س ۳ و ۴: تا: سازوغ نام نهاد و در زمان او نمرود بن کوش؛ سل: ساروق نام نهاد و در زمان او. س ۴: سل: از اولاد حام پادشاه بود. س ۴: سل: پادشاه بود و شامخ را پسری بود بیوس نام او به نام خود شهری. س ۵: تا: از بیخ برکنند. س ۶: تا: نام او بلوس و او را. س ۱۰: تا: دینار و درم پدید آمد؛ سل: درم و دینار پدید آمد. س ۱۲: سل: مدّت عمر ساروق. س ۱۳: تا: ناخور از او پسری آمد؛ سل: ناخور را پسری آمد. س ۱۳: سل: ترخ نام کرد. س ۱۴: تا، سل: «والسلام» ندارد. س ۱۵: سل: از پسر ناخور ترخ ابراهیم پیغمبر در وجود آمد. س ۱۹: تا، سل: باز تاریخی شد و اختلاف.

ص ۲۹

س ۲: سل: دویست و سی و شش سال بود بر مولد عیسی. س ۷: تا، سل: موضعی جداگانه، [سل: موضع]. س ۹: تا، تو، سل: همدیگر آمد، اساس: همدیگر آمدند. س ۱۱: تو، سل: اعتماد کردند. س ۱۱: سل: توریت دگر. س ۱۱: سل: آن را بسیط می‌گویند و بر آن اعتماد می‌کنند. س ۱۳: سل: تا ابراهیم یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج سال اختلاف است؛ تا: از آدم تا ابراهیم علیه السلام در مدّت یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج سال اختلاف است.

ص ۳۱

س ۴: سل: مادر مسیح علیهما السلام. س ۶: سل: ابراهیم پیغمبر از ترخ ابن ناخور. س ۷: سل: مدّت هفتاد و پنج سال عمر او بود. س ۸: سل: «به قریه کلدانیین» ندارد. س ۸: تا: هیاکل اصنام بسوخت؛ سل: هیاکل اصنام را بسوخت. س ۸ و ۹: سل: «و برادر او هاران... سوخته شد» ندارد. س ۱۲: سل: به شهر مصر و او روانه شد در راه.

ص ۳۲

س ۲: سل: بی حدّ و عد باشند. س ۸: سل: از او فرزندی در وجود آمد. س ۱۰: سل: خاتون او بود. س ۱۱: سل: شبی مردی نورانی را. س ۱۲: سل: تسلی می‌کرد و گفتی؟ تا، تو: تسلی داد و گفت. س ۱۲ و ۱۳: سل: عظیم پیدا شود. س ۱۸: تا: این مثل عیسی بود علیه السلام. س ۲۰: سل: ساره نماند او را در حدود بیت المقدس نهاد و او را.

ص ۳۳

س ۱ تا ۳: سل: این زمان خلیل الله می خوانند. س ۵: سل: چون ربکه حامله بود به این دو فرزند اسحق از ملکیزدق پرسید. س ۶: تا: این حامله ما چه زاید. س ۷: سل: گفت دو پسر آورد. س ۸: سل: دختر عم خود ماجله بنت اسماعیل را؛ تا: دختر عم خود ماحلد (?). س ۱۰: سل: از فرزندان عیص است. س ۱۰: تا: ایوب بن موص بن راح بن عیص بن اسحق و راح را بعضی زعول گویند؛ سل: ایوب ابن موص ابن رازخ ابن عیسی بن اسحاق و رازخ را بعضی رغول گویند. س ۱۳: سل: گوشت شکاری دوست داشتی. س ۱۴: سل: چشمها پوشیده. س ۱۴ و ۱۵: سل: گوشت شکاری طعام دهد. س ۱۵: سل: مادر یعقوب را دوست می داشت؛ تا: یعقوب را دوست تر داشت. س ۱۸: سل: به تن عیص ماند و دست بر سر او می مالید؛ تا: به او پیغامبری ارزانی داشت.

ص ۳۴

س ۱: سل: پیش عم (مخدوش) خود لاوی رفت؛ تا: برادر مادر خود لاوان رفت.
 س ۲: سل: لاوی دختر مهتر را به او داد. س ۳: سل: یعقوب به جهت دختر کهتر خدمت لاوی کرد هفت سال و او را بخواست. س ۴: سل: به ولایت خود مراجعت کرد. س ۴: سل: یهودا ایشان را (؟). س ۶: تا: روئیل، شمعون، لاوی که موسی علیه السلام از نسل وی است موسی بن عمران بن قاهت بن لاوی، یهودا که داود علیه السلام از نسل اوست و مریم مادر مسیح علیه السلام هم از فرزندان اوست، ایساخار، زبولون، یوسف مادرش راحیل نام بود، بنیامین، او نیز از راحیل آمده، جاد، مادر او زلفا بود، اسیر، مادر او نیز هم زلفا بود، دان او را از زنی بلها نام آورده است، تفتالی، او را نیز هم از بلها آورده؛ سل: روییل (حرف سوم بی نقطه) و شمعون، لاوی که موسی علیه السلام از نسل وی است، موسی ابن عمران بن فاهت لاوی یهودا که داود علیه السلام از نسل فرزندان اوست و مریم مادر مسیح علیه السلام هم از فرزندان اوست و مادر ایساخار و زبولون و یوسف را مام راحیل بود و ابن یامین نیز از راحیل آمد و مادر جاد زلفا بود و ایسر هم از اوست و دانی از زنی بلها نام مانده است و تفتالی را هم بلها آورده است. س ۱۲: سل: داود از فرزندان یهودا ابن یعقوب. س ۱۵: سل: فرزندان یهودا که اجداد او بوده‌اند بطنا بعد بطن خواهیم کرد — [یاد] ندارد — تا: ذکر فرزندان یهودا که اجداد او بوده‌اند بطنا بعد بطن تا به مریم.

ص ۳۵

س ۱: تا: از بنات لوی؛ سل: غمر اونان و شیبلا و عیرا از بنات. س ۱: سل: تامار نام و او را از او. س ۲: سل: و عیرا وفات کرد، تا: تامار نام و او را از او فرزندی نیامد و عیر وفات کرد. س ۲: سل: برادر دیگر اونان نام. س ۳: سل: فرزند نیارود. س ۴: تا، سل: مجهول ساخت تا یهودا (؟) [تا: باوی] با او وطنی کرد. س ۵: سل: تا: فیرص و ررح؛ [سل: ررح]. س ۵: تا، سل: از فیرص پسری آمد. س ۶: سل: ازو عمادات (؟). س ۷: سل: از او نحشو. س ۷: تا، سل: و ازو واشدای س ۸: تا: بیت لیحم؛ سل: بیت‌الحم. س ۱۱: سل: هفتاد و سه سال بزیست. س ۱۱ و ۱۲: تا: پادشاهی کرد و

پیغامبری. **س ۱۲:** سل: ولی عهد و قائم مقام. **س ۱۴:** سل: «شام» ندارد. **س ۱۶:** تا، سل: به زبان یهود، در نسخه «تو» «یهودا» آمده است که آن نادرستی به متن چاپی ما راه یافته که باید اصلاح شود. **س ۱۶:** سل: فرنگ او را یرشلیم گویند؛ تا: فرنگ او را اورسلم گویند. **س ۱۶:** سل: «و ولایت شام را سوریا» ندارد.

ص ۳۶

س ۲: تا: از سلیمان رجوعام؛ سل: رجوعا (۴). **س ۴:** تا، سل: در متابعت او بماندند. **س ۴ تا ۷:** سل: از او اشا و ازو بوشاواط و ازو بورام و ازو جراهو و ازو بواش و ازو منصد (؟) و ازو عزیا و از او عوریا و ازو یونام و ازو بونام (کذا) و ازو احارز و ازو جزقییا و ازو میشا و ازو وامون و ازو بوسییا؛ تا: ازو اونا در وجود آمد. **س ۵:** تا: ازو یوشاواط. **س ۶:** تا: از او امیصا. **س ۶:** تا: ازو کوریا (۴). **س ۷:** تا: ازو میشا. **س ۷:** تا: از او یوسیا. **س ۸:** تا: ازو سه پسر آمدند یهواحاز و صدقییا و یوحنیا؛ سل: بهواجان و صدقییا و بوحنیا. **س ۹:** سل: پیغمبر است. **س ۹:** سل: از یوحنیا اسیر و ازو شاری ایل؛ تا: سالتی ایل. **س ۱۰:** تا: ازو دزرویایویل. **س ۱۰:** سل: ازو اسود. **س ۱۱:** تا: ازو عازور؛ سل: عارو. **س ۱۳:** تا، سل: دارا بن دارا.

ص ۳۷

س ۱: سل: هفت ساله. **س ۱ و ۲:** تا، سل: و ازو صادق اخیر در وجود آمد. **س ۲:** سل: ازو ایلود. **س ۲:** تا: ازو الیعارز؛ سل: الیقادز. **س ۲:** تا، سل: ازو باثان. **س ۳:** سل: دو پسر آمدند بوقیم و آبادان عمران بود. **س ۴:** سل: ازو بوقیم مریم. **س ۵:** تا: از مریم بکر عیسی پیغامبر علیه الصلوة والسلام به فرمان خدای تعالی بزاد؛ سل: از مریم بکر عیسی به فرمان حق تعالی و معاصر جماعت مذکور از زمان روملوس. **س ۸:** سل: از پسر روملوس. **س ۸ و ۹:** تا: از آنجا جیلوس قیصر پدید آمد. **س ۱۲:** تا، سل: [شکم او بشکافتند] ندارد. **س ۱۳:** تا: به زبان رومی قیصر گویند. **س ۱۴:** سل: «اسم قیصر براغسطوس افتاد» ندارد. **س ۱۵:** سل: اسکندر افتح گشاد و خزاین. **س ۱۷:** سل: وافر برداشت قسم اول از تاریخ افرنج تمام شد قسم دوم.

ص ۳۹

س ۳: سل: ولادت عیسی تا اکنون که شهور سنه. س ۵: سل: چنانکه در فهرست رفته است. س ۱۱: سل: و این نصاری به حسب، [اقوام] ندارد. س ۱۱: سل: به حسب دعوت و عدد حواریان و انصار مسیح بودند. س ۱۲: سل: دوازده قسم‌اند که متقدمان ایشان‌اند؛ تا: دوازده قسم است، و سپس در این نسخه حدود سطری سفید مانده است، شاید برای یاد کردن نامهای یاران مسیح. س ۱۳: تا: عیسی را این گویند، و باز در حدود بیش از نیم سطر سفید مانده است. س ۱۲: سل: ایشان‌اند و این جمله باتفاق عیسی ایدون گویند که حق تعالی س ۱۲ و ۱۳: سل: و صفات داخل این سه‌اند. س ۱۴ و ۱۵: سل: وجود محض است اب می‌خوانند. ص ۱۵: سل: عیسی را کلام و حکمت خدا می‌خوانند.

ص ۴۰

س ۱: سل: عیسی را این می‌خوانند. س ۳: سل: «است» در زیر سین سه نقطه گذاشته شده. س ۴ و ۵: تا: نصاری می‌گویند موجود یا محسوس است یا معقول؛ سل: یا محسوس است یا معقول. س ۵ و ۶: سل: مدرک نشود و ثانی را که محسوس است آله گویند... که اله الا الهه. س ۷: سل: و اگر نباشد، «متعلق» ندارد. س ۹: تا: اشرف العلل و محتاج الیه تر پدر است بدین سبب او را؛ سل: واجب را که علة العلل است و محتاج الیه پدر خوانند بدین سبب. س ۱۰: سل: از برای آن فرزند و هر (؟) روح القدس منزّه است از... (سفید مانده است) در تحصیل. س ۱۳: سل: این تقریر و کمالات روات این تاریخ است و العهده علی الراوی. س ۱۵: تا: بر ضعف مورخ حمل نکنند؛ سل: بر ضعف اعتقاد مورخ حمل نکنند. س ۱۸: سل: و حوالت این طایفه به او نکنند. س ۲۰: تا، سل: «والسلام» ندارد

ص ۴۱

س ۳: سل: در حدود و ولایات ارمن؛ تا، تو: ولایت ارمن. س ۵: تو: مملکت فرنگستان؛ تا و سل: به تصریح فرنگان. س ۵: سل: «آنجا» ندارد. س ۸: سل: عرض آن

از حدّ ولایت گرجستان. **س ۸:** سل: اقصای وان و وستان. **س ۹:** تا: طول آن طرف شام است. **س ۹:** سل: آن را اوج می می خوانند. **س ۱۲:** سل: معمور است مثل اخلاط و غیره؛ تا، تو: معمور است اخلاط و... جای نامهای شهرها در هر دو نسخه، و نیز نسخهٔ اساس، سفید مانده است، و من از ترجمهٔ آلمانی برگرفتم.

ص ۴۲

س ۱: سل: معتبر و مشهور. **س ۲ تا ۵:** سل: اول از جانب قیصریهٔ دوم از جانب لولو که معدن نقره است سوم از جانب قرمان؛ تا: آن راه خوبببحور (حرفهای سوم و چهارم و پنجم بی نقطه) و راه دولوگویند؛ «سئوم» زیر سین سه نقطه گذاشته شده. **س ۵:** سل: روم می رود چهارم راهی. **س ۷:** مردم آن ولایت، کاتب این نسخهٔ (سلیمانیه) همواره به جای «اهل آن ولایت» «مردم» می آورد، در بخشهای دیگر این تاریخ عالم این ویژگی نسخه را یاد کرد. **س ۷ و ۸:** تا: اهل آن ولایت ترسانند از ولایت مصر و شام؛ «لشکرهای مسلمانان» ندارد؛ سل: ترسانند و از ولایت مصر و شام به ولایت ارس تاختن می آورند تنکفور که پادشاه ارمنیهٔ صغری است ولایت را می گذاشت و بقبرقه (؟) به دریا می رفت؛ تا: «ارمن» ندارد. **س ۹:** تا: ولایت را باز می گذارد و بقبرقه (حرفهای اول و سوم و چهارم و ششم بی نقطه) به دریا می آورد. همانند و همسان این واژه در جامع التواریخ رشیدالدین به گونه‌های: قابتورقا، قبترخه، قبترقای، قبتورقه آمده است به معنای جیب (لباس)، کیف، انبان و کیسهٔ (پول و توتون و غیره) است، و در گذشته بیشتر به معنای کیسهٔ چرمینی بوده است که بر کمر می آویخته‌اند... یادداشتهای همکار ترکی و مغولی دان مصطفی موسوی در جامع التواریخ. ص ۲۳۸۱؛ ولی این واژه، خود واژهٔ دیگر به معنی سفینه است؛ صفحات ۴۲ و ۵۰ و ۵۱ این متن - تاریخ افرنج - نیز دیده شود نسخهٔ «بقبرقه» حرفهای اول و دوم و سوم بی نقطه؛ صورت درست واژه «قبرقه» است به معنی سفینه و قایق. دیده شود: مدخل: «قبرقه» از دورفر، در همین تعلیقات! مأسوف علیه کارل یان Schiff ترجمه کرده است. **p:45 س ۱۰:** سل: پادشاه فرنگ؛ - پیدا است که کاتب یا نسخهٔ مرجع او «ری دافرنس» را به «پادشاه فرنگ» ترجمه کرده است و

نادرست هم نیست – پیش تنکفور فرستاد. **س ۱۱:** سل: چندین ده است از هر دمی. **س ۱۲:** سل: تنکفور؛ تا: «تکفور» را به قلم درشت‌تر نوشته است؛ جواب فرستاد. **س ۱۳:** سل: صد هزار مرد کرده شود. **س ۱۳:** سل: تاختن می‌آرند. **س ۱۴:** تا: ده هزار خسارت به ولایت می‌افتد؛ سل: قریب دو هزار دینار خسارت بر ولایت نمی‌افتد و از این قلاع حصین چیزی به دست نمی‌توان آورد. **س ۱۵:** تا، سل: جزیره فوبروس یک روزه در راه دریا نیست. **س ۱۶ و ۱۷:** تا: صوف نیکو که به قدسی مشهور است؛ تو: به قبرسی مشهور؛ اساس ما نیز «قدسی» آورده است. **س ۱۷:** تا: از آنجا می‌خیزد، همسان ضبط نسخه «تو».

ص ۴۳

س ۴: سل: و جزایر آن بالترتیب. **س ۶:** سل: و مملکت وسیع در جانب غربی شمالی. **س ۷:** سل: از جانب بحر روم، «جنوب» ندارد. تا: طولش ممتد از مغرب، «است» ندارد همچون نسخه اساس. **س ۹:** سل: بلاد رواس و ترک و غیره و حد سوم از طرف؛ تا: حد شیوم (۴) **س ۱۰:** سل: بحر محیط و این مملکت را اول او از جهه مشرق آلائییه است و وسط بلاد افریقیه. **س ۱۱:** تا: وسط بلاد افریسه؛ در دو نسخه اساس و «تو» حرف چهارم بی نقطه آمده است. **س ۱۲:** سل: مملکت رومیه عظمی است.

ص ۴۴

س ۱: تا: سوربوس (حرفها بی نقطه است)؛ سل: سیوریوس. **س ۲:** سل: سیوریوس بود که در توریت آمده است، «که نام او نمرود» ندارد. **س ۳:** سل: پدر را بگرفت و او را خادم کرد. **س ۴:** سل: از استیلا و غلبه پسر از تخت خود بر زمین رمیه رفت جایی عظیم تازه و خرم دید شهر رمیه را بنا کرد؛ تا: شهر را بارو کشید. **س ۸:** سل: وسط ولایت است و آن را دارالملک افرنج نام شد. **س ۸ و ۹:** تا: سیصد برج بر باروی آن. **س ۱۰:** سل: گذشته بود که باروی آن شهر ساخته‌اند. **س ۱۴:** سل: بر آن بگذشت. **س ۱۵:** تا: جیلوس پدید آمد. **س ۱۵:** سل: جلوس او بار دیگر در پادشاهی.

س ۱۶: سل: از پدر به پدر می‌رسید. س ۱۷: سل: عمر او بگذشته بود نماند. س ۱۷ و ۱۸: سل: بعد از ایشان مدتی مدید قیصره آنجا مقام داشتند. س ۱۹: تا: اغسطوس، جای این نام سفید مانده است. س ۱۹: سل: اکنون مقام ایشان است، — به جای «پاپان» — و آن شهر در غایت معموری است. س ۲۱: سل: سروران و پادشاهان افرنج چنان است که در مرتبهٔ اول.

ص ۴۵

س ۱: سل: معنی پدر پدران باشد، «آن» ندارد، «پاپان» و «قیصر» درشت‌تر نگاشته شده؛ سل: و معنی پاپ پدر است. س ۱ و ۲: سل: می‌دانند و بعد از آن قیصر و به زبان افرنج قیصر را ان پرور می‌گویند؛ تا: قیصر را ان پرور گویند. س ۳: تا: سلطان سلاطین باشد بعد از آن ریدافرنس که معنی آن پادشاه پادشاهان است. س ۳: سل: بعد از آن ریدافرنس. س ۴: سل: پادشاهی بر ابوت ندارد. س ۵: سل: از میان جمع مستعدان اختیار. س ۷: تا: تحت فرمان او دوازده باشند؛ «پادشاه» ندارد؛ سل: پادشاه می‌باشند. س ۹ و ۱۰: سل: ملک مطیع و مرتبه پاپ تا غایتی بلند و؛ نشانهٔ بزرگی و چیرگی پاپها بر قیصران! س ۱۰: تا: سه ملک مطیع بعد از آن ری (این واژه درشت‌تر نگاشته شده) که معنی آن ملک و خداوند باشد؛ سل: قیصری نصب کنند. س ۱۱: سل: معتبران تعیین در آن باب. س ۱۱: تا: مرحبا؛ سل: مرصاد. س ۱۲: تا، سل: اعیان فرنج. س ۱۳: سل: ده کس برگزینند. س ۱۳: سل: «عفت» ندارد. س ۱۴: سل: «و ثبات» ندارد. س ۱۵: سل: موسوم باشد. س ۱۹: سل: شهر پاپ است. س ۱۹: سل: به هر پایی، «دو» ندارد. س ۲۰: تا: بر سر او نهد و بعد از آن. س ۲۰: تا: بعد از آن خود را بیفکنند، «او» ندارد.

ص ۴۶

س ۱: تا: آنگه به رکاب شود. س ۱: تا: بر سر او نهد و براس (صریحاً) و پیداست که تصحیف «بر اسپ» است) نشیند؛ در دیگر نسخه‌ها هم «اسب» آمده. س ۲: تا: اسم قیصری؛ «قیصری» به «قلم درشت‌تر» آمده. س ۲: سل: منقاد و مطیع.

س ۳: تا، سل: در برّ و بحر ولایت افرنج؛ در دیگر نسخه‌ها: ولایات. **س ۵:** سل: در موضع هر دو ساحل به یکدیگر. **س ۵:** تا، تو: نزدیک می‌شود؛ سل: نزدیک می‌شوند. **س ۶:** سل: آن را از قاف می‌خوانند و آن زمین سبابا (حرفها بی نقطه) خوانند. **س ۷:** سل: آن زمین را فرنگ سپانیا خوانند. **س ۸:** سل: برین تفصیل. **س ۸ و ۹:** سل: بلنارسیه (حرف اول بی نقطه)، طلیطله و اشبلیا و قرطیه و چند پاره جزیره خورد و بزرگ؛ تا: نکیسا (حرف اول و سوم بی نقطه). **س ۱۰:** جزیره خرد و بزرگ چون اشبانیا. **س ۱۰:** سل: چون اشبانیان. **س ۱۰:** و میورکه (حرف دوم بی نقطه) فی الجمله این ولایات؛ تا: «منورکه» ندارد، فقط در نسخه‌ی اساس ما آمده است؛ نسخه «تو» فاقد این نام است. **س ۱۲:** تا: آن ولایات مذکوره. **س ۱۳:** سل: سنه ستین و ستمایه مسلمانان را که سکان، سطری از این نسخه ساقط است. **س ۱۴:** تا: «ری کسطلونیه» درشت‌تر نوشته شده. **س ۱۶:** سل: قومی ترسایان به آن. **س ۱۸:** سل: از آن وقت باز مسلمانان آنجا را گرفتند. **س ۱۸ و ۱۹:** تا: کلیسیاها بستند و خراب کردند؛ سل: کلیسیاها را خراب کردند بنوا اسرائیل اند؛ عبارت: «فرنگان آن... مرد بودند» ندارد.

ص ۴۷

پس ۱: سل: عبارت: «در عوض آن... شهر طلیطله» ندارد. **س ۱ و ۲:** سل: بنوا اسرائیل اند از فرزندان. **س ۴:** سل: یک ماهه راه باشد و؛ تا: مردم شهر طلیطله بنوا اسرائیل اند... علیهما السّلام و ابتدای نقطه مغرب آن طرف. **س ۵:** سل: لشکر فراوان است. **س ۶:** سل: دو جزیره است که خاصیت آن زمین... نامها در این نسخه، و نسخه تا مغشوش است. **س ۸:** تا، سل: موش تولد نمی‌کند. **س ۹:** تا، سل: و در آنجا روان است، «چشمه» ندارد. **س ۹:** سل: اگر چوب یا نی در آنجا اندازد. **س ۱۰:** تا: به یک هفته ظاهر سنگ شود، «آن» ندارد. **س ۱۱:** تا: نام جزیره که بزرگتر است. **س ۱۱:** تا: و در آن کوه خواص؛ سل: و در آن زمین خواص. **س ۱۴:** تا: انبانی مثل سیب از آن بیرون می‌آید و آن را ده سال، عبارت درون [] در این نسخه نیز نیامده است همانند

نسخهٔ اساس ما. **س ۱۴:** سل: شکوفه نباتی مثل سیب چیزی از آن بیرون می‌آید و آن را، در این نسخه نیز عبارت درون [] نیامده است. **س ۱۵ و ۱۶:** تا، سل: نگاه می‌دارند پس به مقدار بطی، این دو نسخه نیز [و دانه می‌خورد] ندارد. **س ۱۶:** سل: گوشت مردم آن زمین. **س ۱۷:** تا: ازین مرغ است. **س ۱۹:** سل: آن را نباتی می‌نهند. جهت آنکه از درخت است و بعضی حیوانی گویند. **س ۲۱:** سل: سقرلات عمل نبات بغایت لطیف می‌سازند.

ص ۴۸

س ۲: سل: سقوطلانه، در نسخهٔ «تا درست به همین شکل آمده است و حرفها بی نقطه. **س ۲:** تا: خراج ری انگله تر می‌دهد. **س ۴:** سل: و در جنب الانیه قیصر افتاده باشد و پادشاه آنجا را بدافر (؟) خوانند و ری انگله تر نیز پادشاه. **س ۷:** سل: خراج گزار قیصراند؛ در نسخهٔ «تا» بتصریح «خراج‌گزار» آمده است. **س ۹:** تا، سل: بوهیما. **س ۱۰:** سل: ساقی گویند و او مطیع. **س ۱۴:** سل: ولایتی دیگر است. **س ۱۵:** سل: مملکت رهبانان است؛ دیگر نسخه‌ها «ربانان». **س ۱۷:** سل: یک طرف او سوی روسیه دارد. **س ۱۸ و ۱۹:** سل: هوای آنجا بغایت خوش می‌باشد.

ص ۴۹

س ۱ و ۲: سل: میان دریا می‌کشد، «دور» ندارد. **س ۶:** تا: نام جزیره باز می‌خوانند. **س ۶:** سل: جزیره می‌خوانند. **س ۷:** سل: با زیر نقطهٔ شمالی؛ تا: تقریر می‌کنند با طول آن ممتد است تا زیر نقطهٔ شمالی، «قطب» ندارد. **س ۷:** تا: چنانکه نقطهٔ قطب شمالی به سمت الراس می‌رسد و سنقور سپید سپید از آنجا می‌آورند. **س ۸:** سل: و سنقور سفید از آنجا می‌آورند. **س ۹:** تا: در طفلی سپید موی سپید مژه و ابرو می‌باشند. **س ۱۰ و ۱۱:** سل: روز آنجا در اوّل آفتاب به جدی دو ساعت می‌باشد؛ تا: روز آنجا در اوّل آفتاب در جدی دو ساعت می‌باشد. **س ۱۲:** سل: خواندن و نوشتن. **س ۱۲:** سل: اوّل سرطان رسد بالعکس، و سبب. **س ۱۵:** تا: از ابتدای آن جزیره‌ها تا انتها دایما ضباب می‌باشد؛ سل: جای «ضباب» در این نسخه

سفید مانده است. **س ۱۶**: سل: تاریخ می‌باشد. **س ۲۰**: تا: آن را کلتونیا گویند؛ سل: زمین است که کتونیا گویند و بسبب نام ولایت پادشاه آنجا را ری کلتونیا خوانند؛ تا: نسبت به نام ولایت پادشاه آنجا را ری کلتونیه خوانند.

ص ۵۰

س ۱: تا: و آن ولایت کلتونیا سه ملک است؛ سل: و آن ولایت کلتونیا سه است.
س ۳: تا: و در کلتونیا ولایتی؛ سل: ولایت دگر هست. **س ۴**: سل: برووب موازی ولایتی که بغایت معمور است و کثیرالخلق و در آنجا طعمه عزیزالوجود این ولایت هم بر خط. **س ۷**: تا: نام آن دلوزه و آن ولایت بغایت معمور. **س ۸**: تا: ولایتی هست نام آن پریس و در آنجا لشکری بزرگ است. **س ۹**: سل: تحصیل علوم حکمی کنند.
س ۹: سل: متعلمان غریب در آنجا صد هزار باشند. **س ۱۱**: تا، سل: و میان پریس و کلتونیا ولایتی **س ۱۱**: تا، سل: نام آن رد نفره پادشاه آنجا. **س ۱۲**: سل: یکدگر را. **س ۱۳**: سل: و مدد و مساعدت نمایند. **س ۱۴**: سل: نام آن حیات است، لابد کاتب «جنوه» را «حیوة» پنداشته و املائی آن را چنین نگاشته! **س ۱۵**: تا: دوست قترقه (؟) دارد؛ سل: دوست قیرقه (؟) دارد؛ تو: فنرقه! صورت درست واژه: «قبرقه» است، و در p.51 ترجمه آلمانی کارل یان آن را به «Galeeren» ترجمه کرده است. p.51؛ یادداشت دوست دانشمند دکتر جعفری مذهب از فرهنگ دورفر. **س ۶**: سل: و اشجار افرنج.

ص ۵۱

س ۱: تا، سل: صدور و اکابر آنجا؛ تو: صدور اکابر. **س ۲**: تا، سل: باتفاق او را به پادشاهی می‌نشانند؛ «سالی» ندارد. **س ۵**: سل: آزاد کنند و دیگری را طلب دارند.
س ۶: سل: لشکری بی اندازه. **س ۷**: سل: مردم این دو شهر. **س ۱۰ و ۱۱**: سل: فنون علم. **س ۱۱**: تا، سل: اسپان (نسخه «سل» بتصریح: اسپان) توپچاق خیزد. **س ۱۳**: تا، سل: اسپان توپچاق نیکو؛ سل «نیکو» ندارد. **س ۱۳**: سل: لشکر بسیار است. **س ۱۳**: سل: متصل با آن ولایت. **س ۱۵**: تا: سیصد فترقه (حرفهای اول و دوم بی نقطه)؛ سل: سیصد فترقه (حرف دوم بی نقطه). **س ۱۵ و ۱۶**: سل: پادشاه با قوت و اصالت

نیست؛ «با قوت تصحیف» «با بۆت». **س ۱۶**: تا: بزر شهر (؟) باتفاق؛ سل: بزرگان آنجا باتفاق. **س ۱۶**: سل: شخصی پارسایی؛ - ترکیبی درست و کهن - **س ۱۸**: سل: بالای آن ولایت؛ تا: بالای آن ولایت مملکتی بزرگ، «هست» ندارد. **س ۱۸**: تا، سل: پادشاه آنجا بطریق، بطریق = پاتریارک. **س ۱۹**: تا، سل: با لشکری بی شمار و نعمتی بسیار در آنجا.

ص ۵۲

س ۱: تا: بر ولایت فوم و بلغار. **س ۲**: تا: پیوسته و دوان آنجا لشکری بی حد. **س ۳**: سل: و ایشان را می‌زند. **س ۴**: تا: ماجرستان (حرف ششم بی نقطه)؛ سل: ماجرستان، زیر حرف سین سه نقطه. **س ۶**: تا: و جانب قبله. **س ۸**: تا، سل: روی به جانب مغرب. **س ۱۰**: تا: شهر است معمور و لشکری محصور. **س ۱۲**: تا: لشکری فراوان. **س ۱۴**: تا، سل: و بر شرقی ولایت. **س ۱۵**: سل: لشکری بسیار است. **س ۱۵**: سل: یک ماه راه باشد. **س ۱۶**: سل: نام او کارلو.

ص ۵۳

س ۲: تا: متصل به آنجا. **س ۴**: تا، سل: در نهایت آن جزیره‌ای دیگر هست. **س ۹**: سل: در آنجا پیوسته به گیاهها می‌رسد. **س ۱۲**: سل: جزیره دگر هست. **س ۱۸**: سل: خلقی بسیاراند. **س ۲۱**: سل: به منقار گرفته. **س ۲۱**: سل: کلیسا.

ص ۵۴

س ۲: تا، سل: در آنجا نبینند. **س ۵**: سل: مردم فرنگ. **س ۶**: سل: ربع غربی را گرفته‌اند و برکشیده. **س ۶**: تا، تو، سل: باب مندو می‌خوانند. - باید توجه داشت که این ترکیب «باب مندو» تصحیف «ماپ موندی» است به معنی نقشه عالم. «Mappa Mundi» از افادات مأسوف علیه کارل یان در مقدمه تاریخ افرنج به ترجمه شادروان دکتر منوچهر امیر مگری - **س ۸**: تا، سل: چون خواهند. **س ۱۰**: سل: که به صورالاقالیم مشتمل است.

ص ۵۵

س ۸: تا: بیت لحیم. س ۹: تا، سل: کانون اول. س ۱۰: سل: صورت بتان. س ۱۰: سل: بر دیوار آن نقش کرده، «جا» ندارد. س ۱۱: سل: هیکل حوا گفتندی. س ۱۲: تا، سل: از میان. س ۱۲: سل: شهر رومیه برجوشید، «از زمین» ندارد.

ص ۵۶

س ۱: سل: پادشاهان مجوس پارس؛ ا، تا، تو: پادشاهان مجوس و فارس. س ۳: سل: مردم عالم. س ۴: سل: کندر و بجهت بخور آورده بودند. س ۵: سل: اغسطوس گرد کودکان بیت اللحم می‌گشت، ظاهراً کاتب «می‌گشت» خوانده، که «گرد» آورده. س ۷: سل: مصر رو و ایشان را بگریزانید. س ۱۴: سل: روغن بیرون وی بمالند چنانکه به همه اعضا رسد.

ص ۵۷

س ۱: تا، سل: آغاز کنیم. س ۲: سل: قیصره مفصل بنویسیم، «مسمی» ندارد. س ۳: سل: جد نهم او بود.

ص ۵۸

س ۲: تا، سل: در زمان ایشان رفته، «است» ندارد. س ۶: تا: قیصر خوانند. س ۶: سل: و تا تمامی. س ۱۰: تا، سل: کرسطوس خوانند. س ۱۰: سل: سال سی و دوم. س ۱۱: سل: یوسفوس در بیت المقدس. س ۱۲: تا، تو، سل: از دنیا به عقبی پیوست. س ۱۳: سل: تاریخ طباریوس قیصر پسر زن اغسطوس و داماد او.

ص ۵۹

س ۲: سل: در قدس. س ۹: تا، سل: فلیودیوس. س ۱۱: تا: به عهد او در مصر؛ سل: در عهد او در مصر. س ۱۴ و ۱۵: سل: خلیفه و مهتر خویش گردانید. س ۱۶: سل: بعد از او به، س تا، سل و اساس: [این فیطورس] ندارد، از نسخه «تو» گرفته شد.

ص ۶۰

س ۱: سل: تاریخ نارون قیصر قلیودبوس، «بعد از» ندارد. س ۱: سل: قیصری

بنشست. **س ۳:** سل: مردم آنجا. **س ۹:** تا: نارون قیصر را اهل رومیّه بکشتند؛ سل: نارون قیصر را مردم رومیّه بکشتند. **س ۱۰:** سل: «و مدّت یک سال پادشاهی کرد» ندارد. **س ۱۲:** تا، سل: [بر تخت] ندارد. **س ۱۳:** تا: مدّت دو سال، و این «مدّت دو سال» بر حسب ترجمه آلمانی نادرست است؛ تو، سل: [مدّت ده سال] ندارد. **س ۱۴:** سل: «ایل شدند» ندارد. **س ۱۸:** تا: قسیس را طلب کرد. **س ۱۹:** تا، سل: [و بآخر] ندارد.

ص ۶۱

س ۱: تا: بعد از اسفسیانوس پسرش طیطوس. **س ۳:** تا: به رومه آورد. **س ۵:** تا: از رومه بود. **س ۸:** تا، سل: جزیره سرسو. **س ۱۰ تا ۱۲:** تا: تاریخ طیطوس قیصر. شرح آن در نسخه «تا» سفید مانده است، سل و چا: نیز این «بنطوس قیصر» را ندارد. **س ۱۴:** تا، تو، سل: برادر ملبطوس، تنها نسخه اساس و ترجمه آلمانی وی را «برادر طیطوس» می دانند. **س ۱۵:** ا، تا، تو، سل: [هر] ندارد. **س ۱۶:** سل: دشمنی حاصل شدی. **س ۱۶:** تا، تو، سل: روی بت به آن. **س ۱۷:** تا، تو، سل: دفع او کردندی؛ ا: ندارد «او» را.

ص ۶۲

س ۱: سل: به پایی نشست، «کرسی» ندارد. **س ۶:** سل: بنشست. **س ۶:** سل: چهار ماه و هر بدی که دمیطانس کرده بود. **س ۹:** سل: از رومیّه بود. **س ۱۰:** سل: در کرسی پایی بنشست. **س ۱۱:** تا، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۵:** سل: ترسایان بسیار بکشت. **س ۱۵:** تا، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۷:** سل: از رومیّه بود. **س ۱۸:** سل: در شکنجه. **س ۱۹:** تا، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۶۳

س ۱: ا، تا، تو، سل: ادریانس قیصر. **س ۳:** تا، تو، سل: عزیر و گرامی داشت؛ ا: می داشت. **س ۶:** سل: اصل از رومیّه بود. **س ۷:** تو: بر کرسی پایی؛ سل: در کرسی نشست. **س ۱۰:** سل: اصلش از رومیّه بود. **س ۱۲:** سل: «به شکنجه» ندارد. **س ۱۴:**

تا، تو، سل: انطونیانس. **س ۱۴:** تا، تو، ادریانس؛ سل: داماد ادریانس نیز بود. **س ۱۵:** سل: قیصری کرد او در اسکندریه بودی و در جزیره صقلیه وفات یافت و بطلمیوس فلوذی صاحب علم ریاضی و نجوم در عهد او بوده است؛ تا: برغاموس بود و در اسکندریه بودی و به جزیره صقلیه وفات یافت و بطلمیوس فلوذی صاحب علم ریاضی و نجوم در عهد او بوده است. **س ۱۷:** تا، سل: تاریخ ایگینوس پاپ.

ص ۶۴

س ۱: سل: برکرسی به پاپی نشست. **س ۲:** تا، سل: «پاپی کرد» ندارد. **س ۳:** سل: به شکنجه بکشتند. **س ۷:** سل: فرشته‌ای ظاهر شد. **س ۷:** سل: بر مردی ارمنیه نام. **س ۸:** سل: عید بزرگ کنید. **س ۱۴:** سل: اوریلوس. **س ۱۴:** تا: برادران بودند. **س ۱۶:** تا، تو، سل: ملک ارمن بیامد، ا: ندارد؛ تو: ملک ارس (۴).

ص ۶۵

س ۱: تا: از کنبانیه؛ سل: از کمبایت بوده. **س ۲:** تا، تو، سل: آنگاه. **س ۳:** سل: و هم در شکنجه کشته شد. **س ۶:** سل: با مردم الامانیه. **س ۷:** تا، تو، سل: «به جنگ» ندارد. **س ۹:** سل: از افریقه بود؛ ا: اصل او را افریقه بود. **س ۱۰:** تا، تو، سل: خالی ماند. **س ۱۰:** سل: مدت دو سال و دو ماه و ده روز. **س ۱۱:** سل: در شکنجه. **س ۱۴:** سل: «و سوریانوس» ندارد. **س ۱۶:** سل: ترسایان بسیار بکشت. **س ۱۸:** سل: «و کطور پاپ» و شرح آن را ندارد؛ تا، تو: و کطور پاپ اصل او از رومیه بود، سپس نیم سطری سفید مانده است؛ و آنچه در اساس آمده است با زندگی «الوتریوس» در آمیخته است.

ص ۶۶

س ۶: سل: خالی بود. **س ۹:** تا، تو، سل: انطونیانس. **س ۱۳:** تا: از رومه بود. **س ۱۵:** سل: آن پاپ تا: دو درخت رزین بزرگ؛ سل: دو درخت زرین پر برگ. **س ۱۸:** تا، تو، سل: بعد از انطونیانس.

ص ۶۷

س ۳: تا: از رومه بود. س ۸: تا، تو، سل: انطونیانس. س ۹: تا، تو، سل: مدت چهار سال؛ نسخه چاپی و حاشیه ترجمه آلمانی «چهارده سال» دارد. س ۱۲: تو، سل: در آخر عهد ادریانوس؛ تا: ادریانوس. س ۱۴: تا، سل: به پارس. س ۱۷: سل: به پایی بنشانند. س ۱۷: سل: پادشاهی کرد. س ۱۸: سل: در شکنجه. س ۱۹: سل: ماکیانرا (کذا)؛ تو: ماکیان (حرف چهارم بی نقطه) را.

ص ۶۸

س ۱: تا: از پایان نشمرند. س ۴: سل: تاریخ مکسیمینانس بعد از و البسندریوس به قیصری بنشست؛ تا: بعد از البسندریوس او به قیصری نشست. س ۵: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۷: تا، تو: بعد از بونطوسیانس این انطروس به پایی بنشست، [سل: نشست]. س ۹: سل: در شکنجه هلاک شد. س ۱۱: تا، سل: پارس بستند. س ۱۲: تا، سل، تو: «والسلام» ندارد. س ۱۴: تو، سل: از رومیه بود. س ۱۴: سل: شانزده سال و پانزده روز. س ۱۵: سل: پایی نشست. س ۱۵: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۱۸: سل: او بود و پسر در رومیه به سبب.

ص ۶۹

س ۳: سل: از رومیه بود. س ۴: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۶: سل: تاریخ ذوفیوس قیصر بود و ترسایان. س ۷: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۹: سل: از رومیه کبری بود. س ۱۰: پادشاه بود و در شکنجه. س ۱۰: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۱۴: تا: در سیوم ماه. س ۱۶: تا، تو، سل: و کریانوس قیصر؛ ضبط ما از ترجمه آلمانی P62 است. س ۱۷: سل: لشکر پارس. س ۱۷: تا: و لرتارو (حرف سوم بی نقطه) پادشاه فرس؛ سل: و کربناروبا (حرف سوم بی نقطه) شاه فرس؛ در حاشیه ترجمه آلمانی P63 «شاپور» آمده است.

ص ۷۰

س ۱: تا: از رومه بود. س ۳: سل: عاقبت کشته شد. س ۶: تا: از رومه بود سل:

تاریخ سکستوس اصلش از رومیّه بود. **س ۷**: سل: بر کرسی نشست و قیصری بزرگ، تا: بعد از سکطوس یک ماه، «پاپ» ندارد. **س ۱۱**: سل: در شکنجه هلاک شد. **س ۱۲**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۴**: سل: تاریخ فلکس پاپ. **س ۱۸**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۸**: سل: مسخر کرد. **س ۱۸**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۷۱

س ۱: سل: به پاپی نشست. **س ۱**: سل: در شکنجه کشته شد. **س ۲**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۴**: سل: تاریخ و لینوس (?) مدّت پنج سال و... **س ۴**: سل: رومیه را. **س ۷**: سل: ططقیوس هفت ماه قیصری کرد، «مدّت» ندارد. **س ۸**: سل: در پارس بمرد. **س ۱۰**: تا: از دلمانیه؛ سل: پانزده سال و... **س ۱۱**: سل: در شکنجه هلاک شد. **س ۱۳**: سل: مدّت یکسال و چهار ماه. **س ۱۶**: سل: در شهر طرطوس. **س ۱۹**: سل: در بین‌النهرین در برف کشته شد.

ص ۷۲

س ۱: تا، سل: تاریخ دیوقلیسطنس قیصر و پسر او و پسرش مکسیمیانطس. **س ۶**: سل: ... بیست و هفت روز بر کرسی نشست و در آخر سرش ببردند؛ تمام سطر ۸ و بخشی از سطر ۹ را ندارد. **س ۹**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد **س ۱۱**: سل: از رومیه بود. **س ۱۲**: سل: به پاپی نشست. **س ۱۴**: تا، تو، سل: تاریخ و کریوس قیصر. **س ۱۵**: تا، تو، سل: اشیانیه بگرفت؛ سل: اسپانیه به سین آمده. **س ۱۵**: سل: «دختر ری» ندارد. **س ۱۶**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۷۳

س ۲: سل: خالی بود. **س ۶**: تا، تو، سل: سلفسندروس پاپ. **س ۶ و ۷**: تا، سل: خانه در کلیسیا ساخت. **س ۱۱**: تا: کرسی خالی بود. **س ۱۳**: تا، تو، سل: روزه گیرند؛ چا: روزه نگیرند. **س ۱۴**: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۶**: تا، تو، سل: تاریخ اسفسندروس پاپ. **س ۱۷**: سل: طبیب حاذق بود.

ص ۷۴

س ۵: تا: از رومه بود. س ۳: تا: از رومه بود. س ۱۷: تا، تو، سل: تاریخ یولیانس
قیصر برادر قسطنطینوس؛ [زاده] ندارد هیچ یک. س ۱۹: سل: فرمود تا بیت المقدس
را خراب کردند و از نو عمارت کردند و زلزله شد. س ۱۹: سل: باز خراب شد.

ص ۷۵

س ۴: سل: دو سال و هفت ماه و هفت روز پایی کرد. س ۵: تا، تو، سل: [او]:
ندارد. س ۶: سل: پایی دگر بنشانند. تا: هفت سال پادشاهی کرد. س ۹: تا، تو، سل:
«والسلام» ندارد. س ۱۱: سل: تاریخ فلکس. س ۱۱: سل: از رومیه بود. س ۱۳: تا، تو،
سل: «والسلام» ندارد. س ۱۵: تا، تو، سل: اولنطینس قیصر. س ۱۵: تا، تو، سل: او و
برادرش. س ۱۷: سل: زحمت بسیار می داد.

ص ۷۶

س ۱: تا، تو، والیس؛ مسعودی: «والنس» آورده است. س ۵: تا، تو، سل:
اسبانیا. س ۶: سل: جمع کردند. س ۹: تا، تو، سل: شش سال و هشت ماه و نه روز.
س ۱۰: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. س ۱۲: تو، سل: از رومیه. س ۱۷: تا، تو:
اورباوس؛ سل: ارباوس

ص ۷۷

س ۱: تا: هوت و رومه. س ۲: سل: از برف. س ۴: تا: از رومه بود. س ۱۰: سل:
مرده زنده کنم. س ۱۳: تا، تو، سل: پانزده سال و دو ماه و بیست روز. س ۱۷: سل:
اصحاب کهف.

ص ۷۸

س ۲: تا، تو، سل: غلام قسیس شود! (نشود) از نسخه چاپی گرفته شد. س ۳:
پانزده روز خالی ماند. س ۵: تا: از رومه. س ۸: تا، تو، سل: در این نسخه‌ها نخست
«سلسطینوس» آمده است و سپس «مرقیانوس و فلنطینوس قیصر». س ۸: سل: رومیه
کبری س ۸: تا: بیست (حرفهای اول و دوم بی نقطه) و سه سال و یک ماه و نه روز؛

تو: بیست (حرف‌های اوّل و دوم بی نقطه) سال و یک ماه و نه روز؛ ا، سل: بیست سال و ... در ترجمه آلمانی بتصریح «هشت سال» آمده است. **س ۱۳**: سل: فروقیانوس (همچون نسخه‌های تا و تو) قیصر و فلنطینوس. **س ۱۳**: تا، تو، سل: به مشارکت یکدیگر. **س ۱۶**: تا، تو: «کبری» ندارد. **س ۱۷**: تا، تو، سل: کلیسیاها ساخت. **س ۱۷**: تا، تو: [و خرابیها عمارت کرد] در هر دو نسخه آمده است؛ سل: خرابی را عمارت بسیار کرد.

ص ۷۹

س ۴: سل: در عهد او جمعیت شد، «چهارم» ندارد. **س ۵**: سل: «که نستوریان می‌گویند» ندارد. **س ۶**: ا؛ آدمی (بی نقطه)؛ تا: آدمیتی (بی نقطه). **س ۸**: تا، تو: تاریخ زینون قیصر. **س ۱۰**: سل: سکان آنجا. **س ۷**: تا، سل: در عهد او.

ص ۸۰

س ۲: سل: قیصری کرد. **س ۲**: تا، سل: در کار پادشاهی رای و تدبیری. **س ۲**: تو: «امور» ندارد. **س ۲**: تا، سل: عاجز و متحیر بود. **س ۵**: سل: از رومیّه. **س ۱۰**: سل: انجیل به خط. **س ۱۲**: سل: رومیّه کبری. **س ۱۲**: تا: یازده سال و پانزده ماه و چهار روز؛ سل: پانزده سال و بیست و چهار روز.

ص ۸۱

س ۳: سل: پادشاه بزرگ از افرنج. **س ۶**: سل: قحطی و غلایبی پیدا آمد. **س ۷**: سل: یکدیگر را می‌خوردند. **س ۱۱**: سل: متمکن بنشست، و در عهد او مردم ولایات فرنگ جمله ترسا شدند. و ملت عیسوی رونق تمام یافت؛ با زندگی یوحنس در آمیخته است. **س ۱۳ تا ۱۵**: سل: ندارد عنوان یوحنس را. **س ۱۷**: سل: تاریخ فلکس پاپ. **س ۱۷**: تا، سل: چهارده سال و دو ماه و سیزده روز. **س ۱۸**: سل: متمکن بنشست.

ص ۸۲

س ۱: تا: از رومیّه کبری. **س ۴**: تو: قیصری کرد؛ سل: پانزده سال قیصری کرد.

س ۵: تا، تو؛ به ولایت اشبیلیه رفت؛ سل: به ولایت اشبیلیه رفتند. س ۵: سل: مردم آنجا را. س ۱۱ و ۱۲: سل: یازده سال و بیست و هفت روز پایی کرد. س ۱۴ و ۱۵: سل: یکسال و پنج روز به پایی نشست. س ۱۵: سل: او را به تعذیب هلاک کرد. س ۱۷: سل: پانزده سال قیصری کرد.

ص ۸۳

س ۱: سل: در کنار فرات. س ۱: تا، سل: شهر برسا. س ۱: سل: مصاف کردند. س ۲: سل: فرس رومیه را بشکستند. س ۳: سل: دور به ایرانیان افتاد. س ۵: سل: از رومیه. س ۶: سل: «پایی کرد» ندارد. س ۱۱: سل: مرمر یافت و نقشی بران، (خاج) ندارد. س ۱۵: سل: از رومیه. س ۱۶: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۸: سل: از رومیه. س ۱۹: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۸۴

س ۲: تا، تو، سل: چوقای کرسطوس. س ۷: سل: سه سال و نه ماه و نوزده روز پایی کرد. س ۱۱: سل: رودخانه‌های رومیه. س ۱۳: سل: خلق بسیار. س ۱۶: سل: بتخانه‌ای بزرگ به پاپ بخشید تا او را کلیسیا ساخت. س ۱۸: سل: اصلش از رومیه کبری.

ص ۸۵

س ۲: سل: مردم جزیره انگله تر را ترک کرد. س ۲ و ۳: پس از زندگی «سفنیانوس» در تمام نسخه‌ها: ا، تا، تو و سل: ابتدا «بنیفاسیوس پاپ» آمده است، سپس «هرقلیوس». در حالی که ترکیب اصلی چنین است که آورده‌ایم به تأیید ترجمه آلمانی P72. س ۱۰: تا: اسکندریه را بگرفت؛ سل: اسکندریه مصر. س ۱۰: سل: «عزم» ندارد. خاندان او برفتند. س ۱۵: سل: عبارت «و بر دست او... برافتد» ندارد. س ۱۶: سل: جهودان را که مردم سنّت و ختنه‌اند؛ تا: اهل سنّت ختنه‌اند. س ۱۷: او ایشان را همه ترسا کرد و در بیست و هفتم سال.

ص ۸۶

س ۴: سل: هرقلیوس را بکشند. س ۶: سل: از رومیة کبری. س ۷: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۰: سل: شش سال و هشت ماه و دوازده روز. س ۱۰: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۶: سل: تاریخ بنی‌فاسیوس از کنانیه پنج سال و سیزده روز به پای بنشست.

ص ۸۷

س ۱: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۴: سل: سحر می‌کرد؛ دیگر نسخه‌ها بتصریح: «سحر می‌کرد». س ۵: سل: «ربان گشت» ندارد. س ۱۶: سل: «رضی الله عنه» ندارد. س ۱۸: سل: از روم.

ص ۸۸

س ۶: سل: به جای «اوجینوس پاپ» نام. «مرطینوس پاپ» را به اشتباه آورده و شرح «اوجینوش را». س ۱۰: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۲: تا، سل: «بود» ندارد. س ۱۳: سل: نیکو سیرت بود و دیندار. س ۱۴: سل: فرس و قیصریه. س ۱۵: سل: و شوهرش را نیز. س ۱۵: سل: مرد بیاورد و جمله ترسا شدند. س ۱۷: سل: از رومیّه بود. س ۱۸: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۸۹

س ۱ و ۲: سل: عنوان «بنی‌فاسیوس پاپ» را می‌آورد، ولی شرح «دنوس - دومنوس» را نقل می‌کند. س ۲: تا: پاپی کرد و در عهد او در قسطنطنیه ششم جمعیت ترسایان شد و با مخالفان ملت جدل و مناظره کردند. س ۴ و ۵: تا، سل: این دو نسخه نام و یادی از «تاریخ دنوس [دومنوس] نمی‌آورند. س ۷: تا: «تاریخ اگطوس پاپ» این نسخه عنوان «اگطوس...» را می‌آورد ولی شرح «لئو» را برای او ذکر می‌کند! س ۸: سل: در قسطنطنیه جمعیت ترسایان شد، «ششم» ندارد. س ۱۳: تا: «تاریخ زینون پاپ»، در این نسخه عنوان «زینون» را می‌آورد ولی شرح «یوسطینوس» را باز می‌گوید؛ سل: از رومه بود. س ۱۵: تا، تو، سل: از «تاریخ

بنطکطوس پاپ» در این نسخه‌ها سخنی نرفته است.

ص ۹۰

س ۱: سل: عالم دوست بود. س ۲: سل: قبول خزانه. س ۴: تا، تو، سل: او را بینی بریده. س ۷: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۹: سل: از شهر رومیّه بود. س ۱۰: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۳: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۶: تا: قیصر به برید (کذا). س ۲۰: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۹۱

س ۲: سل: با مردم جزیره. س ۶ و ۷: تا، تو، سل: <تاریخ یوحنّس (۷)>، در هیچیک از نسخه‌های ما نیامده است. بر مبنای «دایرةالمعارف»

Enciclopedia del Cristianesimo

Prefazione di Carlo Maria Martini

Storia e attualità di

2000 Anni Di Speranza...

Deagostini

و ترجمه آلمانی «تاریخ افرنج» کارل یان. P:75 اصلاح شد.

س ۹: تا: اصلش از رومه بیست روز پایی کرد. س ۱۲: سل: مردم این جزیره. س ۱۲: سل: گرفتن او کرده بودند. س ۱۳: سل: اسیر کرد.

ص ۹۲

س ۷ و ۸: سل: چشمهای او برکنند. س ۹: سل: پادشاه دگر گزیدند. س ۱۱ و ۱۲: تا، سل: انسطاسیوس را بگرفت و کشیش کرد (عیناً). س ۱۳: تا، سل: بگرفت و کشیش کرد؛ (ط: کُشش کرد)! س ۱۳: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۶: سل: «بشرکت». س ۱۷: سل: قتل و غارت کردند. س ۱۸: سل: جنگها کردند و خلقی بسیار کشته شدند. س ۱۸: تا، سل: فتنه بود. س ۱۸: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۹۳

س ۱: سل: اصل از روم بود؛ تا: از رومه. س ۶: سل: خلق بسیار کشته شدند؛ تا:

کشته شدند. **س ۱۰:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۲:** ا: تاریخ اسپتوسوس (حرفهای چهارم و پنجم و ششم بی نقطه)؛ تا: اسپتیبیوس (تنها حرف پنجم بی نقطه). **س ۱۲:** سل: از رومیه بود. **س ۱۳:** سل: رومیه و. **س ۱۴:** سل: ملک را بگرفت. **س ۱۸:** سل: و بر خلق نیکوییها...

ص ۹۴

س ۲: تا، سل: چشمهای او را برکنند. **س ۴:** ا، تا، تو، سل: هیچ یک از نسخه‌های ما <تاریخ لئو قیصر> را ندارد. **س ۱۱:** سل: تاریخ ابوقیصر (عیناً؟) و مادرش او سه پسر و مادر. **س ۱۳:** تا: چشمهای او را برکنند؛ سل: چشم او برکنند. **س ۱۶:** «تاریخ ادریانوش پاپ» دیده می‌شود، و نشانه‌ای بر بالای آن: «م ۳» که گویای افتادگی و مغشوشی متن است؛ و سپس از «تاریخ مادر لیو قیصر» سخن به میان می‌آید به عبارت: «چون چشم پسر برکنند...» و پس از آن «تاریخ مادر لیو قیصر» که باز عدد «۳» بر بالای «مادر» آمده... **س ۱۷:** سل: در استنبول. **س ۱۸:** سل: و خود با سیصد مخالفان.

ص ۹۵

س ۱: تاریخ مادر ابو قیصر (؟). **س ۱:** سل: برکنند و خویش بر تخت. **س ۵:** سل: ابو قیصر (؟) **س ۵:** تا: تاریخ لیو قیصر^۳ بعد از مادرش، لیو از رومه بود... نشانه‌های: م، ۳ بر بالای قیصر^۳، بعد^۳ دیده می‌شود، که مطالب سطر ۸ به بعد را می‌آورد. **س ۶:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۱:** سل: در روم؛ تا: به روم مستولی شدند. **س ۱۴:** سل: به قیصری برداشتند. **س ۱۵:** سل: تدفع. **س ۱۶ و ۱۷:** تا، کوتاه گرداند. **س ۱۹ و ۲۰:** ا، تا، سل: مدّت سه سال و هفت ماه و هجده روز، چنانکه دیده می‌شود این تاریخ نادرست است. **س ۲۰:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۹۶

س ۱: تا: هم [تاریخ] را نگاشته و هم [قیصر] را. **س ۳:** سل: تگرگی ببارید بغایت بزرگ. **س ۶:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۸:** تا: هم از رومه بود. **س ۸:** سل: تاریخ

اوجینوس، سپس این نسخه شرح «گریگوریوس پاپ» را می آورد؛ و تدارک آن هم نمی‌کند. **س ۱۷:** سل: تاریخ لوطریوس. **س ۱۹:** سل: آنگاه ملول شد و در غاری نشست؛ تا: ملول شد و زُبَّان (؟) گشت.

ص ۹۷

س ۳: تا: تاریخ لیوس پاپ (؟)؛ سل: تاریخ لیو پاپ از رومیه بود؛ تا: اصلش از رومه کبری بود... پیداست که کاتب زندگی: «سرگیوس» را در نظر داشته؛ **س ۶:** تا، سل: تاریخ لیو پاپ؛ نامی از «بنطکطوس» نیست در این دو نسخه؛ تو: تاریخ گریگوریوس پاپ نوشته، سپس نام را خط زده و بر بالای آن بنطکطوس نگاشته. **س ۱۰:** سل: از رومیه. **س ۱۱:** تا، تو، سل: «والسَلَام» ندارد. **س ۱۳:** سل: تاریخ باولوس پاپ و مدّت دو سال... **س ۱۴:** تا، تو، سل: «والسَلَام» ندارد.

ص ۹۸

س ۱: سل: از رومیه بود. **س ۲:** تا، تو، سل: «والسَلَام» ندارد. **س ۴:** تاریخ کرلوس قیصر^۴ (؟)، به علامتی «م» بر بالای قیصر مشخص داشته، و سپس آن شرح «نیکولائوس پاپ» را آورده! **س ۵:** تا، سل: شهر کلونه. **س ۶:** سل: برف مانند اژدها. **س ۸:** تا: تاریخ اوحیس پاپ، سپس به علامتی مشخص کرده و شرح «ادریانوش» را آورده. **س ۸:** تا: «تاریخ ادریانوش پاپ» را آورده ولی شرح حال کرلوس را می‌نویسد. **س ۸:** سل: مدّت پنج سال. **س ۱۰:** تا: در عهد جزیره صقیلیه. **س ۱۲:** سل: «اسکندریه» ندارد. **س ۱۲:** سل: «او را» ندارد. **س ۱۵:** تا، سل: تاریخ اوحیس، سل: بی نقطه. **س ۱۶:** تا: و در عهد باستنبول (؟)

ص ۹۹

س ۲: تا: تا لبریان (حرفهای دوم و چهارم بی نقطه)؛ تو: کنریان (حرفهای دو و چهارم بی نقطه)؛ سل: گبران. **س ۵:** تا، تو، سل: «تاریخ یوحَنَس VIII > ندارد؛ چنانکه در حاشیه یاد کردم، فقط در ترجمه آلمانی P79 یاد شده است. **س ۱۰:** سل: اصل او از رومیه بود. **س ۱۰ تا ۱۳:** تا: «تاریخ مرطینوس پاپ» و «اسطینوس پاپ»

مقدم و مؤخر آمده است. **س ۱۳**: سل: از رومیه کبری بود: **س ۱۰ و ۱۳**: تا: شرح زندگی دو پاپ نیز تخلیط شده در این نسخه. **س ۱۶**: تا، تو، سل: از «ارنوفس – ارنولفوس» در این نسخه‌ها سخنی به میان نیامده است، چنانکه در حاشیه متن چاپی یاد کردم، نام «ارنوفس قیصر و صورت او» بی شرح و تفصیل آمده است؛ ناگزیر از نسخه چاپی، ص ۴۰ - ۳۹ برگزفتم.

ص ۱۰۰

س ۱: تا، تو، سل: فرموسیوس. **س ۱**: تو، سل: از رومیه بود. **س ۲ و ۵**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۷**: تا، تو، سل: اسطینوس؛ تو: بی نقطه است. **س ۷**: تا: رومیه کبری. **س ۷**: سل: سه ماه پایی کرد. **س ۱۲**: تا، تو، سل: بهیو طروس (حرف اول و دوم بی نقطه) در هر سه نسخه. **س ۱۸**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد.

ص ۱۰۱

س ۱: تا: از رومیه کبری بود. **س ۲ و ۵**: تا، تو، سل: «والسلام» نماند. **س ۷**: تا، تو، سل: «تاریخ ارنولفس» <در هیچ یک از نسخه‌های مان‌نیامده است. **س ۱۰**: سل: «بود» ندارد. **س ۱۱**: سل: «و او خود در ایتلیه. **س ۱۴**: سل: و شانزده روز پایی کرد. **س ۱۷**: تا: از رومیه کبری.

ص ۱۰۲

س ۱: تا، تو: تاریخ لانتو پاپ. پس از این جای شش و هفت کلمه در دو نسخه ما سفید مانده است، و نسخه «سل» اصل نیآورده است این مورد را. **س ۳**: سل: «مدت» ندارد. **س ۵**: سل: با مردم آنجا، چنانکه یاد کردم، این نسخه به جای «اهل» «مردم» می‌آورد. **س ۶**: سل: و دو پسر او کهنترین مه‌ترین را بکشت. **س ۱۰**: سل: اولو بعد از هفت سال بشرکت پسر قیصری کرده بود، به گونه‌ای این عبارت را خط گرفته است. **س ۱۰ تا ۱۲**: سل: عبارت «بدترین پسرانش... قایم مقام خود گردانید» ندارد و حذف شده. **س ۱۲**: سل: «مدت» ندارد؛ تا، تو: [مدت] در این دو نسخه آمده است. **س ۱۵**: تا، تو، سل: اوانس پاپ. **س ۱۵**: تا: شازده سال و دو ماه

ص ۱۰۳

س ۴: تا، تو، سل: و اساس: <کنرادوس قیصر> را فاقد است، فقط در ترجمه آلمانی P81 ریزتر ثبت شده است. س ۹: سل: از او خون صرف. س ۱۰: تا: به زمین جوشید. س ۱۵: تا: سه سال و چهار ماه و پانزده روز بر کرسی پایی نشست. س ۱۷: سل: تاریخ «مرطینوس پاپ» را نیاورده است.

ص ۱۰۴

س ۱۲: تا، تو، سل: تاریخ یوحناس پاپ. س ۱۶: سل: به مشارکت. س ۱۸: تا، سل: لنبردی به او داد.

ص ۱۰۵

س ۷: سل: «مدت» ندارد. س ۷: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۹: تا: و او اوّل پادشاه بود در ولایت. س ۱۰: سل: در ولایت الامانیه. س ۱۰: سل: «ملت» ندارد. س ۱۱: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۱۳: تا، تو، سل: تاریخ یوحناس پاپ. س ۱۴: سل: مردم رومیه او را. س ۱۴: سل: در ولایت. س ۱۶: تا، سل: اسیر بسیار برد. س ۱۸: سل: رومیه کبری. س ۱۹: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۱۰۶

س ۲: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۵: سل: متمکن بود. س ۵: تا: به عدل و انصاف گذرانیده. س ۷: تا: مدت سه سال بر کرسی پایی نشست. س ۱۰: تا: از رومیه کبری. س ۱۳: تا: اهل رومیه او را. س ۱۶: تا: از رومیه کبری بود. س ۱۸: سل: از رومیه بود. س ۱۸: سل: ده سال و هشت ماه و چهار روز.

ص ۱۰۷

س ۱: تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. س ۳: تا: تاریخ او طوخ سوم قیصر، (ظاهراً حرف ریز «خ» به نشانه «مؤخر» است؛ قیصر از رومیه بود... سپس در این نسخه «تا» تاریخ یوحنس^۱ سوم پاپ با نشانه «م» بر بالای «یوحنس» می آید لابد به نشانه مقدم، «دوازده سال قیصری کرد؛ - پیداست که شرح احوال «اوطو» و «یوحنس» در

هم خلط شده است؛ سپس از «گریگوریوس» سخن به میان می‌آید. **س ۴:** سل: «و نسبت» ندارد. **س ۴:** سل: به عهد او با قوت بود بعد از آن سه امیر بزرگ مردم را، «سه مرحسیا» ندارد. **س ۵:** سل: متفق الکلمه شدند. **س ۶:** تا: بر تخت قیصری نشانند؛ سل: بر تخت قیصری نشانند. **س ۱۱:** تا، سل: «مدت» ندارد، ده سال و پنج روز پایی کرد. **س ۱۲:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۵:** سل: از او در وجود آمد. **س ۱۷:** سل: در رومیه کلیسای بزرگ بود جر و سالم می‌گفتند. **س ۱۷ و ۱۸:** تا: عبارت درون □ ندارد. **س ۱۸:** سل: نماز گذارد.

ص ۱۰۸

س ۵ و ۴: سل: «تاریخ یوحنس ۱۹» را ندارد. **س ۹:** سل: قیصره که بر آرای ایشان او را بر تخت. **س ۱۱:** سل: بکر بمرد. **س ۱۱:** تا، سل: خواهر را پادشاهی ماجرستان داد. **س ۱۳:** تا: «تاریخ بنطلطوس پاپ» بر بالای واژه «پاپ» نشانه ماندی آمده که لابد گویای تقدّم و تأخر است و از «تاریخ کنراطوس» سخن می‌رود. نکته‌ای متغایر در این شرح آمده است و می‌نویسد: «چهارده سال پایی کرد و چون نماند» که این معطوف به زندگی «بنطکطوس ۹» در صفحه ۱۰۹. **س ۱۶:** سل: یازده سال؛ تا، تو: پانزده سال. **س ۱۷:** تا، تو، سل: نیکخواه خلق بود و غمخوار رعیت؛ اساس: نیکخواه خلق بود و او رعیت (؟)

ص ۱۰۹

س ۱: سل: «تاریخ یوحنس (۲۰) پاپ» در این نسخه از قلم افتاده است. **س ۵:** سل: چون نماند به شخصی ظاهر شد، بر بالای «به شخصی ظاهر شد» به خط ریز بدین گونه اصلاح شده: «پارسا صوت او» که همانند متن چاپی ماست. **س ۱ تا ۷:** تا: آشفته‌گیهای این نسخه را و در هم آمیختن «تاریخ یوحنس (۲۰) پاپ» و «تاریخ بنطکطوس (۹) پاپ» بیشتر بررسی شد. **س ۹:** تا، تو، سل: <یوحنس (۲۱) پاپ > و در نسخه‌ها و نیز در نسخه‌ی اساس نیامده است؛ در ترجمه آلمانی اشارتی هست. P84. **س ۱۱:** تا، تو، سل: سلوسطروس، املائی این نام در تمام نسخه‌ها بدین گونه

نگاشته شده است. **س ۱۴**: سل: صورت از مرمر. **س ۱۵**: سل: مانند کاسه از مس. **س ۱۶**: سل: معنی او فهم نمی‌کرد.

ص ۱۱۰

س ۳: سل: از رومیه بود. **س ۴ و ۵**: ا، تا، تو، سل: [بر او ظفر نیافتند] ندارد هیچیک از نسخه‌های مورد بررسی ما، ناگزیر از نسخه چاپی برگرفتم! **س ۶**: تا: گاو بیستد. **س ۶**: اساس: «گاو» ندارد، از دیگر نسخه‌ها: تا، تو، سل: گرفتم؛ **س ۱۱**: تا، تو، سل: تاریخ طمروس پاپ. **س ۱۶**: سل: بر کرسی پایی. **س ۱۹**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد.

ص ۱۱۱

س ۱: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۷**: تا: مدّت یازده سال و شش ماه و بیست و پنج روز بر کرسی پایی متمکن یافت. **س ۷**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۹**: سل: «قیصر» ندارد. **س ۹**: سل: قصر قیصری متمکن بود. **س ۱۲ و ۱۳**: تا، سل: همچنان به کشتی رفتند و او را بخوردند. **س ۱۵**: سل: از تصرف ا باز ستانند.

ص ۱۱۲

س ۱۵: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۱۷**: سل: از رومیه بود. **س ۱۸**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد.

ص ۱۱۳

س ۲: تا، سل: بی آبی چنان بود که رودخانه‌ها و چشمه‌ها و کاریزها. **س ۷**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۹**: سل: رومیّه کبری. **س ۱۰**: تا، تو، سل: «والسلام» ندارد. **س ۱۳ و ۱۴**: سل: در زمان نماند. **س ۱۷**: تا: «کرد» ندارد.

ص ۱۱۴

س ۳: تا، تو، سل: اوجانیوس پاپ. **س ۴**: تا: ... بیست روز به پایی نشست. **س ۶**: تا: از رومیّه کبری بود. **س ۶ و ۷**: سل: «تاریخ انسطاسیوس پاپ» ندارد بتمام. **س ۹**: تا، تو، سل: فریطریکوس قیصر. **س ۱۱**: اساس، تا، تو، سل: شهر روحه – تمام

نسخه‌های ما این شهر را «روحه» نوشته‌اند و نه «رُها» و نه «الرها» — از شگفتیها، این برگ از نسخه فاکسیمیلۀ کارل یان افتاده است، که خوشبختانه، زیرا کس من این برگ را داراست! **س ۱۵:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد.

ص ۱۱۵

س ۲: سل: خراب شد. **س ۷:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۹:** سل: «بود» ندارد. **س ۱۳:** تا، تو، سل: اصلش از ارمیه فند بود؛ (حرف ششم بی نقطه)؛ تو: بی نقطه. **س ۱۳:** سل: یکسال و هجده روز؛ دیگر نسخه‌ها بتصریح «یک ماه و هجده روز» آورده‌اند، و نیز ترجمه آلمانی P88. **س ۱۷:** تا: شازده روز.

ص ۱۱۶

س ۱۲: تا: از رومه بود. **س ۶:** سل: ممالک عالم را بگرفتند. **س ۱۲:** سل: بر سر نهادی باجارت (حرف اول بی نقطه)؛ بی گمان این عبارت تصحیف: «بر سر نهاد بی اجازت» است! **س ۱۶:** تو، سل: از رومیه بود. **س ۱۷:** سل: دیگر باز ستدند. **س ۱۲:** تا: با بندگان روم جنگ کرد.

ص ۱۱۷

س ۱: تا، تو، سل: «تاریخ گریگوریوس پاپ» نامی و یادی در نسخه‌های ما نیست؛ نسخه اساس فقط نامی از او می‌آورد! **س ۳:** اساس، تا، تو، سل: «تاریخ فریدریکوس قیصر» ندارد و تمام نسخه‌های ما فاقد این نام است؛ در ترجمه آلمانی P89 از این قیصر نام می‌برد و از زندگی او می‌گوید؛ نسخه چاپی این مبحث را آورده است و ما از آن گرفتیم. ص ۵۰. **س ۱۱:** تا، تو، سل: مدّت پادشاهی؛ تنها نسخه اساس ندارد. **س ۱۵:** تا، تو، سل: «والسّلام» ندارد. **س ۱۷:** تا، سل: للمس (ظ تصحیف «گلمس»); تو: الممس.

ص ۱۱۸

س ۱: سل: مشغول بود. **س ۲:** تا، سل: او را بکشت. **س ۵:** تا: ریفرنس؛ تو: رفرنس (حرف چهارم بی نقطه). **س ۷:** تا: پولیه. **س ۸:** سل: پس از «... و خلقی بسیار

را بکشتند و... نسخه ناتمام به پایان می‌رسد! **س ۱۰**: تا: مانند آرد بیارید و بنان (۴) پختند. **س ۱۳**: تا: سنگی بزرگ بادید آمد. **س ۱۵**: تا: رومی نوشته. **س ۱۵**: ۱: عبارت درون [] را ندارد، از نسخه «تا» گرفته شد. **س ۱۷**: تا: بر دست بدترین. **س ۲۰**: تا: لشکری بی حد.

ص ۱۱۹

س ۴: تا: ... هجده روز بود والسلام. **س ۶**: تا، تو: «تاریخ انوسنتیوس پاپ» در این نسخه‌ها نیامده است، چون در ترجمه آلمانی آمده است، ثبت شد. **س ۸ تا ۱۳**: تا، تو: در مبحث «تاریخ الیسندر پاپ» و «تاریخ اوربانوس پاپ» در این دو نسخه ما نیامده است، چون در متن چاپی آمده است، و آن به تأیید ترجمه آلمانی **P91** است، این دو فقره را آوردیم. **س ۱۶**: تا: میل به زن داشت و بمرد.

ص ۱۲۰

س ۵: تا، تو: «والمسلام» ندارد. **س ۷**: تا: «تاریخ انوسنتیوس پاپ» ندارد این عنوان را. **س ۱۰**: تا: «تاریخ ادریانوش» [از پاپ یا قیصر بودن او سخنی نمی‌رود]، سپس شرح «انوسنتیوس پاپ» را می‌آورد و ادامه می‌دهد: از ولایت برگنندیه بود. پنج ماه و ده روز پاپی کرد! سپس می‌نویسد: صورت ابنوسنتیوس (بی نقطه) از شهر جنوه بود یک ماه و نه روز پاپی کرد! - که در حقیقت شرح «ادریانوس پاپ» است، و تخلیط شده دو عنوان. **س ۱۴**: تا و تو: «والمسلام» ندارد. **س ۱۷**: تا: رودخانه رومه. **س ۱۸**: تا: گذر می‌کردند.

ص ۱۲۱

س ۱: تا، تو: تاریخ رولفس قیصر. **س ۵**: تا: از افریس (؟) بود. **س ۹**: تا: از رومه بود. **س ۱۶**: تا، تو: «والمسلام» ندارد. **س ۱۸**: تا: تاریخ اطفلس پاپ (؟)

ص ۱۲۲

س ۲: تو: ازان ولایت ساکن بودند. **س ۲**: اساس: شهرها حوالی شهرها؛ «شام» ندارد. **س ۹**: تو: «بر تخت قیصری متمکن است» ندارد، در نسخه‌های اساس و «تا»

آمده است. **س ۱۲:** تا: «اصل» ندارد. **س ۱۳:** تو: یک سال بود که بر کرسی. **س ۱۳ تا ۱۵:** تو: عبارت پایانی این نسخه چنین است: و آن زمان که جامع این کتاب، این حکایات نبشته است تاریخ هجری در شهر سنهٔ خمس و سبعمایه بوده است و در آن پاپ بنطکطوس بود. **والسّلم علی من اتبع الهدی؛** تا: پایان این نسخه چنین است: **والسّلم علی من اتبع الهدی** تمام شد تاریخ قیصرهٔ روم و مدّت پادشاهی ایشان و پاپانی که در زمان هر یک از ایشان بوده‌اند و احوالی که در ایّام مملکت ایشان واقع شد **بعون الله تعالی** و از **ولاء آن تاریخ هندوستان و کیفیّت آن ممالک و احوال آن** خواهد آمدن ان شاء الله العزیز.

واژه‌نامه

اباً عن جلد، ۴۵	آغاز کردن، ۱۸، ۳۷، ۵۷	«آ»
ابتدا، ۱۷، ۴۰، ۱۱۹	آفتاب، ۴۹، ۵۳، ۱۰۴	آب، ۳۹، ۵۶، ۶۵
ابتدای عهد، ۵۶	آفتاب تاریک شدن، ۹۵	آبادان کردن، ۶۳
ابرو، ۴۹	آفتاب طلوع کردن، ۱۰۴	آب بالاگرفتن، ۲۶
ابلیس، ۲۱، ۷۷، ۱۰۷	آفریدن، ۲۱	آب بزرگ، ۵۳
ابن، ۴۰، ۶۵، ۷۴	آفرینش، ۱۷	آب روان، ۴۷
ابواب، ۱۷	آگاهی یافتن، ۲۶	آب گرم، ۵۶
ابوت، ۴۵، ۵۱	آلات، ۴۰	آتش، ۲۲، ۳۱، ۵۳، ۱۱۱
ابویحیی = عزرائیل، ۱۱۹	آمدن، ۲۵	آتش پرستان، ۴۸
اتحاد، ۵۲	آمرزیدن، ۲۲	آتش... زدن در، ۶۰
اثبات یافتن، ۳۹، ۵۴	آموختن دین، ۶۷	آخر، ۴۳، ۵۱، ۸۷
اثر، ۴۰	آنجا، ۱۷، ۴۱، ۷۹	آداب، ۵۱
اثنا، ۱۲۰	آنچه، ۱۷	آدمی، ۲۶، ۷۹، ۱۱۵
اجازت، ۱۱۶، ۱۲۱	آنکه، ۳۶، ۴۹	آرام یافتن، ۲۱
اجتماع، ۵۳	آنگاه، ۲۲، ۳۱، ۶۴	آرد باریدن، ۱۱۸
اجلاس، ۲، ۵۵	آن‌گه، ۶۵	آرزو کردن، ۶۷
احبار، ۲۹	آواز خوش، ۳۵	آزاد کردن اسیر، ۸۷
احترام کردن، ۳۲	آهن، ۴۷	آزاد کردن گردن، ۵۱
احتیاج، ۵۰	آب، ۴۰، ۶۵	آسایش، ۷۵
احتیاط، ۴۶	«ا»	آسمان، ۳۲، ۱۱۸
احداس، ۱۸	اب، ۷۴	آسودن، ۷۴
احوال، ۷۶، ۱۲۲	ابا نمودن، ۷۵	آشامیدن، ۲۶
احیاناً، ۴۷		آشوب، ۱۰۴

اقوام، ۱۷، ۳۳	اسیری، ۱۱۰	اخبار، ۴۰
اقوام نصاری، ۳۹	اشرف العلل، ۴۰	اخبار کردن، ۳۶
اکابر، ۵۱	اصالت، ۵۱	اختراع کردن، ۲۶
اكتساب آداب، ۵۱	اصحاب، ۱۰۴	اختلاف، ۴۷، ۲۹
اکثر، ۲۰، ۸۰	اصحاب الکهف، ۷۷	اختیار، ۱۲۱
اکنون، ۴۸	اصل، ۴۳، ۶۰، ۱۱۵	اختیار کردن، ۴۵، ۵۱، ۱۰۷
التجا کردن، ۸۴	اصناف، ۲۵	ادام، ۵۴
الزام کردن، ۷۷	اصنام، ۳۱	ادراک، ۴۰
الوان، ۵۶	اصیل، ۵۰	اذار، ۶۴
الهی، ۴۰	اطبا، ۹۹	ارباب دولت، ۱۹
آلهی، ۵۳	اطعمه، ۵۳	ارزانی داشتن، ۳۳
الی، ۲۷	اطلاق کردن، ۴۱، ۴۶	اروغ، ۲۰
امانت، ۴۵	اعتبار، ۴۰، ۴۹	اروق، ۵۲
امتحان کردن صحت، ۱۱۱	اعتماد داشتن، ۲۹	از بیخ کندن، ۲۸
امت عظیم، ۳۲	اعتماد کردن، ۲۹	از سر گذشتن، ۲۶
امراء، ۷۷	اعدا، ۹۵	از قیل، ۹۸
امرای معتبر، ۱۲۰	اعضا، ۵۶	اژدها، ۹۸
امر و نهی، ۴۶	اعمار، ۱۷، ۲۵	اساس نهادن، ۲۲
املا کردن، ۲۹	اعمال، ۱	اسباط، ۳۴، ۳۶
اموال، ۳۷، ۶۸، ۸۳	اعوان، ۳۹	اسپ، ۶۹
امیر، ۱۰۲	اعیان فرنگ، ۴۵	اسپان، ۵۱
امیر بزرگ، ۱۰۶	اغوا، ۷۵	استخلاص مردم، ۱۱۸
انبان، ۴۷	افتادن، ۵۵	استخوان، ۲۱
انبوه، ۸۵، ۱۰۵، ۱۱۲	افراد، ۹۲	استخوانها، ۳۳
انبیاء، ۱۹	افراط، ۴۹	استعداد، ۴۲، ۴۵، ۱۰۷
آبپرور، ۴۵	افروختن، ۲۲	استقبال، ۵۳
انتها، ۴۹	افصح، ۲۷	استقصاء تمام، ۴۵
انجیر، ۲۲	افگندن، ۴۵	استیلا، ۴۴
انجیل، ۸۰	افلاک، ۲۶	استیلا یافتن، ۸۶
انداختن، ۵۴	افواه مردم، ۴۹	اسیر، ۸۷، ۱۱۶
اندام، ۱۰۷	اقتضا کردن، ۵۳	اسیر بردن، ۹۱، ۱۱۶
اندک، ۴۹	اقسام، ۱۷	اسیر شدن، ۱۱۸
انذار کردن، ۲۳	اقصا، ۴۱	اسیر کردن، ۱۰۵

بت پرستان، ۴۸، ۷۳	بادید آمدن، ۲۸، ۴۴، ۱۱۸	اُنس و آرام یافتن، ۲۱
بت پرستی، ۷۴	بار، ۲۲، ۴۷	انصار، ۳۹
بتخانه، ۶۱، ۷۰، ۸۴	بار آوردن، ۴۷	انصاف، ۱۰۶
بتخانه بزرگ، ۵۵	باران باریدن، باران، ۲۶، ۸۴	انگور، ۲۶
بتخانه... ساختن، ۶۱	بارو، ۷۱	انواع، ۷۲
بجملگی، ۳۹	بارو ساختن، ۴۴، ۷۱	انواع علوم، ۲۹
بحار، ۱۸، ۴۳، ۵۴	بارو کشیدن، ۴۴	اوایل، ۴۶، ۵۹
بحث کردن، ۴۵، ۷۹	باری تعالی، ۳۲، ۳۹	اوج، ۴۱
بحر، ۴۶، ۵۲	باریدن باران، ۸۴	اوراق، ۱۱۸
بحر محیط، ۴۳	باز، ۲۸، ۲۹	اوقیانوس، ۴۳
بخشیدن، ۵۳، ۸۴	باز آمدن، ۳۴	اؤل، ۱۹، ۴۴، ۴۹، ۵۶
بخشیدن اموال، ۶۱	باز افتادن، ۲۶	اولاد، ۲۸
بخور، ۵۶	باز خریدن، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸	اؤل کس، ۵۸
بدان، ۲۶	باز خریدن خود به مال، ۱۱۶	اؤلین، ۱۱۳
بدان = بدها، ۱۱۰	باز خواندن، ۴۹	اهل، ۴۲، ۴۷، ۸۵، ۹۰
بدتر، ۱۰۲	باز ستدن، ۸۶، ۱۱۱، ۱۱۳	اهل اسلام، ۲۰
بدترین خلق خدا، ۱۱۸	باز ستدن مُلک، ۹۱	اهل شهرها، ۱۰۰
بدسیرت، ۵۹	باز شدن، ۲۲	اهل عالم، ۵۶
بدیها، ۶۲	باز شدن درها، ۱۱۰	اهل فرنگ، ۵۴
برّ، ۵۲	باز گذاشتن، ۴۲	اهل کتاب، ۳۷
بر آب گذاشتن، ۷۷	بازگذاشتن مُلک، ۹۷	اهل و عیال، ۱۱۸
برآمدن، ۲۱، ۸۴	باز گردانیدن، ۱۰۴	ایار، ۱۰۸، ۱۰۹
برآوردن ابنیه، ۵۱	باز گرفتن، ۹۸، ۱۱۴، ۱۱۵	ایام، ۵۱
برابر، ۵۱، ۷۹، ۸۴	۱۱۶	ایثار کردن، ۷۶، ۸۳
برادر، ۲۲، ۳۵	باز گشتن، ۵۴	ایراد کردن، ۱۹، ۴۰
برادران، ۶۴	باستقلال، ۹۳، ۹۴، ۹۷	ایشان، ۱۷، ۵۲، ۷۹
برادر [زاده]، ۷۴	باغ ساختن، ۱۱۸	ایل شدن، ۶۰
برادرِ مادر، ۳۴	با قوّت، ۱۰۷	ایمن، ۴۰
برادری، ۴۴	باقی گذاشتن، ۷۲	
بر اغوا داشتن، ۷۵	بالا، ۷۶	«ب»
برافتادن مُلک، ۸۵	بالاگرفتن آب، ۲۶	باب، ۱۷، ۳۹
بر انداختن مسلمانی، ۱۱۹	بت، ۶۱	باب مندو = ماپ مُندو، ۵۴
بر تخت نشاندن، ۴۴، ۶۶، ۹۵	بتان، ۳۰، ۷۲	باتفاق، ۲۳، ۳۹، ۵۱

بناکردن، ۲۷، ۴۴	بزرگ، ۲۱، ۴۵، ۵۳	بر تخت نشستن، ۶۰
بناکردن صرح، ۲۸	بزرگان، ۴۰، ۵۱	برج ساختن، ۴۴
بناکردن مسجد، ۸۷	بزرگتر، ۳۵، ۴۷	بر جوشیدن، ۵۵
بنا...نهادن، ۲۳	بزرگ شدن، ۳۷	برخاستن، ۸۰، ۷۴، ۴۹
بنا نهادن، ۳۵، ۴۴	بزرگ و کوچک، ۴۶	برخاستن به قصد کس، ۱۰۹
بنت، ۳۳	بزرگ هیکل، ۴۹	برخاستن لادن، ۴۲
بوسه دادن، ۸۶	بسیب، ۲۶	برداشتن، ۵۶
بوی، ۳۳	بسیار، ۴۷، ۵۳، ۸۷	برداشتن به دو پای، ۴۵
به آتش سوختن، ۷۷	بسیط، ۴۳، ۴۸	برداشتن کس به قیصری، ۹۵
به ازای، ۶۲	بسیط عریض، ۵۲	برده، ۸۳
به ترتیب فتح جایی، ۱۱۸	بسیطه، ۲۹	بر سبیل، ۴۰
بهترین، ۱۰۲	بشرکت، ۹۳	بر سر... نهادن، ۴۵
به تقدیم رسانیدن، ۹۲	بط، ۴۷	بر سر نهادن تاج، ۱۱۵، ۱۱۶
به جنگ کشته شدن، ۶۵	بطایح عرب، ۳۲	۱۱۷
به خواب دیدن، ۳۲	بطریق، ۵۱	برص، ۷۳، ۸۶
به خواب نمودن، ۹۵	بطناً بعد بطن، ۱، ۳۴، ۴۴	برق، ۷۱، ۹۸
به دست داشتن، ۴۲	بعاقبت، ۷۰	برق آمدن، ۶۶
به دین درآمدن، ۷۰	بعد، ۵۸	برقرار، ۱۲۲
بهشت، ۲۱، ۲۲	بعضی، ۳۱	بر کرسی پایی نشستن، ۱۱۶
به شکنجه کشتن، ۶۳	بغایت، ۴۵، ۶۱، ۷۵	بر کرسی... نشستن، ۶۰
به عکس، ۴۹	بغایت بزرگ، ۵۳، ۹۶	برکشیدن هیأت، ۵۴
به غارت بردن، ۸۵	بغایت عادل، ۱۰۴	برکنار، ۵۱
به قیصری نشستن، ۶۱، ۶۴	بغیر، ۴۹	برکندن چشم، ۹۵
به کلیسا ساختن خانه، ۷۳	بقا، ۲۲، ۵۶	برکندن چشمها، ۹۲، ۹۴
بهم، ۶۶، ۶۷	بقیت، ۷۷	برگ، ۲۱
به مدد خواندن، ۹۶	بکر، ۱۰۸	برگرفتن، ۳۱
به مزد گرفتن، ۵۱	بکر زادن، ۱۱۸	برگزیدن، ۴۵
به مشارکت، ۷۸	بکلی، ۷۹، ۱۱۵	برگشتن، ۳۶
به منقار گرفتن، ۵۳	بلاد، ۲۶	برنشستن، ۵۱
به هزیمت کردن، ۹۶	بلند، ۴۵	بر و بحر، ۴۶
به هم، ۳۲	بلند بالا، ۴۷	برودت، ۴۹
بی آبی، ۱۱۳	بلور، ۵۱	بر وفق، ۴۰
بیابان، ۳۲، ۵۰	بلور صافی، ۵۱	برهنه شدن، ۲۱

پنج‌شنبه، ۷۳	پادشاهی، ۱۷، ۴۵، ۵۱، ۵۵	بیان، ۱۷، ۲۱، ۴۱
پوشانیدن به برگ، ۲۲	پادشاهی کردن، ۶۶، ۹۶، ۱۱۷	بی‌اندازه، ۵۱، ۵۳، ۸۴
پوشانیدن عورت، ۲۶	پارسا، ۷۶، ۸۶، ۱۰۹	بی‌پایان، ۴۷
پوشش، ۳۳	پاره، ۴۱، ۴۲، ۱۱۳	بی‌حد، ۵۲
پوشیده بودن چشمها، ۳۳	پاره پاره، ۱۰۷	بی‌حد و اندازه، ۱۱۸
پوشیدن گلیم...، ۴۸	پاره پاره بریدن اندام، ۱۰۷	بی‌حد و عد، ۳۲
پولاد، ۴۵	پاک، ۲۵	بی‌حصر و قیاس، ۳۲
پهلوی، ۲۱	پاکان، ۶۷	بی‌درز، ۸۴
پیدا شدن، ۷۷، ۱۱۱	پاک‌اندرون، ۷۶	بیرون آمدن، ۲۱، ۴۷، ۷۷
پیدا شدن قحط، ۱۱۸	پاک شدن، ۱۱۹	بیرون آمدن کس بر کس، ۹۰
پیر، ۴۹	پای، ۴۵، ۵۳، ۶۹	بیرون آوردن، ۱۰۵
پیرامن، ۵۰، ۵۳	پای برگردن کس نهادن، ۶۹	بیرون آوردن الوان، ۵۶
پیرامون، ۵۱	پایگاه ساختن (= طویل)، ۹۶	بیرون رفتن، ۴۲
پیران، ۳۶	پدید آمدن چشمه، ۱۰۳	بیرون کردن، ۴۲، ۶۱
پیش، ۴۱، ۶۴	پدر، ۲۴، ۳۲، ۹۴	بیشتر، ۸۳
پیشتر، ۲۵، ۳۶	پدرِ پدران، ۴۵	بی‌شمار، ۴۷، ۵۱
پیش گرفتن، ۲۶	پدید آمدن، ۳۷، ۸۰	بیکبار، ۹۲
پیغامبر، ۳۱، ۳۶، ۵۵	پدید آمدن طوفان، ۲۵	بیکبارگی، ۱۰۲
پیغام فرستادن، ۴۲	پُر، ۲۶، ۵۳	بین‌الموضعین، ۵۴
پیغمبر، ۳۳	پُر از مرغ شدن صحرا، ۵۳	بینی، ۹۰
پیوستن، ۵۶	پُر برف، ۵۱	بینی... بریدن، ۹۰
پیوسته، ۵۲، ۵۳	پرسیدن، ۲۹، ۳۳	
	پرگار، ۵۴	«پ»
«ت»	پُر معادن، ۴۸	پاپ، ۴۴، ۴۵، ۶۶
تا، ۱۲۲	پُر معادن زر، ۵۳	پاپان، ۲، ۱۸، ۵۵
تابستان، ۴۸	پرنده، ۲۵	پایی، ۶۰
تاج بر سر نهادن، ۴۵، ۱۲۱	پُر نعمت، ۵۰	پایی کردن، ۶۴، ۷۷، ۸۲، ۹۹
تاج قیصری، ۱۱۷	پسر، ۲۲، ۶۶، ۹۶	پادشاهان، ۱۷، ۳۵، ۵۶
تاج مسیح، ۹۵	پسر آمدن، ۲۳	پادشاه بودن، ۲۸، ۳۵
تاختن، ۴۲، ۵۲، ۷۱	پسر آوردن، ۲۳، ۳۳	پادشاه پادشاهان، ۴۵
تاختن آوردن، ۴۲	پسران، ۹۳	پادشاه شدن، ۴۴
تاختن بردن، ۵۲، ۷۱	پسر زن، ۵۸	پادشاه فرس، ۶۹
تاختن کردن، ۱۱۸	پشیم، ۴۷	پادشاه مغرب، ۵۰

تواریخ، ۱۰۲	تصرف، ۴۸، ۱۱۱	توحید، ۶۷
تواریخ کردن، ۱۰۲	تصور کردن، ۱۱۹	توهمت، ۶۰
تواریخ، ۴۰، ۲۸	تعذی، ۷۲	توهمتِ خطا، ۳۷
تواریخ، ۴۹	تعذیب، ۸۲	توهمتِ خطا بردن، ۳۷
تواریخ شدن، ۹۵	تعرض رسانیدن، ۱۱۱	توهمتِ سحر، ۶۲
تأثیر، ۹۵	تعصب، ۹۳، ۹۶	توهمی پای، ۸۶
تُپچاق، ۵۱	تعلق داشتن، ۱	توهمیج کردن، ۷۷
تحت، ۴۵	تعهد کردن، ۵۰	
تحصیل، ۵۰	تغلب، ۴۸	«ث»
تحصیل علوم طبّی، ۵۰	تفصیل، ۱۹، ۲۶، ۴۶	ثانی، ۴۰
تحصیل کمال، ۴۰	تقرّب جستن، ۲۲	ثبات، ۴۵
تحف، ۳۲	تقریباً، ۴۴	ثلث، ۴۵
تخت، ۸۱	تقریر، ۳۷، ۴۰	ثمار، ۲۲
تخت قیصری، ۵۹، ۶۰، ۷۷	تقریر رفتن، ۳۷	
تخوم، ۴۱	تقریر کردن، ۳۹، ۴۷	«ج»
تدبیر، ۸۰	تقصیر کردن، ۱۱۹	جادویی کردن، ۶۰
تراشیدن موی گردن، ۶۴	تکبّر کردن، ۳۲	جامه، ۲۶
تراشیدن موی و ریش، ۶۲	تگرگ باریدن، ۹۶	جانب، ۴۲، ۵۳، ۵۶
تریت کردن، ۶۰، ۸۸	تلقین کردن، ۵۶	جانب شمال، ۴۷
ترتیب، ۱۸، ۱۹، ۲۶	تمام، ۴۵، ۹۴	جان گرفتن، ۴۷
ترتیب کردن لشکر، ۱۲۰	تمامت، ۲۹، ۶۱، ۸۵	جای، ۶۷، ۹۲
ترجیح، ۴۰	تمام شدن، ۳۷	جبال، ۲۷، ۵۴
تردد کردن به کشتی، ۱۲۰	تمام کردن، ۳۵	جبل، ۲۷
ترسا، ۴۲، ۷۲، ۸۱	تمامی، ۵۸	جدّ، ۳۳
ترسا شدن، ۵۶، ۶۸، ۱۰۲	تمکّن یافتن، ۷۹، ۱۱۶	جداول، ۴۳
ترسا کردن، ۶۵، ۸۵، ۱۰۵	تن، ۳۳، ۴۶، ۷۶	جدایگانه، ۲۹
ترسا گردانیدن، ۷۵، ۹۲	تنها، ۲۱	جدل، ۸۹، ۹۶
ترسایان، ۳۷، ۸۸، ۱۱۴	تواریخ، ۱۹، ۲۹، ۵۷	جدل کردن، ۷۸، ۹۴
ترسایی، ۶۱، ۶۹، ۷۴	تواضعها، ۹۷	جدی، ۵۳
ترسیدن، ۳۵، ۴۴، ۹۲	توأم، ۲۲، ۳۳	جزایر، ۲، ۴۳، ۵۹
ترزیف، ۴۰	توأم آوردن، ۳۵	جزیت، ۹۰
تسلّی دادن، ۳۲	توبت کردن، ۷۲	جزیره، ۴۲، ۴۹، ۹۱
تسمیه، ۴۰	توبه کردن، ۸۴	جسم، ۷۹
		جسمانیات، ۴۰

حامله شدن، ۳۲، ۳۵	جهودان، ۲۶، ۵۶، ۸۵	جفت، ۲۵
حس کردن، ۱۰۵، ۱۰۶		جلوس، ۴۴، ۶۱، ۶۴
حدِّ بلوغ، ۳۳	«ج»	جماعت، ۳۷، ۵۶
حدود، ۳۳، ۴۱	چرنده، ۲۵	جمع، ۱۱۰
حرام بودن، ۲۶	چشم بیرون کردن، ۹۵	جمع شدن لشکرها، ۱۱۱
حریص، ۱۰۸	چشم کس کردن، ۹۴	۱۱۵
حساب، ۵۴	چشمه، ۴۷، ۵۵، ۱۱۳	جمع کردن، ۲۹
حسب، ۳۹، ۴۵، ۱۰۷	چشمها برکندن، ۹۴	جمع کردن زیتون، ۵۴
حُسْنِ اخلاق، ۴۵	چنان، ۴۴، ۵۳، ۸۶	جمعیت، ۷۳
حشرات، ۴۷، ۸۴	چنانکه، ۳۹، ۵۶، ۱۱۳	جمعیت ترسایان، ۸۳، ۸۹
حصر، ۱۷، ۳۲	چوب، ۴۷، ۱۱۸	۹۸
حصین، ۴۲	چوخای، ۸۴	جمعیت ساختن، ۷۳، ۷۸، ۹۱
حضرت، ۳۲	چون، ۲۵، ۳۲، ۳۳	جمعیت شدن = احتفال، ۷۹
حضور، ۲۱	چه، ۳۳	جمعیت مردم، ۱۰۸
حق، ۹۳	چهار، ۲۱، ۴۲	جمله، ۳۲، ۵۱، ۸۱
حق تعالی، ۲۲	چهارم جمعیت، ۷۹	جنب، ۴۳، ۴۸
حقه مرمر، ۸۳	چهل، ۲۶	جنگ، ۶۵
حکایات، ۴۰	چیز، ۷۹	جنگ افتادن، ۷۶
حکایت، ۲، ۴۰، ۵۵		جنگ کردن، ۶۵، ۷۵، ۱۱۶
حکم، ۴۶	«ح»	جنگها کردن، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۲
حکما، ۱۹، ۴۰	حادث شدن، ۸۵	جنوب، ۴۳
حکمت، ۳۹، ۵۱	حادثه، ۱۸، ۵۵	جواب دادن، ۴۲، ۷۷، ۹۹
حکمت الهی، ۵۳	حاذق، ۷۳	جواد، ۷۱
حکمی، ۵۰	حاصل شدن، ۲۹	جوان، ۶۷
حکیم، ۴۴	حاصل کردن، ۲۹	جوانب، ۴۱
حلیم، ۹۲	حاضر بودن، ۱۰۹	جوانمرد، ۶۱، ۷۱
حمل کردن بر، ۹۵	حاضر شدن، ۵۱	جواهر، ۵۳
حوادث، ۲۲	حاکم شدن، ۱۱۸	جوشاندن، ۵۳
حواری، ۲، ۵۹	حاکم کردن، ۹۱	جوشیدن خون، ۱۰۳
حواریان، ۳۹، ۵۹، ۸۰	حال، ۲۵، ۱۰۹	جهات، ۴۱
حوالت، ۴۰	حال... پرسیدن، ۱۰۹	جهان، ۲۶
حوالی، ۵۳، ۱۲۲	حالت، ۳۷	جهت، ۲۱، ۵۶، ۱۱۷
حوض، ۵۶	حامله، ۳۳	جهود، ۶۰، ۹۸
	حامله بودن، ۳۳	

خط، ۵۰	خراب شدن، ۵۵، ۸۰، ۱۱۵	حیلت، ۶۸، ۹۴
خطا، ۳۷	خراب کردن، ۴۶، ۶۳، ۱۲۲	حیوان، ۲۵
خطّ عبری، ۱۱۸	خراب گردانیدن، ۲۸	حیوانات، ۲۶، ۸۴
خط مشرق، ۵۰	خراب گشتن، ۷۴، ۱۱۵	حیوانی، ۴۷
خط و حساب، ۵۴	خرابی کردن، ۹۹	
خطهای باریک، ۴۹	خرابیها، ۷۸	«خ»
خفتن، ۲۱	خرابیها کردن، ۱۰۲	خاتون، ۳۲، ۸۸
خلاص دادن، ۳۱، ۷۳، ۱۱۰	خراج، ۴۸، ۵۳، ۱۱۹	خاج، ۸۳، ۸۵
خلاص یافتن، ۸۶	خراج بخشیدن، ۳۷	خاج مسیح، ۸۵
خلاف افتادن، ۹۳، ۱۲۰	خراج دادن، ۴۶، ۴۸	خادم کردن = اخته کردن، ۴۴
خلافت، ۵۹	خراج ستاندن، ۵۳	خاستن اسپان تپچاق، ۵۱
خلفا، ۴۴، ۵۷	خراج گذار، ۴۸	خاستن سیماب، ۴۹
خلق، ۵۳، ۸۴، ۱۰۸	خراج گزار، ۴۸	خاستن کهربا، ۴۹
خلق انبوه، ۸۵	خرس، ۱۰۹	خاصه، ۸۵
خلیفه، ۴۵، ۵۹	خرّم، ۴۴	خاصیت، ۴۷
خم رنگریزی، ۵۶	خرماستان، ۵۳	خاک، ۴۷
خمس و سبعمایه هجری،	خروج، ۲۲، ۳۶	خالی بودن، ۶۱، ۶۴، ۷۸
۱۷، ۱۹، ۳۹	خروج کردن، ۲۰، ۳۶	خالی ماندن، ۷۳
خندیدن، ۲۶	خریدن اسیر، ۸۷	خالی ماندن کرسی، ۶۶
خواستاری کردن، ۳۴	خزانه، ۲۹، ۷۰	خانان، ۵۶
خواستن دختر عم، ۳۳	خزانه نهادن، ۲۹	خاندان، ۸۵
خواستن زن پدر، ۶۶	خزاین، ۳۷	خاندانها، ۱۹
خواصّ، ۱۸، ۴۷	خسارت افتادن، ۴۲	خانه، ۵۲، ۸۳، ۱۱۱
خواندن، ۴۹	خشک، ۴۸	خانه به خانه، ۱۲۰
خواهر، ۳۲، ۵۹، ۱۰۷	خشک شدن، ۱۱۳	خانه پاپ، ۵۲
خود، ۲۲، ۴۰، ۹۱	خشکی، ۵۳	خبر کردن، ۵۶
خوردن، ۲۱، ۴۷	خشم، ۲۱	خبر یافتن، ۸۵
خوردن حیوانی، ۴۷	خشم گرفتن، ۲۲	ختنه، ۸۵
خوردن یکدیگر، ۸۱	خشم گرفتن خدای، ۱۰۷	خداوند، ۴۵
خوش، ۳۵	خصمان، ۹۵	خداوند برص، ۸۶
خوشدل، ۳۲	خصمان دین، ۷۸	خدایی، ۷۹
خوک، ۷۱	خصمان ملت، ۹۸	خدمت کردن، ۳۳، ۳۴
خون، ۱۰۳	خصومت افتادن، ۵۱	خراب، ۲۸

دست، ۲۲، ۳۳، ۷۴	در، ۲۲، ۸۴	خون برآمدن، ۴۷
دست رسیدن، ۷۷	در آسایش بودن، ۷۵	خویش، ۲۱، ۵۹، ۱۱۹
دست و پای، ۳۷	درآمدن، ۲۵، ۲۶	خویشان، ۳۱
دشت، ۱۱۸	درآوردن، ۲۵	خویشتن، ۹۲، ۹۵
دشمن، ۸۰، ۸۳	دراز عمر، ۴۷	خیرات، ۸۷
دشمنان، ۳۱، ۶۶، ۶۷	درجه، ۵۳	خیری، ۸۰
دعا، ۳۱	در حال، ۳۲	خیمه، ۷۵
دعا کردن، ۳۲، ۳۳، ۷۰	در حرکت آمدن، ۸۵	«۵»
دعای بد کردن، ۷۶	در حق، ۶۲، ۹۳	داخل، ۳۹
دعا خواندن، ۵۶	درختِ انجیر، ۲۲	دادخواه، ۵۱
دعوت، ۳۹	درختِ انگور، ۲۶	دادن دختر، ۳۴
دعوت کردن، ۵۸	درخت بزرگ، ۶۶	دارالبوار، ۲۲
دعوی کردن، ۸۰	درخت زیتون، ۵۴	دارالقرار، ۲۲
دفع، ۹۵	درخت میوه، ۴۷	دارالملک، ۴۳، ۴۴، ۵۱
دفع شدن، ۱۱۱	در رسیدن، ۲۱	دار بقا، ۲۲، ۵۶
دفع کردن، ۶۱	درز، ۸۴	دار دنیا، ۵۸
دفن کردن، ۱۱۰	در زندان کردن، ۱۱۷	دارِ عقبی، ۵۸
دگر، ۲۲	در زیر گرفتن... آدمی، ۱۱۸	دارِ فنا، ۲۲، ۵۶
دلاور، ۳۳، ۴۷، ۵۰	در غار نشستن، ۹۷	داشتن رای و تدبیر، ۸۰
دُم، ۱۰۹	درفشیدن آتش، ۵۳	داماد، ۵۸، ۶۳، ۱۰۸
دنیا، ۱۰۹	در قلم آمدن، ۱۸، ۱۲۲	دانایان، ۱۹
دوازده، ۳۴	درگذشتن، ۸۶	دانستن، ۵۴
دور، ۵۶، ۸۰، ۹۶	درگذشتن کس، ۵۱	دانستن زبان و خط و حساب، ۵۴
دور با کس افتادن، ۸۳	درگور نهادن، ۷۲	دانه، ۴۷، ۵۳
دوزخ، ۲۲، ۱۱۸	در گوش گفتن، ۷۴	دایما، ۵۱
دوست، ۳۳، ۵۰، ۸۰	درم، ۲۸، ۹۷	دختر، ۲۲، ۵۹، ۷۲
دوست داشتن، ۳۳	دروازه‌ها، ۸۶	دختر به پسر دادن، ۵۳
دوستتر، ۳۳	در وجود آمدن، ۲۲، ۳۷، ۵۵	دختر... خواستن، ۷۲
دوستی، ۵۲، ۱۰۸	در وجود آمدن توأم، ۲۲	دخترِ عم، ۳۲
دو قسم شدن، ۱۱۹	در وجود آمدن کبیره، ۱۰۷	دختر مهتر، ۳۴
دولت، ۱۹	درها باز شدن، ۱۱۰	دخول، ۲۲، ۶۳
دویم، ۴۲	دریا، ۴۲، ۵۲، ۱۱۱	
دهلیز، ۴۱	دریابار، ۴۸	

دیار، ۴۲	رد کردن، ۳۲	رهبان گشتن، ۸۷
دیانت، ۴۵	رسولان، ۵۶	روی، ۵۲
دیگر، ۲۲	رسیدن، ۳۱	ریح عاصف، ۲۸
دیگربار، ۱۱۶، ۴۴	رضا، ۱۱۷	رَیدافرانس، ۴۵
دیگر باره، ۷۵، ۲۷	رعیت، ۱۰۸	ریگ بیابان، ۳۲
دین، ۶۱، ۶۷، ۷۸	رفتن احوال، ۲، ۵۸	
دینار، ۲۸، ۴۲	رکاب، ۴۶	«ز»
دینِ ترسالی، ۶۱، ۷۰	رنجیدن، ۱۱۶	زادن، ۳۳
دیندار، ۸۸	رنجیدن پاپ، ۱۱۷	زادن بکر، ۳۷
دیوار، ۵۵	رنگریزی، ۵۶	زادن کودک، ۵۶
دیه، ۴۲	روا، ۴۰	زانی، ۶۶، ۶۷
	روان شدن، ۵۵، ۵۰	زبان، ۲۷، ۵۴
	روان گشتن، ۴۶	زبان افرنجه، ۴۵
«ذ»	روانه شدن، ۳۱	زبان... بریدن، ۹۵
ذاتی، ۳۹	روانه گردانیدن، ۱۱۰	زبان خلق، ۴۹
ذراع، ۲۵	روایت، ۴۰	زبان عرب، ۲۴
ذریّت، ۱، ۱۸، ۳۱	روایت کردن، ۴۹، ۵۳	زبان یکی کردن، ۹۱
ذکر، ۱، ۱۷، ۱۸، ۳۴، ۵۵	روح، ۷۹	زبانیه، ۲۲
	روح القدس، ۶۵، ۷۴	زبون گردانیدن، ۱۱۹
«و»	روح القدس = میانجی، ۴۰	زحمت دادن، ۷۵
راندن، ۲۲، ۳۲	رودخانه، ۲۱، ۸۴، ۱۱۳	زحمتها کشیدن از دست کس، ۷۴
راوی، ۴۰	روز، ۴۸، ۶۲	زدن کس به نیزه، ۱۱۱
راویان، ۴۹	روزگار، ۱۰۶	زر، ۲۶، ۴۷، ۴۹
راه، ۳۱، ۴۲	روزگار گذرانیدن، ۱۰۶	زراعت، ۲۶
رای، ۲۲، ۱۰۸	روزه، ۴۲، ۴۷	زرد، ۴۷
ربانان (= گلیم پوشِ صلیب بر سینه)، ۴۸	روزه داشتن، ۷۳	زرو و نقره، ۵۳
ربان شدن، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱	روزه گرفتن، ۷۳	زرین، ۱۰۹
ربع، ۵۴	روغنِ زیت، ۵۵	زعم، ۱۹، ۲۳، ۴۵
ربع مسکون، ۴۳، ۴۵	روغن مالیدن، ۵۶	زُقاق، ۴۶
رحلت کردن، ۲۲، ۵۶	روغن میرون، ۵۶	زلزله، ۸۰، ۱۱۵
رحم آمدن بر کس، ۱۰۷	رومی، ۲۶، ۱۱۷	زلزله شدن، ۷۴
رحم کردن، ۱۱۸	رونق تمام، ۸۱	زمان، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۱۱۱
رحوی، ۴۹	رونق یافتن، ۸۱	
رخنه، ۱۱۸		

سکهٔ دینار، ۲۸	سبب، ۲۲، ۶۳	زمستان، ۴۸، ۴۹
سکهٔ زر، ۴۰	سبط، ۲۹، ۳۶	زمین، ۲۱، ۵۴، ۸۳
سلاحدار، ۱۱۳	سبیل، ۴۰	زمین مغرب، ۴۶
سلطان، ۹۳، ۹۶	سپاه، ۹۲	زن، ۲۵، ۱۱۹
سلطان سلاطین، ۴۵	سپری شدن، ۸۳	زناکردن، ۵۹
سمت الرأس، ۴۹	ستارهٔ آسمان، ۳۲	زنان، ۲۵
سنت، ۸۵	ستاندن خراج، ۵۳	زن پدر، ۶۶
سنت کرده، ۸۵	ستدن، ۳۶، ۴۶، ۶۸	زن خواستن، ۳۵
سنگ، ۴۷	ستدن شهر، ۷۷، ۱۱۴	زندگانی، ۱۰۴
سوابق ایام، ۵۱	ستین و ستمایه هجری، ۴۶	زندگانی کردن، ۱۰۵
سوار، ۲۷، ۴۲، ۴۸	سجده کردن، ۲۶	زندگانی نیکو، ۱۰۵
سوختن، ۳۱، ۶۶	سحر، ۶۰، ۶۲	زنده کردن مرده، ۷۷
سوختن کندرو، ۷۲	سخره کردن، ۸۷	زهد، ۴۵
سوخته شدن، ۳۱	سخن گفتن، ۲۷، ۵۴	زهر دادن، ۷۲، ۹۸
سوراخ، ۸۳	سدالمق، ۲۵	زهردار، ۴۷
سوزاندن، ۵۴	سر، ۳۳	زیادت، ۴۲، ۴۵، ۱۱۵
سوم، ۴۳، ۵۴	سر... بریدن، ۶۰، ۷۰، ۷۲	زیادت شدن، ۱۲۰
سیارات، ۸۵	سرِ خر، ۱۰۹	زیت، ۵۵
سیاست، ۹۰	سرخ رنگ، ۱۰۴	زیتون، ۵۳، ۵۴
سیاست پادشاهی، ۸۱	سرخ روی، ۴۷	زیستن، ۲۲، ۲۵
سیاه، ۴۸	سرد، ۴۸	
سیب، ۴۷	سرطان، ۴۹، ۱۰۹	«س»
سیر، ۸۵	سرور، ۲۰	سابق، ۸۵، ۸۸
سیم، ۴۲	سروران، ۴۴	ساحر، ۱۰۷
سیماب، ۴۹	سر و گردن، ۴۵	ساحل، ۴۲، ۴۶
سیمرغ، ۵۹	سریانی، ۲۷	ساختن صورت، ۲۶
سینه، ۴۸	سعی کردن، ۱۱۳	ساختن کارِ کس، ۱۱۹
سینه سفید، ۴۹	سفر کردن، ۵۰	سار، ۵۳
سیوم، ۱، ۲۵	سفید، ۴۸، ۴۹	ساعت، ۴۹
	سفید مژه، ۴۹	ساکنان، ۵۴، ۷۹
«ش»	سفید موی، ۴۹	سال، ۴۸، ۵۱، ۵۳
شامخ، ۲۸	سقرلاط، ۴۷	سایه افتادن، ۱۰۹
شانقار، ۴۹	سکّان، ۴۶	سایهٔ سر، ۱۰۸

شاه، ۵۰	شکنجه کردن، ۵۶، ۵۸، ۵۹	صور بتان، ۵۵
شب، ۵۵	شکوفه، ۴۷	صورت، ۲۶، ۴۷، ۵۴، ۱۰۹
شبانروز، ۵۴، ۲۶	شمال، ۴۷	صوف، ۴۲، ۴۷
شبانی فرمودن، ۷۲	شمردن هنر، ۵۰	
شبانی فرمودن کس را، ۷۲	شمشیرها، ۲۲	«ض»
شپش، ۹۹	شوهر، ۲۱، ۸۸	ضرورت، ۲۶
شتر، ۴۲	شهر، ۲۶، ۴۴، ۸۳	ضعف، ۴۰
شجاع، ۳۳، ۵۰، ۵۸	شهر معمور، ۴۶	ضیاع، ۲، ۱۸، ۴۱
شخص، ۸۵، ۱۰۹	شهور، ۱۷، ۳۷	
شراب ساختن از آب، ۵۶	شهید کردن، ۴۷	«ط»
شرح، ۱، ۱۷		طاعات، ۲۳
شرف، ۴۵	«ص»	طاعن، ۴۰
شرکت، ۶۴، ۶۵، ۱۰۲	صالح، ۸۶	طالب، ۲۲
شروع نمودن، ۱۸	صبح، ۴۹	طایفه، ۱۹، ۴۰، ۵۴، ۱۰۹
شرّ، ۸۰	صحاری، ۵۴	طیب، ۷۳
شریک، ۱۰۲	صحبت کردن، ۲۲	طرف، ۴۱، ۴۷
شریک شدن، ۹۴، ۱۰۱	صحّت، ۲۹، ۱۱۱	طریقه، ۱۰۴
شریک گردانیدن، ۹۶	صحرا، ۵۳	طعام، ۲۵، ۵۴
شُستن، ۵۶	صحراها، ۵۱	طعام دادن، ۳۳
شعله آتش، ۵۳	صدقه، ۸۳	طعمه، ۵۰
شفق، ۴۹	صدور اکابر، ۵۱	طعن، ۴۰
شکار، ۳۳	صرح بنا کردن، ۲۸	طفل، ۵۶
شکار دوست، ۳۳	صرف، ۱۰۳	طفولیت، ۵۶
شکاف، ۱۱۸	صرف کردن، ۳۶	طلب داشتن، ۳۲، ۵۱
شکافتن سنگ، ۱۱۸	صغری، ۴۱	طلوع کردن آفتاب، ۱۰۴
شکافتن شکم، ۳۷	صفات، ۳۹	طوایف، ۱۷، ۱۹، ۲۹
شکافته شدن، ۱۱۳، ۱۱۸	صفت، ۳۹	طوفان، ۲۳، ۲۵، ۲۶
شکستن کس، ۱۱۸	صلاحیت، ۴۵	طوفان آب، ۲۵
شکسته شدن، ۶۹	صلب، ۱۰۵	طول، ۲۵، ۴۱، ۵۲
شکل، ۲۱، ۵۴	صلب بودن در ملت، ۱۰۵	
شکم، ۲۲، ۳۷	صلح کردن، ۹۰	«ظ»
شکنجه، ۷۱، ۸۲، ۵۹	صلیب سیاه، ۴۸	ظالم، ۱۰۴
شکنجه خوردن، ۵۹، ۱۱۸	صور الاقالیم، ۵۴	ظاهر، ۴۰، ۴۷، ۸۰
		ظاهر شدن، ۲۶، ۶۴، ۱۰۴

عهد، ۲۹، ۵۶، ۷۹	عرب، ۲۰	ظاهر شدن دشمن، ۶۱
عهد اسلام، ۴۶	عرض، ۲۵، ۴۱	ظاهر شدن صورت، ۱۰۹
عیال، ۱۱۸	عرض کردن کتاب، ۱۱۸	ظاهر شدن عورت، ۲۶
عیب دانستن، ۵۰	عریض، ۴۳، ۴۸	ظاهر شدن وبا، ۹۶
عید بزرگ کردن، ۶۴	عزم جایی کردن، ۱۱۸	ظاهر گشتن زلزله، ۸۰
عیسوی، ۷۵، ۷۶	عزم... کردن، ۸۵	ظفر یافتن، ۹۴، ۹۵، ۱۱۰
عیسویان، ۴۷، ۷۳، ۷۵	عزیز، ۳۶، ۶۳	ظلم، ۲۲، ۷۲
	عزیزالوجود، ۵۰، ۵۳	ظلمات، ۴۹
«غ»	عشر مال، ۳۲	ظلمانی، ۴۹
غارت، ۹۲	عظیم، ۳۲، ۷۰، ۹۶	ظلم رفتن، ۵۱
غارت کردن، ۶۰، ۱۱۸	عظیم جَنّه، ۴۹	ظهور، ۱۷
غایت، ۴۴، ۴۸	عظیم نزه، ۴۴	
غایت درازی، ۴۹	عَقّت، ۴۵	«ع»
غربی شمالی، ۴۳	علاج کردن، ۷۳	عاجز، ۸۰
غرق شدن، ۷۷، ۱۱۵	عَلّت، ۸۶، ۹۹	عاجز آمدن، ۹۹
غریب، ۵۰	عَلّة العلیل، ۴۰	عادل، ۸۴، ۱۰۴
غَضّه، ۱۱۵	علم دوست، ۸۱، ۸۴، ۹۰	عاصف، ۲۸
غلام، ۸۴، ۹۹	علم نجوم، ۸۵	عاصی شدن، ۱۱۷، ۱۲۰
غلام، ۷۸	علوم، ۲۶، ۵۱	عاقبت، ۷۰، ۸۴، ۹۹
غلبه، ۴۴	علوم افلاک، ۲۶	عاقبة الامر، ۶۳
غمخوار، ۱۰۸	علوم طبّی، ۵۰	عاقل، ۵۸
غمز کردن، ۱۰۴	عمارات، ۸۰	عالم، ۵۵
	عمارت، ۲۶	عالم کون، ۲۲
«ف»	عمارت کردن، ۴۴، ۷۴، ۷۸	عالم گرفتن، ۲۰
فاجر، ۵۹	عمر، ۲۲، ۲۳	عبادات، ۲۳
فاحش، ۹۶	عمر یافتن، ۳۰، ۱۱۳	عجایب، ۴۷، ۵۳
فارسی، ۸۷	عمزاده، ۵۶	عجایب عالم، ۵۴
فاسق، ۶۶، ۶۷	عمق، ۲۵	عجم، ۲۰، ۴۴
فاسق فاجر، ۵۹	عموم، ۷۷	عدّه، ۳۲
فتح کردن، ۳۷، ۴۶، ۵۹	عَنّین، ۱۰۸	عدد، ۳۹
فته، ۸۴، ۱۰۴	عورات، ۲۱	عدل، ۱۰۶
فته‌ها، ۹۲	عورت، ۲۶	عدوان، ۲۲
فجور، ۲۶	عوض، ۴۷	عذرا، ۵۵
فراسخ، ۵۴		

قسیسان، ۶۲	فی الجمله، ۴۶	فراعنه، ۲۸
قصاص، ۹۰	فیما بعد، ۱۲۲	فراوان، ۵۲، ۴۷
قصد، ۹۱، ۱۱۰		فرزند، ۳۲، ۳۳، ۴۰
قصد کس کردن، ۹۱، ۹۴	«ق»	فرزند آمدن، ۳۵
قصص، ۴۰	قابل اثر، ۴۰	فرزندان، ۱۷، ۳۳
قطب شمالی، ۴۹	قایم مقام، ۳۵، ۱۰۲	فرستادن، ۳۲
قطر، ۵۴	قایم مقام گردانیدن، ۱۰۲	فرسنگ، ۴۶، ۵۳
قلاع، ۴۲	قبرقه، ۴۲، ۵۰، ۵۱	فرسنگها، ۵۳
قلعه، ۱۰۶	قَبَل، ۹۸	فرشته، ۶۷
قلعی، ۴۷	قبله، ۵۲	فرضه، ۵۰
قلم، ۱۸	قبول آمدن، ۲۲	فرضه‌ها، ۱۲۱
قول، ۲۲	قبول جزیت، ۹۰	فرمان، ۲۵، ۴۵، ۸۵
قوی حال تر، ۳۵	قبول کردن، ۱۰۷	فرمودن، ۲۹، ۶۲، ۷۸
قوی هیکل، ۴۷	قتل، ۲۲، ۷۷	فرنگی، ۱۱۸
قهر کردن، ۶۴، ۹۴	قتل و تاراج، ۱۰۲	فرو آوردن از تخت، ۹۰
قیاس، ۳۲	قتل و غارت، ۶۰	فرو نشستن آتش، ۱۱۳
قیاس کردن، ۵۴	قتل و غارت کردن، ۱۱۴	فریشته، ۶۴
قیاصره، ۲، ۵۵، ۱۰۸	قحط پیدا شدن، ۱۱۸	فریفتن، ۲۱
قیامت، ۲۶	قحط و غلا، ۸۱، ۸۴، ۹۹	فریقین، ۲۳
قیصر، ۲۰، ۴۵، ۵۵	قحط و غلا افتادن، ۸۱	فساد، ۲۲
قیصر شدن، ۵۸، ۸۹	قدرت، ۲۱	فسق و فجور، ۲۶
قیصر وقت، ۷۲	قدس، ۷۷	فطرت، ۱، ۲۱
قیصری، ۶۴، ۷۴، ۹۰	قدیم الایام، ۴۸	فعل بد، ۹۴
قیصری کردن، ۵۹، ۸۸، ۹۹	قرب، ۴۵، ۵۰، ۱۱۸	فقرا، ۷۰
	قربان، ۲۲	فَلاح، ۲۲
«ک»	قربان کردن، ۳۲	فلزات، ۴۸
کار کس ساختن، ۱۱۹	قُرَى، ۴۲	فلک، ۴۹
کاروان شتر، ۴۲	قریب، ۴۲، ۵۳، ۱۲۲	فنا، ۲۲، ۵۶
کارهای نیکو، ۷۱	قرین، ۵۳	فنون، ۵۱
کاریزها، ۱۱۳	قریه، ۳۱	فهرست، ۱۷، ۳۹
کاسه سر، ۱۰۹	قسم، ۱۷، ۳۹	فهم، ۱۰۹
کافران، ۷۰	قسمت کردن، ۲۷، ۵۴	فهم کردن، ۵۴، ۱۰۹
کافر شدن، ۴۰	قسيس، ۶۰، ۷۸	فهم کردن معنی، ۱۰۹

«گ»	کلام، ۴۰	کافی، ۵۸
گاو، ۷۴، ۱۱۰	کلام خدا، ۳۹	کاویدن، ۸۳، ۱۰۹
گاه، ۵۶، ۷۴	کلان، ۴۷	کبری، ۴۱
گاه نزع، ۱۱۰	کلمات، ۴۰	کبیره، ۱۰۷
گیران، ۷۶، ۹۹، ۱۰۵	کلیسا، ۷۳	کتاب، ۱۱۸، ۵۴
گذاشتن برکس، ۲۶	کلیسایها، ۷۸	کتاب ساختن، ۶۱، ۸۱
گذاشتن از، ۶۲	کلیسیا، ۵۳، ۵۶، ۱۱۰	کتاب مبارک، ۵۴
گذاشتن بر آب، ۷۷	کلیسیا کردن، ۸۴	کتب، ۲۹، ۸۴
گذاشتن سال، ۲۵	کلیسیایها، ۴۶، ۹۸	کتب وحی، ۲۹
گذشته، ۱۷	کلیسیای بزرگ، ۹۶	کثرت لشکر، ۱۱۹
گرامی، ۶۳	کلیسیایی، ۵۳	کثیرالخلق، ۵۰
گرد شدن مرد ترسا، ۹۸	کمابیش، ۴۶	کجا، ۵۴
گردن، ۴۵، ۵۱، ۶۹	کمال، ۲۱	کرامات نمودن، ۶۰
گردون، ۱۱۰	کمال نفس، ۴۵	کردن = خلق نمودن، ساختن،
گرسنگی، ۶۰، ۱۰۶	کمیت، ۲۹	۱۰۹
گرفتن، ۹۱	کنار، ۲۸، ۸۳	کرسی، ۵۹، ۷۳، ۱۱۶
گرفتن ممالک، ۱۱۶	کنار دریا، ۵۲	کرسی پایی، ۶۲، ۷۲، ۱۰۲
گروه، ۲۲	کندر، ۵۶	کرسی خلافت، ۵۹
گریختن، ۳۴، ۴۴، ۹۱	کنکاج کردن، ۴۵	کریم، ۹۲
گریزاندن، ۵۶	کنیزک، ۳۲	کسب، ۲۲
گریستن، ۲۲	کوتاه گردانیدن دست کسان،	کُشتن، ۱۰۲
گرز، ۲۶	۹۵	کُشتن آتش، ۱۱۳
گریدن، ۱۰۷	کوچک، ۴۶	کشتن به حیل، ۶۸
گریدن پادشاه، ۹۲	کودک، ۵۶	کشتن به شکنجه، ۶۲
گریدن کس را، ۱۱۷	کودکان، ۵۶، ۹۱	کُشتن کودکان، ۵۶
گشاده شدن، ۸۶	کون و فساد، ۲۲	کشته شدن، ۵۰، ۶۹، ۹۳
گشودن، ۸۵	کوه، ۳۲، ۵۳	کشته شدن به جنگ، ۶۵
گله چرانیدن، ۷۲	کوه شکافته شدن، ۱۱۸	کشتی، ۲۵، ۱۱۱
گلیم سفید، ۴۸	کوهها، ۲۶، ۴۸	کشتی ساختن، ۲۵
گمراهی، ۷۵	کهنتر، ۳۳، ۳۴	کُشتن کردن، ۹۲
گنج وافر، ۸۳	کهربای زرد، ۴۹	کُفّار، ۴۰، ۷۰
گنج یافتن، ۱۰۹	کینه، ۱۰۵، ۱۲۲	کفارت دادن، ۷۲
گند، ۸۴		کفایت، ۴۵

مثل، ۳۲	مانستن، ۳۳	گندیده، ۸۴
مجادله، ۸۳	مانع شدن، ۲۲	گور، ۷۲
مجادله کردن، ۹۸، ۷۶	مانند، ۱۱۸، ۱۰۹، ۹۸	گوسفندان، ۴۷
مجلّد، ۵۴	ماه، ۷۳، ۶۱، ۵۹	گوشت، ۴۷
مجموع، ۲۳	ماه ایار، ۱۰۸	گوشت حیوانات، ۲۶
مجوس، ۵۶	ماهه، ۴۶	گوشت خوک، ۷۱
مجوس عجم، ۲۰	مباحثه، ۹۸	گوشت شکار، ۳۳
مجهول ساختن، ۳۵	مباح گردانیدن، ۲۶	گوشت فرزندان خوردن، ۱۱۸
محاذی، ۵۲، ۴۷، ۴۲	مبارک، ۵۴	گه، ۶۵
محاصره کردن، ۹۲	مباشرت کردن، ۲۲	
محبوس بودن، ۹۱	مبّرات، ۸۷	«ل»
محبوس گردانیدن، ۹۰	مبّرات کردن، ۹۳	لاجرم، ۴۰
محتاج، ۴۰	متبیرک، ۳۶	لایق، ۱۰۲
محروم ماندن، ۳۳	متّحد شدن، ۲۹	لشکر، ۱۰۲، ۶۷، ۴۷
محض، ۳۹	متحقیر، ۸۰	لشکر جمع شدن، ۱۱۱
محیط، ۴۱	متدین، ۵۱	لشکر فرستادن، ۱۰۵
مخالفان، ۹۴	متزلزل قدم، ۷۵	لشکر کشیدن، ۹۴، ۶۷
مخالفان ملت، ۹۴، ۸۹، ۸۳	متّصل، ۵۱، ۵۰، ۴۸	لشکرها، ۱۱۵، ۴۲
مخالفت، ۱۲۱	متظلمان، ۵۱	لطیف، ۴۸
مخالف معقول، ۴۰	متعاقب، ۴۴، ۳۷	لعنت کردن، ۲۶
مختلف، ۷۶	متعجب ماندن، ۱۱۰	لغت، ۵۴، ۳۷، ۲۷
مداین، ۴۱، ۱۸، ۲	متعلّق، ۴۰	لفظ، ۲۹
مدّت، ۵۴، ۱۷، ۱	متعلّقان، ۳۱	لمس کردن، ۳۳
مدّت عمر، ۲۸	متعلّمان، ۵۰	«م»
مدد، ۵۰	متّفق الكلمه، ۱۰۷	مابین، ۵۳، ۴۸
مدد آوردن، ۹۱	متقبّل خراج شدن، ۱۱۸	مادر، ۹۴، ۳۴
مدد دادن، ۸۴	متکلمان، ۴۰	ماده، ۲۵
مدد کردن، ۹۹	متمکّن، ۸۱	مار، ۸۴، ۲۱
مددکس کردن، ۹۵	متمکّن بودن، ۱۰۲، ۸۱	مال، ۴۷، ۳۲
مدرسه، ۶۳	متواتر، ۲۶	مال وافر، ۱۱۸، ۴۲
مدرّک، ۴۰	متوجه، ۳۲	مالها، ۷۶
مدّ کردن دریا، ۱۱۵	متولّد، ۴۷	مالیدن، ۳۳
مدید، ۴۴	متولّد شدن، ۳۲	مالیدن روغن، ۵۶

معدن نقره، ۴۲	مسخّر گردانیدن، ۶۷، ۶۸، ۷۰	مدینه، ۴۳
معرفت، ۱۸، ۴۳	مسطور، ۱۹	مذکور، ۳۷
معروف، ۴۳	مسکون، ۴۳	مذکوره، ۴۶
معزول کردن، ۷۵، ۱۰۴	مسلمان، ۱۲۲	مذهب، ۵۶
معزول کردن خود، ۱۲۱	مسلمانان، ۴۲، ۸۵، ۱۱۴	مذهبی، ۴۰
معزول گردانیدن، ۱۱۶	مسلمانان مغرب، ۹۳	مُر، ۵۶
معظم، ۴۱، ۴۵	مسمّی، ۵۷	مراجعت نمودن، ۳۴
معظم، ۴۲، ۵۱	مشارکت، ۶۹، ۷۸	مراد، ۴۰
معقول، ۴۰	مشتقّ، ۲۷	مرتبه، ۴۴
معلوم شدن، ۲۹	مشمّل، ۱، ۱۹، ۵۴	مرتفع گشتن، ۲۹
معمودیه، ۵۶، ۶۷	مشرق، ۴۳	مرجان، ۵۳
معمور، ۴۱، ۵۰، ۵۲	مشروح، ۱۸	مرجان سرخ، ۵۲
معمور شدن، ۱۰۴	مشغول بودن، ۳۶، ۵۱	مَرَحْسِیَا، ۴۵، ۷۴، ۷۹
معموره، ۲۷	مشغول شدن، ۱۱۸	مرد، ۷۲
معموره جهان، ۲۶	مشفق، ۷۷	مردم، ۲۳، ۳۶، ۸۳
معموری، ۴۴	مشهور، ۴۲، ۵۲	مردن، ۲۸، ۵۰، ۱۰۶
معنی، ۲۹، ۱۰۸	مصاف افتادن، ۴۷	مرده، ۷۴
مغاریه، ۴۶	مصاف دادن، ۴۲، ۸۳، ۱۱۱	مردی، ۳۳
مغاره، ۳۳	مطابق، ۲۹	مرغ، ۴۷، ۵۴
مغرب، ۴۳	مطاعن، ۴۰	مرغ سار، ۵۳
مفاجا، ۸۵	مطالعه کردن، ۴۰	مرکّب، ۷۹
مفصل، ۵۷	مطاوعت، ۳۶	مرگِ مفاجا، ۸۵
مفوض، ۱۰۸	مطلقا، ۴۰	مرمر، ۱۰۹
مقام، ۲۳	مطیع، ۴۵، ۴۶، ۴۸	مزد، ۵۱
مقام داشتن، ۴۴	مطیع شدن، ۱۲۲	مس، ۴۷، ۴۹، ۱۰۸
مقام ساختن، ۷۹	مطیع گردانیدن، ۶۵	مساحت، ۵۴
مقتدایان، ۳۹	مطیع و منقاد، ۵۶	مساعدت نمودن، ۵۰
مقتضی، ۸۵	معادن، ۴۷، ۵۳	مسأله، ۷۹
	معادن جواهر، ۴۸	مستجاب، ۳۱
	معادن زر، ۴۹	مست شدن، ۲۶
	معاصر، ۳۷	مستعدان، ۴۵
	معتبر، ۴۲، ۴۸، ۵۳	مستولی شدن، ۲۸، ۹۴
	معتبران، ۴۵	مسخّر، ۲۰

مقدار، ۱، ۲۹، ۵۴	منقاد، ۴۶، ۴۸	ناف، ۷۶
مقدم، ۲۰	منقاد شدن، ۵۶	ناگاه، ۲۱، ۱۱۰
مقدم بودن، ۲۹	منقار، ۵۳	نام، ۲۲، ۳۵، ۱۱
مقهور داشتن، ۱۱۰	منقسم شدن، ۲۷	نامحسوس، ۴۰
مقیاس، ۵۴	مو، ۳۳، ۶۴	نامحصور، ۵۲
مقیاس... ساختن، ۵۴	موازی، ۴۶، ۵۰	نامدار، ۲۰
مقیم، ۲۰، ۵۰	مواضعه، ۸۹	نام کردن، ۲۳، ۲۶، ۲۷
مقیم شدن، ۳۱، ۸۲	مواظب، ۲۳	نام نهادن، ۲۲، ۳۲، ۶۳
ملت، ۸۳، ۹۸، ۱۰۵	موافق، ۲۹	نام... نهادن، ۴۴
ملت عیسوی، ۸۱	مؤانست، ۲۱	نان پختن، ۱۱۸
مُلزم کردن، ۷۴	مؤثر، ۴۰	نایب، ۵۹
مُلک، ۱۷، ۴۸	موجود، ۴۰	نیاتی، ۴۷
مُلک، ۴۵	مورخ، ۴۰	نیشتن، ۴۹
مُلک باز گذاشتن، ۹۷	موسوم، ۴۵	نجات، ۶۷
مُلکِ زمین، ۲۷	موش، ۴۷	نِجَار، ۳۷
ملوک، ۲۰	موشان، ۱۱۱	نجس، ۲۵
ملول گشتن، ۹۶	موضع، ۴۱، ۴۶، ۱۱۸	نجوم، ۸۵
ممالک، ۱۲۲	مولد، ۲۹	ندا شنیدن، ۸۴
ممالک عالم، ۱۱۶	موی، ۳۳، ۶۴	نداکردن، ۵۱
ممتد، ۴۱، ۴۳، ۴۹	موی و ریش تراشیدن، ۶۲	نر و ماده، ۲۵
ممکن، ۴۰	مهارت داشتن، ۸۵	نزدیک، ۴۶، ۸۳
ممکن العقل، ۴۰	مهتر، ۲۰، ۳۴	نزدیک شدن، ۴۶
مملکت، ۴۱، ۴۳، ۷۳	مهترِ حواریان، ۵۹	نزاع، ۱۱۰
مملکت به کس گذاشتن، ۷۳	مهربان، ۷۷	نزه، ۴۴
منادی، ۵۱	میان، ۴۳، ۷۶	نسب، ۲۲
مناظره کردن، ۷۴، ۸۹	میانه، ۱۱۵	نسبت، ۵۷، ۱۰۷
منتقل گشتن، ۱۱۸	میراث، ۴۵	نسخه، ۲۹
منتها، ۴۱	میسر شدن، ۱۱۱	نسل، ۳۲، ۳۳، ۳۶
منجمان، ۵۶	میل، ۵۰، ۵۳	نشان دادن، ۲۲، ۵۶
منزلت، ۴۱	میل به زن داشتن، ۱۱۹	نشان دادن بر تخت، ۶۰، ۶۶
منزه، ۴۰	میوه، ۲۱	۱۰۷
منسوب، ۴۵	(ن)	نشان دادن به پادشاهی، ۴۵، ۵۱
منع کردن، ۶۳	ناخلف، ۴۴	نشان دادن به قیصری، ۱۱۷

نشاندن درخت، ۲۶	نیز، ۲۱، ۶۳	وکیل، ۵۶
نشستن به پای، ۷۲	نیز هم، ۳۴	ولادت، ۱۷، ۳۷، ۵۸
نصاری، ۲۰، ۵۶، ۱۱۵	نیزه... زدن، ۱۱۱	ولایات، ۱، ۱۷
نصب کردن، ۴۵، ۵۱	نیشکرستان، ۵۳	ولایات مذکوره، ۴۶
نصف النهار، ۱۰۸	نیکخواه خلق، ۱۰۸	ولایت، ۱۸، ۴۵، ۸۱
نظر، ۴۰	نیکو، ۴۲، ۵۱، ۱۰۵	ولی‌العهد، ۳۵
نفرین، ۷۶	نیکوسیرت، ۵۱، ۷۴، ۸۸	وی، ۲۴، ۳۱
نفرین کردن، ۷۷، ۱۱۶، ۱۱۷	۱۰۴	
نفس، ۳۲، ۴۰	نیکوییها، ۹۳	(هـ)
نقعه کردن، ۷۰	نیکوییها کردن، ۶۲، ۹۷	هامون، ۵۰
نقره، ۴۲، ۴۷، ۵۳		هدایا، ۳۲، ۵۰
نقش خاج، ۸۳	(و)	هرگاه، ۴۵
نقش کردن، ۵۴، ۵۵	واجب، ۴۰	هزار دینار، ۴۲
نقطه، ۴۸، ۴۹	واجب‌الوجود، ۴۰	هزیمت کردن، ۸۴
نقطه مغرب، ۴۷	واسطه، ۳۲، ۴۰، ۶۲	هفتاد، ۲۲
نقل کردن، ۴۰	وافر، ۳۷، ۸۳، ۱۰۳	هفته، ۴۷
نگاه داشتن، ۴۷	واقع شدن، ۱۲۲	هلاک شدن، ۵۹، ۶۵، ۶۸
نگاه داشتن طرف قبیله، ۵۲	والسلام، ۶۵	هلاک کردن، ۶۳، ۸۲
نماز کردن، ۳۶، ۵۶	وبا افتادن، ۹۸	هلاک گشتن، ۸۰
نماز گزاردن، ۱۰۷	ویای فاحش، ۹۶	هم، ۵۵
نماندن = مردن، ۳۲، ۹۵	وجود، ۷۵	همچنان، ۱۱۱
۱۱۵	وجود محض، ۳۹	همدیگر، ۲۹، ۶۴، ۷۶
نواختن، ۳۶	وحی آمدن، ۳۱، ۵۶	همواره، ۴۹
نوبت، ۹۱	وزیر، ۲۹	هنر، ۵۰
نورانی، ۳۲	وسط، ۲۶، ۲۷	هنر شمردن، ۵۰
نوشتن تاریخ، ۵۷	وسیع، ۴۳	هوا، ۵۳
نهادن پای، ۶۹	وصیت کردن، ۷۲، ۱۱۰	هوا و هوس، ۳۶
نهادن برگردون، ۱۱۰	وطی کردن، ۳۲، ۳۵	هیأت، ۵۴
نهادن تاج بر سر، ۱۲۱	وعده دادن، ۷۷	هیچ، ۲۹، ۷۲، ۱۱۸
نهایت، ۴۴، ۴۸، ۵۳	وفات یافتن، ۲۴، ۳۷، ۸۱	هیکل، ۳۱، ۵۵
نهایت معموری، ۴۴	وقار، ۴۵	
نهب، ۱۰۳	وقت، ۴۶، ۷۲، ۸۲	(ی)
نهی کردن، ۲۱، ۴۶	وقیعت، ۴۰	یاد کردن، ۱، ۴۰
		یاغی شدن، ۶۰

یافتن گنج، ۸۳	یکشنبه، ۶۴، ۷۳	یکی کردن زبان، ۹۱
یقین، ۴۰	یک ماهه، ۵۲	یهود، ۳۴
یکدیگر، ۴۶، ۵۱، ۷۸	یک ماهه راه، ۴۷	یهودیان، ۲۹
یک روزه، ۴۲	یکی، ۴۵	

نامهای کسان و شهرها و...

ارفحشد، ۲۶	ابیود، ۳۶	(آ)
ارفونس قیصر، ۹۹	اتیخیانوس، ۴، ۷۰	آثور، ۲۷
ارقادئیس قیصر، ۷۶، ۷۷	آتینه، ۶۳	آخاز، ۳۶
آرقوس، ۵۹	أجینوس (۲) پاپ، ۱۰، ۹۶	آدم، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۹، ۳۳
ارمانیه، ۲۷	أجینوس (۳) پاپ، ۱۴، ۱۱۴	۴۴، ۵۶
ارمن، ۱۸، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۶۴	احیر، ۳۷	آدم صفی الله، ۱۷
آزمیث، ۶۴	اخلاط، ۴۱	آذار (ماه...)، ۶۴
ارمینیه، ۴۱	اخنوخ، ۲۲، ۲۳	آذریایگان، ۸۶
ارمینیه صغری، ۴۱، ۴۲	اخنوخ [= ادریس النبی =	آسا، ۳۶
ارمینیه کبری، ۴۱	هرمس]، ۲۳	آمون، ۳۶
ارنوفس، ۹۹	أذالْبَرْطُوس قیصر، ۱۲۲	آنکونا ← مرکدنکونا، ۵۲
ارنولفس قیصر، ۱۰۱	أذریانوس قیصر، ۶۳	آنوش، ۲۳
ارومیه، ۶۸	ادریانوس (۱) پاپ، ۹۴	(ا)
ارهگون، ۴۹	ادریانوس (۲) پاپ، ۹۸	آب، ۶۵، ۷۴
ازارقدره، ۴۶	أذریانوس (۵) پاپ، ۱۲۰	اب = خدا، ۳۹
اسپانیه، ۷۲، ۱۱۹	أذریانته، ۶۳	ابراهیم، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۲۹
استنبول، ۷۶، ۸۳، ۸۸، ۹۲	ادریس [اخنوخ، هرمس]، ۲۳	۳۱، ۳۲
۹۴، ۹۸	ادنه، ۴۱	ابلیس، ۷۷، ۱۰۷
اسحق، ۳۲، ۳۳	أربانوس (۴) پاپ، ۱۱۹	ابن، ۶۵، ۷۴
إسْطَبْنُوس پاپ، ۹۸	ارزنجان، ۴۱	ابن = عیسی، ۳۹
إسْطَبْنُوس (۹) پاپ، ۱۱۰	آرس، ۵۳	ابولیه، ۱۰۹
إسْطَبْنُوس (۷) پاپ، ۱۰۳	ارسطو، ۶۳	ابیسا، ۴۶
إسْطَبْنُوس (۸) پاپ، ۱۰۳	ارغو، ۲۷، ۲۸	

انطاکیه، ۴۱، ۵۹، ۸۰، ۸۳، ۸۵	اَفزُوس، ۷۸	إِسْطَبِيئُوس (۵) پاپ، ۹۹
۱۱۵، ۱۱۱، ۹۹، ۹۰	اَفِيائُوس، ۷۰	إِسْطَفَنُوس پاپ، ۷۰
انطُروس، ۶۸	اقلیما، ۲۲	إِسْطَفَنُوس (۲) پاپ، ۹۳
انطونيانوس، ۶۳	اُكْتَفِيائُوس، ۵۸	إِسْطَفَنُوس (۳) پاپ، ۹۵
انطُونيانوس قيصر، ۶۶	اکروم، ۳۳	إِسْطَفَنُوس (۶) پاپ، ۱۰۰
انطُونيانوس (۳) قيصر، ۶۷	اَکيليا، ۵۱	اسفسيانوس، ۶۰، ۶۱
انکليطوس، ۶۱	اَگطوس پاپ، ۸۹	اسکندر، ۲۰، ۳۶
انگله‌تر، ۴۷، ۴۸، ۶۵، ۷۹	اِگيُوس پاپ، ۶۳، ۶۴	اسکندريه، ۳۷، ۸۵، ۹۸
۱۱۹، ۱۱۴، ۸۵	الامانيه، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۳	اسلام، ۸۵، ۸۶، ۱۱۹
اَنُورِيوس قيصر، ۷۷	۶۵، ۶۸، ۸۲، ۹۲، ۱۰۴	اسمعیل، ۳۲، ۳۳
اَنُورِيوس (۱) پاپ، ۸۷	۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۰	اسير، ۳۴، ۳۶
اَنُورِيوس (۲) پاپ، ۱۱۳	البان، ۷۷	اشبانيا، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۷۶
اَنُورِيوس (۳) پاپ، ۱۱۶	السُمر، ۲۶	۱۲۰
اَنُورِيوس (۴) پاپ، ۱۲۱	السُودان، ۲۶	اشبانيه، ۱۰۲
اِنُوسْتِيوس (۳) پاپ، ۱۱۶	اَلوْتَرِيوس پاپ، ۶۵	اشبيليا، ۴۶
اِنُوسْتِيوس (۴) پاپ، ۱۱۹	اَليْسِنْدَر (۲) پاپ، ۱۱۱	اشدای، ۳۵
اِنُوسْتِيوس (۵) پاپ، ۱۲۰	اَليْسِنْدَر (۳) پاپ، ۱۱۴	اصحاب الکهف، ۷۷
اِنُوسِينسيوس (۲) پاپ، ۱۱۳	اليسندر (۴) پاپ، ۱۱۹	اَطْرِيائُوس (۳) پاپ، ۹۹
انوشيروان عادل، ۸۴	اليسندريوس قيصر، ۶۷	اَطْرِيائُوس (۴) پاپ، ۱۱۴
اَنِيسْتُوس پاپ، ۶۴	اماوس، ۷۶	اَطْلُفُس قيصر، ۱۲۱
انيسه‌توس، ۶۴، ۶۵	اناسطاس قيصر، ۸۰	اِغايطوس (۱) پاپ، ۸۲
اوبا، ۳۶	اَنُپُور، ۴۵	اِغايطوس (۲) پاپ، ۱۰۴
اوجنيوس (۳) پاپ، ۱۱۴	اندلس، ۲۷، ۴۳	اِغسْطُوس، ۲۰، ۳۷، ۴۴، ۵۵
اُوجينوس پاپ، ۸۸	اَنْرِيكُوس (۲) قيصر، ۱۰۸	۵۶، ۵۸
اوخنيا، ۳۶	اَنْرِيكُوس (۳) قيصر، ۱۰۹	اِغْسْطُوس قيصر ۵۸
اوربانوس، ۶۸	اَنْرِيكُوس (۴) قيصر، ۱۱۱	اِفرسطوس پاپ، ۶۲
اُوربانوس (۱) پاپ، ۶۷	اَنْرِيكُوس (۵) قيصر، ۱۱۲	اِفرنج، ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱
اوربانوس (۲) پاپ، ۱۱۲	اَنْرِيكُوس (۶) قيصر، ۱۱۶	۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۷، ۳۹، ۴۳
اوربائوس (۳) پاپ، ۱۱۵	اَنَسْطاسيوس (۱) پاپ، ۷۷	۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۸۱
اوربانوس (۴) پاپ، ۱۱۹	اَنَسْطاسيوس (۲) پاپ، ۸۰	اِفرنجه، ۲۷، ۴۵، ۷۳
اورسليم، ۳۵	اَنَسْطاسيُوس (۲) قيصر، ۹۲	اِفرنس، ۹۲، ۱۱۳
اورسين، ۱۲۱	اَنَسْطاسيُوس (۳) پاپ، ۱۰۱	اِفرنسه، ۴۳، ۱۰۷
اورشليم، ۶۳، ۱۰۷	اَنَسْطاسيُوس (۴) پاپ، ۱۱۴	اِفريقيه، ۲۷، ۶۵

بَنْطِکَطُوس (۲) پاپ، ۸۹	ایوب بن موص بن راریح، ۳۳	اورلینوس قیصر، ۷۱
بَنْطِکَطُوس (۳) (لئو (۳)	«ب»	اورلیوس قیصر، ۶۴، ۶۵
پاپ، ۹۷	بابل، ۲۷، ۲۸، ۶۲	اُرمیزده پاپ، ۸۱
بَنْطِکَطُوس (۴) پاپ، ۱۰۹	بالوس، ۲۸	اُوزینیوس پاپ، ۷۳
بَنْطِکَطُوس (۴) پاپ، ۱۰۰	باؤلوس پاپ، ۹۷	اوسیا، ۳۶
بَنْطِکَطُوس (۵) پاپ، ۱۰۵	بحرِ روم، ۴۳	اُوطو، ۱۰۴
بَنْطِکَطُوس (۶) پاپ، ۱۰۵	بُخْتَنْصِر، ۲۰	اُوطو (۱) قیصر، ۱۰۵
بَنْطِکَطُوس (۷) پاپ، ۱۰۶	بنانیہ، ۱۱۳، ۱۱۴	اُوطو سوم قیصر، ۱۰۷
بَنْطِکَطُوس (۸) پاپ، ۱۰۸	بربر، ۲۷	اُوطو (۴) قیصر، ۱۱۶
بَنْطِکَطُوس (۹) پاپ، ۱۲۲	برِ تانیہ، ۷۲، ۷۹	اُوطو ثانی قیصر، ۱۰۶
بَنْطِکَطُوس (۱۰) پاپ، ۱۱۱	بِرْغامُون، ۶۳	اُوگو قیصر، ۱۰۲
بَنْطُوس، ۶۱	بُرْگندیہ، ۱۲۰	اولازینوس قیصر، ۶۹
بنوالاصفر، ۳۳	بِرْنگاریوس، ۱۰۱	اونان، ۳۵
بنہ وتو، ۱۱۵	بِرْنگاریوس (۱) قیصر، ۱۰۴	اھواجاز، ۳۶
بنی اسرائیل، ۱۹، ۲۹، ۳۳،	بِرْنگاریوس (۲) قیصر و	ایار (ماہ...)، ۲۶، ۴۴، ۱۰۹
۴۷، ۳۵	پسرش، ۱۰۴	ایاس، ۴۱، ۴۲
بنیامین، ۳۴	بِرْنگریوس، ۱۰۲	ایبارنیہ، ۶۰
بِنِفَاسِیوس پاپ، ۷۸	بروجیہ، ۱۲۱	ایتریا، ۴۷
بِنِفَاسِیوس (۲) پاپ، ۸۲	بروسیہ، ۴۸	ایتلیہ، ۱۰۱، ۱۰۳
بِنِفَاسِیوس (۳) پاپ، ۸۶	بِرْوونسا، ۵۰	ایران، ۳۶، ۴۶، ۱۲۲
بِنِفَاسِیوس ثانی (۴) پاپ،	بِسْکالِس (۱) پاپ، ۹۶	ایزوئس، ۵۹
۸۶	بسیطہ، ۲۹	ایرینہ، ۹۴
بِنِفَاسِیوس (۵) پاپ، ۸۶	بظلمیوس، ۲۹	ایساخار، ۳۴
بِنِفَاسِیوس (۶) پاپ، ۱۰۰	بلاد السمر، ۲۶	ایلاریوس پاپ، ۷۹
بِنِفَاسِیوس (۷) پاپ، ۱۰۶	بلاد السودان، ۲۶	ایلغاز، ۳۷
بِنِفَاسِیوس (۸) پاپ، ۱۲۲	بلاد الشقر، ۲۶	ایلیاقیم، ۳۶
بویین، ۹۳	بلغار، ۲۸، ۵۲	ایلیود، ۳۷
بورگندیہ، ۱۱۱	بلنسیا، ۴۶	ایلیوس، ۶۵
بُوعَز، ۳۵	بلوچ، ۴۲	اینوینسیوس پاپ، ۷۷
بُولُونِیا، ۴۸	بلہا، ۳۴	ایوائس، ۵۳
بولونیہ، ۱۱۸	بُنانیہ، ۱۱۲	ایوائس پاپ (یوحنس ۲۱)،
بُونَسِیوس، ۵۸، ۵۹	بَنْطِکَطُوس (۱) پاپ، ۸۴	۱۲۰
بونظویانوس پاپ، ۶۷، ۶۸		ایوب، ۳۳

بوهیمند، ۱۱۲	تُوذرتینه، ۸۸	حزقیاء، ۳۶
بُوهمیا، ۴۸	تورنگیه قیصر، ۱۱۷	حزیاھو، ۳۶
بوهیمیہ، ۱۰۲، ۱۲۱	توریت، ۲۹، ۳۵، ۴۰، ۴۴	حَصرون، ۳۵
بھرام چوبین، ۸۴	توسقلان، ۱۰۸، ۱۰۹	حلب، ۴۲، ۱۱۴
بیت اللحم، ۳۵، ۵۵، ۵۶	توسکان، ۱۱۱	حَوّاء، ۲۱، ۲۲
بیت المقدّس، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۷۴	توسکانا، ۵۲، ۶۰، ۷۰، ۷۹، ۸۵، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳	«خ»
۸۵، ۸۷، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲	۱۱۴، ۱۱۵	خارجہ، ۲۷
۱۱۴، ۱۱۵	تونس، ۵۳، ۱۱۹	خسروپرویز، ۸۴
بیزا، ۵۲، ۱۱۴	تِیوطُروس (۲) پاپ، ۱۰۰	خلیل الله، ۳۳
بین النهرین، ۷۱	تِیوطوروس (۱) پاپ، ۸۸	خُوسجور، ۴۲
	تثوطوسیوس، ۹۲	«د»
«پ»		دارا بن داراب، ۳۶
پاولوس (۱) پاپ، ۹۳	«ج»	دان، ۳۴
پُرونج، ۱۱۹	جاد، ۳۴	دانیال، ۳۶
پَریس، ۵۰	جروسالم، ۱۰۷	داود، ۳۴، ۳۵
پسرِ خدا، ۱۱۸	جُلّیوس پاپ، ۷۴، ۷۵	دجلہ، ۷۴
پلاگیوس (۲) پاپ، ۸۴	جَنُوہ، ۵۰، ۵۲، ۱۰۳، ۱۲۰	در یای روم، ۴۲
پیوس (۱) پاپ، ۶۴	جُوجی، ۵۲	دریای محیط، ۴۸
	جودی، ۲۸	دریوش الماہی = داریوش
«ت»	جُولیوس، ۳۷، ۴۴	مادی، ۲۰
تنوطوسیوس (۳) قیصر، ۹۲	جهود، ۱۱۷	دلما تیه، ۷۱
تاؤدوسیوس (۲) قیصر، ۷۷	جهودان، ۶۰	دلما سیہ، ۸۷
تامار، ۳۵	جیحون، ۲۱	دُلوزہ، ۵۰
تبریز، ۵۰، ۱۲۲	«چ»	دمشق، ۲۱، ۲۷، ۲۸
تیور، ۷۹	چنگیزخان، ۲۰، ۵۲	دمیاط، ۱۱۶، ۱۱۸
تَرخ، ۲۸	چول بہادر، ۵۲	دُنوس [دومنوس] (۱) پاپ، ۸۹
تَرخ بن ناخور، ۳۱	«ح»	دواسیا، ۵۳
تَرسین، ۱۱۹	حام، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸	دولو، ۴۲
تَرفس، ۱۲۲	حبشہ، ۲۷	دومیطانوس قیصر، ۶۱، ۶۲
ترک، ۲۰، ۲۸، ۴۳، ۶۴، ۹۱	حجاز، ۲۷	دِیوطاطُوس پاپ، ۸۸
ترکان، ۹۱	حران، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۴	دِیوقلیطائُس قیصر، ۷۲
ترکستان، ۵۶		
تکفور، ۴۲		

عمر، ۸۷	صعیدین، ۶۱	سَلْفَسْتُورُوس (۲) پاپ، ۱۰۷
عمران، ۳۷	صَقَالِبِه، ۶۵، ۶۴، ۴۳، ۲۸	سلماس، ۴۱
عمیناداب، ۳۵	۱۲۲، ۱۲۱	سلیمان، ۳۵
عوریا، ۳۶	صقلاب، ۴۸	سلیمان، ۳۶، ۳۵
عیر، ۳۵	صَقِیلِیَه، ۴۶، ۵۳، ۸۹، ۹۸	سلیمان بن داود، ۳۵
عیسی، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۳۹، ۴۰	۱۱۵	سمپلیجیوس پاپ، ۷۹
۵۶، ۵۸، ۷۹	طائوڈوٹوس قیصر، ۷۶	سیمیکس پاپ، ۸۱
عیص، ۳۳	طائوسططات پاپ، ۸۶	سند، ۲۷
عیص بن اسحق، ۳۳	طباریوس قیصر، ۵۸، ۵۹	سوتر پاپ، ۶۵
«غ»	طباریوس (۱) قیصر، ۸۳	سوتیا، ۴۹
غالوس قیصر، ۶۹	طباریوس (۲) قیصر، ۹۱	سوریا، ۳۵
غایوس، ۵۹، ۷۱	طرابلس، ۱۱۵، ۱۲۱	سوریانوس، ۶۵، ۶۵
غایوس پاپ، ۷۱	طرشوس، ۴۱، ۷۱	سویجیه، ۵۱
غالیوس قیصر، ۵۹	طریانوس قیصر، ۶۲	سیرئونوس پاپ، ۹۱
غوطیه، ۷۰	ططقیئوس قیصر، ۷۱	سیس، ۴۱، ۴۲
«ف»	طلسفروس پاپ، ۶۳، ۶۴	سیستوس پاپ، ۶۳
فارس، ۲۷، ۵۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹	طلیطله، ۴۶، ۴۷، ۱۱۸	سیکستوس (۳) پاپ، ۷۸
۷۱	طمسوس (۱) پاپ، ۷۶	«ش»
فالغ، ۲۷، ۲۸	طمسوس (۲) پاپ، ۱۱۰	شانول، ۲۰
فالکس (۱) پاپ، ۷۰	طمینوس پاپ، ۱۰۶	شاطبه، ۴۶
فالکس (۲) پاپ، ۷۵	طنجه، ۴۳	شالتی ایل، ۳۶
فالکس (۳) پاپ، ۸۰	طینریوس، ۵۵	شالغ، ۲۶، ۲۷
فالکس (۴) پاپ، ۸۱	طیطوس قیصر، ۶۱	شام، ۲۵، ۲۷، ۳۵، ۴۱، ۴۲
فبیانوس پاپ، ۶۸	طیطوس قیصر، ۶۳	۴۳، ۵۰، ۸۷، ۹۲، ۱۲۱
فرات، ۲۱، ۸۳	«ع»	۱۲۲
فراض، ۳۵	عابر، ۲۷	شمعون، ۳۴
فوس، ۶۹، ۷۵، ۸۳، ۸۵، ۸۶	عبولیه، ۱۱۶	شیت، ۲۲، ۲۳
۸۸	عجم، ۲۰	شیلا، ۳۵
فرعون، ۳۲، ۴۰	عراق، ۲۷	«ص»
فرعون بن سائیس، ۲۸	عرب، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۳۲	صادوق، ۳۶، ۳۷
فرموسوس پاپ، ۱۰۰	عزیا، ۳۶	صدقیبا، ۳۶
فرنس، ۱۱۸، ۱۲۱	عگه، ۴۶، ۱۲۱	صعیدالاعلی، ۲۳

کامبانیه، ٨١	قیروس، ٤٢	فرنگ، ٣٣، ٣٥، ٤٢، ٤٥، ٤٦
کنانیه، ١١٥	قیچاق، ١١٨	٨١
کِرِشْطُوس، ٣٧، ٨٤، ٩٥، ١١١	قدس، ٣٦، ٣٧، ٦٣، ٧٧، ٨٦	فرنگان، ١، ١٩، ٤٤، ٥٤، ٧٥
کِرِشْطُوفُورُوس پاپ، ١٥١	٩٥، ١٢٥	٨٣، ١١٦، ١٢١
کُرطیوس (کورنالیوس) پاپ، ٦٩	قرآن مجید، ٤٥	فرنگستان، ٤١، ٨٤، ٨٥، ٩٥
کُرلوس، ١١٣	قرامان، ٤٢	٩٩
کُرلوس قیصر، ٩٥	قُرطبه، ٤٦	فُرُوتُوس قیصر، ٧١
کُرلوس (٢) قیصر، ٩٨	قسطنطین، ٧٤	فرون، ٢١
کُرلوس ثانی (٣) قیصر، ٩٨	قسطنطینوس، ٧٤	فریدریکوس (١) قیصر، ١١٤
کرونالیوس، ٦٩	قسطنطینوس (٣) قیصر، ٨٧	فریدریکوس (٢) قیصر، ١١٧
کریته، ٧٧	قسطنطینوس (٤) قیصر، ٨٨	فَسْکَالِس (٢) پاپ، ١١٢
کریئوس، ٧١	قسطنطینوس (٥) قیصر، ٩٣	فِکْطُور (٢) پاپ، ١١٥
کستلونیه، ٤٩، ٥٥	قسطنطینوس (١) پاپ، ٩١	فِکْطُور (٣) پاپ، ١١٢
کَسْطُوتُوتیه، ٤٦، ٤٩	قسطنطینوس (٢) پاپ، ٩٤	فَلَازِیُوس (٢) پاپ، ١١٢
کلدانیه، ٢٧	قسطنطینوس سابق، ٨٨	فلسطین، ٢٧، ٢٨
کلدانیین، ٢٥، ٣١	قسطنطینه، ٨٩	فلسطینیہ، ٢٧
کلمة الله، ٣٧	قسطنطینیہ، ٧٣، ١١٦	فلسنیہ، ٥٥
کلیئوس پاپ، ٦٥، ٦١	قسطنطوس (٢) قیصر، ٧٤	فَلَنْطِیُوس پاپ، ٩٦
کلیسٹوروس (١) پاپ، ٦٦	قلمنس پاپ (٣)، ١١٥	فَلَنْطِیُوس قیصر، ٧٨
کلیکسٹوس (٢) پاپ، ١١٢	قلمنس (٤) پاپ، ١١٩	فَلُورِیَانُوس قیصر، ٧١
کلیمنس پاپ، ٦١	قُلُودِیُوس قیصر، ٥٩، ٦٥	فندر، ٥٣
کَمبانیه، ٦٤	قُلُودِیُوس قیصر، ٧٥	فنیسیه، ٥١
کنانیه، ١١٥	قَلِیْمَنْس (٢) پاپ، ١١٥	فوقا قیصر، ٨٤
کنبانیه، ٥٢، ٨٢، ٨٦، ٨٧، ٨٨	قَلِیْمَنْس (٤)، ١١٩	فیطلیانوس پاپ، ٨٨
١٠٥، ١١٢، ١١٩، ١٢٢	قوبرس، ٤٢	فیئُورُوس، ٥٩، ٦٥
کُنرادُوس (١) قیصر، ١٥٣	قُوم، ٥٢	فیگیئوس پاپ، ٨٣
کُنراطوس، ١٥٩	قُومُوس قیصر، ٦٥	فیلاگیوس (١) پاپ، ٨٣
کُنراطوس (٢) قیصر، ١٥٨	قیصریه، ٤٢، ٨٨	فیلیبوس قیصر، ٦٨
کُنراطوس (٣) قیصر، ١١٣	قینان، ٢٣، ٢٦	
کنعان، ٣٤		«ق»
کولونیه، ٦٧، ٩٨	«ک»	قابیل، ٢٢
کیریاکوس، ٦٧	کارلو، ٥٢	قاروس قیصر، ٧١
		قباد کسری، ٨٢

لیبون (لثو) (۸) پاپ، ۱۱۰	لادن، ۴۲	«گ»
	لارجزیره، ۴۶	گرجستان، ۴۱
«م»	لامخ، ۲۳، ۲۴	گردیانوس قیصر، ۶۸
ماتان، ۳۷	لانطو پاپ، ۱۰۲	گریگوریوس (۱) پاپ، ۸۴
ماجر، ۱۰۲	لاوان، ۳۴	گریگوریوس (۲) پاپ، ۹۲
مَسَاجِرِستان، ۵۲، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۷	لاوی، ۳۴	گریگوریوس (۳) پاپ، ۹۳
مادر لثو، ۹۵	لبنان، ۲۷	گریگوریوس (۴) پاپ، ۹۶
مارکه دی ترفیس، ۵۱	لیودا، ۲۲	گریگوریوس (۵) پاپ، ۱۰۷
ماه ایار، ۴۴	لُطسیوس (۱) پاپ، ۶۹	گریگوریوس (۶) پاپ، ۱۱۰
متوشلح، ۲۳	لُطویکوس، ۱۱۸	گریگوریوس (۷) پاپ، ۱۱۱
متی، ۸۰	لمک، ۲۴	گریگوریوس (۸) پاپ، ۱۱۵
مجوس، ۲۰، ۵۶	لُنبردیته، ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۸۲، ۹۳	گریگوریوس (۹) پاپ، ۱۱۷
محمد رسول الله، ۸۵	۱۲۰، ۱۰۴، ۹۵	گریگوریوس (۱۰) پاپ، ۱۲۰
محمد مصطفی ص، ۲۰	لوتریوس، ۹۶	گلاسئوس (۱) پاپ، ۸۰
مَرَحَسِیا، ۴۵، ۷۴، ۷۹، ۱۱۹	لوتریوس (۲) قیصر، ۱۰۴	گَلَبَه، ۶۰
مردسلوس، ۷۳	لُوجیره، ۴۶، ۵۳، ۱۲۲	گیلمس قیصر، ۱۱۷
مَرَدَسَلُوس، ۷۲	لودویکوس، ۱۱۷	گیلیانوس، ۶۹
مَرَدَسَلِیْتُوس پاپ، ۷۲	لُورینیه، ۱۱۰	گوتلانیدیته، ۴۹، ۵۱
مُرسیه، ۵۰	لُوسئوس (۲) پاپ، ۱۱۴	
مُرشیه، ۴۶	لُوسئوس (۳) پاپ، ۱۱۵	«ل»
مرطینوس، ۶۶، ۶۷	لوط، ۳۳	لثو (۱)، ۷۹
مَرَطِیْنُوس (۱) پاپ، ۸۸	لُوطرئوس (۱) قیصر، ۹۶	لثو (۲) پاپ، ۸۹
مَرَطِیْنُوس (۴) پاپ، ۱۲۱	لُوطریوس، ۹۷	لثو (۳) پاپ، ۹۰، ۹۷
مَرَطِیْنُوس قیصر، ۶۶	لُوطریوس (۳) قیصر، ۱۱۳	لثو (۲) قیصر، ۹۰
مَرَطِیْنُوس (۲) [مرینوس (۱)]	لُوطوفیکُوس (۳) قیصر، ۱۰۱	لثو (۳) قیصر و پسر، ۹۲
پاپ، ۹۹	لُوطویکُوس (۱) قیصر، ۹۶	لثو (۴) قیصر، ۹۴
مَرَطِیْنُوس (۳) [مرینوس	لُوطویکُوس، ۹۶	لثو قیصر و مادرش ایرینه، ۹۴
(۲)] پاپ، ۱۰۳	لُوطویکُوس (۲) قیصر، ۹۷	
مَرَقُوس [قیصر] و اورلیوس، ۶۴	لولوه، ۴۲	لثو قیصر، ۹۵
	لوی، ۳۵	لثو (۴) پاپ، ۹۵
مَرَقُوس پاپ، ۷۴	لیبریئوس پاپ، ۷۵	لثو (۵) پاپ، ۱۰۲
مَرَقِیانوس قیصر، ۷۸	لینئوس پاپ، ۶۰	لثو (۶) پاپ، ۱۰۳
	لیبون (لثو) (۷) پاپ، ۱۰۵	لثونطئوس قیصر، ۷۹

٢١، نيل،	مُونِيُو دُ سَن پِير، ٥٢	مَرَكْدَنُكُونَا، ٥٢
٢٨، نينوس،	مهلايل، ٢٣	مريم، ١٨، ٣١، ٣٤، ٣٦، ٣٧.
	ميرون، ٥٦	٥٥، ٥٦، ١١٨
«و»	ميسييس، ٤١	مَرِينُوس (٢) مرطينوس (٣)
وَأَلْرِيَانُوس قيصر، ٦٩	ميلان، ١١١، ١١٥، ١١٧	پاپ، ١٠٣
وَالنَّطْبِيَانُوس قيصر، ٧٥	مَيُورِكِه، ٤٦، ٥٠	مسيح، ١٧، ١٨، ٣١، ٣٢، ٣٤.
وَاليس قيصر، ٧٥، ٧٦		٣٦، ٣٧، ٣٩، ٤٤، ٤٥، ٥٥.
وان، ٤١	«ن»	٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٧، ٨٥.
وسطان، ٤١	ناخور، ٢٨	٩٥، ١١٨
وِكَطُور (١) پاپ، ٦٥، ٦٦	نارفه قيصر، ٦٢	مصر، ٢٣، ٢٧، ٢٨، ٣١، ٣٢.
وَكْرِيُوس، ٧٢	نارون قيصر، ٥٩، ٦٠	٣٥، ٤٢، ٥٠، ٥٦، ٥٩، ٨٥.
وَلَرِيُوس (وَكْرِيُوس) قيصر،	نارون (نارفه) قيصر، ٦٢	٩٦، ١١٨
٧٢	نخسون، ٣٥	مصيا، ٣٦
	نسطور، ٧٩	مغرب، ٤٦، ٦٥، ٧٣، ٨٠، ٩٢.
«ه»	نسطوريان، ٧٩	١٠٣
هابيل، ٢٢	نصاري، ١٨، ٢٠، ٢٢، ٢٣.	مغول، ٢٠، ٥٢
هاجر، ٣٢	٢٤، ٢٨، ٢٩، ٣٢، ٣٩، ٤٠	مقدونيه، ٢٠، ٣٦
هاران، ٣١	نقتالي، ٣٤	مَكْسَمِيَانطُس، ٧٢
هَرَقْلِيُوس قيصر، ٨٥، ٨٦	نمرود [= ستورنوس]، ٢٨	مَكْسَمِيَانطُس قيصر، ٦٨، ٧٢
هَرَقْلِيَه، ٦٤	٤٠، ٤٤	ملاطيه، ٤١، ٤٢
هرمس [= اخنوخ] = ادريس	نمرودبن كوش، ٢٨	ملسطوس (?) بنطوس قيصر،
النَّبِي، ٢٣	نَمْرِيَانُوس، ٧١	٦١
هرومه، ٤٤، ٨٠، ٨٧، ٨٨، ٩٥.	نوبه، ٢٧، ٨٥	مَلِكِيَادَس پاپ، ٧٣
١٠٠	نوح، ١٧، ٢٢، ٢٤، ٢٥، ٢٦.	مَلِكِيَزْدَق، ٣١، ٣٢، ٣٣
هند، ٢٧	٢٧	مندو، ٥٤
هندوستان، ٦٢	نوح بن لامخ، ٢٥	مَنَسْنَا، ٣٦
هَنْرِيكُوس (١) قيصر، ١٠٣	نورويگه، ٤٩، ٥٣، ٩٩	مَنْفُود، ١١٨
هوت، ٧٧	نُوقَا، ٥٢	منوركه، ٤٦
هولنديه، ١١٧	نيكولانوس (١) پاپ، ٩٨	مُورُوفُوس، ٢٨
	نيكولاوس (٢) پاپ، ١١١	موريقى [موريقوس] قيصر،
«ي»	نيكولاوس (٣) پاپ، ١٢٠	٨٤
يارد، ٢٣	نيكولاوس (٤) پاپ، ١٢١	موسى، ١٩، ٣٤، ٧٧
يافت، ٢٥، ٢٦، ٢٧	نيكيه، ٧٣	موصل، ٢٨
يثر، ٨٥		

یوشطینوس (۱) قیصر، ۸۰	یوحنّس (۹) پاپ، ۱۰۰	یرلاند، ۷۸
یوشطینوس (۲) قیصر، ۸۲	یوحنّس (۱۰) پاپ، ۱۰۲	یروشالاییم، ۳۵
یوشطینوس (۳) قیصر، ۹۰	یوحنّس (۱۱) پاپ، ۱۰۳	یزدجرد شهریار، ۸۶
یوشطینوس (۴) قیصر، ۹۱	یوحنّس (۱۲) پاپ، ۱۰۴	یعقوب، ۳۳، ۳۴، ۳۷
یوسف، ۳۴، ۳۷، ۵۶	یوحنّس (۱۳) پاپ، ۱۰۵	یواخیم، ۱۸
یوشافاط، ۳۶	یوحنّس (۱۴) پاپ، ۱۰۶	یوآش، ۳۶
یوقیم، ۳۷	یوحنّس (۱۵) پاپ، ۱۰۶	یوحنا، ۵۶، ۵۹
یولیائس قیصر، ۷۴	یوحنّس (۱۶) پاپ، ۱۰۶	یوحنّس (۱) پاپ، ۸۱
یونان، ۱۹، ۲۷، ۴۳، ۶۴، ۷۳	یوحنّس (۱۷) پاپ، ۱۰۷	یوحنّس (۲) پاپ، ۸۲
یونانیان، ۲۰، ۲۳، ۸۳	یوحنّس (۱۸) پاپ، ۱۰۸	یوحنّس (۳) پاپ، ۸۳
یویائس قیصر، ۷۵	یوحنّس (۱۹) پاپ، ۱۰۸	یوحنّس (۴) پاپ، ۸۷
یهود، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۸	یوحنّس (۲۰) پاپ، ۱۰۹	یوحنّس (۵) پاپ، ۹۰
یهودا، ۳۴، ۳۵	یوحنّس (۲۱) پاپ، ۱۲۰	یوحنّس (۶) پاپ، ۹۰
یهودا بن یعقوب، ۳۴، ۴۷	ئوتام، ۳۶	یوحنّس (۷) پاپ، ۹۱
یهودیان، ۲۹	ئورام، ۳۶	یوحنّس (۸) پاپ، ۹۸
	یوسطنیائس (۲) قیصر، ۸۲	یوحنّس (VIII) پاپ، ۹۹

آیه قرآنی

عُلُوًّا كَبِيرًا؛ سورة اسرى (۱۷)، آیه ۴ ۴۰

عبارتهای تازی

والعهدة على الراوى، ۴۰	۴۰	اباً عن جلد، ۴۵
والله تعالى هوالمستعان و	والسلام، ۵۷، ۶۵	الى يومنا هذا، ۱۸، ۳۹
عليه التكلان، ۱۸	والسلام عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى،	بطناً بعد بطن، ۳۴، ۴۴
	۱۲۲	تعالى الله عما يقول الظالمون.

فهرست پایان*

L'elenco che segue é desunto dall' "Annuario Pontificio". Non viene offerto un ordine numerico alla sequenza, perché imporrebbe scelte arbitrarie, soprattutto a motivo di nicertezze circa il ruolo di papi /antipapi e circa i pontificati brevissimi, senza cerimonia di intronizzazione. Due o tre date di giorno e mese all'inizio del pontificato indicano l'*elezione*, l'*ordinazione* e la coronazione, Per i problemi critiche, concernenti figure e datazioni, si rimanda a I.N.D. KELLY, *The Oxford Dictionary of Popes*, New York 1986.

- s. PIETRO di Bethsaida in Galilea; risiedette prima in Antiochia, quindi, a quanto riferisce il Cronógraf dell'anno 354, per anni 25 in Roma, dove incontrò il martirio nell'anno 64 o 67 dell'era volgare
- s. Lino, della Tuscia, 67 - 76
- s. Anacleto o Cleto, romano, 76 - 88
- s. Clemente, romano, 88 - 97
- s. Evaristo, greco, 97 - 105
- s. Alessandro I, romano, 105 - 115
- s. Sisto I, romano, 115 - 125
- s. Telesforo, greco, 125 - 136

*. این نمایه فهرستی است از پایها که پس از ظهور عیسیای مسیح علیه السلام تا به روزگار بنظکطوس (۱۱) پاپ: 1303 - 1304 = 705 هجری قمری، تألیف تاریخ فرنگ بر کرسی پاپی نشستند، و من آن را بر مبنای دایرة المعارف مسیح

Enciclopedia del Cristianesimo Prefazione di carlo maria martini storia e attvalita di
2000 Anni Di speranza... Deagostini

آراسته‌ام و به محضر پژوهندگان عرضه می‌دارم. م. ر.

- s. Ígino, greco, 136 - 140
s. Pio I, di Aquileia, 140 - 155
s. Aniceto, siro, 155 - 166
s. Sotero, della Campania, 166 - 175
s. Eleuterio, di Nicopoli nell'Epiro, 175 - 189
s. Vittore I, africano, 189 - 199
s. Zefirino, romano, 199 - 217
s. Callisto I, romano, 217 - 222
[s. Ippolito, romano, 222 - 230]
s. Urbano I, romano, 222 - 230
s. Ponziano, romano, 21. VII.230 - 27.IX.235
s. Antero, greco, 21.XI. 235 - 3.I.236
s. Fabiano, romano, 10.I.236 - 20.I. 250
s. Cornelio, romano, ... III.251 - ... VI.253
[Novaziano, romano, 251]
s. Lucio I, romano, 25. VI. 253 - 5.III. 254
s. Stefano I, romano, 12. V.254 - 2. VII.2567
s. Sisto II, greco, 30. VIII. 257 - 6. VIII. 258
s. Dionisio, di patria ignota, 22. VII. 259 - 26. XII. 268
s. Felice I, romano, 5.I.269 - 30.XII. 274
s. Eutichiano, di Luni, 4.I.275 - 7. XII. 283
s. Caio, dalmata, 17. XII. 283 - 22. IV.296
s. Marcellino, romano, 30 VI.296 - 25.X.304
s. Marcello I, romano, 27.V.308 - 16.I.309
s. Eusebio, greco. 18.IV.309 - 17.VIII. 309
s. Milziade o Melchiade, africano, 2.VII.3II - 11.I.314
s. Silvestro I, romano, 31.I.314 - 31.XII. 335
s. Marco, romano, 18. I. 336 - 7.X.336
s. Giulio I, romano, 6.II.337 - 12.IV.352
Liberio, romano, 17.V.352 - 24.IX.366
[Felice II, romano, ... 355 - 22.XI.365]
s. Damaso I, spagnolo, 1.X.366 - 11.XII.384
[Ursino, 366 - 367]

- s. Siricio, romano, 15 o 22 o 29. XII.384 - 26.XI.399
- s. Anastasio I, romano, 27.XI.399 - 19.XII. 401
- s. Innocenzo I, di Albano, 22.XII. 401 - 12.III. 417
- s. Zosimo, greco, 18.III. 417 - 26.XII. 418
- s. Bonifacio I, romano, 28 o 29. XII. 418 - 4.IX. 422
[Eulalio, 27 o 29. XII. 418 - 419]
- s. Celestino I, della Campania, 10.IX.422 - 27.VII. 432
- s. Sisto III, romano, 31.VII. 432 - 19. VIII. 440
- s. Leone I, *il Grande (Magnò)*, della Tuscia, 29.IX.440 - 10.XI.461
- s. Ilaro, sardo, 19.XI. 461 - 29.II. 468
- s. Simplicio, di Tivoli, 3.III. 468 - 10.III. 483
- s. Felice III (II), romano, 13.III. 483 - 1.III.492
- s. Gelasio, I, africano, 1.III. 492 - 21. XI. 496
- Anastasio II, romano, 24. XI. 496 - 19.XI. 498
- s. Simmaco, sardo, 22.XI. 498- 19. VII. 514
[Lorenzo, 498. 501 - 505]
- s. Ormisda, di Frosinone, 20. VII. 514 - 6.VIII. 523
- s. Giovanni I, della Tuscia, martire, 13. VIII. 523 - 18.V.526
- s. Felice IV (III), del Sannio, 12. VII. 526 - 22.IX.530
- Bonifacio II, romano, 22. IX. 530 - 17.X.532
[Dioscoro, di Alessandria, 22.IX. 530 - 14.X.530]
- Giovanni II, romano, 2.I. 533 - 8.V.535
- s. Agapito I romano, 13.V.535 - 22. IV. 536
- s. Silverio, della Campania, martire, 1.VI.536 - 11. XI. 537.
- Vigilio, romano, 29.III. 537 - 7.VI. 555
- Pelagio I, romano, 16.IV.556 - 4.III. 561
- Giovanni III, romano, 17.VII.561 - 13. VII. 574
- Benedetto I, romano, 2. VI. 575 - 30. VII. 579
- Pelagio II, romano, 26.XI. 579 - 7.II. 590
- s. Gregorio I, *il Grande (Magnò)*, romano, 3.IX. 590 - 12. III. 604
- Sabiniano, di Blera nella Tuscia, 13. IX. 604 - 22. II. 606
- Bonifacio III, romano, 19.II. 607-12.XI.607
- s. Bonifacio IV, del territorio dei Marsi, 25. VIII. 608 - 8. V.615

- s. Deusdedit o Adeodato I, romano, 19.X.615 - 8.XI.618
 Bonifacio V, di Napoli, 23. XII. 619 - 25.X.625
 Onorio I, della Campania, 27.X.625 - 12.X.638
 Severino, romano, 28.V.640 - 2.VIII. 640
 Giovanni IV, dalmata, 24.XII.640 - 12.X.638
 Teodoro I, greco, 24. XI. 642 - 14.V.649
 s. Martino I, di Todi, martire;... VII. 654 - 2. VI.655
 s. Eugenio I, romano, 10. VIII. 654 - 2.VI.657
 s. Vitaliano, di Segni, 30. VII. 657 - 27.I.672
 Adeodato II, romano, 11.IV. 672 - 17.VI. 676
 Dono, romano, 2.XI. 676 - 11.IV. 678
 s. Agatone, siciliano, 27. VI. 678 - 10.I. 681
 s. Leone II, siciliano, 17. VIII. 682 - 3. VII. 683
 s. Benedetto II, romano, 26. VI. 684 - 8.V. 685
 Giovanni V, siro, 23. VII. 685 - 2. VIII. 686
 Conone, di patria ignota, 21.X.686 - 21.IX. 687
 [Teodoro,... 687]
 [Pasquale, ... 687]
 s. Sergio I, siro, 15.XII. 687 - 8.IX. 701
 Giovanni VI, greco, 30.X.701 - 11.I.705
 Giovanni VII, greco, 1.III. 705 - 18.X.707
 Sisinnio, siro, 15.I.708 - 4.II.708
 Constantino, siro, 25.III. 708 - 9.IV. 715
 s. Gregorio II, romano, 19.V.715 - 11.II. 731
 s. Gregorio III, siro, 18. III. 731 - ... XI.741
 s. Zaccaria, greco, 10.XII. 741 - 22.III. 752
 Stefano II (III), romano, 26.III. 751 - 26.IV. 757
 s. Paolo I, romano, ... IV, 29. V. 757 - 28. VI. 767
 [Costantino, di Nepi, 28.VI, 5.VII. 757 - 769]
 [Filippo, 31. VII. 768]
 Stefano III (IV), siciliano, 1, 7.VIII. 768 - 24.I.772
 Adriano I, romano, 1, 9.II. 772 - 25.XII. 795
 s. Leone III, romano, 26, 27.XII. 795 - 12.VI. 816

- Stefano IV (V), romano, 22. VI. 816 - 24. I. 817
s. Pasquale, romano, 25.I.817 - 11.II.824
Eugenio II, romano, ... II-V. 824 - ... VIII. 827
Valentino, romano, ...VIII. 827 - ...IX.827
Gregorio IV, romano, ... 827 - ...I.844
 [Giovanni, ... I.844]
Sergio II, romano, ...I.844 - 27.I.847
s. Leone IV, romano, ...I, 10.IV.847 - 17.VII.855
Benedetto III, romano, ...VII, 29.IX.855 - 17.IV. 858
 [Anastasio, *il Bibliotecario*, ...VIII. 855 - ...IX.855, m.c.880]
s. Niccolò I, *il Grande*, romano, 24.IV.858 - 13.XI.867
Adriano II, romano, 14.XII. 867 - 17.XII. 872
Giovanni VIII, romano, 14.XII. 872 - 16.XII. 882
Marino I, di Gallese, 16.XII. 882 - 15.V.884
s. Adriano III, romano, 17.V.884 - ...IX.885 (ne fu confermato il culto 2.VI.1891)
Stefano V (VI), romano, ...IX. 885 - 14.IX. 891
Formoso, vescovo di Porto, 6.X.891 - 4.IV. 896
Bonifacio VI, romano, ...IV. 896 - ...IV. 896
Stefano VI (VII), romano, ...V.896 - ...VIII. 8967
Romano, di Gallese, ...VIII. 897 - ...XI. 897
Teodoro II, romano, ...XII. 897 - ...XII. 897
Giovanni IX, di Tivoli, ...I.898 - ...I.900
Benedetto IV, romano, ...I-II. 900 - ...VII. 903
Leno V, di Ardea, ...VII. 903 - ...IX. 903
 [Cristoforo, romano, ...VII o ...IX. 903 - ...I.904]
Sergio III, romano, 29.I.904 - 14.IV. 911
Anastasio III, romano, ...IV. 911 - ...VI. 913
Landone, della Sabina, ...VII. 913 - ...II. 914
Giovanni X, di Tossignano (Imola), ...III. 914 - ...V.928
Leone VI, romano, ...V. 928 - ...XII. 928
Stefano VII (VIII), romano, ...XII. 928 - ...II. 931
Giovanni XI, romano, ...II-III, 931 - ... XII. 935

- Leone VII, romano, 3.I.936 - 13. VII. 939
 Stefano VIII (IX), romano, 14, VII. 939 - ...X. 942
 Marino II, romano, 30.X. 942 - ... V.946
 Agapito II, romano, 10. V. 946 - ...XII. 955
 Giovanni XII, *Ottaviano, dei conti di Tuscolo*, 16. XII. 1955¹ -
 14.V.694
 Leono VIII, romano, 4. 6.XII. 963 - 1.III. 965
 Benedetto V, romano, 22. V. 964 - 4. VII. 966
 Giovanni XIII, romano, 1.X. 965 - 6.IX. 972
 Benedetto VI, romano, 19.I.973 -... VI. 974
 [Bonifacio VII, romano, *Francone*; ..VI. - ...VII.974; poi ...VIII.
 984- ...VII. 985]
 Benedetto VII, romano, ...X.974 - 10.VII. 983
 Giovanni XIV, di Pavia, Pietro, ...XII. 983 - 20. VIII. 984
 Giovanni XV, romano, ...VIII. 985 - ...III. 996
 Gregorio V, sassone, *Brunone dei duchi di Carinzia*, 3. V. 996 -
 18.II.999
 [Giovanni XVI, di Rossano, *Giovanni Filagato*, ...IV. 997 - ...II.
 998]
 Silvestro II, dell'Alvernia, *Gerberto*, 2.IV. 999 - 12.V.1003
 Giovanni XVII, romano, *Sicone*, ... VI. 1003 - ...XII. 1003.
 Giovanni XVIII, romano, *Fasano*, ...I.1004 - ...VII. 1009
 Sergio IV, romano, *Pietro*, 31.VII. 1009 - 12.V. 1012
 Benedetto VIII, *Teofilatto dei conti di Tuscolo*, 18.V.1012 - 9.IV.
 1024
 [Gregorio, ...1012]
 Giovanni XIX, *romano dei conti di Tuscolo*, ...IV-V. 1024 - ...1032
 Benedetto IX, *Teofilatto dei conti di Tuscolo*, ...1032 - ...1044
 Silvestro III, romano, *Giovanni*, 20.I.1045 - 10.II. 1045
 Benedetto IX (per la seconda volta), 10.IV. 1045 - 1.V.1045
 Gregorio VI, romano, *Giovanni Graziano*, 5.V.1045 - 20.XII. 1046

- Clemente II, della Sasonia, *Súitg ero dei signori di Morsleben e Hornburg*, 24, 25.XII. 1046 - 9.X. 1047
- Benedetto IX (per la terza volta), 8.XI. 1047 - 17.VII. 1048
- Damaso II, della Baviera, *Poppone*, 17.VII. 1048 - 9.VIII. 1048
- s. Leone IX, alsaziano, *Brunone dei conti di Egisheim - Dágsburg*, 12.II. 1049 - 19.IV. 1054
- Vittore II, tedesco, *Gebeardo dei conti di Dollnstein - Hirschbég*, 16.IV. 1055 - 28.IV. 1054
- Stefano IX (X), lorenese, *Federico dei duchi di Lorena*, 3. VIII. 1057 - 29.III. 1058
- [Benedetto X, romano, *Giovanni*, 5.IV. 1058 - 24.I.1059, m. ...?]
- Niccolò II, della Borgogna, *Gerardo*, 24.I.1059 - 27. VII. 1061
- Alessandro II, *Anselmo Baggio* (Milano), 1.X. 1061 - 21.IV. 1073
- [Onorio II, del Veronese, *Cadalo*, 28.X.1061 - ...1072]
- s. Gregorio VII, della Tuscia, *Ildebrando*, 22.IV, 30.VI. 1073 - 25.V.1085
- [Clemente III, di Parma, *Wiberto*, 25.VI. 1080. 24.III. 1084 - 8.IX.1100]
- b. Vittore III, di Benevento, *Dauserio* (Desiderio), 24.V.1086 - 6.IX.1087 (ne fu confermato il culto 23. VII. 1887)
- b. Urbano II, francese, *Oddone di Lagery*, 12.III. 1088 - 29. VII. 1099 (ne fu confermato il culto 14.VII. 1881)
- Pasquale II, di Bieda (ravennate), *Rariero*, 13, 14. VIII. 1099 - 21.I.1118
- [Teoderico, vescovo di S.Rufina, ...1100, m. 1102]
- [Alberto, vescovo di Sabina, ... 1102]
- [Silvestro IV, romano, *Maginulfo*, 18.XI. 1105 - ...1111]
- Gelasio II, di Gaeta, *Giovanni Caetani*, 24.I, 10.III. 1118 - 28.I.1119
- [Gregorio VIII, francese, *Maurizio e Burdino*, 8.III. 1118 - ...1121 m. ...?]
- Callisto II, *Guido di Borgogna*, 2. 9.II.1119 - 13.XII. 1124
- Onorio II, di Fígnano (Imola), *Lamberto*, 15, 21.XII.1124 - 13.II.1130

- [Celestino II, romano, *Tebaldo Buccapecus*,... XII. 1124]
 Innocenzo II, romano, *Grégorio Papareschi*, 14, 23.II. 1130 - 24.IX. 1143
 [Anacleto II, romano, *Pietro Petri Leonis*, 14, 23.II. 1130 - 25.I.1138]
 [Vittore IV, *Grégorio*, ...III. 1136 - 26.V.1138, m. ...?]
 Celestino II, di Città di Castello, *Guido*, 26.IX, 3.X. 1143 - 8.III. 1144
 Lucio II, bolognese, *Gerardo Caccianemici*, 12.III. 1144 - 15.II. 1145
 b. Eugenio III, di Pisa, *Bernardo forse dei páganelli di Montemágnio*, 15, 18.II. 1145 - 8.VII. 1153 (ne fu confermato il culto 3.X. 1872)
 Anastasio IV, romano, *Corrado*, 12.VII. 1153 - 3. XII. 1154
 Adriano IV, inglese, *Niccolo Breek spear*, 4, 5. XII. 1154 - 1.IX. 1159
 Alessandro III, di Siena, *Rolando Bandinelli*, 7, 20.IX. 1159 - 30.VIII.1181
 [Vittore IV, *Ottaviano de Monticello* (Monticello, Tivoli, 7.IX, 4.X.1159 - 20.IV. 1164]
 [Pasquale III, *Guido da Crema*, 22, 26. IV. 1164 - 20.IX. 1168]
 [Callisto III, *Giovanni* abb. di Strumi (Arezzo), ...IX. 1168 - 29. VIII. 1178]
 [Innocenzo III, di Sezze, *Lando*, 29.IX. 1179 - ...1180]
 Lucio III, lucchese, *Ubaldo Allucingoli*, 1.6.IX. 1181 - 25. IX. 1185
 Urbano III, milanese, *Uberto Crivelli*, 25. XI, XII. 1185 - 20.X. 1187
 Grégorio VIII, di Benevento, *Alberto de Morra*, 21.25.X. 1187 - 17.XII. 1187
 Clemente III, romano, *Paolo Scolari*, 19, 20.XII. 1187 - ...III. 1191
 Celestino III, romano, *Giacinto Bobone*, 30.III, 14.IV. 1191 - 8.I.1198
 Innocenzo III, di Gaviánano (Roma), *Lotario dei conti di Ségni*, 8.I, 22.II. 1198 - 16.VII. 1216
 Onorio III, romano, *Cercio Savelli*, 18, 24.VII. 1216 - 18.III. 1227
 Grégorio IX, di Anáni, *Ugolino dei conti di Ségni*, 19,21.III. 1227 - 22.VIII. 1241
 Celestino IV, milanese, *Goffredo Castaiglioni*, 25, 28. X.1241 -

10.XI.1241

Innocenzo IV, genovese, *Sinibaldo Fieschi*, 25, 28.VI. 1243 - 7.XII. 1254

Alessandro IV, di Ienne (Roma), *Rinaldo dei Signori di Ienne*, 12,20.XII. 1254 - 25.V.1261

Urbano IV, di Troyes, *Giacomo Pantaleon*, 29.VIII, 4.IX. 1261 - 2.X.1264

Clemente IV, francese, *Guido Fulcodi*, 5, 15.II. 1265 - 29.XI. 1268

b. Gregorio X, di Piacenza, *Tebaldo Viscorti*, 1. IX 1271, 27.III. 1272 - 10.I.1276 (ne fu confermato il culto 12.IX. 1713)

b. Innocenzo V, della Savoia, *Pietro di Tarantasia*, 21.I., 22.II. 1276 - 22. VI.1276 (ne fu confermato il culto 13.III. 1898)

Adriano V, genovese, *Ottoboro Fieschi*, 11, VII. 1276 - 18. VIII. 1276

Giovanni XXI, portoghese, *Pietro Iuliani*, dal nome del padre e comunemente *P.Ispano*, 8, 20.IX. 1276 - 20.V.1277

Niccolò III, romano, *Giovanni Gaetano Orsini*, 25.XI, 26.XII. 1277 - 22.VIII. 1280

Martino IV, francese, *Simone de Brion*, 22.II, 23.III. 1281 - 28.III. 1285

Onorio IV, romano, *Giacomo Savelli*, 2.IV, 20.V. 1285 - 3.IV. 1287

Niccolò IV, di Ascoli, *Girolamo Masci*, 22.II. 1288 - 4.IV. 1292

s. Celestino V, di Isernia, *Pietro del Murrone*, 5.VII, 29.VIII. 1294 - 13.XII. 1294, m. 19.V.1296 (fu canonizzato 5.V.1313)

Bonifacio VIII. di Anagni, *Benedetto Caetani*, 24.XII. 1294, 23.I.1295 - 11.X.1303

b. Benedetto XI, di Treviso, *Niccolò Boccasini*, 22, 27. X.1303 - 7.VII. 1304 (ne fu confermato il culto 24.IV. 1736)

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

Like a very large sea, the rich Islamic culture of Iran has produced countless waves of handwritten works. In truth these manuscripts are the records of scholars and great minds, and the hallmark of us Iranians. Each generation has the duty to protect this valuable heritage, and to strive for its revival and restoration, so that our own historical, cultural, literary, and scientific background be better known and understood.

Despite all the efforts in recent years for recognition of this country's written treasures, the research and study done, and the hundreds of valuable books and treatises that have been published, there is still much work to do. Libraries inside and outside the country preserve thousands of books and treatises in manuscript form which have been neither identified nor published. Moreover, many texts, even though they have been printed many times, have not been edited in accordance with scientific methods and are in need of more research and critical editions.

Responsibility of the revival and publication of manuscripts is a researchers and cultural institutions. The Written Heritage Publication Centre, in pursuing its cultural goals, has sponsored these goals through the efforts of researchers and editors and with the participation of publishers, it may have a share in the publication of this written heritage, presenting a valuable collection of texts and sources to the friends of Islamic Iranian culture and society.

The Written Heritage Publication Centre

A MĪRĀŞ-I MAKTŪB BOOK

© Written Heritage Publication Centre, 2005

First Published in I. R. of Iran by MĪrāş-e Maktub

ISBN 964-8700-03-6

All rights reserved. No part of this book
may be reproduced, in any form or by any
means, without the prior permission of the publisher.

P R I N T E D I N T E H R A N

JĀMI‘ AL-TAVĀRIKH

(The History of Afranj, Popes and Caesars)

Rashid al-Din Fazl Allāh Hamidāni

Editted & Annotated
Muhammad Rushan



Mirās-i Maktūb
Tehran, 2005